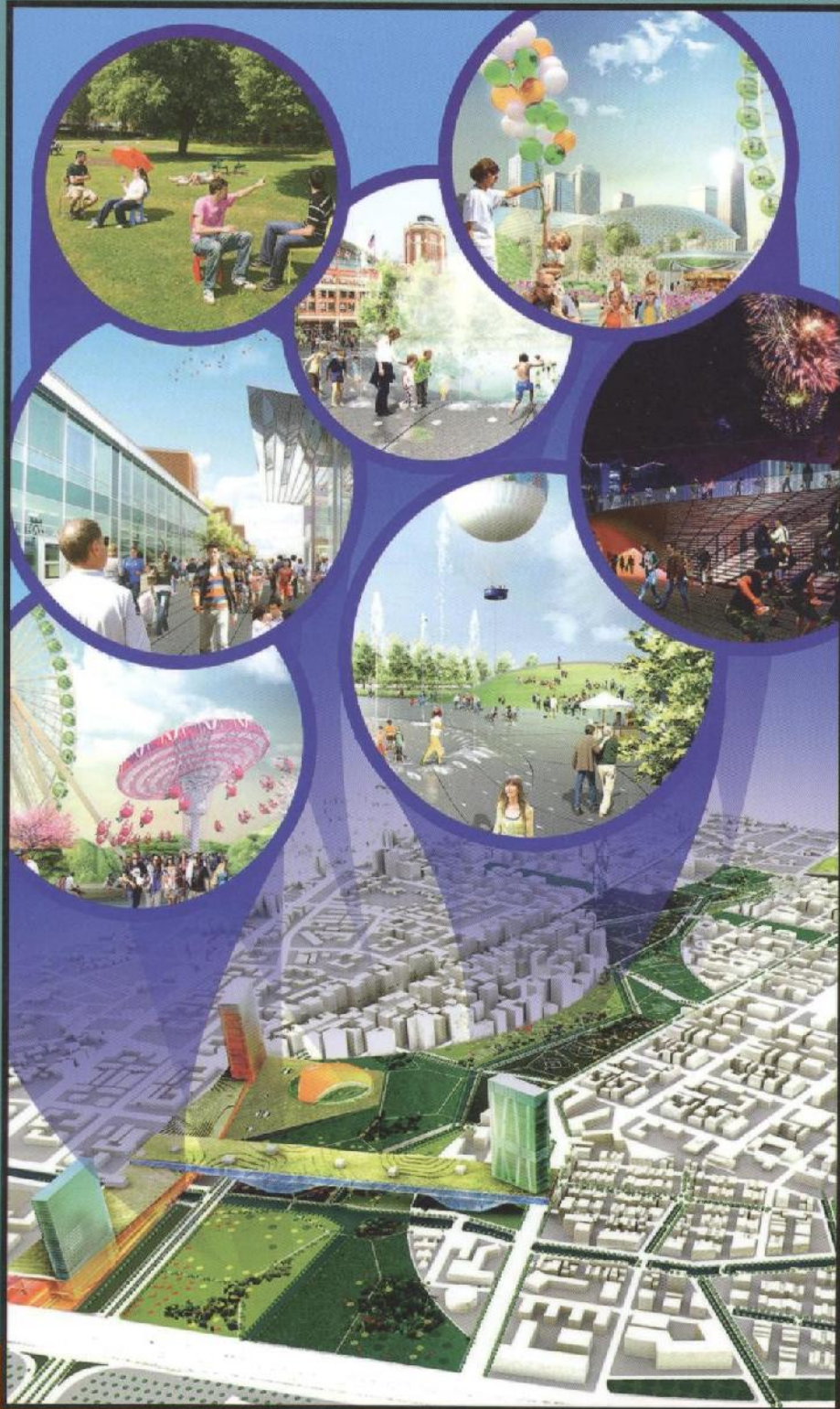


چالش‌های تازه در شناخت فضای همگانی شهری
تأثیر محیط بر رفتار اجتماعی مردم در فضای شهری
«از قلمرو عمومی هابرماس» تا «فضای همگانی شهری»
آبادی کهن در تلاش برای توسعه
شهر و فضای شهری کودک مدار
برنامه‌ریزی و رشد شهری در ژوهانسبورگ
مکان سوم
مجسمه، حقیقت شهری
نگاهی تازه بر فضاهای شهری





شهر جهانی

۱۰۸

سال دوازدهم شماره ۱۰۸ مهرماه ۱۳۹۱

انتشار: آبان ماه (۱۳۹۱)

محور اصلی:

فضاهای همگانی

طرح روی جلد: مربوط به محور اصلی
عکس پشت جلد:

- ۱- مطالب مندرج در ماهنامه لزوماً بیانگر دیدگاه‌های سازمان شهرداری ها و دهیاری ها نیست.
- ۲- ماهنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.
- ۳- مطالب ارسالی به هیچ وجه بازگردانده نخواهد شد.
- ۴- استفاده از مطالب و طرح های ماهنامه تنها با ذکر ماخذ مجاز است.
- ۵- مقالات باید دیسکت یا لوح فشرده در محیط (فارسی word XP) همراه باشد.

صاحب امتیاز:

وزارت کشور، سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

مدیرمسئول: حمیدرضا ارشادمش

مدیر انتشارات: حسین رجب صلاحی

تحریریه: غلامحسین تابش فر، محمدرضا بمانیان، حمیدرضا صارمی، حمیدرضا حاجوی، محمد مهدی متوسلی و جواد نیکنام

همکاران: عباس جلالی، مصطفی رستمخانی فرشید قاسملو، آرش سرایی و حدیثه گرشاسبی

همکاران این شماره:

حسین ساویز، میثم بصیرت، مهدی زیودار

امور هنری: آتلیه هونارت

صفحه آرایی: محبوبه مهربانی

ناشر: انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، بالاتر از بلوار کشاورز، نیش کوچه میر، پلاک ۱۱۸۲، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور
کد پستی: ۱۴۱۸۳۳۵۱۶
تلفن: ۸۵ - ۱۲۸۲ - ۶۳۹۰
نمابر: ۶۶۴۲۸۰۸۹

ISSN: 16 06 7495

<http://www.imo.org.ir>

E.mail: shahrdariha91@yahoo.com

این شماره ماهنامه با حمایت مالی اداره کل شهری و شوراهای استان گلستان بچاپ رسیده و لازم است از مدیران مرتبط، بویژه آقای محمدرضا سید النکی قدردانی نماییم.

یادداشت ۲

گزارش اصلی

چالشی تازه در شناخت فضای همگانی شهر/ عباس جلالی ۳

اندیشه و پژوهش

- تأثیر محیط بر رفتار اجتماعی مردم در فضای شهری - حامد مضطرزاده، وحیده جنتی ۱۲

- زنان و فضاهای عمومی شهر (زمینه‌های حضور یا عدم حضور) - سولماز رضایی، مریم برومند ۲۱

- از قلمرو عمومی هابرماس "تا" فضای همگانی شهر - صادق کشاورزبان، عاطفه واحدی ۲۹

- شهرداری‌ها به روایت اسناد ۴۶

از نگاه شهردار

- مصاحبه باشهردار مود/ میکائیل سرداری ۵۰

شورا و مشارکت

- امنیت زنان در محیط‌های شهری - فضیله خانی ۵۰

- الفبای شهر ۵۰

- شهر و فضای شهری کودک مدار - مریم علیزاده ۵۰

کدآزاد

- هوش فرهنگی، نیاز مدیران شهری - لیلا سعیدی، نیما سعیدی، مژگان قنبری ۵۰

تجربیات جهانی

- برنامه‌ریزی و رشد شهری در ژوهانسبورگ - ترجمه: محمد حامد عبدی ۵۰

- شهرها و شهرداری‌های جهان ۵۰

- پیئتسبورگ در ردیف بهترین‌ها/ برنامه‌ریزی برای شهرنشینی در افریقا/ یک ماه جشن در کانادا برای زمین و ۵۰

طرح و شهر

- فضاهای جمعی واقعیت‌های فراموش شده - نرگس طوسی‌نژاد ۸۸

آموزش

- مکان سوم - ویدا رضایی، مهسا ضمیری ۸۸

دیدگاه

- مجسمه، حقیقت شهر - کاوه زال‌نژاد ۸۸

گزارش خبری

- برافراشتن بزرگترین پرچم جمهوری اسلامی/ کوچه‌های آشتی‌کنان کرمانشاه در انتظار نوسازی/ حدیثه گرشاسبی

گزارش استان / کرمانشاه ۱۲۱

اخبار کوتاه

- تبدیل بازار به قطب تاریخی و تفریحی/ ویژگیهای نخستین باغ گلهای غرب کشور/ اخبار سازمان ۱۲۶

آمار شهر

- بررسی میزان بهره‌مندی ساکنان تهران از پارک‌های عمومی در دوره‌ی ۱۳۷۵-۱۳۸۵ ۱۲۸

واژگان شهری

- "فضای عمومی" ۱۳۳

تازه‌های نشر

- تگاهی تازه بر فضاهای شهری (فضاهای عمومی و خصوصی شهر - علی مدنی‌پور) - عباس جلالی ۱۳۴

فهرست لاتین ۱۳۶

فضای همگانی

هادی سعیدی رضوانی

امروزه شهروندان بویژه در شهرهای بزرگ در شهرنشینی اضطراری قرار دارند و تلاش برای معاش و دوندگی‌های روزمره بیشتر زمان آنها را در بر گرفته است. نبود سرزندگی شهری حاصل این شرایط است. اما به باورها شهرسازان و انسان‌شناسان، شهر موجودی زنده است، هر شهر روحی دارد، روحی که برخاسته از مردمانی است که در آن زندگی می‌کنند. فضاهای عمومی اماکنی هستند که شهروندان می‌توانند در آنها جمع شوند و به فعالیت‌های مختلفی که مورد علاقه‌شان است، بپردازند و با هم تعامل داشته باشند، به لحاظ کالبدی برخی پارک‌ها، خیابانها، میادین، بازارها و دیگر مکانهای عمومی در زمره این فضاها هستند. ایجاد و توسعه فضاهای عمومی به عنوان مرکزی برای تعاملات کلان اجتماعی انسانها گامی است برای ایجاد روحی زیبا برای شهر. حضور و زندگی در فضاهای عمومی تعلق خاطری نسبت به شهر به دنبال خواهد داشت که تأثیر فراوانی به لحاظ جامعه‌شناسی و روانشناسی بر شهروندان دارد. برگزاری مراسم جشنواره‌های مختلف فرهنگی ورزشی و ... بهانه‌ای است برای فعالسازی روابط اجتماعی و ایجاد فضای عمومی زنده در شهرها. با این مقدمه به میزگرد این شماره با موضوع فضاهای عمومی شهر با حضور:

- دکتر احمد مسجدجامعی؛ عضو شورای اسلامی شهر تهران
- سعید مدرس‌زاده؛ شهردار کاشان
- محمدصادق صادقی‌پور؛ کارشناس می‌پردازیم. این میزگرد در محل انتشارات تشکیل شد.



حمیدرضا ارشادمش



امروزه کارشناسان رشد شهرها را در سه حوزه تعریف می‌کنند: حوزه اول نیاز به ساماندهی خدمات شهری حوزه دوم توسعه فعالیت‌های عمرانی و شبکه‌های دسترسی (معابر) و حوزه سوم توجه به فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی

فضاهای عمومی مراکزی هستند برای مراودات اجتماعی شهروندان و بروز فعالیت‌های اجتماعی. این فضاها اماکنی هستند که شهروندان از هر قشر، سن، نژاد و صنف بدون محدودیت می‌توانند در آنها وارد شده و به فعالیت‌های مختلفی که مورد علاقه‌شان است بپردازند و یا با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده متولیان رابطه برقرار کرد و از آنها استفاده نمایند. بیشتر پارکها، خیابانها، میادین، بازار، پیاده‌راهها، مراکز ورزشی، فرهنگی، هنری و دیگر مکانهای عمومی مثالهایی از این فضاها هستند. علیرغم آنکه روح حاکم بر شهرها عمدتاً در این فضاها تشکیل می‌گردد و احساس تعلق ساکنان در شهر به شهر و هویت‌بخشی به زندگی اجتماعی آنها و بخش زیادی از نمادهای فرهنگی در این فضاها تجلی پیدا می‌کند، متأسفانه متخصصان برنامه‌ریزی شهری تاکنون آنطور که باید و شاید به مفهوم ارزش و اهمیت این فضاها نپرداخته و تلاش شایسته در تبیین میزان تأثیر آنها در شکل‌دهی به جامعه شهری نداشته‌اند.

زمانی ارتباط عاطفی و تعلق میان شهروندان ایجاد می‌شود که جاذبه‌هایی در فضاهای عمومی فراهم شده و به اصطلاح فارسی "پرسه زدن" در این فضاها احساس تعلق خاطر به شهری که در آن حضور دارند را دنبال نماید. از آنجا که تغییرات محیطی مقدمه تغییرات رفتاری در دستیابی به فضای ایده‌آل شهری می‌باشد، خلق فضاهای شهری انسان محور سهمی عمده در حصول به شهر مطلوب دارد.

ساخت و توسعه این فضاها پس از آگاهی از میزان اثربخشی آنها می‌بایستی در دستور کار شهرداری‌ها قرار گیرد تا به اهداف مشخص دست یابد. گاهی در شهرها فضاهای عمومی وجود دارند که مردم نقش اصلی را در ایجاد آنها داشته‌اند و مدیران شهر در ساخت این فضاها سهمی نداشته‌اند. نمونه مهم این اتفاق خیابان لاله‌زار تهران قدیم است. نحوه و میزان مشارکت مردم در تولید این فضاها مسأله مهم و بسیار حساسی است که مدیران شهری موفق در ترسیم مسیر دستیابی به شهر مطلوب و ایده‌آل می‌بایستی مورد مذاقه جدی قرار دهند و در تصمیم‌سازی‌ها بر جایگاه مشارکت مردم (در محله‌ها و شهر) تأکید نمایند.



تجدید پرسش از این قرار است که اگر فضاهای همگانی را جاهایی بنامیم که همه شهرنشینان؛ همه کسانی که در شهرها زندگی می‌کنند، به گونه‌ای آزاد و قانونی به آن دسترسی داشته باشند. (واژه شهروند را به کار نمی‌بریم برای اینکه شهرنشین مورد نظر است). آیا برای یک چنین دامنه‌ی گسترده‌ای از فضاها می‌شود دسته‌بندی قائل شد یا نه؟ چون تعداد این فضاها خیلی زیاد می‌شود.

مسجدجامعی: دوستان شروع کنند من هم در خدمت شما هستم.

صادق‌پور: چون می‌خواهم با یک منشأ تاریخی و تعریف مفاهیم و واژگان اساسی شروع کنم و در پایان یک سؤال از آقای مسجدجامعی به عنوان یکی از مدیران شهری، متولیان مدیریت شهری خواهیم داشت، چون گفتید بحث چالشی شود بهتر است. فضای همگانی یا پابلیک اسپیس: فضایی است که حضور در آن در شهرها برای مردم و عموم آزاد است. ابتدایی‌ترین تقسیم‌بندی که می‌توان کرد فضای همگانی و نیمه‌همگانی است. فضای همگانی فضایی است رایگان، مانند: پیاده‌رو و پارک‌ها و سواحل دریا. فضاهایی داریم که حضور برای همه آزاد است، اما رایگان نیست و باید برای آن بهایی پرداخت شود؛ مثل تالارهای سینما و نمایش که آزاد است، ولی رایگان نیست. بحثی که بهتر می‌دانم، اگر با آنها شروع کنیم محثی پایه‌ای خواهد بود، تلقی من اینست که فضای همگانی بیشتر یک مفهوم فیزیکی است. حالا چه اتفاقی می‌افتد که از قالب مفهوم فیزیکی خارج می‌شود. زمانی که گفتمان و فرهنگ وارد شود یک تبدل این وسط اتفاق می‌افتد فضای عمومی ما از مفهوم فیزیکی تبدیل می‌شود به یک مفهوم گفتمانی و فرهنگی به نام "سپهر همگانی"، سپهر همگانی چیست؟ در واقع کالبدش همان فضای همگانی است که با مفهوم شهر در هم تنیده است.

تعادل و مشارکت مردم و حضور گفتمان و گفتگو در درون این سپهر همگانی به نظر من بسیار دارای اهمیت است و ما در واقع می‌توانیم بگوییم پایه‌ای برای شکل‌گیری دموکراسی و

مردمسالاری است.

نخستین نمونه‌اش را می‌توانیم در دولتشهرهای یونانی یا همان پولیسها ببینیم که شهر عرصه‌ی فراخی از فضای همگانی بود و مردم در آن امکان گفتگو و مشارکت در تصمیم‌گیری اداری درباره‌ی شهر و جامعه‌ی خود داشتند و در دل آن یک اتفاق خیلی مهمی می‌افتاد که به تعبیر ارسطو یک عمل سیاسی از درونش بیرون می‌آمد که نتیجه‌ی نهایی آن تبدیل می‌شد به دموکراسی. اگر بخواهیم برای سپهر همگانی به مفهومی مهم و موجز اشاره بکنیم، همانا تقویت شبکه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی است. حالا سعی می‌کنم نگاهی گذرا به تاریخچه بیندازیم و همانطور که گفتیم از شهر یونان شروع می‌کنیم که یک مکان همگانی بسیار مهم به نام "آگورا" که محل گرد آمدن مردم بود در یونان داشتیم و مهمترین آنها در آتن؛ میدان اصلی شهر بود. این میدان اصلی کارکرد مرکز ورزشی، هنری، سیاسی را هم داشت. خیلی با میدان‌های خودمان در تاریخ شهرسازی همانندی داشت. که به آن خواهیم رسید. مردم در آگورا دور هم جمع می‌شدند. فرمان‌های حکومتی را می‌شنیدند. در آیین‌های جمعی شرکت می‌کردند و بعدها این تبدیل شد به بازار اصلی شهر، چیزی که در ایران هم اتفاق افتاده است. این فضا در فرهنگ رومی هم مشابهی داشت که؛ فورم رومی خوانده می‌شود. به هر حال مشارکت مردم در کارهای فرهنگی سیاسی در این مکان همگانی خیلی هویت‌بخش بود و من آن چیزی که به سپهر همگانی تلقی می‌کنم چیزی است که از مفهوم کالبدی خارج می‌شود و به یک مفهوم در واقع فرهنگی و گفتمانی تبدیل می‌گردد. حالا ما می‌خواهیم از همه‌ی جنبه‌ها بحث را در نظر بگیریم. پیوند این فرهنگ، استفاده از فضای همگانی با شکل‌گیری هنرهاست؛ یعنی شأن فضای همگانی آنقدر اهمیت دارد که می‌توان گفت، در واقع شکل‌گیری هنر نمایش در دنیا ریشه در این فضای همگانی دارد. حالا به چه صورت؟ من خیلی خلاصه بگویم. سرچشمه هنر نمایش یا درام در یونان در واقع با یک رشته آیین‌هایی بود. آقای مسجدجامعی بهتر می‌دانند، آیین‌های ستایش دیونوسوس که خدای کشت و زرع یونان بود. در واقع مردم در آیین‌های دسته

جمعی با هم مشارکت می‌کردند و یک مراسم آیینی را در فضای همگانی شهر مثل میدان اصلی اجرا می‌کردند.

این آیین‌های ستایش، اشکال نمایشی داشت که در واقع می‌شود گفت نخستین اجرای تئاتری تاریخ بشر بوده است. نکته‌ی مهم دیگر اینکه فضای همگانی در شکل‌گیری هنر چه نقش پایه‌ای و مادری دارد، من اگر بخواهم به نمونه‌ی دیگری اشاره کنم، کارناوال است. این یک شکل هنری جدیدتری است که در تمام دنیا داریم؛ آمریکای لاتین، آمریکای شمالی، آفریقا، آسیا و ... که باز هم آدمها گروهی می‌آیند یک کار نمادین و نمایشی را در فضای همگانی شهر اجرا می‌کنند که در این اجرا، کارناوال حال و هوای بسیار شادی را در فضای همگانی ایجاد می‌کند که مفهومش از یک شادی خیلی فراتر می‌رود. ما یک نظریه‌پرداز بزرگ روس داریم به اسم میخائیل باختین که در واقع می‌گوید خنده‌ای که در این فضای همگانی شکل می‌گیرد خودش به تنهایی یک جهان‌نگری است. یعنی یک نظم جدید را براساس شادی، آزادی و برابری شکل می‌دهد و در واقع این خنده‌ای که شادی‌آفرین و زاینده است سودای مکالمه و آزادی را در بر دارد و به وجود می‌آورد. بنابراین درمی‌یابیم که فضای همگانی چه تلقی فلسفی عمیقی می‌تواند در پشتش پنهان باشد. از بحث تاریخ در جهان بگذریم من فقط می‌خواهم یک پیوند بدهم با فرهنگ ایران اسلامی خودمان که ببینیم عیناً همانطور که در جهان اهمیت داشته در فرهنگ و دین اسلامی ما به ویژه در تشیع، فضای همگانی چه اهمیتی دارد. همانطور که می‌دانید دین اسلام برای سعادت امت واحده آمده که با تمسک به قرآن در راه حق گام برمی‌دارند. از نگرش عرفانی هم بخواهیم ببینیم، تلقی من اینست که امت واحده مثل یک کثرتی هستند که هدفشان این است که به وحدت برسند، حالا این از کثرت به وحدت رسیدن چگونه ممکن می‌شود، در سایه‌ی وحدت کلمه حاصل می‌شود و این جز در سایه‌ی اعمال جمعی مشترک در فضای همگانی شهر امکان ندارد. همانطور که می‌دانیم مراسم دینی ما هم در اسلام عمدتاً مراسم‌هایی هستند که در فضای همگانی شکل می‌گیرد و امت اسلامی در فضای همگانی دور هم جمع می‌شوند که بزرگترین نمونه آن مناسک حج، طواف خانه خدا، نمازهای جمعه، نمازهای اعیاد بزرگ، مثل عید فطر و عزاداری ماههای محرم و صفر و ... این سلسله پایان ندارد. یعنی دین اسلام پایه و بنیانش در اعمال جمعی مشترک امت اسلامی در فضای همگانی شهر معنا پیدا می‌کند است. پس ارزش این مکان خیلی فراتر از یک کالبد رفته. حالا چون بحث در بُعد کالبد شهری داریم در بُعد شهرسازی هم اشاره‌ای می‌کنیم. ما یک عنصر مهم را در شهر اسلامی داشتیم به نام بازار که متأسفانه در شهر امروز ما از کارکرد سنتی خودش دور شده‌است و ای کاش می‌شد احیاء و بازسازی کرد تا به کارکرد سنتی خودش برگردد. چون بازار صرفاً مرکز اقتصادی نبوده مرکز سیاسی، فرهنگی، اطلاع‌رسانی و ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک (اندامهای) که با مسجد جامع داشته ارزش مذهبی هم به آن می‌بخشیده است، قلب تپنده شهر بوده. شهر جز به مدد بازار هیچ مفهومی نداشته است. اسکلت اصلی شهر بوده که یک فضای همگانی است. حالا من در پایان عرایضم در بخش اول یک پرسش چالش برانگیز دارم. پرسشی چالشی و فرهنگی از حضرت عالی [= دکتر مسجدجامعی] دارم. این که چه اتفاقی می‌افتد که فضای همگانی می‌تواند به سپهر همگانی تبدیل شود؟

تلقی من اینست که این تبدل از فضای همگانی به سپهر همگانی مکانی برای گفتگو و شکل‌گیری دموکراسی و فعالیت فرهنگی در فضای همگانی حاصل می‌شود که اگر ما بتوانیم به این پرسش پاسخ بدهیم، می‌توانیم به بالاترین سطوح ارائه خدماتی فرهنگی به شهروندان به شکل پایدار دست پیدا کنیم. چون تبدل فرهنگی کاملاً در دو جنبه اتفاق می‌افتد؛ هم فورم و صورت فرهنگی دارد و هم ماهیت و محتوای فرهنگی و در واقع می‌آید در درون فرهنگ شهر اگر این تبادل اتفاق بیفتد یک جایگاه بین اذهانی یعنی همه اذهان شهروندان از تبدل فضای کالبدی به فضای فرهنگی حمایت می‌کنند. حالا ما باید چه کنیم که با این تبدل کالبدی به گفتمانی دست پیدا کنیم؟

تجدید البته ما پرسش دیگری داشتیم! آقای دکتر صادقی‌پور خیلی خوب رفتید جلو و ما هنوز سؤال خودمان را نگه داشته‌ایم!

مسجدجامعی: نگاه کنید همه‌ی این مباحثی که شما مطرح کردید به گونه‌ای خیلی گسترده است، اما می‌شود یک یا دو محور کلی را در نظر گرفت. مثلاً سؤال نخست این است که ما شهر را برای چه موجودی می‌خواهیم؟ یعنی تلقی ما از انسان چیست؟ این به نظرم آن غایتی است که ما در حوزه‌ی یک شهروند می‌بینیم که خیلی مهم است. یعنی شما یک وقت آدم سر بزیر و مطیع می‌خواهید که همراه با تصمیماتی است که برای او گرفته می‌شود، انسان شهری را این طور تعریف می‌کنید. یک وقت پرسشگری و گفتگو را حق آدمی می‌دانید. این دو جور شهر می‌شود. واقعیت دنیای امروز این است که بدانیم باید قدرت و سیاست، حالا چه قدرت‌های در سایه و چه قدرت‌های آشکار؛ در این سازماندهی فضایی چه منافعی و چه نقشی دارند؟ یعنی خیلی از این تصمیمات را ممکن است قدرتهای در سایه و قدرتهای آشکار برای یک شهر بگیرند و دیگر تمام قواعد شهرسازی را تحت‌الشعاع قرار بدهند. خیلی کار سختی نیست. مثلاً وقتی یک گزارش را تهیه کردیم درباره‌ی کسانی که از ارتفاع ۱۸۰۰ متر به بالا به صورت غیرمجاز و غیر قانونی ساخت و ساز کرده‌اند؛ همه هم آدم‌های قدرتمند بودند؛ اصلاً آدمی که قدرت اقتصادی و سیاسی نداشته باشد نمی‌تواند در ارتفاعات ۱۸۰۰ متر به بالا که جزء حیات پشتیبان شهر است و ریه‌ی تنفسی آن تلقی می‌شود، ساختمان بسازد. نمونه‌ای دیگر تأثیر و تأثر قدرت بر فضا در دره اوین - درکه است. ما در شورای شهر طرحی داشتیم برای جلوگیری از ساخت و ساز در دره اوین - درکه. قرن‌هاست که این دره به عنوان ریه‌ی تنفسی شهر تهران در بازسازی و سالم‌سازی هوا نقش آفرین بوده‌است. حالا بالاخره یک عده‌ای آمدند اینجا، نمی‌دانم با چه تحلیلی و با چه مجوزی و از چه کسی، می‌توانند کار کنند واقعیت این است که در کنار اینها آن اراده‌ی معطوف به قدرت است. باید ببینیم تعریفی که از حوزه‌های عمومی و خصوصی شهر می‌دهیم تابع چه عواملی و چه ساختارهایی است، آنچه که وجود دارد.

در یک جاهایی ممکن است آن اراده نقش آفرین خواست مردم نباشد. اکنون به عنوان نمونه، این تحولاتی که این روزها در این منطقه‌ی ما در خاورمیانه روی می‌دهد، یا در آن منطقه در اروپا و آمریکا روی می‌دهد. بالاخره یک تجمع خیابانی است. جنبش "میدان تحریر" هم بالاخره در یک میدان است؛ جنبش «وال استریت» هم در یک کالبد شهری در یک خیابان است. یعنی بالاخره شهر امروز در ذاتش یک حس و دغدغه رو به رشد برابری،



محسن کوشش تبار
معاون برنامه‌ریزی
و توسعه سازمان
شهرداری‌ها و
دهیاری‌ها



علی اکبر اسدی

مدیر کل برنامه و بودجه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها

آزادی خواهی و دموکراسی خواهی هست، مثلاً در مصر نظام مبارک نمی‌خواست این اتفاق بیفتد، اما افتاده است! یعنی در فضای عمومی در عرصه‌ای عمومی به نام میدان‌التحریر این چنین اتفاقی افتاده است یعنی ساختارشکنی در همین فضای عمومی شهری شکل گرفته و به نتیجه رسیده است. طرح‌های نو و توسعه‌گرا در عرصه‌های عمومی شهر شکل می‌گیرند و همه‌ی اینها بازهم دارد در فضای عمومی اتفاق می‌افتد. به همین نسبت ممکن است شما از فضای عمومی یک تعریف دیگری داشته باشید و یا از آن یک تعریف دیگر بخواهید که با این تعابیر سازگار نباشد. بله این امکان در فضاهای عمومی شهرهاست که چنین اتفاقی می‌افتد. چون بالاخره همه به خیابان می‌آیند همه در میدان جمع می‌شوند. چون همین میدان تعبیر ساده‌اش فضای عمومی است که در دسترس همه می‌باشد. به نظر من منشأ تحول در تاریخ ایران همین‌ها بوده! حالا شما بازار را گفتید. بازار یک فضای عمومی است که شما می‌توانید واردش شوید. بعد که وارد کوچه‌هایش می‌شوید، این می‌شود یک فضای نیمه خصوصی، خیلی عمومی هم نیست. یعنی شما اگر بخواهید وارد کوچه‌های بازار بشوید آرام آرام وارد آن‌ها می‌شوید که نمی‌شود به راحتی احساس فضای عمومی داشته باشید. بالاخره شما ببینید منشأ تحولات کشور ما حداقل در ۲۰۰ سال اخیر از زمان قتل گریبایدف سفیر سرکش روسیه که مردم در مسجد جامع جمع شدند و رفتند در میدان ایلچی امروز و این سفیر را کشتند تا حتی همه تحولات دیگر مانند انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن نفت، قیام خرداد و ... امروز هم که اول مهر می‌شود، می‌گویند دارالفنون. خب دارالفنون چه بود؟ امیرکبیر با یک هیأتی رفتند برای دادن غرامت روسیه و قتل سفیر سفارت. از آنجا که آدم تیزهوشی بود. رفت آنجا مدارس جدید را دید از آنجا الگو برداشت و آورد اینجا دارالفنون را درست کرد. به هر حال تا خود انقلاب اسلامی همین‌طور بود. همه در فضاهای عمومی شهر اتفاق افتاد. همین میدان آزادی خودمان، که پیشترها شهید نام‌گذاری شده بود و دروازه مانندی را تداعی می‌کرد که هدف حکومت ورود به تمدن بزرگ بوده است. همین میدان، همین خیابان آزادی - همین خیابان انقلاب، که همه دستاوردهای دولت پهلوی بود به دادگاه محاکمه آن رژیم تبدیل شد. این بازار و این خیابان و این میدان عرصه عمومی شهر بودند که به آوردگاه بزرگ خلق تبدیل شدند. یک نگاهی نسبت به این فضا هست که این فضا منشأ شکل‌گیری گفتگو است و گفتگو منشأ شکل‌گیری زندگی جمعی و اندیشه و پرسشگری و هنر است؛ یعنی شما نگاه کنید همان هنری که شما مثال می‌زنید ویژگی خاص هنر نمایشی که می‌گویند هنر روشنفکران است. درونش حرف فلسفی می‌شود زد، اینهایی که در حوزه‌ی فلسفی و هنر هستند حضورشان در تئاتر بیشتر است. مثلاً سارتر تئاتر می‌نویسد. این همان گفتگوست. این فضاهای عمومی در حقیقت منشأ شکل‌گیری شهر انسان‌گرا و یک جور خواست فطری بشر است. چون انسان نیاز به انس و موانست دارد و این در حوزه‌های گفتگو اتفاق می‌افتد. بنابراین اگر شما می‌بینید در آیین‌های ما هم به آن بها داده می‌شود، در حقیقت به یک نیاز اولیه بشر پاسخ داده می‌شود. پاسخ دادن به نیاز بشر در چارچوب قواعد دیگری است که نظام وضع می‌کند. مثلاً در فضای خودمان بحث را که به عنوان امت واحده‌ی اسلامی فرمودید، می‌خواهیم امت واحده‌ی اسلامی این در حقیقت کثرت در عین

وحدت است؛ امت واحده این نیست که همه‌ی انگشت‌های دست به یک اندازه باشند. چون این دیگر از آن حرف‌های نظامیگری است. در همین امت واحده شما انواع شیوه‌های سکونت را می‌بینید. شما انواع شهرسازی و انواع و اقسام مسجدسازی را می‌بینید. مثلاً در حوزه‌های گسترده‌ی تمدن اسلامی شکل و شمایل مسجد که محل عبادت است باهم فرق می‌کند. این موضوع تحت تأثیر چیست؟ تحت تأثیر جغرافیاست، تاریخ است، تحت تأثیر طبیعت، تحت تأثیر فرهنگ و میراث ملی است؟ ولی اینها یک اصول کلی دارد. مثلاً شهر ما از چند محله تشکیل شده، هر محله برای خودش مسجدی داشته، حالا تهران عتیق هم که شکل گرفت هر محله‌ای برای خودش یک امامزاده‌ای داشت اگر هم کم داشت مسجد محله جایگزین آن بنا می‌شود و دورش جمع می‌شوند مسجد جامع؛ جمع مساجد محله ی شهر است. نماز عید که در "عیدگاه" خوانده می‌شود بزرگترین عرصه عمومی آئینی است. یعنی ممکن است شهر پیش از یک مسجدجامع داشته باشد. این مکان را برای نماز عید قربان و فطر در نظر می‌گیرند که در بعضی جاها داریم. جمع گسترده‌تر این رویداد عمومی و مدنی می‌شود موسم حج که همه شهرهای جهان اسلام در آن جمع می‌شوند و به واقع سلسله مراتب عرصه عمومی و آئینی برای حق حضور و مشارکت همگانی از مسجد محله تا مسجدالحرام را در برمی‌گیرد. حج محل تنوع و تکثر حضور و مشارکت و گفتگوی فرهنگ‌های مختلف اسلامی است؛ که اینها همه در یک محفل است. گفتگو به این معنا در عرصه فضا و بنا هم وارد می‌شود. این گفتگو صرفاً کلامی نیست، یک نسبتی بین شکل و محتوا یا ظاهر و باطن است. به این صورت که در عین این تمایزهایی که هست بین همه آنها یک جور وحدتی هم هست که می‌گویند اینها در حوزه‌ی معماری اسلامی است. بالاخره در نقاشی استاد فرشچیان یک نقطه کانونی وجود دارد؛ به رغم همه‌ی رنگها و رقص‌ها و فراز و فرود و پیچش‌ها و... این هنر و معماری نقطه کانونی دارد. این شهرسازی نقطه‌ی کانونی دارد، این خیلی مهم است که در فضای امروزی شهرها، انسان و شرایط عمومی او نقطه کانونی است و تبلور این کانون در عرصه عمومی است. بنابراین شکل‌گیری قدرت‌های شهر اگر از شهروندان باشند، عرصه‌های عمومی رشد می‌یابند و به عنوان مکان‌هایی برای حق اظهارنظر همگانی طراحی می‌شوند، اما اگر شکل‌گیری قدرت در شهر تابع ساختارهای غیر شهروندی باشد به همان منوال عرصه عمومی؛ رنگی غیر مدنی می‌گیرد بنابراین عرصه‌های عمومی شهر هم می‌توانند تابع قدرت باشند و هم منشأ قدرت و این بر می‌گردد به همان نکته‌ای که در ابتدا اشاره کردم که شما شهر را برای چه انسانی و چه شهروندی می‌خواهید. شما شرایط روز را نگاه کنید و تحولات را هم در نظر بگیرید. مثلاً یک وقتی محل گفتگو شهر بوده است. حالا بنا به تعبیر هگل که می‌گوید در یونان همه آزاد بودند، در ایران یک نفر آزاد بود. آنهم سلطان بود که تصمیم می‌گرفت و دستور می‌داد و می‌گفته اینجا باید بشود مسجد شاه و انجام می‌شده! چون اینگونه بوده است. بعد از مدتی دیدند مسجد جامع، پایگاه مردمی دارد. آنها آمدند مسجد شاه را ساختند، اصلاًمسجد شاه شکل‌گیری‌اش در ایران اینجوری بوده است. می‌خواهیم بگوییم فضایی که وجود داشته، فضایی بوده که متناسب با تحولات تغییر کرده است. مثال بزنم که خیلی این بحث‌ها دارد به حاشیه می‌رود، مثلاً شما فرض کنید ما در تهران یک وقتی

میدان ارگ را داشتیم یا سبزه میدان که تعریفش این بود که محله‌های مختلف در آنجا به هم وصل می‌شدند و فضا، فضای عمومی بود. آنوقت ساختارش مشخص بود. مثلاً میدان نقش جهان که یک کار برجسته و الگوی ویژه است. شما اگر کنار نقش جهان بایستید یک طرف مسجد هست و یک طرف حکومت و یک طرف بازار را می‌بینید و "عالی قاپو" است که یک لفظ ترکی به معنی "باب عالی" است که در کنار سلطان بوده است. و میدان جمع بین دنیا و آخرت است. این شهر وقتی توسعه پیدا می‌کند. ما این الگو را صفوی می‌دانیم. به این معنی که در الگوی صفوی شما در کنار میدان شهر مسجد شهر را هم دارید. جلوتر که می‌آید. ما اولین میدانی که داریم میدان توپخانه است. در کنار آن تلگرافخانه قرار می‌گیرد که معنی‌اش آن است که اطلاع‌رسانی حرف اول و آخر را می‌زند، طرف دیگر شهرداری قرار می‌گیرد که این نماد حکومتی نیست، نماد مردم است چون از زمانی که در تهران بلدیة تشکیل شد یکسال بعد از قانون مشروطیت بود. که قانون بلدیة تصویب شد. سال اول مشروطیت بود (۱۲۸۶ خورشیدی) بود. قانون بلدیة از نوع قانون دولت ملی نیست؛ دولت محلی است، مردمی است. این طرفش هم بانک است یعنی نماد ثروت. یک زمانی نماد ثروت و اطلاع رسانی بازار بود. نماد اطلاع‌رسانی را در ساختمان تلگرافخانه دیروز و مخابرات امروز دیدند. نماد مردم را در مدیریت شهری و ساختمان شهرداری دیدند، حالا فرق کرده بود. مسجد را در پشت سر؛ در لایه دوم ساختند. متناسب با این تحولات این فضای عمومی هم بنابر ظرفیتهای انسان امروز تغییر می‌کند. منتها اگر فضا به سمت اتمیزه شدن پیش رود، فضا به سمت یک فضای سایبری پیش برود، نیاز به فضای عمومی بیشتر می‌شود. چرا؟ چون جامعه یعنی من یعنی خانواده‌ی خودم، یعنی خانواده‌ی پدرم اما بعدها این من کوچک شده است و فقط "خودم هستم" شده. به قهوه‌خانه نگاه کنید در قدیم محل گپ و گفت هم بود. طراحی و مبلمان داخلی آن به نظر جمع‌گرایانه بود الان که کافی‌شاپ جایگزین شده است، ماهیتش کاملاً فرق می‌کند و ما ترجیح می‌دهیم در کافی‌شاپ دو نفره باشیم، در قهوه‌خانه عنصر دیگری هم بود به عنوان شاهنامه‌خوان؛ الان فضا تغییر کرده و در کافی شاپ هیچ صدایی جز دو نفر آن هم در فضایی دنج و کم نور معمول نیست. ممکن است بگوییم ما همین را می‌خواهیم. از این رو این طراحی، یک نسبتی هم با خواسته‌های خودمان دارد و برخی را هم شرایط عالمی (جهانی) تحمیل می‌کند. ما نمی‌توانیم فارغ از شرایط جهانی باشیم. مثلاً بگوییم ما تصمیم گرفتیم کسی از "محیط مجازی" استفاده نکند. مگر این دست ماست؟! این شرایط عمومی جهانی است همچنانکه ما هم می‌توانیم پیام بفرستیم برای همه‌ی عالم. برای همین هم شبکه‌های ترکی، فارسی و عربی و غیره داریم. مثلاً می‌گوییم تلویزیون ما بر تحولات منطقه تأثیر دارد. طرف مقابل هم دارد پیام خودش را می‌دهد، بنابراین اینها در فضای عمومی اثر دارد، اما این نکته مهم است که ما چگونه انسانی را تعریف می‌کنیم. در قانون اساسی فرهنگ پایه است چقدر این شهرهای ما رویکرد فرهنگی دارد؟ آن مناسبات و جنبه‌های مادی و غیر مادی در کجا لحاظ شده؟ باید این گفته یک ما به ازای بیرونی داشته باشد. در شهرسازی ما پایه بودن فرهنگ و انسان خیلی مهم است. تعبیر دیگری هست که اقتصاد را پایه می‌داند. این رویکرد عرصه‌های عمومی شهر را به

تراج برده است. اگر فرصتی بود، خواهیم پرداخت.

نخبه‌پرایی کشور ما امروزه به شتاب با روندی برای شهر شدن روستاها دچار شده است. آیا طراحی فضای همگانی مثل تالار اجتماعات، سینما، پارک، میدان البته به مفهوم قدیم، یک ضرورت شهری است؟ اگر هست چرا؟ آیا این وظیفه‌ی شهرداری‌هاست یا باید شهر چشم بر دست سیاستگذاران دولتی داشته باشد و ببیند شهرداری‌ها چه وقت این فضا را می‌سازند.

مسجدجامعی: می‌خواهم این را با بیان یک مثال بگویم. در محل خودمان آب انباری داشتیم، آب انبار خانه‌ی پدربزرگم، این آب انبار دو شیر داشت یکی توی خانه بود و یکی بیرون. هر که بود فرقی نمی‌کرد دوست یا غیر دوست می‌توانست آب بردارد. مسلمان یا غیر مسلمان؛ شب یا روز باشد، باحجاب یا بدحجاب باشد. انسان در هر شکل و منشی که باشد. در گذشته جلوی منازل دو سکو بود به آن می‌گفتند "پیرنشین" این حس انسانی را مثل موقعی که همه‌ی ما می‌گوییم جوهر انسانی و حرمت انسانی. اگر از حالت سخنرانی در بیابوریم و شکل اجرایی و شهری بدهیم می‌شود این گذشته. آنوقت‌ها عمل می‌کردند، امروزه سخنرانی می‌کنند. یعنی ما واقعاً هزینه‌ی آبی را می‌دادیم که "سبیل" بود. ما هزینه‌ی سکویی را می‌دادیم که هر کسی می‌توانست بنشیند و استراحت کند. پیرنشین یعنی همین دیگر! این حس باید ایجاد شود که ما هم در این قضیه نقش داریم. الان دولت خیلی بزرگ شده. تمام نظامات آموزشی براساس موقوفات بود. الان اگر دانشگاه‌های بزرگ جهان را ببینید موقوفاتی دارد. شما یقین بدانید مثلاً دانشگاه هاروارد، از وزارت علوم آنها بالاتر است. در ایران دانشگاه تهران زیر نظر کی باشد و دانشگاه صنعتی و یا فرهنگستان هنر، فرهنگستان زبان و ادب فارسی و حتی خود شهرداری‌ها زیر نظر کی باشد؟ اینقدر لازم نیست دولت بزرگ و همه‌کاره باشد ما گاهی قدرتمندی و اقتدار را مترادف بزرگی دستگاه‌های اجرایی می‌دانیم در حالی که در عمل کار آمدی و اثربخشی مهم است که از قضا با بزرگی دستگاه‌ها منافات دارد. ما ظرفیت‌های از این قبیل در فرهنگمان خیلی نقش‌آفرین بودند. مثلاً ربع رشیدی یا همین کتابخانه‌ی حاج حسین آقا ملک در تهران که الان یکی از معتبرترین کتابخانه‌هاست. ما باید بگوییم نقش خود من در محله و منطقه و شهرم چیست؟ این است که به سیاست دولت برمی‌گردد، یعنی دولت تمامیت‌خواه می‌گوید نه! هر چه ما می‌گوییم شما هم بگویید چشم! می‌گویند پول بده، ما تقسیم می‌کنیم. در جنوب خراسان می‌خواستند مدرسه‌ای بسازند، به خیرین گفتند پولش را شما بدهید ما بسازیم، این که نمی‌شود. بگذارید خودش بسازد. شما بگویید چارچوب و سیاستهای ملی اینست. فضاها باید اینجور ساخته شود! می‌خواهم بگویم تفکر چیز دیگری بوده، آنوقت است که راه خودش را پیدا می‌کند. ما در محله‌مان دو قصاب داشتیم یکی در بازار مسجد جامع بود پولدارها از آن خرید می‌کردند و آن یکی که در کوچه‌ی غریبان بود برای عموم مردم محل بود، مثلاً یکی از راههای کمک به مردم این بود که کسی می‌رفت پول می‌داد به حاج ماشالله قصاب و می‌گفت؛ شما مردم را خوب می‌شناسید هر وقت هر نیازمندی آمد که پول کافی نداشت، شما گوششتش را بده وامبه تفاوت پولش را از این بردار. نه آن کسی که به او کمک می‌شد می‌دانست چه کسی کمک کرده و به آن که کمک می‌کرد می‌دانست چه کسی کمک



احمد روستایی

رئیس گروه برنامه ریزی و امور اقتصادی شهرداری یزد



دریافت کرده است. ولی ما کار می‌کنیم و همه جا، جار می‌زنیم. حالا مقایسه کنید که تابلو می‌زنند و تصاویر و مصاحبه عروس و داماد را از تلویزیون هم پخش می‌کنند و با یک تابلو و چند سخنرانی مثلاً حمایت از نهاد خانواده و ازدواج می‌کنند. می‌دانید روح زمانه عوض شده آقا!

یک حس معنوی باید در مناسبات و فعالیت‌های اجتماعی شهرها احساس بکنیم. به این که من با این کارم به شما پز بدهم نه اینکه منزل پدر بزرگ ما آب انبار داشت؛ همه محله‌ها آب انبار داشتند. اگر این کار را پدر ما نمی‌کرد زیر سؤال بود من با این تقسیم‌بندی که دولت مسوولش است، کار ندارم اما برداشتم از قانون اساسی این است فرهنگ متعلق به همه شهروندان است. در شکل‌دهی آن فضا همه مشارکت داشتند و اتفاقاً در شرایط امروز آمارها را می‌دهند؛ می‌گویند آمار طلاق و افسردگی زیاد است. به خاطر این است که فضای مشارکت‌پذیری و محبت‌ورزی و صمیمیت آسیب دیده است. شما هر چه فضای گفتگو را تنگ کنید؛ خشونت دامن می‌زنید. گفتگو بهترین راه برای حل مشکل است، برای گفتگو، قراردادی نیست که باید بنشینیم گفتگو کنیم این فضایی است که باید فارغ از اینکه کار دولت یا ملت یا شهرداری است ایجاد شود. چون فضای زندگی زنده در شهر همین است و هر چه ما به سمت اتمیزه شدن برویم، ضرورت گفتگو زیادتیر می‌شود و گرنه ما بگوییم مثل بلوک شرق هر کسی به خانه‌اش برود و صبح بیاید بیرون و این می‌شود شهر خوابگاهی نه شهر انسانی.

صادقی‌پور: نکته‌ی مهم و جالبی بود که این شهر باید برای چه انسانی باشد و طرز تلقی باید چگونه باشد و همانطور که گفتید مدرنیسم یکسان‌ساز و در پی آن پسامدرنیسم تحت سیطره‌ی علائم تجاری آمده و تلقی را در شهر تغییر داده است. همانطور که شما گفتید مرگ فضای عمومی چیزی است که نه تنها در ایران بلکه

در سطح جهان است. مطرح فضاهای همگانی در همه جا تحت سیطره‌ی آن تغییر گفتمانی که اتفاق افتاده دارد از بین می‌رود و فضای خصوصی، کاملاً فردی تقویت شده‌است می‌خواهم بدانم با توجه به سنتی که در تاریخ هست، آیا باید در برابر جریان مدرنیسم دست و پا بسته ایستاد؟ آیا مدرنیسم و پسامدرنیسم گفتمانی است که با قاهریت خودش ما را زیر سلطه می‌گیرد؟ گفتید قدرتش زیاد است. با همچنان شهرهای دیگر ویژگی‌های سنتی خودشان را فضاهای همگانی را حفظ کردند از مزایای مدرنیسم بهره‌مند هستند دارند، اما در چارچوب آهنی عقل ابزاری [=مدرنیسم] گرفتار نیستند و آن هویت سنتی حفظ شده است. آیا می‌شود این کار را کرد چقدر به بهره‌ی مدیریت شهری است.

مسجدجامعی: بله در تهران جایی داریم به نام مسجد جامع که بخشی از آن آثاری از دوره‌ی آل بویه، قسمتی قبل از صفویه است، قسمتی قاجار و پهلوی، هر کس آمده بنا به اقتضای زمان خودش چیزی به آن اضافه کرد. چرا می‌گویند این مال دوره آل بویه یا قاجار است؟ یا مال فلان زمان است چون بنا و جنس و شکل همه فرق می‌کند. اگر بتون و آهنی که ما داریم دوره‌ی صفوی هم داشت آن را استفاده می‌کرد. ما نمی‌گوییم خشت بسازیم. در کاشی‌های عمارتهای میدان نقش جهان یک تکنیکی به کار گرفته، فهمیده است با استفاده از درجه حرارت مختلف رنگ‌های متفاوتی پخته می‌شود بنابراین کاشی رنگارنگ ساخته. این حرف که پذیرفته نیست برای تمدن چند هزار ساله ایران که چهار راه تمدن بوده و این ربطی به اسلام و دین ندارد شما تخت جمشید را هم که ببینید گل نیلوفرش مال هند و همایش مال مصر است، و قسمتی از بابل و ... از همه دست‌آورد‌های بشری در هر کجا و از هر کس استفاده کرده ولی یک چیز جدیدی ساخته که ایرانی است. ولی ما نمی‌توانیم آن چیزها را الان استفاده کنیم.

تصمیم مدیریتی و انسانی فرمول ثابتی ندارد. مثلاً در ایران، قانون بنویسیم که مسکن مهر همه جای ایران یک جور ساخته می‌شود. این رویکرد غلط است! چه دلیلی دارد آن مسکن مهری که در تهران باید کوچک و کوچک بسازی در جای دیگر هم اینطور باشد. من مثال تمدنی بزنم در حوزه‌ی تمدن اسلامی یک اصولی داشته‌اید، ما از مسجد مقدس‌تر نداریم. فرم و شکل ساخت مسجد گیلان و زاهدان برای ما فرق می‌کند چون مقتضیات طبیعتش متفاوت است. یک وقتی محله حالت نوستالژیک دارد مسجد و بازار و ... اما اکباتان امروزی هم همه چیز دارد؛ آن سال‌ها همه چیز جنبه افقی داشت حالا عمودی شده، من در اوایل انقلاب در این پروژه اکباتان کار کردم. در مدارس این جا مشکل داشتند، اما الان اینها را ندارند. چون این حس ایجاد شده من قبول دارم، قهوه‌خانه رفته، کافی‌شاپ آمده، سوپر مارکت آمده جای بازارچه، اما این فضا دارد تجربه می‌شود. بلوک‌ها تیم فوتبالی دارند. عزاداران حسینی بلوک فلان یعنی خودش را با شرایط جدید با نیازهای انسان جدید تطبیق داده است. بحث من این است که آنچه در حوزه‌ی ما اتفاق افتاده، ما می‌گوییم اینهمه ایثار و فداکاری می‌رویم سراغ جنبه‌های خیلی خاصی که از عهده‌ی عموم آدمها ساخته نیست، هر کسی خانه می‌ساخت بنابر توان خودش یک پیرنشین می‌ساخت یعنی در حقیقت این مفاهیم عالی را نمی‌بریم، وارد زندگی کنیم. اینها را می‌شود وارد زندگی کرد و اتفاقاً در همین دوره جریان مدرنیته و یکسان‌سازی ایده‌ی "دولت‌های محلی" خیلی تقویت شده و در هیچ دوره‌ای به اندازه‌ی این دوره به آداب و رسوم و محلات پرداخت نشده‌است.

آقای مهندس مدرس‌زاده: شما خسته هم هستید و از راه دور آمده‌اید پرسشی درباره‌ی کاشان دارم. همانگونه که می‌دانید کمبود فضای همگانی ممکن است باعث ایجاد ناهنجاری اجتماعی شود. آیا کاشان از نسبت معقول بین شمار جمعیت و فضای همگانی برخوردار هست یا نه؟ در شهری مثل شیروان حتی یک فضای همگانی نیست تفریح جوانان اینست که موتور سیکلت سوار می‌شوند توی خیابانها بچرخند و هوا را پر از دود کنند. می‌خواهم بدانم کاشان با آن پیشینه‌ای که دارد تا حالا چه کارهایی کرده است؟

مدرس‌زاده: من لازم می‌دانم فهرست‌وار مشخصه‌هایی را درباره‌ی کاشان برایتان بگویم. کاشان بزرگترین شهر استان اصفهان است که از تهران ۲۳۰ کیلومتر فاصله دارد. قدمت باستانی آن در تپه‌های سیلک به ۷۵۰۰ سال را می‌رسد. شهر حدود ۶۰۰ هیأت مذهبی دارند. شهر ما ۷۰۰ هکتار بافت قدیمی دارد با ۳۳۰۰۰ نفر جمعیت. در بحث خدماتی اگر بخواهیم با تهران و اصفهان مقایسه کنیم کاستی‌هایمان بسیار زیاد است، اما وقتی بخواهیم به خودمان و مردم کاشان و پیشینه‌ی آن نگاه کنیم تقریباً از استانداردها [=استاندها] زیاد عقب نیستیم. در کاشان خانه‌های ۳هزار متری و ۴ متری ۱۵۰۰ متری داریم که یک پیرمرد و پیرزن مسن در انجا زندگی می‌کنند. با سیاست‌های غلط یا درست تشکیل مسکن مهر در کاشان با کپی‌برداری در شهر معضلی شده است. خیلی جاها ممکن است به قول آقای دکتر مسجدجامعی بلندمرتبه‌سازی شاید جواب بدهد، اما در کاشان و در شهر یزد این با مشکل همراه است. ما وقتی دمای بالای ۵۰ درجه داریم آپارتمان دیگر جواب نخواهد داد. نیاز به خانه‌های ویلایی است

که این باعث چیز دیگری است. در کاشان فضاهای عمومی هم نسبتاً وضعیت خوبی دارد چه از نظر سینما و پارک‌ها و جایگاه‌های آموزشی و چیزهای دیگر. از نظر راه حساب کنید پیست ماشین، موتور و دوچرخه به راه است و خدا را شکر موقعیت کاشان نسبت به کویر جوری است که ما می‌توانیم با ۲۰ دقیقه موتورسواری به دل کویر برویم و با ۲۰ دقیقه ماشین سواری به دل کوهستان بزنیم. با آن جاذبه‌هایش آشپز و گل و کویر هم خودش جاذبه‌هایی دارد. ولی اینها در مجموع با توجه به رشد و توقعات و انتظاراتی که مردم از مدیریت شهری دارند، کافی نیست. ما در کاشان میدانی داریم به اسم میدان سنگ در کنارش مسجد سنگ بوده و بازار داریم، اما الان چیزی مثل آن نداریم در اینجا، همه جور کار و مراد‌های انجام می‌شد.

نورجایا: اینها از بین که نرفته؟

مدرس‌زاده: نخیر، فعال، فعال!

میدان کمال‌الملک داریم که محل تجمع مردم در کاشان برای بحث‌های سیاسی و تفریحی و اجتماعی بوده، الان نتوانسته‌ایم میدانی مثل این میدان که بخواهیم سبز کنیم. توقعات و انتظارات به سمتی می‌رود همانطور که خانه کوچک می‌شود انتظارات فرق کرده. در گذشته شاید در خانه‌ی ما پدر و مادر و برادر و پدربزرگ بود با هم زندگی می‌کردند. یک غذای ساده می‌خوردند. یا از کوچه‌هایی استفاده می‌کردند که امنیت داشت و دمای سرد و گرم زمستانی را داشت و هم راه‌های دسترسی امروز هم مردم با خواسته‌های خودشان دارند از همه چیز استفاده می‌کنند، ببینید در مجموع با توجه به بافت کاشان و شرایط جوی می‌طلبید که با نظر مردم اقدامات پسندیده‌تری داشته باشیم، یعنی ما افکار و عقاید مردم را نمی‌توانیم با اصفهان و قم مقایسه کنیم. باید با خود مردم کاشان سنجیده شوند. ما بازارمان به ۳ کیلومتر رسیده. نقش آن تاریخی است و در انقلاب نقش داشته است. ما اگر ۵۰۰ پاساژ می‌داشتیم و تعطیل می‌شد آنقدر مؤثر نبود که وقتی همه می‌گفتند بازار کاشان تعطیل است. وقتی بازار تهران و کاشان تعطیل شد آن وقت بود که دولت آن زمان زانو زد، ولی اگر همه‌ی پاساژها تعطیل می‌شد همه خیابانها بسته می‌شد، به نظر نمی‌آمد، چرا؟ چون جایگاه اقتصادی داشت. ما فضاهای عمومی رایگان و نیمه رایگان داریم، اما موضوعی که در کاشان داریم، بحث ورزش خانمهاست که به روی شهرداری خیلی فشار آورده. خوب نیمی از جمعیت شهر را زنان تشکیل می‌دهند. مثلاً شاید در تهران مانع آزاد باشد، اما در کاشان خیلی‌ها با چادر مشکی می‌آیند و با آن عقاید خاص آنها، نیاز دارند که در محلی ورزش کنند. چون تعارف که نداریم نبودش باعث افسردگی، طلاق و بیماری‌های بسیار صعب‌العلاج شده است و این بخاطر مسائل اطراف است که مردم را بسیار بی‌روحیه کرده است. نیاز به چیزهایی دارد که مردم بتوانند روز جمعه روحیه‌ی خود را عوض کنند، مثل پارک بتوان که ساخته شده‌است تقریباً به این فکر می‌کنیم که این به‌صورت رایگان در اختیار نیمی از مردم کاشان (زنان) هم قرار بدهیم، اما در کل بخواهیم حساب کنیم با توجه به وظیفه‌ای که به عهده‌ی شهرداری است، تمام ادارات این خواسته را از شهرداری دارند. ما الان ۴۰۰ وظیفه داریم شاید بگویند کلید شهر در دست شهرداری است، اما بیشترین تنش و بیشترین مسائل را شاید در جاهای دیگر رقم می‌زنند. مردم و مسوولان توقعات را دارند. ما دنبال همین هستیم هم دنبال راهکار

هستیم و هم اینکه ببینیم باید از چه روشی استفاده بکنیم. ابیانه را آقای دکتر اشاره کردند، بلند پایه‌ترین فرد که قرار است به آنجا برگردد باید لباس محلی بپوشد بعد وارد شهر شود چه عزا باشد چه عروسی؟ و الان ابیانه و روستاهای دیگر حتی به بازار ما هم می‌آیند با لباس‌های محلی خودشان وارد می‌شوند. "کامو" هم همینطور، "جوشقان" هم همینطور. خود مردم کاشان دیدگاههایی که در بحث تردد دارند آداب و رسومی که دارند چیزی که بحث جمعیت شهرمان و امور مذهبی‌مان است را انجام می‌دهند و ما هم درحد توان به آنها کمک می‌کنیم به باب طبع آنها انجام می‌دهیم. حتی روی رنگی که حساس هستند.

نثر جاپیبا چیزی که اینجا به ذهنم رسید کپی‌برداری و الگوبرداری حتی در فضای عمومی از شهر تهران و شهرهای بزرگ است که واقعا با این قضیه چه می‌شود کرد؟

مسجدجامعی: ما تهران‌زدگی در سیاست‌ها داریم که این تأثیرش را روی مباحث مختلف می‌گذارد که ما حالا راجع به این باید با هم بحث کنیم ولی اجمالا این را از ما داشته باشید که تهران‌زدگی فعلاً مشکل اصلی شهرها نیست! بلکه مداخله گسترده دستگاه اجرایی و عدم مدیریت یک پارچه شهری جدی‌تر است.

نثر جاپیبا جناب دکتر صادقی‌پور نظر شما در این‌باره چیست؟ حالا نه اینکه مهندس، شهردار کاشان اینجا هستند این را می‌گویم، اما واقعا با اکثر بزرگواران شهردار که ما صحبت می‌کنیم در بیشتر مسائل رفته‌اند به سوی الگوبرداری چون این مطالبه‌ی مردم است باید پاسخگو باشند. حالا این مطالبه از کجا نشأت می‌گیرد؟ از تهران و شهرهای بزرگ و کاشان از دو جانب تهران و اصفهان و این برای ما مساله است که این الگوبرداری دست کسی نیست و دارد به صورت محتومی پیش می‌رود. با این موضوع واقعا باید چه جوری روبرو شد؟ اصلا در این مورد رویارویی مفهوم دارد یا نه؟

صادقی‌پور: این دقیقاً ادامه‌ی همان بحثی بود که من تلاش کردم آقای دکتر مسجد جامعی را به این بحث بکشانم. که متأسفانه ایشان بخاطر مشغله کاری تشریف بردند. اصل آن سلطه‌ی کلان روایت مدرنیسم است. به نظر من در اینجا صحبت بر سر تهران، اصفهان به مفهوم هویت شهری منحصر به فرد تهران نیست که در واقع هویت منحصر به فرد شهری تهران را الگوبرداری کرده باشند.

نثر جاپیبا توی تاریخ را که نگاه می‌کنیم مثل‌اش مانده که "همه‌ی راهها به رُم ختم می‌شود".

صادقی‌پور: نکته ظریفی که در اینجا وجود دارد اینست که همه راهها به رم ختم می‌شود و در اینجا به تهران ختم می‌شود، اما حرف من این بود که تهران در واقع نماینده‌ی مدرنیسم است کلان روایت مدرنیسم است. حاکم بر نظریه‌های شهرسازی معاصر است. تهران تجلی آن کلان روایت عام مدرنیسمی است که توی دنیا دارد اتفاق می‌افتد و به تبع کاشان و بسیاری از شهرهای دیگر هم تحت تأثیر این جریان هجوم آورِ مدرنیسم و پسامدرنیسم قرار می‌گیرند. یعنی ماهیت شهری منحصر به فرد تهران نیست که منتقل می‌شود. تهران در واقع یک واسطه‌ی انتقال مدرنیسم است به عنوان یک کلانشهری که همه الگوبردارها، همه نگاهها معطوف است به این شهر. همه الگوبرداریها به عنوان یک سرمشق عالی از تهران گرفته می‌شود، ولی تهران امروز که از دکتر مسجدجامعی پرسیدم، مبشر و نماینده‌ی مدرنیسم است. بحثی که در اینجا باید

بیشتر شکافته بشود اینست که شهرهای تاریخی بویژه کاشان به طریق اولی و حتی شهری مثل تهران که من فکر می‌کنم کاشان خیلی بهتر می‌تواند این کار را انجام بدهد بخاطر تاریخ خیلی کهنی که دارد. واقعا بنشینیم صحبت کنیم و پژوهشهای بین‌رشته‌ای انجام دهیم که امکان رجعت به سنت‌های شهری کهن وجود دارد یا خیر؟ که قطعاً باید همچنین چیزی باشد. یعنی همانطوری که گفتم از مواهب مدرنیسم استفاده می‌کنیم، اما سنت خودمان را فراموش نمی‌کنیم. حالا چون بحث هنر شد. ما سنتی در همان ناحیه‌ی کاشان داریم، سنت نمایشی است بنام "قالیشویان مشهد اردهال" که این یک سنت بیش از هزار سال است که در واقع همچنان با قوت اجرا می‌شود، می‌گویند بین نهم تا پانزدهم مهرماه است و با اینهمه آماج حملات مدرنیسم همچنان اجرا می‌شود. به رغم از میان رفتن بسیاری از نمادهای تاریخی از میان رفته در تهران و کاشان. یک قالی را نماد امامزاده‌ای که در آنجا کشته شده حمل می‌کنند و عده‌ای با چوبدستی از آن محافظت می‌کنند. کسی غیر از اهالی فین اجازه ندارد به قالی دست بزند. حمل نمادین شستشوی قالی انجام می‌شود و برمی‌گردد. سوال اینست که چگونه این سنت با گذشت اینهمه سال حفظ شده است. ولی شهرسازی و کارکردهای فضای شهر آنجا در معرض زوال قرار گرفته است. در حالیکه شهر کاشان نمونه یک شهر کاملاً اسلامی است. هم از لحاظ نظری، اعتقادات مردم و هم از لحاظ شهرسازی. میدان اصلی شهر مجاورتش با مسجد و بازار و نقش کلیدی آن. کاشان ساختار یک شهر سنتی اسلامی را دارد. اینجا تنها بحث تغییر نگرش است.

مدرس‌زاده: تهران در رأس هرم قرار دارد. در دوره‌های قبلی مدیریت شهرداری تهران یک حرکتی انجام می‌شد، در بحث زیباسازی و رنگ‌آمیزی تهران اگر حساب کنید که در آن زمان ۷ میلیون جمعیت داشت. این سرایت می‌کرد به شهری که امسال پا گرفته بود شهر ۵ هزار نفری سریع جدولها را رنگ می‌کرد. نمی‌دانست که معنی و مفهوم این رنگ چیست؟ گاهی به این مشکل برمی‌خورد که این رنگ ساختمان است یا رنگ ترافیکی؟ کپی‌برداری خیلی زیاد بود. الان شکر خدا که شهرداری تهران وارد بحث‌هایی فرهنگی شده، تقریباً تمام شهرداری‌ها دارند این کار را دنبال می‌کنند و می‌روند جلو، الان اگر اینجا (تهران) کانون درست شده کانون راه می‌اندازند. مسائل فرهنگی انجام می‌دهند. آنها هم به نوعی کارهای وزارت ارشاد را دارد شهرداری انجام می‌دهند. مفهوم اینکه چرا این کار می‌شود، آیا جز وظایف هست؟ آیا فردا به بن‌بست خواهیم خورد؟ توانایی‌اش خواهد بود؟ توسعه‌اش به ضرر است یا به نفع مردم؟ را فکر نمی‌کنیم. می‌گویم "تهران، آقا کانون‌زده و امروز افتتاحیه‌اش بود، ما هم کانون می‌زنیم". حالا توی بحث‌های اجتماعی. این مقایسه‌ها در بعضی جاها ما باید موقعیت خودمان را بدانیم. اما در شهرداری‌ها متأسفانه عزیزان شهردار کمتر روی آن دقت می‌کنند. من اگر منطقه‌ام از روی شرایط آب‌وهوایی دمایش می‌آید منهای ۲۷ درجه نباید کاری را انجام بدهم که در بندرعباس انجام می‌دهند. من کاری به اینها ندارم چرا؟ مردم می‌گویند ما تعطیلات رقتیم فلان جا این کار انجام شده بود. مردم با توقعات و انتظاراتی که دارند، می‌باید یک اعتمادسازی بشود. بحثی را که شما به آن اشاره کردید، بحث مذهبی است که سال به سال اعتماد مردم به آن بیشتر می‌شود.

وقتی آن امامزاده سال دوتا شفا می‌دهد (که بوده!) که دوتا از بزرگان وضعیت امامزاده را خواب می‌بینند، مردم گرایش‌شان بیشتر می‌شود. والا نه نزدیک شهر است و نه امکانات رفاهی خوبی دارد. هیچی. ولی چون گره‌گشا شده و مشکلاتی را حل کرده است.

ما در بحث مدیریت شهری و شهرداری هم باید الگوبرداری کنیم، هم باید موقعیت محل را داشته باشیم. من برمی‌گردم به مسکن مهر که در کاشان است. خب سیاست دولت بوده و کار بسیار پسندیده‌ای. آیا نمی‌شد در خود کاشان این مسکن مهر را در خود بافت مرکزی انجام بدهیم؟ من ۸۵۰۰ هکتار وسعت دارم. یکی از مشکلات من اینست سرانه‌مان ۳۲ نفر است. شهر کنار من ۱۶۰ نفر است. ما باید آسفالتها جدول، روشنایی و پارک را برای این ۳۲ نفر درست کنیم و توی هسته‌ی مرکزی بافت خالی خالی است! یعنی واقعاً هیچکس توی این بافت آمد و رفت (تردد) نمی‌کند. خانه‌های ۴ هزار متری، ۲ هزار متری، واقعا دیدنی است این مسایل است. الان راه دسترسی آنهایی که مسکن مهر کاشان هستند بخواهند بیایند هسته مرکزی یک ترابری (حمل و نقل) بسیار مدرن و منظمی می‌خواهند. پنج تا راه استان اصفهان را که به اینجا پیش‌بینی کرده‌اند، در حدود ۱۰۰ میلیارد تومان راه که کلی هزینه‌اش است که با ساز و کار فرهنگ کاشان هم ببخشید اصلاً مسکن مهر خوشاینداش نیست.

همه کاشانیان به این مسکن به عنوان تبعیدگاه نگاه می‌کنند. اصلاً کسی که رفته و در آنجا ثبت‌نام کرده، رغبت نمی‌کند که توی فامیل بگوید که توی مسکن مهر ثبت‌نام کرده جز مستضعف لایه‌ی پایین به حساب می‌آید. ما باید پارک‌اش را بسازیم تاب و سرسره بگذاریم، وسایل بدنسازی بگذاریم، فضای سبز درست کنیم، رفوژ بگذاریم، آسفالت بکنیم. ببینید همه‌ی این کارها را می‌توانیم در هسته‌ی مرکزی انجام بدهیم توی همان بافت با هزینه‌ی کمتر.

نثر جاپیبا یک پرسشی که دارم اینست این فضاهایی که الان دارید. برایشان به مشارکت مردم نیاز دارید. در این فضاهایی که الان در اختیارتان هست؛ فضاهای عمومی، امکان ظهور و مشارکت مردم را به شما می‌دهد که این را از آنها بطلبید؟

مدرس‌زاده: من با مردم ارتباط دارم و خیلی راحت گفتگو می‌کنم. وقتی که ما اعلام کردیم ساعت ۲۱ باید زباله را ببرند. آمدیم کیسه زباله دادیم و تشویق کردیم مردم را از خودمان دانستیم. ما سال گذشته، هفته‌ی درختکاری با مسؤلان شهر نقطه‌ای را پیش‌بینی کردیم برای کاشت درخت. به ذهنمان رسید که یک چیزی را برای مردم کاشان اعلام کنیم. این شهرهای کوچک یک مشکلاتی دارند و یک خوبی‌هایی. ما می‌خواهیم به خوبی‌اش اشاره کنیم. ما اعلام کردیم آقا از ابتدای سال هر نوزادی که متولد شد شهرداری کاشان برایش یک درخت میوه‌ده/ بارده [=مثمر] می‌کارد.

روی همین موضوع کار کردیم. تا همین الان هم ۱۵۳۰ درخت خود پدر و مادرها آمده و کاشته‌اند. ما برای فضای سبزمان آب را از عمق ۲۴۰ متر بالا می‌کشیم، آب شوری داریم. سرانه‌ی فضای سبزمان سرانه‌ی قابل قبولی. حدود ۳۰ متر است، ولی به درد کاشان و هوای کاشان نمی‌خورد. دمای ۵۰ درجه اصلاً اینها را جواب نمی‌دهد. توی مشارکت، مردم آمدند وسط. الان در مورد پیاده‌روی که روزهای یکشنبه، سه‌شنبه و پنجشنبه داریم. از مردم

راحت استفاده می‌کنیم. توی همه‌ی کارهایشان، در پاکسازی شهر از مردم به عنوان پاکسازی کوهستان استفاده می‌کنیم. ما با مردم برنامه‌های را داریم با عنوان "کوهگشت خانواده" اگر در تهران توی بلوار، انجام می‌شود. ما در کاشان کوههای اطراف هست. بعد صبحانه هم بهشان می‌دهیم. تا ظهر هم برشان می‌گردانیم. در مسائل کوهگشت و تفریحی که با مردم عزیز داریم، در بحث سرمایه‌گذاری در شهربازی الان آمدیم بدون یک ریال هزینه این شهربازی را راه انداختیم. سرمایه گذار آوردیم. دارد زیرنظر شهرداری کار می‌کند. توی این زمینه‌ها خیلی جلو رفتیم، الان هم خیلی جای کار دارد. موبایل و رسانه‌ها خیلی ارتباطات را بهم نزدیک کرده ولی دلها را از هم دور کرده، قدیم کسی در مشهد بود مثلاً با دادن یک نامه احوالپرسی خودش و خانواده را می‌کرد با آمدن آن نامه دلها گرمتر می‌شد، اما الان همه موبایل دارند و پیام می‌دهند. تعداد پیامکها در مثلاً تولد مشخص است که چقدر است. ولی آن ارتباط عمقی پیشین وجود دارد؟ ندارد که! همه دنبال گرفتاری و مسایل کار خودشان هستند. ولی توقعات مردم و مشارکت آنها توی دستور کارمان است و الان دارند انجام هم می‌دهند و می‌تواند برگ برنده‌ای باشد برای ادامه کار. طوری که حتی می‌تواند توی ساخت و سازها هم تأثیر داشته باشد.

نثر جاپیبا از شما آقای دکتر صادقی‌پور خواهش می‌کنم یک نتیجه کلی را به عنوان پایانی برای این گفتگو بگویید.

صادقی‌پور: من احساس می‌کنم از مباحث اساسی بزرگواران در میزگرد استفاده کردیم، بویژه از دانش شما جناب مدرس‌زاده که تلفیقی از دانش عملی و تجربه‌هایی اجرایی بود و نمونه‌های خوبی را برایمان گفتید و آقای مسجدجامعی هم. به هر حال به اینجا می‌رسیم که برای فضای عمومی باید نگرشی فراتر از نگرش کالبدی به آن داشته باشیم. آنچه که می‌تواند تأثیرگذار و تعیین کننده باشد، همان جوری که برای سایر المانها و عناصر فضای شهری هست. از آن جمله فضای همگانی، نقش فرهنگ و گفتمان است که در تکمیل فرمایش جنابعالی که گفتید و پرسش آخری که پرسیدید که الگوبرداری از تهران یا از الگوهای مدرن بدون هیچ پشتوانه‌ای، حالا می‌توانیم این را بگوییم که فرهنگ خیلی مهم است. آن فرهنگی که غنی بود و اصلی که قالیشویان مشهد اردهال باقی مانده و هیچ چیزی هم نمی‌تواند تغییرش بدهد. بنابراین کار فرهنگی و پژوهشهای اجتماعی فکر کنیم که در بعضی جاها تو مدیریت شهری ما حلقه‌ی مفقوده است. توی یک حرکتی که می‌خواهد اتفاق بیفتد باید قبلاً حتما فرهنگسازی بشود و تلاش کنیم که اذهان مردم و شهرنشینان را آگاه نماییم تبعاتش و شهرداری و مدیریت شهری برای ما صرفاً مدیریت کالبدی نباشد. مدیریت ساخت و ساز نباشد در واقع همان بحثی که در گفتمانهای معاصر توسعه هم مطرح می‌شود که توسعه صرفاً توسعه‌ی اقتصادی یا توسعه کالبدی و فیزیکی نیست و قطعاً عنصر بسیار مهم فرهنگ برگرفته از اجتماع باید در آن دخیل بشود و اصلاً بستر و زیربنای کار قرار بگیرد و همه‌ی فعالیتهای فیزیکی و کالبدی و اجرایی در مدیریت شهری و در فضای همگانی باید بیاید روی این فرهنگ سوار بشود.

نثر جاپیبا با سپاس از بزرگواران که وقت گرانبهای خود را در اختیار ما گذاشتید.

پایان



تأثیر محیط بر رفتار اجتماعی مردم در فضاهای شهری

حامد مضطرزاده
وحیده حجتی

چکیده

بحث معنای محیط از مباحثی است که اخیراً با اقبال بسیار صاحب نظران مواجه شده است. خصوصاً از سالهای ۱۹۷۰ میلادی به بعد با پیدایش گرایشهای انسان گرایانه anthropologist در نظریات طراحی محیط که بر نقش فرهنگ و متغیرهای فرهنگی در فضای شهر به عنوان یک وسیله و حوزه ارتباطی که امکان می دهد اطلاعاتی به ما منتقل شود تأکید دارد، تا طراحان محیط و شهرسازان بتوانند با در نظر گرفتن نتایج چنین مطالعاتی اولاً اهمیت فضای محیط در نحوه زندگی انسان را در یابند و در ثانی در تلاش در دستیابی به محیط معنی دار تر مؤثر واقع گردند. (راپپورت، ۱۳۸۴، الف)

تأثیر محیط بر رفتار اجتماعی مردم به خصوص در فضاهای شهری امری است که نمی توان آن را نادیده گرفت. طراحان و شهرسازان باید بدانند که اثر و نتیجه طرح آنها همواره منتج به رفتارهایی خواهد شد که از سوی مردم در فضاهای ساخته شده روی خواهد داد. بنابراین تلاش این گروه باید آنگونه باشد تا رفتارهای خوب تشویق گردد و از رفتارهای ناهنجار تا آنجا که ممکن است جلوگیری شود.

شهرسازان و تئوریسین های زیادی در مورد محیط و رفتار اجتماعی تحقیق کرده و مقالات و کتب ارزشمندی از آنها به جای مانده است. در این مقاله سعی شده است با بررسی مفاهیم اصلی موضوع یعنی معنای محیط، رفتار اجتماعی، تأثیر محیط بر رفتار و نهایتاً فضاهای شهری و بررسی دیدگاه صاحب نظران به نتیجه ای تحلیلی در مورد موضوع دست یافته شود.

کلید واژه ها: محیط، رفتار اجتماعی، فضای شهری، انسان

معنای محیط

محیط به هر آنچه در پیرامون وجود دارد و به صورت بالقوه با فرد در ارتباط قرار می گیرد، اطلاق می شود. محیط تمامی اطلاعاتی است که از پیرامون ما ارسال می گردند. هر چند که تنها برخی از آنان در گزینش ادراک جذب می گردند. به نوبه خود محیط مجموعه ای از زیر محیط های گوناگون است که هر یک بنابه شرایط ادراک فرد به عنوان محیطی مستقل دریافت می گردند مانند یک محله شهری و یا خیابانی از آن محیط می تواند از عناصر طبیعی مانند (کوه و جنگل) مصنوع (مانند میدان و خیابان) و یا ترکیب آنان (مانند پارک) تشکیل شود. (پاکزاده، ۱۳۸۵، الف)

عبارت محیط مصنوع (یا ساخته شده) به معنای محیط ساخته شده دست انسان و جایی است که مجموعه مورد نیاز انجام فعالیت های انسانی را در خود فراهم آورده است. این مجموعه طیفی از فعالیتهای بزرگ مقیاس مدنی و اجتماعی تا فعالیتهای کوچک مقیاس فردی را شامل می گردد. محیط ساخته شده در معماری و روانشناسی محیط یادآور این واقعیت است که تنها بخش کوچکی از فعالیتهای ساختمانی موجود توسط معماران طراحی شده و اینکه استفاده کنندگان محیط ساخته شده با مسائل و موضوعاتی سروکار پیدا می کنند که از مرزهای سنتی و حرفه ای واقع در محدوده برنامه ریزان فراتر می رود. (راپپورت، ۱۳۸۴، الف)

انسان برای درک دیدارهای محیط خود، نیازمند قواعد و قالب هایی است که بتواند به کمک آنها خبرها را بدست آورده به کمک این قواعد و قالب هاست که انسان در ذهن خویش می تواند با بهم پیوستن مقادیری از این علائم خبری، طرح واره هایی تشکیل دهد که به واسطه آنها محیط را آسانتر درک نماید. (گروت، ۱۳۷۵، الف)

محیط ممکن است به عنوان یکسری از ارتباطات بین اشیاء و اشیاء، اشیاء و مردم و مردم و مردم دیده شود. این ارتباطات منظم هستند. وقتی محیط ها طراحی می شوند چهار عنصر سازماندهی می شود:

- ۱- فضا
- ۲- زمان
- ۳- ارتباطات
- ۴- معنی

درجه ای از ابهام در استفاده از اصطلاحات «ارتباطات» و «معنی» وجود دارد. ارتباطات به ارتباط کلامی و غیر کلامی بین مردم برمی گردد، در حالیکه معنی به ارتباط غیر کلامی از محیط به مردم برمی گردد (راپپورت، ۱۳۸۴، الف). ضمن آنکه کل محیط ها مجموعه پیچیده ای از روابط داخلی بین این چهار عنصر هستند به طور نظری جدا کردن آنها از هم مفید است و در مورد سازماندهی کردن این چهار عنصر در ادامه بحث خواهد شد.

الف) سازماندهی فضا: برنامه ریزی و طراحی در همه مقیاس ها، می تواند به عنوان سازماندهی فضا برای مقاصد مختلف و مطابق با قواعد متفاوت دیده شود. چرا که فعالیتهای، ارزشها، مقاصد اشخاص و گروه هایی که سازماندهی می کنند را منعکس می کند. سازماندهی فضایی تصاویر ذهنی ایده آل را بین فضای کالبدی و فضای اجتماعی منعکس می کند.

ب) سازماندهی زمان: مردم همانطور که در فضا زندگی می کنند، در زمان نیز زندگی می کنند. هر حرکتی احتیاج به زمان دارد. بدون زمان انسان قادر به درک حرکت نیست. محیط نیز زمانی است و بنابراین ممکن است سازماندهی زمان منعکس کننده رفتار در زمان باشد.

ج) سازماندهی ارتباطات: محیط ها هم ارتباطات را منعکس کرده و هم آن را مدولار می سازند. آن را هدایت، کنترل و تسهیل کرده، امکانات و محدودیتهای آنرا منعکس می کنند. معنی، ارتباطی از محیط با مردم است، در حالیکه ارتباطات و آنچه در اینجا مطرح شده برمی گردد به ارتباطات بین مردم، چه ارتباط چهره به چهره یا دیگر راه ها.

د) سازماندهی معنی: ضمن آنکه سازماندهی فضا معنی را بیان می کند و امکانات ارتباطی را فراهم می کند، معنی اغلب از خلال علائم، مواد، رنگها، اشکال، اندازه ها، میلمان، چشم انداز، تعمیر و نگهداری و نظایر آن تبیین شده است. معانی فضایی ممکن است بوسیله دیوارها یا قطعات دیگر، یا بوسیله شیب ها یا تغییرات مشخص شوند. (رک: راپپورت، ۱۹۹۰، ۱۳۸۴-۱۹۵)

رفتار اجتماعی

نحوه انجام یک فعالیت را رفتار گویند. رفتار انسانی برآیندی از انگیزه ها و نیازهای فرد، قابلیت محیط، تصویر ذهنی فرد از دنیای خارج ناشی از ادراک او و معنایی که این تصویر برای او دارد، می باشد. رفتار تنها تابع فعالیت نیست، بلکه ترکیبی از فعالیت و زمان و مکان می باشد. (پاکزاده، ۱۳۸۵، الف)

محیط چیزی است که انسان را احاطه می کند. بخشی از آن را که متشکل از عناصری است که فرد نسبت به آنها حساسیت نشان می دهد، محیط رفتاری گویند. محیط می تواند خاستگاه ادراک، بازشناسی، اثرگذاری و رفتار فضایی باشد. دو مورد اخیر به شدت تحت تأثیر الگوهای ذهنی فرد یا جمع هستند.

خود این الگوها، با نیازها و انگیزه های انسانی در تعامل می باشند. همین الگوها هستند که نهایتاً ادراک انسانی را تکمیل می کنند. به این ترتیب چرخه ای میان ادراک، رفتارهای فضایی و الگوهای ذهنی وجود دارد. (همان، ۱۳۸۵، الف)

رفتار دارای ویژگیهایی است که آن را از فعالیت متمایز می سازد در این راستا حداقل دارای سه ویژگی اساسی است:

- ۱) مرئی بودن رفتار
- ۲) تغییر پذیری رفتارها
- ۳) گذر از فضای روانی انسان (رک: پاکزاده، ۱۳۸۵، الف)



رفتار از آنجایی که ناشی از محیط است و با گذر از محیط روانی انسان شکل می گیرد، به شدت تحت تأثیر فرهنگ و اجتماع می باشد. فرد چه به نحو مثبت و در راستای ارزش های اجتماع و فرهنگ و چه به نحو منفی و در ضدیت با این دو رفتار کند، رفتار پیوسته معلول علتی اجتماعی یا فرهنگی است (همان، ۵۱).



تصویر شماره ۱ - نمونه ای از رفتار ناهنجار در فضای شهری

مردم به شکل های متفاوتی اجتماعی می شوند و در محیط های جغرافیایی و اجتماعی مختلفی رشد می کند. انگیزش های مردم نیز متفاوت است و در این تفاوتها قاعده هایی وجود دارد.

نظریه عملکردی در جامعه شناسی، که نباید با نظریه عملکردی در طراحی محیط اشتباه شود، رویکردی است که توجه برخی از تحلیل گران محیط ساخته شده و رفتار انسان را به خود جلب کرده است. جامع ترین شکل این نظریه توسط Talcott parsons تبیین شده است. او نظام های فرهنگی، اجتماعی، شخصیتی، اندام واره ای (فیزیولوژیک) و محیطی را اساسی برای آزمون رفتار اجتماعی می داند. این نظریه به دلیل اینکه کاربرد عمومی تری در تدوین نظریه طراحی محیط دارد مورد توجه طراحان قرار گرفته است. براساس مدل Parsons، فرهنگ یا نظام مشترک باورها، ارزشها، نهادها و شیوه های بیانگر شخصیت گروهی از مردم، بیشترین کنترل را بر رفتار انسان دارند. هر فرهنگ با داشتن تحولات ویژه خود منحصر بفرد است. فرهنگ با بقا و رشد گروهی از مردم در محیطی جغرافیایی شکل می گیرد. محیط ساخته شده همواره در متن یک فرهنگ و جزئی از آن است (لنگ، ۱۳۸۳، ۱۱۲-۱۱۱)

ارتباط محیط ساخته شده با رفتار اجتماعی

در مورد رابطه محیط و رفتار، چهار موضع گیری نظری قابل تشخیص است. رویکرد اختیاری، رویکرد امکان گرا، رویکرد احتمال گرا و رویکرد جبری. رویکرد اختیاری معتقد است که محیط هیچ اثری بر رفتار انسان ندارد. با توجه به اینکه برای رفتار انسان محدودیت های جدی مثل بعضی از ویژگیهای زیست شناختی وجود دارد، رویکرد اختیاری غیرقابل دفاع است. امکان گرایان محیط را تأمین کننده رفتار انسان و کمی بیشتر از آن می دانند. این رویکرد محیط را شامل مجموعه ای از فرصت های رفتاری می داند که برطبق آن ممکن است عملی رخ داده یا رخ نداده باشد. تحلیل رفتارهای انسان نشان می دهد که مردم به اندازه ای که امکان گرایان فرض می کنند در رفتار خود آزادی عمل ندارند.

براساس اعتقاد به جبرگرایی، وقتی که مردم آزادانه عمل می کنند در واقع تحت کنترل توارث و محیط هستند. جبرگرایی محیط که شاخه ای از نظریه

تکامل می باشد، محیط را تعیین کننده اصلی رفتار انسان می داند. عقاید نهضت معماری مدرن براساس پیش فرض های جبرگرایانه بنا شده است. در حالیکه محیط پر از قابلیت های برای رفتار انسان است، و ادراک محیط و استفاده از آن وابسته به نیازها و شایستگی های فردی می باشد، موضع احتمال گرایان اینگونه است:

«با در نظر گرفتن فرد A با شرایط a و b، c که در محیط E و با ویژگیهای c, d و f و با انگیزش برای انجام عمل M قرار گرفته است، این احتمال وجود دارد که A رفتار B را انجام دهد».

این موضع به عدم قطعیت نظام وقوع رفتارهای انسان و محیط عمل طراحان معتقد است، ولی فرض می کند که اساس رفتار انسان متغیر نیست. موضع احتمال گرایانه مبنای بیشتر تحقیقات اخیر رابطه رفتار و طراحی محیط بوده است. (همان، ۱۱۴)

بیش از پنج یا شش دهه از عمر روان شناس محیط می گذرد. در این مدت پژوهشگران به نتایج زیادی در باره طراحی محیط و تأثیر آن بر رفتار انسان دست یافته اند. انسان محصول محیط، بیولوژی و تعامل این دو با هم است. انسان بیش از هر موجود دیگری محیط خود را تغییر می دهد و می تواند با استفاده از اصول طراحی - همچون زیبایی شناسی، مهندسی و هماهنگ شدن با نیازهای فرهنگی - محیط زندگی خود را متناسب تر و راحت تر بسازد. در واقع افراد کمی از امکانات موجود خود برای شکل دادن به محیط کار و زندگیشان بهره می گیرند. آشنایی با مفاهیم چهارگانه خلوت، فضای شخصی، رفتار مربوط به قلمرو و نهایتا ازدحام و نیز توجه به نیازها، تمایلات و فرهنگ افراد در ارتباط با این مفاهیم گامی است به سوی تدارک محیط ها و فضاهای کارآمدتر و سالمتر.

۱. خلوت: خلوت فرآیند نظارت بر مرز خود یا دیگری است. فرد و همین طور گروه گاه نیاز به با دیگران بودن دارد و گاه نیاز به جدا از دیگران بودن. خلوت فرآیندی است که دانما در حال تغییر است پس لازم است محیط هایی تدارک دیده شود که با این ویژگی سازگار باشد.

۲. فضای شخصی: فضای شخصی نیز فرآیندی متغیر است. پژوهش ها حاکی از متفاوت بودن سزا و کارهای فضای شخصی در مورد مردان، زنان و گروه های گوناگون است. می توان به راهکارهایی در طراحی محیط دست یافت که فضای شخصی را همزمان با تغییر شرایط به شکل مناسب تغییر دهد.

۳. قلمرو: نقش قلمروها تسهیل تعامل اجتماعی و تثبیت نظام های اجتماعی است. قلمروهای اولیه، مثل خانه، به آسانی قابل تشخیص است. ولی شناسایی قلمروهای ثانویه و عمومی، مثل ورودی ها، راه پله ها و زمین های بازی گاه دشوار است. (آلتن، ۱۳۸۲، یازده)

۴. ازدحام: ازدحام مفهوم ساده ای نیست. این مفهوم هم بر جمعیت های بزرگ، مثل شهرها اطلاق می شود و هم بر گروه های نسبتا کوچک، مثل مهمانی ها و خانواده ها. بنابراین درک مفهوم ازدحام مستلزم روشن بودن ایجاد و پذیرش پیچیدگی آن است. به علاوه این اصطلاح در موقعیت های گوناگون به کار می رود. ازدحام نیز فرآیندی متغیر است، به بیان دیگر حضور دیگران هم می تواند جنبه مثبت داشته باشد و هم جنبه منفی. (همان، ۱۸۱)

فضا

فضا یک مقوله بسیار عام است. فضا تمام جهان هستی را پر می کند و ما را در تمام طول زندگی احاطه کرده است. فضا می تواند چنان نازک و وسیع به نظر آید که احساس وجود بعد از بین برود و یا چنان مملو از وجود سه بعدی باشد که به هر چیزی در حیطه خودر مفهومی خاص ببخشد. فضای سه بعدی قابلیت جالب توجهی در بالا بردن کیفیت زندگی ما دارد. فضا به محیط زیست اطراف ما احساس راحتی و امنیت می بخشد که اهمیت آن در یک زندگی لذت بخش از نور آفتاب و محلی برای آرامش کمتر نیست. فضا یک عنصر اساسی در طراحی شهری است (هدمن و یازوسکی، ۱۳۸۱، ۶۷)

فضاهای شهری

فضاهای شهری به مفهوم صحنه ای است که فعالیتهای عمومی زندگی شهری در آن ها به وقوع می پیوندند. خیابان ها، میادین و پارکهای یک شهر فعالیتهای انسانی را شکل می دهند. این فضاهای پویا در مقابل فضاهای ثابت و بی تحرک محل کار و سکونت اجزاء اصلی و حیاتی یک شهر را تشکیل داده، شبکه های حرکت، مراکز ارتباطی و فضاهای عمومی بازی و تفریح را در شهر تأمین می کنند. در سالهای اخیر توجه به فضاهای شهری در همه جا رواج یافته و فضاهایی از قبیل پارک، مجموعه های پیاده، باغچه و محورهای پیاده روی برای استفاده های مختلف مردم ساخته شده است. (بحرینی، ۱۳۸۲، ۳۱۳)

۲) فضای شهری فضایی است کالبدی که با پستی و بلندی ها و ارتفاعاتش، شیب ها و گسستگی شیب هایش، ساختار طبقات زیرزمینش، آب و هوای منطقه ای و محلی اش، وجود آب های سطحی و زیرزمینی اش و گیاهان طبیعی یا کاشته شده اش مشخص می شود.

۳) فضای شهری فضایی است تاریخی با تمامی گذشته ای که آثاری از خود به جا گذاشته است.

۴) فضای شهری یک فضای اقتصادی نیز به شمار می رود، فضایی با اختلاف ارزش ها و بازدهی های شایان



توجه حتی در فاصله ای کوتاه.

۵) این فضا هم چنین فضایی مربوط به معماری و شهرسازی است که با آرایش ها و تراکم حجم های مختلف، ردیف های متقارن و غیرمتقارن، برآمدگی ها و فرورفتگی ها، سبک های گوناگون نماها و سقف ها، مصالح ساختمانی متفاوت و رنگ های مختلف نمایان می شود.

۶) فضای شهری فضایی اجتماعی هم محسوب می شود و کما بیش با تفکیک مسکن ها، فعالیت های و مشاغل روبروست. در نهایت جمعیتی، طبق ریشه های قومی یا طبقه اجتماعی خود به بخشی از فضا مربوط می شود و تفکیک محله های مسکونی را بوجود می آورد.

۷) فضای شهری، فضایی مشخص و حقیقی است که مطابق با سطح زندگی، فرهنگ، سنت، محل زندگی، شیوه رفت و آمد و خصوصیت افراد چهره گوناگونی به خود می گیرد.

تصویر شماره ۲ - فضای شهری، صحنه ای از فعالیتهای عمومی زندگی شهری کولکوهن واژه فضای شهری را به دو گونه تعریف می کند. فضای اجتماعی و فضای ساخته شده و مصنوع. فضای اجتماعی تداعی فضایی نهادهای اجتماعی است که مورد مطالعه جامعه شناسان و جغرافیدانان می باشد. تمایل این دیدگاه، دیدن ویژگی های فیزیکی محیط مصنوع است. از سوی دیگر فضای مصنوع متوجه فضای فیزیکی است بدین ترتیب آنچه که مورد توجه طراحان است مورفولوژی فضاست. به گفته کولکوهن این دیدگاه به دو رویکرد می انجامد، آن که فرم ها را مستقل از کارکرد می بیند و آن که کارکردها را تعیین کننده فرم ها می داند. (مدنی پور، ۱۳۸۴، ۱۴-۱۳)

فضای شهری از خصوصیات متعددی برخوردار است و از دیدگاه ها و زوایای مختلف می تواند مورد توجه قرار گیرد.

۱) فضای شهری پیش از همه فضایی جغرافیایی است که بوسیله فاصله هاف مساحت ها و تراکم ها مشخص می شود. این فضا با ساختمان سازی عمودی و افزایش طبقات زیرزمینی، بعد سومی به دست می آورد.



تصاویر شماره ۳- نمونه هایی از فضاهای شهری

در مجموع می توان گفت فضای شهری جایگاه تضادها و برخوردهای فراوان است. (ر.ک: باستیه ودرز، ۱۳۸۲، ۲۲-۱۶)

مؤلفه های محیط و فضای شهری

فضاهای شهری نیز به مانند هر پدیده ای در جهان هستی دارای فرم و محتوا می باشد. البته تجزیه یک پدیده به فرم و محتوا فقط به صورت انتزاعی امکانپذیر است. هیچ فرمی را بدون محتوا نمی توان تصور کرد و نه محتوایی را می توان بدون فرم تخیل کرد. اگر تقسیم دوگانه فرم و محتوا را بخواهیم با تقسیمات معما را نه یک پدیده تطبیق دهیم، می بایستی ظاهر یک پدیده را فرم و عملکرد و معنای آن پدیده را محتوای آن بنامیم. مولفه های محیط و فضای شهری به سه مؤلفه اصلی تقسیم بندی می شوند: فرم، عملکرد و معنا.

۱) فرم یا صورت: ارزیابی شناختی فرم یا صورت تظاهر حسی و واضح یک شیئی است و این بیانی است که خود را در معرض قضاوت قرار می دهد. (گروتز، ۱۳۸۳، ۲۷۵)

منظور از تظاهر حسی، ظاهر بالقوه یک پدیده است که در فرآیند ادراک خود را بالفعل نموده و توسط انسان احساس می شود. پس فرم جنبه قابل احساس یک پدیده است.

فرم یا صورت کلیتی است وحدت یافته از شاخصهای کالبدی و غیر کالبدی. جنبه کالبدی فرم شامل شکل، رنگ، گشتالت، بافت، پیکره، وضع قرار گیری و ... می باشد.

۲) عملکرد انسان: عملکرد انسان دارای نیازهایی است که براساس آن با محیط پیرامون خود ارتباط برقرار می کند. وی برای رفع نیازهای خود نه فقط مجبور به فعالیتهای متعددی است، بلکه محیط را نیز سیستم دینامیکی می یابد که قادر است بسیاری از نیازهای وی را پاسخ دهد. به همین خاطر خاصیتی از محیط را کشف می کند که جوابگوی بخشی از نیازهای وی می

باشد که آنرا عملکرد می نامند.

عملکرد در واقع توانایی یک سیستم دینامیک در ایجاد حالت های رفتاری معین است.

۳) معنی: هر چند تعریف دقیقی از معنی نمی توان ارائه داد، اما در اینجا به تعریفی ساده که از کوین لینچ مطرح شده است اکتفا می کنیم. لینچ معنی را خاصیتی از محیط می داند که می تواند فرد را به دیگر جنبه های زندگی مرتبط سازد. البته معنی ها آموخته می شوند. تجربه، دانش، ارزش و هنجارهای فردی و جمعی در آن نقش مهمی بازی می کنند که جمع آنرا فرهنگ می نامیم. (پاکزاد، ۱۳۸۵، ۹۹-۹۷)

دیدگاه های صاحب نظران

الف) گئورگی کپس (Kepes, Gyorgy): گئورگی کپس متولد مجارستان در سال ۱۹۴۴ کتاب معروف خود را با نام زبان تصویر به چاپ رساند. او در این کتاب به عنوان یک نقاش، طراح و نظریه پرداز به آنالیز تأثیر زبان بصری بر ساختار هوشیاری انسان پرداخت. او به نوعی استاد کوین لینچ بود و در پژوهشی که لینچ در ۱۹۵۹ در سه شهر بستن، نیوجرسی و لوس آنجلس آمریکا صورت داد و به چاپ کتاب سیمای شهر انجامید نقش مشاور و راهنمای او را داشت. (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۹۷-۹۶)

به عقیده کپس تصویر به خودی خود هدف نیست بلکه به باور او زبان تصویر و ارتباط بصری این صفت مشترک با کلام را دارد که مهمترین وسیله ای است که می توان با آن واقعیت را شناخت. کپس بر این باور بود که «دیدن» در وهله نخست، مبنای جهت یابی، ارزیابی و سازماندهی وقایع فضایی است و هر محیط تازه بصری، یک جهت یابی دوباره و ابزاری تازه برای ارزیابی می خواهد. کپس از جمله هنرمندان نظریه پردازی است که هر پدیده ای، از جمله انسان را همواره در ارتباط دوسویه با محیط پیرامونش می دید. به باور او هر فرم فیزیکی، هر فرم زنده و هر گونه الگویی از احساس یا اندیشه، هویتی منحصر بفرد و محدوده هاو مرزهای خود را دارد. به باور او فردیت فیزیکی،

زیست شناختی و یا اخلاقی انسان محصول روابط فعال او با محیط اجتماعی و فیزیکی اش است. به باور او امروزه شرایط جدید، را ناگزیر کرده از اینکه دیگر خود را مستقل و جدا از محیطمان نپنداریم. از دید او بشر امروزه در حال فهمیدن این است که تنها از طریق روابط اجتماعی است که توانایی فکری و عاطفی او می تواند آینده تکاملی درست تری داشته باشد (همان، ۱۰۲-۹۷).
ب) ویلیام وایت(William Whyte): ویلیام وایت اندیشمند و منتقد آمریکایی مسائل شهری و شهروندی بود. او به طراحان شهری آموخت که به جای برداشت ساده انگاشته از شهرها، آن ها را همچون زیستگاهی انسانی ببینند. به باور او شهرهای جدید، شهرهایی بیش از اندازه برنامه ریزی شده و مهندسی ساز هستند و به همین خاطر از حیات و سرزندگی در آن ها خبری نیست.

وایت در سال ۱۹۷۰ پروژه خود تحت عنوان پروژه زندگی خیابانی را با گروه پژوهشی کوچکی به راه انداخت و نخستین مشاهده های خود در فضاهای

شهری را آغاز نمود (همان ، ۴۲۲-۴۲۱). درنمایه اصلی پژوهش های وایت را توجه به زمینه های انسان شناسی و مطالعات فرهنگی تشکیل می داد. او ساعات بی شماری را به نگاه کردن و ثبت رویدادها در نقاطی کلیدی مانند نبش خیابان ها، پارک های همگانی و میدان ها می پرداخت تا ببیند مردم در واقعیت چگونه از آن ها استفاده می کنند. (همان، ۴۲۴)

به گفته او آنچه بیش از همه مردم را به سوی خود می کشد، حضور آدم های دیگر است. نکته در اینجااست که بیشتر فضاهای شهری به گونه ای طراحی شده اند که انگار عکس این مطلب درست است و مردم فضاهایی را دوست دارند که بتوانند از دیگران دوری کنند (همان، ۴۲۸).

وایت در طراحی یک مکان، به طراحی از پایین به بالا معتقد بود، به این معنی که کار را می باید از فهم روشی که مردم از فضاها استفاده می کنند آغاز نمود (همان، ۴۲۹) وی همچنین بر اهمیت جایگاه و پیوند فضاها با یکدیگر و بویژه ارتباط آنها با خیابان پافشاری می کند. به باور او خیابان به مانند بخشی از

فضای همگانی یا میدان شهر عمل می کند. به این معنی که در واقع گفتن اینکه خیابان کجا تمام شده و میدان از کجا شروع می شود دشوار است (همان، ۴۳۷)
ج) ایروین آلتمن (Irwin Altman): ایروین آلتمن جامعه شناس آمریکایی از جمله جامعه شناسان پویا و کوشا بود و در گروه ها و انجمن های بسیاری نیز فعالیت داشته است. وی به سبب کار روی بوم شناسی روابط اجتماعی، به معنای روابط دوسویه میان مردم و محیط هایشان شناخته شده است. او روانشناسی را «مطالعه رفتار انسان در محیط و زمینه اش» می داند.

دغدغه اصلی آلتمن، پژوهش رفتار اجتماعی انسان در پیوند با محیط فیزیکی است، یعنی چگونگی استفاده آدم ها از محیط فیزیکی شان برای برقراری روابط اجتماعی (پاکزاد، ۱۳۸۸، ۲۹۲-۲۹۱). وی خود پژوهش های محیط و رفتار انسان را ماهیتا حوزه ای میان رشته ای می داند که پژوهشگران و کارشناسان از رشته های گوناگون، هر یک از جایگاهی به این موضوع نگریسته اند. موضع و رویکرد خود آلتمن در کتاب محیط و رفتار اجتماعی بر مناسبات میان ۴ مفهوم کلیدی خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام تمرکز دارد که هر کدام جداگانه در این مقاله بررسی شدند. (همان، ۳۰۰)

آلتمن هدف از طراحی محیط را ایجاد و ساخت محیط هایی می داند که با رفتار استفاه کنندگان پیوند دارد. (همان، ۳۱۸).

نتیجه گیری

هر محیط ساخته شده واجد مجموعه ای از قابلیت ها برای فعالیت های انسانی و تجارب زیباشناختی است. محیط ساخته شده مجموعه ای از انطباق پذیری هاست که انسان با محیط های جغرافیایی و فرهنگی ایجاد می کند. سازماندهی محیط روابط متقابل مردم و محیط جغرافیایی را تحت تأثیر قرار می دهد، و ضمن اینکه گرما و نور، صورت و بو، و تماسهای مکانیکی فرد را تغییر می دهد تا حدودی نیز از تغییرات محیط های اجتماعی و فرهنگی مردم تأثیر می گیرد. با هر تغییری در محیط ساخته شده امکان تغییر قابلیت های جهان نیز بوجود می آید. بیش از پنج یا شش دهه از عمر روان شناسی محیط بیشتر نمی گذرد و این در حالی است که در طی این مدت پژوهشگران به نتایج زیادی در باره طراحی محیط و تأثیر آن بر رفتارهای انسانها دست یافته اند. انسان بیش از هر موجود دیگری در این جهان محیط خود را دستخوش تغییرات کرده است که هدف اصلی وی از ایجاد این تغییرات بهبود فضای زندگی خود بوده است.

شهر و فضاهای شهری نیز با توجه به اینکه همچون یک موجود زنده هستند، دائماً در حال رشد و تغییرات می باشند که این تغییرات کالبدی بر روی رفتار اجتماعی شهروندان و استفاده کنندگان از این فضاهای شهری تأثیر می گذارد. طراحان شهری بایستی ذهن خود را معطوف به این مطلب کنند که با خلق فضاهای ساماندهی شده و مثبت که بیشترین بهره وری و استفاده از آن توسط افراد و شهروندان صورت می گیرد رفتارهای اجتماعی خوب را تشویق کرده و در جهت تقویت اینگونه رفتارها گام بردارند.

منابع

۱. آلتمن، ایروین (۱۳۸۲)، محیط و رفتار اجتماعی، ترجمه علی نمازبان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
۲. باستیه، ژان و دزر، برنارد (۱۳۸۲)، شهر، ترجمه علی اشرفی، دانشگاه هنر، تهران
۳. بحرینی، سید حسین (۱۳۸۲)، فرآیند طراحی شهری، دانشگاه تهران، تهران
۴. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، انتشارات شهیدی، تهران
۵. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶)، سیر اندیشه ها در شهرسازی (۲)، شرکت عمران شهرهای جدید، تهران
۶. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۸)، سیر اندیشه ها در شهرسازی (۳)، انتشارات شهیدی، تهران
۷. اپاپورت، آموس (۱۳۸۴)، معنی محیط ساخته شده (رویکردی در ارتباط غیر کلامی)، ترجمه فرح حبیب، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران
۸. گروتز، یوگ کورت (۱۳۸۳)، زیبایی شناسی در معماری، ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
۹. لنگ، جان (۱۳۸۳)، آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه علیرضا عینی فر، دانشگاه تهران، تهران
۱۰. مدنی پور، علی (۱۳۸۴)، طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرآیندی اجتماعی - مکانی)، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران
۱۱. هدمن، ریچارد و یازوسکی، آندرو (۱۳۸۱)، مبانی طراحی شهری، ترجمه راضیه رضازاده و مصطفی عباس زادگان، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران

زنان

وفضاهای عمومی شهری: زمینه‌های حضور یا عدم حضور

سولماز رضایی

قائم مقام حوزه معاونت شهرسازی شهرداری منطقه ۵ تهران، دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی و برنامه ریزی شهری و منطقه ای

مریم برومند

کارشناس ارشد طراحی و برنامه ریزی شهری و منطقه ای

چکیده

امروزه پیچیدگی زندگی در شهرها، تراکم جمعیت، شلوغی و ماشینی شدن امور روزانه نیاز به فضایی جهت کسب آرامش و انجام تعاملات اجتماعی را بیش از پیش مطرح می‌سازد. فضاهایی که چه از جنبه کالبد و چه جان نیازهای جسمی و روحی شهروندان را در حد توان تامین نمایند. با این حال برخی محدودیت‌های اجتماعی، کالبدی و فرهنگی سبب می‌گردد که این فضاها یا اساساً امکان حضور زنان را فراهم نیاورند و یا آنکه تمایل چندانی را در آنان ایجاد نمی‌کنند. در مقاله حاضر ابتدا فضای عمومی شهری، ضرورت وجودی و کارکردهای آن مورد بررسی قرار گرفته و سپس به بیان محدودیت‌های حضور زنان در این فضاها و همچنین شرایط جنسیتی شدن یک فضا پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از آن است که ویژگی‌هایی چون مطلوبیت دسترسی، آسایش و منظر، استفاده و فعالیت‌ها و همچنین اجتماعی بودن فضا تأثیر زیادی در جذب شهروندان و به ویژه زنان داشته و می‌تواند به برقراری نوعی عدالت جنسی منجر گردد. در مقابل عواملی چون سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه، نوع طراحی فضا و همچنین تعیین موارد استفاده از آن محدود کننده استفاده از فضاهای عمومی شهری می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: زنان، فضای عمومی شهری، تعامل اجتماعی، عدالت جنسیتی، سلامت شهروندی

مقدمه

شهرها این مترکم‌ترین سکونتگاه‌های انسانی عناصری گوناگون را در خود جای داده‌اند. اما به طور کلی برآیندی از مجموعه بناها و فضاهای محسوب می‌شوند. از میان فضاهای موجود، فضای شهری بیشترین ارتباط را با مردم و محیط زندگی برقرار کرده و نقش به‌سزایی در هویت بخشی و ایجاد احساس آرامش در شهروندان دارد. شهرهای جدید با وجود برخورداری از امکانات بیشتر نسبت به گذشته گاه در تامین این بخش از نیازهای ساکنان خود ناتوان مانده‌اند. امروزه عواملی چون تمرکز بالای جمعیت و فعالیت‌های خارج از مقیاس انسانی موجب فاصله گرفتن آرامش و امنیت از فضاهای شهری شده‌است. طراحی نامناسب فضای شهری در کنار عوامل اجتماعی و فرهنگی سبب شده که این فضاها در مواردی نه تنها موجب آرامش نگردند بلکه تشدید کننده آسیب‌های اجتماعی محسوب شوند. بسیاری از کارشناسان معتقدند ایمنی شهرها منوط به وجود امکان استفاده تمام گروه‌های سنی - جنسی از فضاها بوده و تفاوت‌های سنی و جنسیتی در ساختار شهرها می‌باید مورد توجه قرار گیرند. ساخت و ساز و برنامه ریزی‌های شهری نادرست استفاده اقشار مختلف جامعه را از فضاهای شهری تحت تأثیر قرار می‌دهد، به طوری که گاهی به خاطر نبود توجه کافی سالمندان، معلولان، کودکان و زنان از زندگی سالم و صحیح شهری محروم می‌مانند.

در این میان زنان به سبب محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی موجود در کشور عمدتاً امکان بهره‌مندی از فضاهای شهری را ندارند. از سوی دیگر این فضاها عموماً فضاهایی مردانه بوده و به سبب ویژگی‌های کالبدی خود امکان حضوری ایمن را برای زنان را فراهم نمی‌سازند. مقاله حاضر تلاشی است در جهت معرفی فضاهای شهری مناسب برای حضور زنان، فضاهایی که صرف نظر از تامین نیازهای شهری در برقراری عدالت جنسی در جامعه نیمه سنتی ما موثر خواهند بود.

فضای عمومی شهری

فضا در بیان نخست، مفهوم ادراک آگاهانه محیط توسط انسان را در خود دارد که تأثیرگذاری فعالیت‌های انسانی آن را از حالت توده به فضا تبدیل کرده‌است. فضا اگرچه جهت هویت بخشی به خود از عناصر متنوع و نامتجانس تشکیل گردیده، لیکن نحوه و نظام استقرار عناصر و ارتباطات متقابل بین آنها، در راستای اهداف مترتب به کلیت مجموعه، پیکره‌ای همگن و متجانس را تشکیل داده که هویت و مفهوم فضا از آن نشأت می‌گیرد. دلبستگی بشر به فضا ریشه‌های عمیقی دارد. این دلبستگی از نیاز به درک روابط اجتماعی انسان جهت کسب مفهوم و حاکمیت بر حوادث و رویدادها سرچشمه می‌گیرد. اصولاً انسان بین خود و اشیاء و محیط پیرامون رابطه ایجاد می‌کند، بدین معنی که وی خود را به طریق فیزیولوژیک با اشیاء و اجسام کالبدی وفق و ارتباط می‌دهد. این کنش متقابل در بستری رخ می‌دهد که ما آن را به لحاظ تأثیرگذاری انسان، فضا می‌نامیم (رفعیان، ۱۳۸۱).

مفهوم فضا مخصوصاً برای تجزیه و تحلیل محیط انسانی، امری مناسب می‌باشد. بنابراین بر مبنای تئوری فضاهای بودن شاید فضای معماری، پایه مستحتمی برای تصورات و انگاشت‌های محیطی که بخش ضروری از توجیه کلی انسان و یا جهان هستی را تشکیل می‌دهد، باشد. این فضا چنین باز شناخته می‌شود» (اسداللهی، ۱۳۷۹).

فضای شهری مفهومی متعادل تر از یک فضای معمولی و ساده‌است. به گونه‌ای که علاوه بر پوشش خصیصه‌های کلی یک فضا، معیارهای زیبایی‌شناختی و ارزش‌های پیچیده اقتصادی و اجتماعی را نیز شامل می‌شود (کریر، ۱۳۸۴).

فضای شهری در عین دارا بودن ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ظرف فعالیت‌های شهری و ضرورت‌های مترتب بر آن نیز محسوب

می‌گردد. این فعالیت‌ها در حالت کلی سه طیف متفاوت را شامل می‌شود (Gehl, ۱۹۸۷).

دسته اول فعالیت‌های ضروری و با اهمیت را شامل شده که تحت هر شرایطی اتفاق می‌افتند و ارتباط خاصی با ویژگی‌های منحصر به فرد اجتماعی ندارند. فعالیت‌هایی نظیر رفتن به محل کار، مدرسه، خرید، انتظار در ایستگاه اتوبوس و سایر فعالیت‌های عمومی و روزمره در این دسته جای می‌گیرند. این طیف از فعالیت‌ها درجات متفاوت از مشارکت اجتماعی را می‌طلبد.

دسته دوم از فعالیت‌هایی که در فضای شهری انجام می‌شوند را فعالیت‌های گزینشی و انتخابی تشکیل می‌دهند که در شرایط مناسب و وضعیت دلخواه افراد ضرورت پیدا می‌کند. قدم زدن در هوای آزاد، توقف و مکث در فضاهای تفریحی، نشستن و استراحت در مکان‌های جذاب و دیدنی جزء فعالیت‌های انتخابی و موردی به شمار می‌آیند.

دسته سوم از فعالیت‌هایی که در فضای شهری رخ می‌دهند فعالیت‌های اجتماعی هستند که بسته به ویژگی‌های فضای شهری طیف گسترده‌ای از روابط متقابل افراد را در بر می‌گیرد. در فضاهای شهری که فاقد جنبه‌های لازم جهت تقویت روابط اجتماعی هستند، فقط مقدار کمی از این فعالیت‌ها امکان بروز پیدا می‌کند که بسته به شرایط افراد نیز متفاوت خواهد بود. برعکس در فضاهایی که از این ابعاد غنی هستند، سطح و میزان بالایی از فعالیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد.

ضرورت ایجاد فضای عمومی شهری و کارکردهای آن

اهمیت فضاهای عمومی در مطالعات سیاست‌های شهروندی تأکید شده‌است، تا جایی که فضاهای عمومی شهری در جهت عملی شدن سیاست‌های شهری لازم و ضروری‌اند. لوفر معتقد است که هر جامعه‌ای در تاریخ خود فضای اجتماعی مشخصی را ایجاد کرده‌است که در این



تصویر ۳: فضای عمومی نوع سوم



تصویر ۲: فضای شهری نوع دوم



تصویر ۱: فضای شهری نوع اول



که فضایی برای زندگی اجتماعی و تماشای ایجاد می کنند بسیار پراهمیت هستند. به هر صورت تصویر برجسته شهر به این فضاها بستگی دارد و برعکس تصویر خشن یا یکنواخت آن نیز تأثیری منفی در عملکرد آن به جا خواهد گذاشت.

زنان و حضور در فضاهای عمومی شهری

موضوعی که برخی از نویسندگان فمینیست به آن اشاره می کنند این است که به لحاظ تاریخی، شهرها را مردان می سازند، اداره می کنند و در فرآیند برنامه ریزی و سازماندهی فضای شهری هم، نظیر دیگر حوزه های زندگی زنان در حاشیه قرار داشته اند. ماهیت جنسی شده فضای شهری را می توان در نحوه عمل فضای شهری برای محدود کردن تحریر پذیر زنان مشاهده کرد که این محدودیت را از لحاظ فیزیکی با القاء الگوهای حرکت و رفتار بر پایه ترس و دسترسی محدود شده اعمال می کند. از لحاظ اجتماعی با انگاره هایی درباره نقش زنان در جامعه شهری، آزادی حرکت زنان در شهر به روش های متعددی محدود شده که این امر موانعی بر تحریر و جنب و جوش آنها در شهر پدید می آورد. محدودیت ساختاری حاصل از گسترش مناطق حومه شهری زنان را وادار می سازد که از مراکز فعالیت دور بمانند و فرصت هایشان به ویژه به دلیل وابستگی شدیدی که زنان به وسایل حمل و نقل عمومی دارند، کاهش یابد. جدا شدن خانه از کار در فرآیند صنعتی شدن و به حومه راندن شهری، هر روز بیش از پیش زنان را از تحریر اجتماعی و مکانی باز می دارد. حومه های برنامه ریزی شده و نوشهرهای قرن بیستم که خانوارهایی را که هر روز فزون تر می شوند را در خود جای داده است، موانعی مکانی برای زنان - به خصوص زنان طبقات متوسط که بنا به فرض باید خانه دار باقی بمانند - پدید آورده است. به هر حال خدمات

فضا به کلیه نیازهای متنوع - فرضاً از تولیدات اقتصادی تا محصولات اجتماعی - پاسخ داده می شده است (Hayden, 1996). این اهمیت آشکار می کند که چگونه فضای عمومی به طور اجتماعی تولید شده و چگونه به نوبت به رفتار سیاسی و جمعی و اجتماعی ما شکل می دهد. ما فضا را با غریبه ها تقسیم کرده و از این طریق با افرادی که دارای نژاد، مذهب، عقیده و سیاست و فرهنگ های متنوعی هستند همزیستی می کنیم علاوه بر این استفاده از فضای عمومی ارزش هایی مانند فستیوال های مردمی، اجتماعات، وقایع فرهنگی، تظاهرات سیاسی و مکانی جهت تمرین حقوق دموکراتیک نظیر آزادی انجمن را بیان کرده و نشان می دهد.

فضای عمومی به واسطه طیف وسیع مخاطبان خود که با انگیزه های بسیار متفاوت در آن حضور می یابند، بستر وقوع زندگی جمعی اند و نه فضاهایی به جا مانده از فضاهای خصوصی، بنابراین فضاهای شهری تماس مستقیم با زندگی روزانه شهروندان دارد و بیش از سایر فضاها بر زندگی جمعی و فرهنگ آنان تأثیر می گذارد. در این فضاهاست که کودک اولین تجربیات اجتماعی خود را کسب می کند، نوجوان با هنجارهای اجتماعی آشنا شده و سالمند حرمت سن و تجربه خود را می چشد. فضاهای شهری عرصه های زندگی جمعی و تعاملات اجتماعی هستند. در این فضاها شهروندان گرد هم می آیند تا من خود را تبدیل به ما کنند؛ مایی که شکوه توان جمعی را به نمایش می گذارد (پاکزاد، ۱۳۸۶).

وجود فضاهای آزاد در شهرها برای پیشگیری از درماندگی، افسردگی، گوشه گیری و خشونت در جامعه ضروری است. این فضاها اگر مطلوبیت داشته باشند شرایط تجلی و بروز خلاقیت را برای شهروندان مهیا کرده و با کمک به تخیل انسان شهرنشین، زمینه ای را فراهم می آورند که هر انسان برای درک موقعیت خود به آن نیاز دارد. فضاهای شهری از آنجا

بزرگ زنان به کیفیت زندگی شهری، اغلب اوقات به درستی شناخته نشده است و از آنجا که به شکل کار مزد پرداختی نبوده است، به کاری نامشهود تبدیل شده است (مدنی پور، ۱۳۸۲). کار زنان نظیر رسیدگی به امور خانه، مراقبت از کودکان و سالخوردهگان، حفظ مناسبات خانواده و نقش کاملاً حاکم شان در نهادهای خدمات داوطلبی و خیریه را بر خلاف کار واقعی که برونداد مشهودتری دارند، کارهایی طبیعی و برنامه ریزی نشده دانسته اند. اما با درگیر شدن رو به رشد زنان در اقتصاد، در قالب کار مستحق دریافت حقوق، موانع مکانی دسترسی زنان را به فرصت ها و مشاغل محدود می کند. با تغییر نقش سنتی زنان به عنوان خانه دارهایی بی مزد و موجب، و اهمیت هر چه بیشتر کمک شان در اقتصاد رسمی، هم زنان و هم نظام اقتصادی تمایل زیادی در جهت مذاکره دوباره و سازماندهی مجدد الگوهای دسترسی و تحریر پذیری زنان، از خود نشان می دهند.

نسبت حضور زنان به مردان هنگام شب، تغییر فاحشی دارد. زنان از رفتن به مراکز شهر ممکن است واهمه داشته باشند و مردان (مخصوصاً مردان جوان) این مناطق را تحت سلطه خودشان در می آورند. حل این مسایل مشروط به کنترل و امنیت بیشتر نیست؛ بلکه به همراه آن بایستی با انتخابی درست درباره فعالیت ها، تفریحات و مکان هایی که زنان می توانند در شهرهای کوچک و بزرگ در شب با یکدیگر ملاقات داشته باشند و پیش بینی برای امکانات نگهداری از کودکان، در جاهایی که ضروری است به حل این مسایل پرداخت.

محدودیت زنان در استفاده از فضای عمومی

بسیاری از تحقیقات رفتاری - محیطی موجود، محدودیت های موثر بر استفاده زنان از فضای عمومی را مورد مطالعه قرار داده اند. این یافته ها در نمودار ۱ خلاصه شده اند. محدودیت ها شامل محدودیت منابع (مانند محدودیت مالی)، احساسات منفی (مانند استرس و ترس) مسئولیت های بازدارنده (مانند کارهای خانه و مراقبت از کودکان)، شرایط و هنجارهای

اجتماعی محدود کننده (مانند هنجارهای جنسیتی محدود کننده، برنامه و طرح های افراطی) می باشد. اثرات این محدودیت ها در مصاحبه با زنان هنگام استفاده از فضای عمومی کاملاً تأیید شده است. این محدودیت ها، مکان و زمان استفاده، اینکه با چه کسانی از این فضا استفاده می کنند و برای چه مدت، رفتار و تجارب زنان را هنگام استفاده از فضای عمومی را تحت الشعاع قرار می دهد. این محدودیت ها بر اساس مشخصه های مختلف نظیر ویژگی های نژادی-قومی، طبقه اجتماعی، وضعیت تاهل، جنسیت، سن، دین و توانایی فیزیکی بطور متفاوتی تجربه می شوند.

فضای عمومی شهری موفق

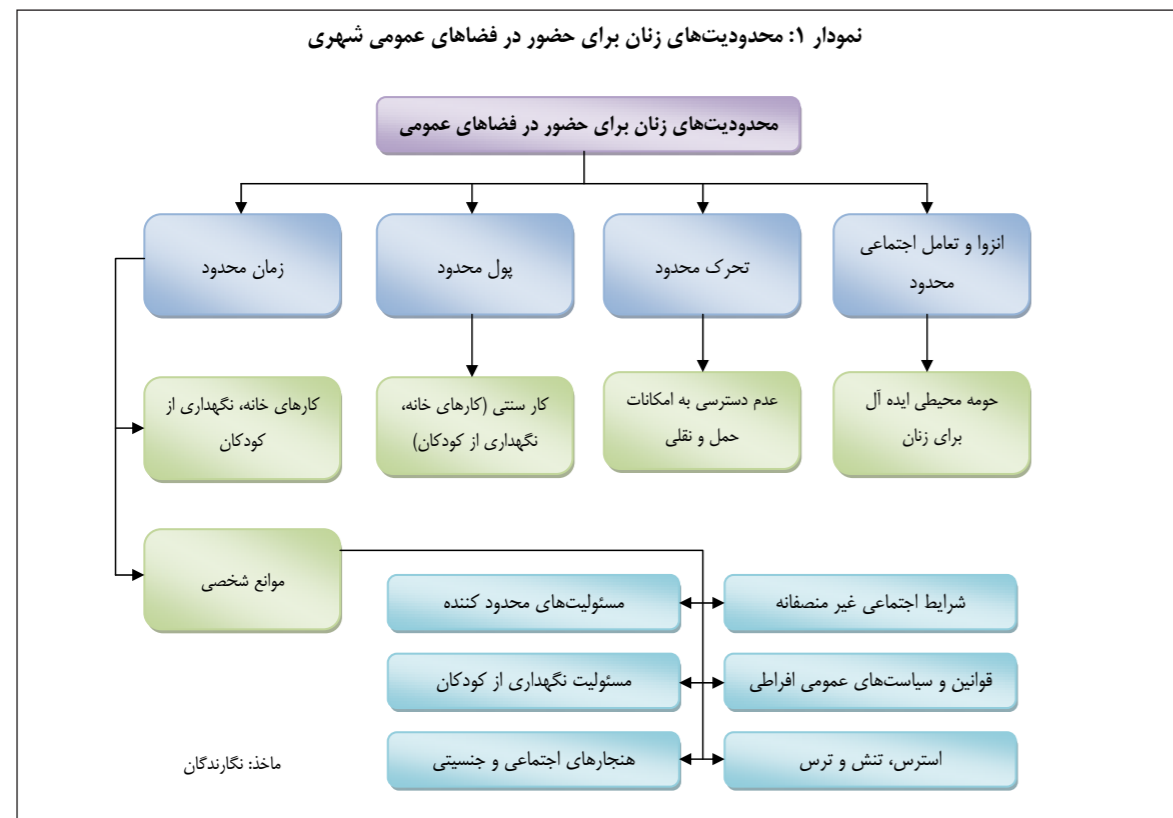
امروزه اعتقاد بر آن است که فضاهای عمومی موفق، فضاهایی هستند که افراد با ویژگی های مختلف سنی و جنسی می توانند خواسته های خود را محقق ساخته و فعالیت های متنوعی انجام دهند. اینگونه فضاهای جذابیت لازم را برای افراد مختلف دارا هستند (www.pps.org). محققین با بررسی بیش از ۱۰۰۰ فضای عمومی در سراسر جهان دریافتند که:

۱. این فضاها در دسترس هستند.
۲. افراد در این فضاها درگیر فعالیت می شوند.
۳. این فضاها راحت بوده و دارای مناظر زیبایی هستند.
۴. این فضاها مکان هایی اجتماعی بوده و افراد می توانند یکدیگر را در آن ملاقات کنند.

در جدول ۱ نمونه سوالاتی برای سنجش ویژگی های فوق آورده شده است.

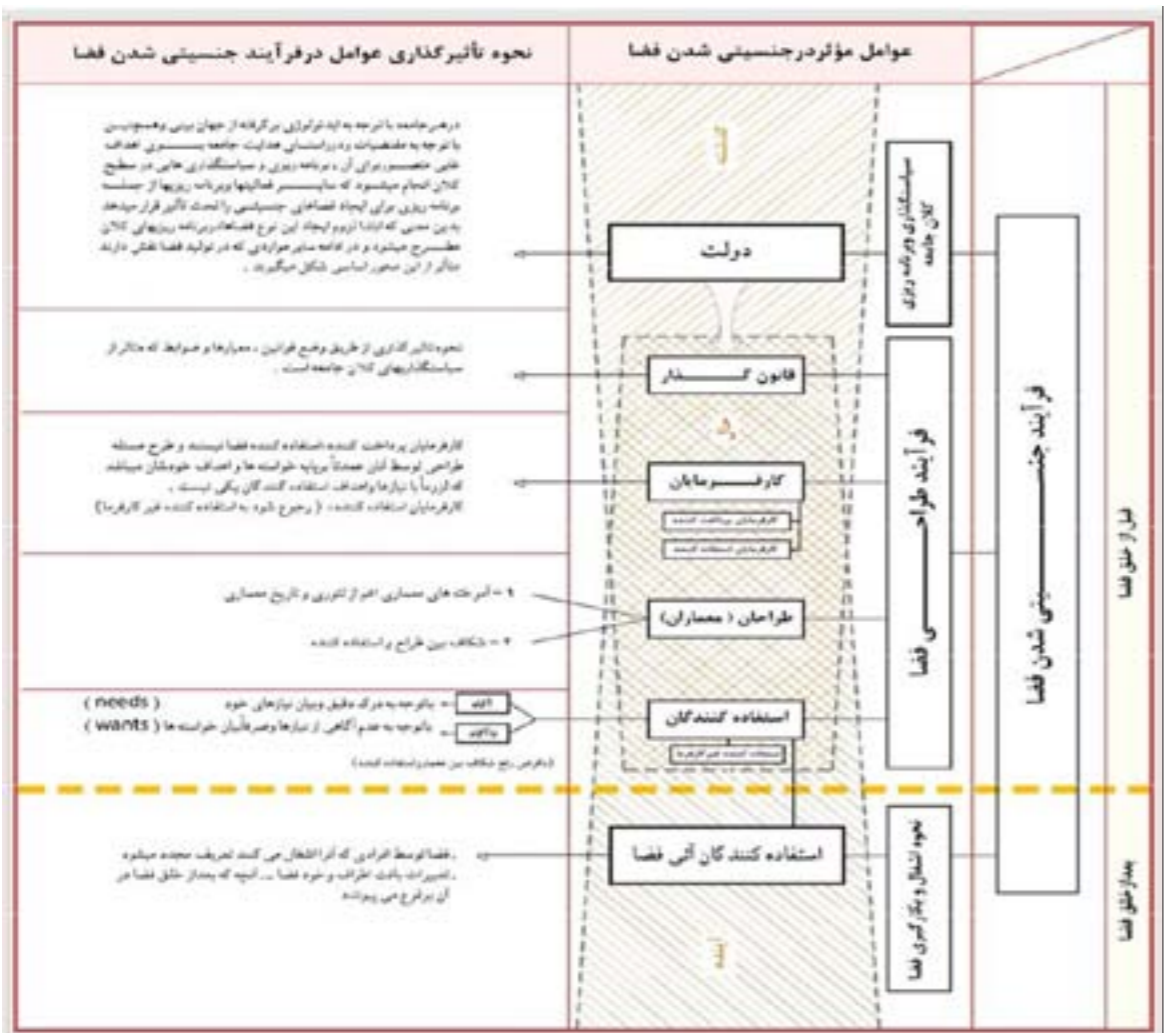
جنسیتی شدن فضا

با پذیرش این مطلب که فضا براساس نوع فعالیت هایی که در آن انجام می گیرد جنسیتی شده و این فعالیت ها منتج از نقش های جنسیتی است، همچنین قبول این نکته که نقش های جنسیتی براساس فرهنگ



ویژگی	سوال
مطلوبیت دسترسی ^۱	آیا فضا را از دور می توانید ببینید؟ آیا درون فضا قابل مشاهده است؟
	آیا ارتباط خوبی بین فضا و ساختمان های هم جوار برقرار است و یا اینکه فضا با دیوارهای ممتد احاطه شده است؟
	آیا ساکنان ساختمان های هم جوار از فضا استفاده می کنند؟
	آیا مردم به آسانی می توانند وارد فضا شوند؟ برای مثال آیا آنها مجبورند به سرعت از بین ماشین های در حال حرکت عبور کرده تا به این فضا وارد شوند؟
	آیا این فضا برای افراد با نیازهای خاص کارایی دارد؟
آسایش و منظر ^۲	آیا خیابان ها و مسیرهای اطراف فضا افراد را به جایی که واقعا می خواهند بروند، می برد؟
	آیا مکان حس خوبی را به افراد القاء می کند؟
	آیا استفاده زنان نسبت به مردان از فضا بیشتر است؟ (زنان در استفاده از فضا حساس تر هستند)
	آیا مکان کافی برای نشستن وجود دارد؟
	آیا امکان انتخاب نشستن در سایه یا آفتاب وجود دارد؟
استفاده و فعالیت ها ^۳	آیا فضا پاکیزه است؟ حس امنیت در آن قابل درک است؟ افرادی برای تامین امنیت حضور دارند؟
	آیا فعالیت های متنوع و گوناگونی در فضا صورت می گیرد؟
	آیا توازن بین استفاده کنندگان مرد و زن از فضا وجود دارد؟ (زنان در مورد فضاهایی که استفاده می کنند بسیار سختگیر و نکته بین هستند)
	آیا افراد در سنین متفاوت می توانند از فضا استفاده کنند؟
	آیا فضا در تمامی ساعات روز مورد استفاده قرار می گیرد؟
اجتماعی بودن ^۴	آیا این مکان جایی است که افراد برای ملاقات دوستان شان انتخاب می کنند یا به صورت اتفاقی یکدیگر را ملاقات می کنند؟
	آیا افراد در گروه هستند؟ آیا با دیگر گروه ها صحبت می کنند؟
	آیا افراد یکدیگر را به نام می شناسند یا چهره؟
	آیا افراد دوستان و خویشاوندان خود را به اینجا می آورند؟
	آیا افراد به یکدیگر لبخند زده و ارتباط چشمی برقرار می کنند؟
آیا گروه های مختلف سنی، قومی و مذهبی از فضا استفاده می کنند؟	

جدول ۲: ارتباط بین فرآیند طراحی فضا و مولدهای مسئله جنسیتی شدن و نحوه تاثیر هر یک از عوامل



ماخذ: کاظمی، ۱۳۸۷: ۵۲

زنان به سبب محدودیت های اجتماعی، فرهنگی و نیز قوانین مذهبی حاکم بر جامعه در مقایسه با مردان امکان حضور کمتری را در فضاهای عمومی شهری موجود دارند. در واقع فضاهای موجود عموماً برای استفاده مردان طراحی شده و نیازهای خاص زنان در آنها نادیده گرفته شده است. این عدم توجه موجب شده که سلامت زنان شهری چه از جنبه جسمی و چه به لحاظ روحی مورد تهدید قرار بگیرد. اگرچه ساختار شهرهای ما بر محوریت حضور مردان شکل گرفته است اما هیچگاه برای اصلاح دیر نیست.

منابع

- اسدالهی، شیوا (۱۳۷۹)، فضای شهری میدان تبلور روابط اجتماعی و حیات مدنی (طراحی میدان جلوخان شمس العماره و بازار، کوچه مروی)، پایان نامه کارشناسی، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.
- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶)، نظرسنجی خودمآنی درباره عرصه عمومی، مجله فصلنامه معماری ایران، سال هشتم، شماره ۳۰-۲۹.
- کاظمی، مهروش (۱۳۸۷)، رویکردی تحلیلی به مقوله جنسیت و تاثیر آن در کیفیت فضا (نمونه مورد مطالعه: پارک فجر تبریز)، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۴.
- رفعیان، مجتبی و عسگری، علی (۱۳۸۱)، سالمندان و ضرورت آمایش فضاهای شهری، همایش بین المللی سالمندان، دانشکده بهزیستی و توان بخشی.
- کریر، راب (۱۳۸۴)، فضای شهری، ترجمه خسرو هاشمی نژاد، نشر خاک.
- مدنی پور، علی (۱۳۸۲)، فضاهای عمومی شهر، ترجمه علی صفوری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۴.
- What would a non- sexist city be like?, Speculations on housing, urban design and human work, in LeGates, Richard and Frederic Stout, eds, The city reader, Routledge, London.
- Gehl, J (۱۹۸۷), Life Between Buildings Using Public Space, Van Nostrand Reinhold, New York.
- www.pps.org

می باشد اما ویژگی های دیگری چون مسائل اجتماعی، روان شناختی، فرهنگی و مذهبی گاه موجبات عدم حضور بخشی از افراد به ویژه زنان را در فضاهای عمومی شهری فراهم می آورند. عامل بسیار مهم دیگر نحوه طراحی فضاهای عمومی شهری است که عموماً به جهت عدم تامین دید و امنیت، تمایل زنان را برای حضور در فضا بر نمی انگیزند. در نتیجه عدم حضور زنان در فضاهای عمومی صرف نظر از کاهش پویایی و سرزندگی شهرها، تحرک، شادابی و سلامت زنان شهری مورد آسیب قرار می گیرد. با در نظر داشتن دو مولفه اساسی کالبد و جان فضا می باید نسبت به مناسب سازی فضاهای عمومی شهری برای حضور زنان اقدام نمود. این مهم می تواند به دو شکل ممکن گردد:

الف) طراحی فضاهای عمومی شهری صرفاً برای استفاده زنان
 ب) مناسب سازی فضاهای عمومی شهری از جهت کالبد و جان فضا برای فراهم سازی زمینه های حضور زنان
 مناسب سازی یک فضای شهری با تاکید بر چهار ویژگی مطلوبیت دسترسی، آسایش و منظر، استفاده و فعالیت ها و همچنین اجتماعی بودن صورت می گیرد. زنان در انتخاب فضاهای مورد استفاده بسیار نکته سنج و سختگیر بوده و به ویژه بر جنبه های امنیتی حضور در فضا متمرکز می شوند. طراحی فضا به گونه ای که تامین کننده دید کافی بوده و نیز حضور افراد را تشویق نماید، می تواند راهکاری مناسب در برنامه ریزی شهری محسوب گردد.

راهکار دیگری که به ویژه در کشور ما (به جهت آموزه های مذهبی) مورد توجه قرار دارد، طراحی فضاهای شهری صرفاً برای استفاده زنان است که در حال حاضر عموماً به شکل بوستان نمود یافته است.

حاکم بر جامعه تعیین می شوند، با فرض بستر فرهنگی ثابت، می توان بیان نمود که جنسیتی فضا به یکی از سه طریق زیر روی می دهد:
 الف) سیاست گذاری و برنامه ریزی های کلان جامعه
 در هر جامعه بر اساس ایدئولوژی حاکم و همچنین مقتضیات آن و در راستای دستیابی به اهداف، برنامه ریزی ها و سیاست گذاری هایی در سطح کلان انجام می شود که می تواند در ایجاد فضاهای جنسیتی موثر واقع شود (مانند تدوین ضوابط و معیارها).
 ب) اقدامات عمدی یا غیر عمدی طی فرآیند طراحی
 نحوه طراحی فضا عامل مهمی در جنسیتی کردن آن محسوب می شود. این طراحی متأثر از قانون گذاران، کارفرمایان، طراحان و استفاده کنندگان است.
 ج) نحوه اشغال فضا و به کارگیری آن
 هدف از خلق فضا و تعیین موارد استفاده از آن سومین عاملی است که می تواند در جنسیتی کردن فضا موثر واقع گردد. به عنوان مثال پارک-هایی که صرفاً برای استفاده زنان ایجاد می گردد.

بحث و نتیجه گیری

زندگی در شهرهای متراکم امروزی نیاز به فضاهایی جهت آرامش و برقراری مراودات اجتماعی را روزافزون کرده است. این فضاها که ویژگی غالب آنها دسترسی عمومی برای تمام گروه های جامعه (سنی، قومی، مذهبی و غیره) است به عنوان فضاهای عمومی شهری شناخته می شوند. اگرچه در نگاه اول موضوع عمومیت در مورد این فضاها بسیار بارز



قلمرو عمومی

فضای همگانی در شهر

(بررسی نظریات هابرماس درباره قلمرو عمومی و ارتباط آن با فضای همگانی)

کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

کلاس درس

کلاس درس

کلاس درس

"حوزه عمومی" برگردان فارسی واژه “public sphere” است؛ اگرچه گاهی به جای حوزه از عرصه، سیطره، قلمرو و فضا نیز استفاده شده است. بعضی اندیشمندان فلسفه سیاسی مانند یورگن هابرماس، حنا آرنت، چارلز تیلور و سیلا بن حبیب به این موضوع پرداخته و نظریات مختلفی را ارائه کرده اند. طرح و تعمیم نظریه "حوزه عمومی" را میتوان در ادامه تلاشهای انسان معاصر برای دستیابی به عدالت اجتماعی، حق تعیین سرنوشت و تحقق دموکراسی بررسی کرد. به تعبیر هابرماس حوزه عمومی بخشی از حیات اجتماعی است که در آن شهروندان می توانند به تبادل نظر درباره موضوعات و مسائل مهم مربوط به خیر عمومی (مصالح عامه) بپردازند. نتیجه این امر شکل گیری افکار عمومی است. همچنین اساس حوزه عمومی گفتگو و بر هم کنش است و درست به همین دلیل است که (به اعتقاد هابرماس) دموکراسی اجتماعی با توسعه حوزه عمومی محقق می شود.

اگرچه با مرور ادبیات موضوع مشاهده می شود که مجموعه نهادها، موسسات، انجمن های غیر دولتی، اصناف، تشکل های مردمی و شبکه های اجتماعی، رسانه ها و مطبوعات به حوزه عمومی تعبیر می شود اما جایگاه فعالیت، ظرف زندگی و عمل جمعی، بر هم کنش و گفتگوی آنها ظرف کالبد شهر و فضای عمومی است. بنابراین فضای عمومی تحقق کالبدی حوزه عمومی است.

مرکز محله، مسجد، بازار، حمام، تکیه، زورخانه، قهوه خانه، آگورا، باسیلیکا، میدان و پلازا، سالن گردهمایی و ... از مصادیق فضاها و بناهای عمومی در معماری و شهرسازی دیروز و امروز ایران و جهان هستند.

فضای عمومی مکان بروز مخالفت ها و موافقت ها و نمایشهای شهری، برگزاری جشن ها و سوگواریهای ملی و مذهبی، محل تبادل اطلاعات و ارتباطات چهره به چهره و بر هم کنش شهروندان است. فضای عمومی مکانی متعلق به همه (شکل گیری عقل و هویت جمعی) و گشوده به روی عموم مردم است.

فضای عمومی بازتاب وضعیت حوزه عمومی است و این دو با یکدیگر رابطه دو سویه دارند. فعالیت آزادانه تشکل–های غیردولتی، اصناف، شبکه های اجتماعی، رسانه های چاپی و مجازی عامل توسعه و رشد حوزه عمومی است. حوزه ای که در ظرف فضای عمومی و به واسطه حضور مردم عینیت می یابد.

حوزه عمومی رشد یافته می تواند توسط فضاهای عمومی تقویت شود. همچنین ارتقای کیفیت فضاهای عمومی می تواند عامل دعوت شهروندان به حضور، مشارکت و گفتگو بوده و عامل رشد حوزه عمومی شود.

مقدمه

پاسخگویی به نیازهای اجتماعی انسان و تأمین فرصت های لازم در زمینه کسب تجارب اجتماعی وی مستلزم وجود فضا، ماندگاه و کالبدی است که از آن به فضای عمومی تعبیر می شود؛ فضایی است که افراد و گروههای مختلف اجتماعی در آن سهیم اند و محل تبادل نظریات و افکار آنهاست.
فوروم، آگورا، میدان ها و تکیه ها نشان دهنده وجود چنین فضاهایی از دیرباز هستند. اما گاهی ممکن است بر حسب شرایط اجتماعی و سیاسی کالبد این فضاها تغییر نماید و تبدیل به مکانهای عبور همانند خیابانها گردد.

امکان دسترسی آسان، تبادل اطلاعات، تداوم حرکت و حضور گروههای مختلف اجتماعی از خصوصیات این گونه فضاهاست.

همچنین از آنجا که فضاهای همگانی سرزنده باعث ایجاد برهم کنش، گفتگو، ارتباط و تبادل اطلاعات میان افراد و کاهش فشار روانی اقشار مختلف می گردد، در بالا بردن کیفیت زندگی شهری، رشد و توسعه قلمرو عمومی نیز بسیار مؤثرند. فیلسوفان دموکراتیک نیز بر این باورند که این فضاها تجلی کالبدی حوزه عمومی، عرصه فعالیت، ارتباط و گفتگوی انسانهای آزاد و گروه های مختلف و همچنین محل شکل گیری حیات مدنی است.

واژه شناسی

واژه "public sphere" را حوزه عمومی، عرصه عمومی، سیطره عمومی، قلمرو عمومی، قلمرو فضای عمومی و فضای عمومی ترجمه کرده اند.

لغت " عمومی" [نیز] که از واژه لاتینpopulus به معنی "مردم" گرفته شده، معنای گسترده ای دارد. واژه های معادلی که در فرهنگ آکسفورد به عنوان صفت برای این واژه آمده، عبارتند از: متعلق به مردم بودن؛ تعلق داشتن یا تمایل داشتن به یک جمعیت یا ملت یا در نظر گرفتن منافع آنها؛ کاری یا چیزی که برای یا توسط اعضای یک اجتماع منسجم محلی انجام شده یا ساخته شده؛ مجوز نمایندگی داشتن از طرف یک اجتماع منسجم محلی؛ آماده یا در دسترس یا قابل استفاده بودن یا سهیم شدن تمام اعضای آن اجتماع؛ در انحصار استفاده خصوصی نبودن؛ ... در معرض دید و مشاهده یا اطلاع عموم قرار داشتن؛ پاسخگو بودن به عموم؛ ... در حالت اسم، معانی این واژه عبارتند از: علنی؛ مکان یا حالتی باز که در دید یا دسترس همگان باشد؛ گشوده؛ جامعه ساماندهی شده؛ پلیتیک شفاف؛ ملت، کشور و ... (مدنی پور،۱۳۸۹،ص ۱۳۲و۱۳۳)

تأثیر ایدئولوژی ۱ و اندیشه سیاسی بر فضای

معماری وشهر

اندیشمندان فلسفه سیاسی از بدو پیدایش تاکنون در مورد چرایی و چگونگی زندگی انسانها در جامعه سیاسی سخن گفته اند. طرح مسأله "بهترین نوع زندگی اجتماعی" یا " بهترین رژیم سیاسی" و همچنین قدرت و نهادهای همراه آن یا قالب مدنی بی که نهادها در آن شکل می گیرند از مهم ترین دغدغه ها و پرسشش های کلیدی فلسفه سیاسی محسوب می شود.

همچنین برای فلسفه سیاسی طرح پرسش بنیادی "سیاست" با طرح رابطه میان فضا [یا حوزه] عمومی و خصوصی (جدا نکردن آن در میان کلاسیک ها و تفکیک آن در میان مدرن ها) همراه بوده است.
۲ اندیشمندانی همچون یورگن هابرماس۳ (Jürgen Habermas, ۱۹۲۹)، حنا آ ر نت ۴ (Hannah Arendt,۱۹۰۶–۱۹۷۵)، چارلز تیلور۵ (Charles Margrave

(Taylor,۱۹۳۱) و سیلاین حبیب ۶ (Seyla Benhabib,۱۹۵۰) نظرات مختلفی پیرامون "حوزه عمومی" دارند که یکی از شناخته شده ترین دیدگاهها، مربوط به هابرماس است. "هابرماس اگرچه به مکتب فرانکفورت تعلق دارد ولی برخلاف غالب نویسندگان این مکتب معتقد به دیدگاه جبری و بدبینانه از سرمایه داری متأخر نیست و راه دستیابی به افق های تازه ای از دموکراسی و مشارکت واقعی مردم در نظام سیاسی و غلبه بر محدودیت های سرمایه داری را بسته نمی بیند." (میناوند، ۱۳۸۷)

تجربه ظهور و افول حکومتها و شهرسازی پس از آن پرسشها و چالشهای جدیدی را پیش روی "عقل مدرن"، اندیشمندان، فلاسفه و جامعه شناسان این دروان قرار می داد. از جمله تغییر وضع نابرابر موجود

میان مردم و حکومت، چنانکه هابرماس می گوید:

"پس از جنگ جهانی من به سوسیالیسم گرایش پیدا کردم. به همین علت مسأله فرآیند دموکراتیک کردن قدرت سیاسی و پشتیبانی از فرهنگ سیاسی که لیبرال باشد و احترام متقابل را رعایت کند، بدل به مسأله زندگی من شد. دریافتم که سیاست گذاری عقلانی بودن مشارکت دموکراتیک مردم، قابل اجرا نیست. دستیابی به چنین مشارکتی باید از طریق فرآیندهای تصمیم گیری نهادی شده صورت پذیرد و این گونه فرآیندها باید جزئی جدایی ناپذیر از فضای عمومی اجتماعی باشند و در عین حال قابلیت دریافت امواج روابط سیاسی را نیز داشته باشند. ولی آرای عمومی خود باید با استفاده از گفت و گو و تبادل نظر ساخته شود تا بتواند نفوذی عقلانی بر سیاست داشته باشد."

بنابراین طرح و تعمیم نظریه "حوزه عمومی" در ادامه تلاشهای انسان معاصر برای دست یابی به عدالت اجتماعی – به عنوان یکی از مهم ترین آرمانهای جنبش های اجتماعی – و همچنین حاصل "غنای تجربه های تاریخی و ثمره نظری انباشتگی معرفتها" است. "حوزه عمومی در واقع ایده یا مفهومی هنجاری است که در چارچوب کلی نظریات کلی هابرماس درباره کنش ارتباطی۹ و اخلاق گفتگو۱۰ جای دارد. به نظر [او] حوزه عمومی بخشی از حیات اجتماعی است که در آن شهروندان می توانند به تبادل نظر درباره موضوعات و مسایل مهم مربوط به خیر عمومی (مصالح عامه) بپردازند. نتیجه این امر شکل گیری افکار عمومی است." (میناوند، ۱۳۸۷).

حوزه عمومی و هابرماس

[حوزه] عمومی قبل از هر چیز زندگی اجتماعی ماست که در آن به عنوان شهروندان آزاد و برابر به رسمیت شناخته می شود و جماعت سیاسی شکل بگیرد (Habermas,۱۹۹۶) پس از به رسمیت شناخته شدن، حضور، گفتگو و بر هم کنش معنا پیدا می کند. بنابراین "اساس حوزه عمومی گفتگو و بر هم کنش است." (هابرماس، ۱۳۸۴، ۵۷) ۱۱ به همین دلیل است که هابرماس معتقد است: دموکراسی اجتماعی با توسعه حوزه عمومی محقق می شود. (آزادارمکی ، ۱۳۸۴، ص ۳۱و ۳۲) با رشد حوزه عمومی، حضور آزادانه و مشارکت شهروندان در عرصه های حیات مدنی میسر و هدف دموکراسی متحقق می شود. "هدف دموکراسی در اصل دسترسی مردم به قدرت سیاسی و کنترلش به دست آنان است و در این عرصه دسترسی بیشتر اطلاعات [و تبادل آن]، دستمایه تحقق دموکراسی اصیل است زیرا این امر شهروند معمولی را قادر می سازد تا به مشارکت آگاهانه در سیاست بپردازد." (Adamme Lake, ۱۹۹۵, ۴) ۱۲

[حوزه یا] عرصه عمومی به مجموعه فضاهای عمومی، قوانین و مقررات مردمی، تشکلهای غیر رسمی [غیر دولتی] همگانی اطلاق می شود که تلاش و کوشش برای شهروندان برای تعمیم و تثبیت حقوق شهروندی، کنترل و محدود کردن دخالتهای "عرصه حکومتی" در اداره و مدیریت

شهرها، همچنین تلاش برای عمومی کردن برخی از فعالیتها و وظایف تحمیل شده به "عرصه خصوصی" را سازمان می دهد.

(مسعودی، ۱۲۸۰)

هابرماس بر [حوزه یا] عرصه عمومی نهادینه شده و نه مادی تمرکز داشته و یک عدم تعادل را با دیگری جابجا می کرد در حالیکه آرنت ۱۳ متوجه جهان مشترک مادی و نه نهادها بود. برای هابرماس، نهاد ضروری [حوزه] عمومی، روزنامه نگاری بود. علاقه او این بود که بفهمد چگونه افکار عمومی در جامعه مدرن توسط رسانه های عمومی شکل می گیرد و چگونه این فرآیند از حالت رو در رو و مناظره عقلانی و منتقدانه (که ویژگی عرصه عمومی در شکل گیری اولیه اش در قرن هجدهم بود) دور شده است. (habermas،۱۹۸۹)

بر این اساس به ارایه نظریه عمل ارتباطی می رسد که در آن نوعی گفتگو و ارتباط بین افراد را بر اساس مفهوم فراگیر عقلانیت پیشنهاد می کند. (۱۹۷۸؛ habermas، ۱۹۸۴؛ Calhoun, ۱۹۹۲؛ maccarthy) برای هابرماس عرصه عمومی در توسعه جامعه مدنی که مبدأ آن در اروپای قرون وسطی متأخر است، ریشه دارد. (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۰۱)

جامعه مدنی اگرچه مفهومی سیاسی – فلسفی است اما همواره عاملی مؤثر بر ویژگیهای کالبدی و فضایی شهرها بوده است. جامعه مدنی مفهومی است که بنابر مقتضیات زمانی و مکانی تعابیر مختلفی از آن شده است. همچنین جامعه مدنی از منظر نوگرایی و فرا نوگرایی متفاوت است. در عصری که "قطعیت" ، "جزئیت" و "باید و نباید" های مدرنیستی جای خود را به "نسبیت" ، "انعطاف" و "می تواند" ها داده است" و جامعه مدنی مبتنی بر کثرت گرایی، گفتمان، مشارکت، فرد باوری و قانونمندی دگربار با مفهومی کاملاً نو رخساره می نماید." (حبیبی ، ۱۳۷۹)

زندگی و حیات مدنی در کالبد و ظرف شهر و فضاهای عمومی آن جریان می یابد. "بدین سبب حیات مدنی به عنوان دستاورد، رشد اندیشه و درک سیاسی در برهه ای خاص از تحول و تطور جامعه، در فضاهای عمومی شهر تبلوری کالبدی می یابد، حیات مدنی بر مبنای [حوزه یا] عرصه عمومی قرار دارد و بنیادی ترین مفهوم جامعه مدنی، عرصه های حایل میان فرد و حکومت است. (همان)



شکل ۱– آگورا، نمادی از فضای عمومی باستانی



شکل ۲– فوروم، نمادی از فضای عمومی باستانی



شکل ۳– میدان امیر چخماق یزد، فضای عمومی در ایران گذشته

ارتباط حوزه عمومی و فضای عمومی

حوزه عمومی فراهم کننده شکل گیری و تحقق جامعه مدنی بوده و فضای عمومی (شهری) تجلی کالبدی حوزه عمومی است. اگرچه از مجموعه نهادها، مؤسسات، انجمن ها، اصناف و تشکلهای مردمی، رسانه ها و مطبوعات به حوزه عمومی تعبیر می شود اما جایگاه فعالیت، ظرف زندگی و عمل جمعی، بر هم کنش و گفتگوی آنها کالبد (فضای) شهر و فضای عمومی است. " فضاهای شهری نتیجه شرایط جامعه ای است که در آن به وجود آمده، از وضعیت و شرایط جامعه تأثیر می پذیرد و به واسطه انعطاف پذیری، خود را با شرایط تطبیق می دهد و یا خود را بر آن تحمیل می نماید و می تواند نقشی تازه یابد و تغییر کند و یا از بین رفته و فضای دیگر جایگزین آن شود." (حبیبی، ۱۳۷۵) در حقیقت، فضای شهری همراه با تاریخ یک ملت در دورانهای مختلف به وجود می آید، شکل می گیرد و دگرگون می شود. این عصر که فعالیتهای مختلف فرهنگی – اجتماعی – اقتصادی – سیاسی همواره در آن جریان داشته، همیشه با قلب تاریخ شهر تپیده و سرگذشت شهر را رقم زده است. (توسلی، ۱۳۷۱)

فضای عمومی در گذشته

با مرور معانی "عمومی" باید گفت "فضای عمومی" محلی گشوده به روی همه، همگانی و مشترک است که می تواند دارای مقیاس محله ای، منطقه ای یا شهری باشد. از ویژگیهای عملکردی و رفتاری فضای عمومی حضور آزادانه افراد در آن برای گردش و تفریح، برگزاری مراسم اعتراضی و مذهبی، نمایشهای محلی، موسیقی زنده، برپایی یادمان و تجدید خاطر، بر هم کنش، هم اندیشی و گفتگو است.

فضای عمومی در جهان باستان

آگورا و فوروم در یونان و روم باستان معرف این فضاها هستند: "فضای تجلی اندیشه ها و رفتارها و رابطه های آزاد میان شهروندان یونان در نقاط مختلف شهرهایی که زاده فرهنگ یونانیان در سده ۴ تا ۶ پیش از میلاد ساخته می شود. بازمانده هایی کالبدی از آگورا را در این شهرها هنوز می توان یافت و به تنوعی شکلی و ترکیب آنها پی برد. (فلامکی، ۶۰، ۱۳۷۱).

"در واقع "آگورا" ظرفی فراگیر برای زندگی اجتماعی شهر تلقی می شده

است." آگورا به عنوان قلب شهر و فعالیتهای مدنی آن ... کانونی برای یکپارچه کردن زندگی شهری بود. (مدنی پور، ۱۳۸۹، ۲۲۳) همچنین فعالیتهای اصلی که در فوروم ها صورت می گرفتند عبارت بودند از : برگزاری امور اداری شهروندان، انجام امور تجاری و انجام امور سیاسی و گاه بخشی از امور مذهبی. (فلامکی، ۱۳۷۱، ۶۲) بنابراین آگورا و فوروم "محدوده فضایی" خاصی برای گردهمایی آزاد شهروندان بودند.

فضای عمومی در ایران گذشته
در ایران گذشته در "اجتماع منسجم محلی" ، مرکز محله محل تبادل اطلاعات و [مکان] بر هم کنش و دیدار اعضای محله بوده است و در مقیاس شهر، بازار، مسجد، حمام، تکیه، قهوه خانه و زورخانه. نمونه بارز فضای عمومی میدان نقش جهان اصفهان و میدان بهارستان تهران (بوده) است. فضای عمومی به طور کلی محلی برای حضور افراد و گروههای متفاوت، شکل گیری یا پدیدار شدن شبکه های مختلف اجتماعی، عرصه ارتباطات غیر شخصی، "فضای حضور همزمان و همبودی یعنی جایی که بازیگران متفاوت در مکانی مشترک قرار می گیرند و جایی که فرد در چارچوب مجموعه ای از امور مشترک و مورد توافق، آزادانه رشد می کند." (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۱۰)

فضای عمومی در ایران امروز

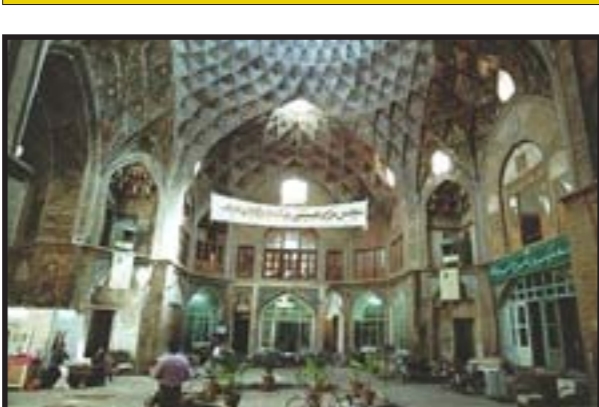
در شهرهای امروزی که بیشتر محله ها از بین رفته اند فضای عمومی مشوق "با هم بودن" ، ایجاد پیوندهای اجتماعی جدید و ممانعت از انفجار و گسیختگی بافت اجتماعی، محلی برای حضور، دیده و شنیده شدن همه صداها، رشد افکار عمومی، شکل گیری هویت و خرد جمعی و تجلی دموکراسی در جوامع متکثر است. (همان ، ۲۱۱ تا ۲۲۰)

"چنین فضاهایی به اعتبار اینکه مکان سرمایه گذاری های مشترک فرهنگی – اجتماعی و روانی – عاطفی (کلیه قشرها اجتماعی) خواهند بود، ذهنیت

جامعه مدنی را عینیت خواهند بخشید ... چنین فضاهایی امکان کالبد یافتن اندیشه ها، بروز رفتارهای اجتماعی و شکل گیری مردمی را فراهم آورده و روابط شهروندی را تسهیل می نمایند و به مکانهای کار، تفریح، تبادل اطلاعات، تظاهرات اجتماعی – فرهنگی – سیاسی – اقتصادی جامعه تبدیل می شوند. مکان بروز مخالفتها و موافقتها و نمایشهای



شکل ۴– میدان نقش جهان اصفهان، فضای عمومی در ایران گذشته



شکل ۵– تیمچه امین الدوله، بازارکاشان، " با حضور در چنین فضاهایی امکان "کسب تجربه مشترک با نسلهای پیشین فراهم می گردد



شکل ۶– تئاتر شهر تهران، نمونه ای از فضای عمومی در کنار بنای عمومی؛ برگزاری گردهمایی ها، جشن ها و آیین ها

شهری، مکان برگزاری جشن ها و سوگواریهای ملی و مذهبی و دیگر حادثه ها و اتفاقات شهری (حبیبی، ۱۳۷۹)

در واقع "فضای عمومی (از هر نوع همچون میدان، کافه یا خیابان) نماینده تعلق جمعی، مبادله اجتماعی و برخورد غیر رسمی است.... در اینجا "عمومیت" یک مکان ، مسأله ای [درباره] اینکه چه کسی مالک آن است، نیست. بلکه [مسأله بر سر] حس زندگی عمومی ای است که تولید می کند." (تانکیس، ۱۳۸۸، ۱۰۴)

در شهرهایی که امروز در آنهازندگی می کنیم با کمبود فضاهایی روبرو هستیم که برای حضور مردم و شکل گیری خاطره، احساس تعلق به مکان، تشویق به حضور اجتماعی آنان و گفتگو با یکدیگر طراحی شده باشند؛ فضاهایی برای افزایش پیوند، انسجام و سرمایه اجتماعی.

فضای عمومی و شکل

گیری محل خاطره

فضای عمومی محل خاطره است : " فضای شهری بستری است که حیات مدنی در آن جریان می یابد؛ واقعه ها و حادثه ها رخ می دهند، واقعه ها و حادثه هایی که حیات مدنی را به حیات اقعه ای تبدیل کرده سبب می گردند تا خاطره شکل گیرد و ذهن محل انباشت خاطره گردد. خاطره هیچگاه بی واقعه در خیال نقش نمی بندد و آن چه در ذهن و آن زمان یا حادثه پایان می پذیرد و روزها و سالها از آن می گذرد، آن چه در ذهن باقی می ماند، فضایی است که واقعه یا حادثه در آن رخ داده است، فضایی خالی از ماده ولی مملو از صورت"(حبیبی،۱۳۷۸)

گاهی اجرای یک مراسم آیینی عامل شکل گیری خاطره در خیال است(همچون عزاداری و نخل گردانی در مقابل تکیه (میدان امیر چخماق) گاهی حضور شادمانه مردم در یک جشن ملی پیروزی (حضور مردم در خیابان پس از برد تیم ملی فوتبال مقابل تیم استرالیا در سال ۱۳۷۶

فضای عمومی مشوق حضور اجتماعی

گرچه ایده ها و دیدگاهای متفاوتی (از تمرکز بر ملاحظات محیطی– رفتاری تا تأکید بر گسترش پیاده مداری) نسبت به فضای عمومی وجود دارد (کاشانی جو،۱۳۸۹) اما آنچه بیشتر در این بحث مورد اهمیت است

جدول ۱- صاحب‌نظران با رویکرد تقویت بر هم کنش‌ات اجتماعی. منبع: کاشانی جو، ۱۳۸۹.

ردیف	نظریه پرداز	سال	عنوان متن/نظریه	مفاهیم کلیدی
۱	حنا آرن‌ت	۱۹۵۸	شرایط انسانی	قلمرو عمومی عامل اصلی برون‌گری و زندگی سیاسی و عمومی
۲	پاول زوکر	۱۹۵۹	شهر و میدان	میدان عامل تبدیل جامعه به اجتماع نه صرفاً محل تجمعی از افراد
۳	جین جکوبز	۱۹۶۱	مرگ و زندگی شهر های بزرگ امریکایی	پیاده روها عامل ایجاد امنیت و تقویت بر هم کنش‌ات اجتماعی
۴	ویلیام وایت	۱۹۸۰	زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک	تأکید بر نقش اجتماعی فضاهای شهری
۵	یان گل	۱۹۸۷	زندگی در میان ساختمانها	سه گروه فعالیت در فضای شهری؛ ضروری، انتخابی، اجتماعی
۶	اولدنبرگ	۱۹۸۹	مکان خوب؛ کافه ها، کافی شاپها و دیگر پاتوقها در قلب یک اجتماع	تأکید بر عرصه های عمومی شهر به عنوان مکان سوم (خانه و محل کار؛ مکان اول و دوم)
۷	کلر کوپر مارکوس	۱۹۹۰	مکانهای مردمی	ارزیابی محیط سکونتی و معرفی فضاهای شهری هفتگانه

می تواند مابین ساختمانها (همچون خیابان و پیاده رو) باشد یا محوطه محدوده ای طراحی شده برای جذب مردم و یا احترام به شأن اجتماعی آنها. گاهی فضای عمومی می تواند در ترکیب با یک بنای عمومی تبدیل به "پاتوقی شهری" شود همچون فضای عمومی پیوسته با طاق دفانس یا ژرژیمیدوی پاریس، یا تالار شهر تورنتو.

در این فضا، قلمرو مشترک شهروندان، عرصه ای برای بر هم کنش‌ات و کنش‌های اجتماعی معطوف به خیر عمومی و زمینه های لازم برای تأمین حقوق اجتماعی شهروندان و حل مشکلات جمعی فراهم می شود. فضایی که در نتیجه حضور آزادانه مردم در آن نوعی گفتگو شکل می گیرد.

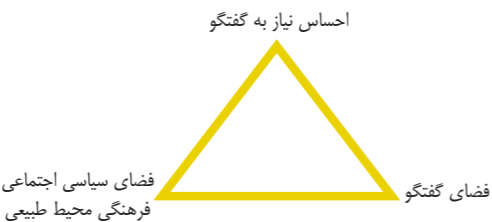
فضای عمومی به مثابه فضای گفتگو

اگرچه فضای عمومی، فضای بر هم کنش و گفتگو است اما باید درباره چیستی "گفتگو"، احساس نیاز به آن و فضای گفتگو تأمل کرد. گفتگو،

با سخن گفتن، سخنرانی، مباحثه یا مناظره متفاوت است. گفتگو فراتر از تبادل اطلاعات و برخورد چهره به چهره یا رد و بدل اخبار روزمره است.

محصول یک گفتگوی پر ثمر که به منزله ملاقات دو روح، برخورد دو اندیشه و دیدار دو جان است تنها مبادله اطلاعات نیست بلکه نتیجه آن تغییر در واقعیات موجود و خلق واقعیات های نو، ارتقای مخاطبین به ترازهای معرفتی جدید و پدید آمدن منظرهای تازه برای سیر در عرصه های نظر و عمل است ... توجه گسترده به گفتگو به مثابه یک روش یا ابزار که می تواند در اندیشه و عمل مخاطبان تأثیر بگذارد امری نو پدید است. (پوریا، ۱۳۷۱) در فضای گفتگو آگاهی به ظهور می رسد و فضای عمومی باید فضای گفتگو و آگاهی باشد. فضای گفتگو یکی از لوازم تحقق گفتگو میان شهروندان است. اما به راستی گفت و گو چگونه در شهر و فضای شهری تحقق می یابد؟

"در شهر بزرگی همچون تهران بسیار مشکل است نظم دیکته شده ای را حاکم کرد، ولی اگر



شکل ۸- مثلث گفتگو مأخذ: رضویان، ۱۳۸۰

در هسته های کوچک شهری در سطح محلات متمرکز شویم میسرتر خواهد بود و هویت بخشی در محلات و حرکت افقی و از پایین کارآمدتر و نتیجه بخش تر خواهد بود. این امر با ایجاد گفتگو و بر هم کنش اجتماعی بین شهروندان صورت پذیر است. این گفت و گو مستلزم ایجاد فضای گفت و گو است و فضای گفتگو می تواند پیاده رو مناسب، پارک، فرهنگسرا، سایت های اینترنتی ارتباط محلی مستقر در مراکز فرهنگی، پارک های علمی - آموزشی، کتابخانه، نمایشگاه و سالن های کنسرت، تئاتر، موسیقی، کافه های اینترنتی، فضای مذهبی مسجد، تکیه، حسینیه، سقاخانه، جشنواره، مراسم مذهبی، تفریح، کارناوال، سمینار، مجله یا رسانه های خبری باشد. فضاهای گفت و گو ایجاد کننده کثرت گرایی شهروندی است و کثرت گرایی شهروندی یعنی فضایی که اخلاق مدنی بتواند شکل بگیرد و روابط بین شهروندان به صورت مسؤولانه مطرح شود. (حبیب، ۱۳۸۵) با رشد و بالندگی حوزه عمومی و جو سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که خود بستر نقد و توزیع مناسب قدرت، مفاهمه و بر هم کنش میان حاکمان و مردم هستند انگیزه و احساس نیاز به گفتگو افزایش می یابد و تحقق کالبدی فضای گفتگو می تواند گامی مؤثر در تکمیل حلقه "گفتگو" باشد.

ویژگی های کالبدی فضاهای عمومی

در پایان باید اشاره نمود که فضای عمومی جهت تحقق گفتگو و مکان خاطره وقتی شکل می گیرد که در آن نوعی حیات جمعی در جریان باشد و فضای عمومی اجتماع پذیری داشته باشیم. چنین فضایی در کالبدی

با ویژگی های زیر فراهم می آید:

۱-تأمین قلمرو (مانند ایجاد فضاهای مناسب جهت نشستن، مکث و یا تأمل در فضا)

۲-تأمین امنیت (کنترل دسترسی وسایل نقلیه و امنیت پیاده)

۳-ایجاد ساختار منسجم (دسترسی به فضاها به لحاظ بصری و کالبدی)

۴-تداوم و خوانایی مناسب

۵-قابل پیش بینی بودن فضاها (راه ها و ارتباطات فضایی مناسب در هدایت کاربران به درون فضا)

۶-ایجاد تسهیلات مناسب در فضا (پیش بینی عناصر عملکردی در کنار ابعاد زیبایی شناسانه آن، پیش بینی فعالیت های جاذب و ارتباط با سیستم حمل و نقل شهری)

۷-بر هم کنش‌ات اجتماعی (ایجاد فضاهای کانونی جهت تجمع افراد)

۸-تأمین شور و هیجان محیطی (دانشپور، ۱۳۸۶)

فضای عمومی و سرمایه اجتماعی

رابرت پونتام (Puntam، ۱۶۷:۱۹۹۳) سرمایه اجتماعی را اعتماد دو شبکه های گسترده اجتماعی می داند که مشارکت را برای منافع چند سویه تسهیل می نماید. سرمایه اجتماعی، هنجارها و شبکه های ارتباطی در جامعه مدنی است که همکاری ها و اقدامات یکدست بین شهروندان و نهادهایشان را تسهیل می کند. بدون عرضه کافی سرمایه اجتماعی (یعنی عدم وجود ارتباط مدنی) نمی توان انتظار داشت که نهادهای سالم جامعه، رفتارهای هنجاری متقابل و اعتماد به هم دوام یابد. (puntam، ۱۹۹۸:۷)

سرمایه اجتماعی حاصل انسجام، ارتباط، برهم کنش و تماس های اجتماعی، احساس یکپارچگی و به هم پیوستگی یک جمع یا ملت است. شکل معماری و شهر به عنوان ظرف زندگی انسان می توانند تماس ها و روابط میان افراد و ایجاد پیوند میان آنها را افزایش دهد. شکل گیری سرمایه اجتماعی در یک فضای شهری از ارتباط نزدیکی با دیگر سطوح سرمایه مانند سرمایه طبیعی، فرهنگی و انسانی دارد، چنانکه نمی توان



شکل ۹- میدان ترافالگار: محل حضور شبکه های اجتماعی مختلف



شکل ۷- (میدان التحرير (آزادی) قاهره: از روزهایی که تجمع بیش از ۵ نفر ممنوع بود تا حضور انبوه و غیر قابل پیش بینی مردم

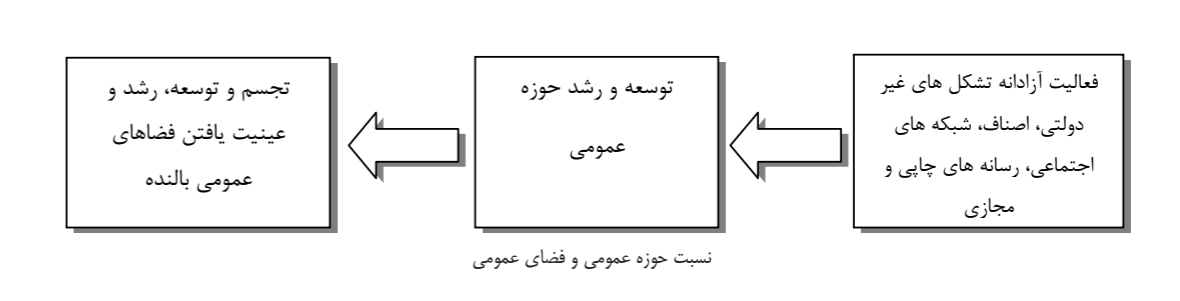
انتظار داشت که یک فضای شهری نتواند از لحاظ آسایش کالبدی و امنیت حاکم بر فضا به شهروندان پاسخگو باشد ولی بتواند با انباشت و گردهم آوردن شهروندان زمینه [برهم کنش] سازنده اجتماعی و ارتقای سرمایه اجتماعی را فراهم آورد.

فضای شهری با توجه به ظرفیت و ویژگیهای خاص خود برای حضور مردم و گردهمایی، برگزاری جشن ها ، آیین ها و گفتگوهای اجتماعی و فرهنگی اساسی ترین بستر مکانی برای شکل گیری سرمایه اجتماعی و بهبود میزان آن به شمار می رود." (پور جعفر و دیگران،۲۸:۱۳۸۸)

در راستای تبیین جایگاه فضاهای عمومی شهری از افزایش سرمایه اجتماعی در ساختار شه‌ری تجارب گوناگونی در سطح جهانی درباره فضاهای عمومی شهری صورت گرفته است، در حالی که در ایران هنوز تحقیقی به صورت جامع و مرتبط با این امر صورت نگرفته است (همان:۳۳)

جمع بندی و نتیجه گیری

در "حوزه عمومی" یا "عرصه عمومی" افکار عمومی شکل می گیرد و افکار عمومی و تبادل نظر یا نقد حاصل گفتگو و بر هم کنش میان شهروندان است. به عقیده هابرماس اساس حوزه عمومی گفتگو، بر هم کنش (آزادارمکی، ۱۳۸۴، ۵۷) و ارتباطات رو در رو (مدنی پور، ۱۳۸۹، ۲۱۹) است. به همین دلیل او معتقد است که دموکراسی اجتماعی با توسعه حوزه عمومی محقق می شود." [حوزه] عمومی ریشه در جامعه مدنی دارد" و از نظر هابرماس بین عرصه خصوصی فرد و عرصه حکومت قرار می گیرد. بنابراین حوزه عمومی مفهومی سیاسی – فلسفی است که با زندگی اجتماعی شهروندان مرتبط است. در واقع می توان گفت " [حوزه] عمومی از دو بعد کالبدی و سازمانی برخوردار است. (همان) که تحقق بعد کالبدی آن فضای عمومی است. عمومی معنای متعلق به همه مردم، مشترک بین جمع یا گشوده به روی همگان. مراکز محلات، میدان، پلازا، پیاده رو، بازار، صحن مسجد، آگورا و فوروم از مصادیق دیروز و امروز فضاهای عمومی در شهرهای ایران و جهان هستند. در فضای عمومی،حیات مدنی جریان دارد و خاطره احساس تعلق به مکان، زندگی و هویت جمعی، بر هم کنش و گفتگو شکل می گیرد و گاه نماد دموکراسی و تجلی حضور آزادانه مردم محسوب می شود. در فضای عمومی شبکه های مختلف و متکثر اجتماعی وحدت می یابند و می توانند به مشارکت در اداره امور شهر و "نظارت همگانی" ترغیب شوند. ۱۵ فضای



شکل ۱۰– نسبت حوزه عمومی و فضای عمومی مأخذ: نگارندگان

عمومی می تواند محلی برای آموزش مسایل مربوط به شهروندی (حقوق و وظایف) و همچنین عامل ارتقای "کیفیت زندگی"۱۶ باشد، شاخصی که در شهر تهران در مقایسه با دیگر شهرهای جهان رتبه نامناسبی دارد.

فضای عمومی تحقق کالبدی حوزه عمومی و ظرفی است که زندگی اجتماعی، گفتگو و بر هم کنش در آن شکل و معنا پیدا می کند. در حوزه عمومی

شکل ۱۱– نسبت حوزه عمومی و فضای عمومی مأخذ: نگارندگان

و فضای عمومی است که افکار و آرای عمومی شکل می گیرد. همچنین حضور مردم و مشارکت آنهاست که این دو را معنا و غنا می بخشد. (می توان گفت) فضای عمومی بازتاب وضعیت حوزه عمومی جامعه و نیز عنصری کالبدی در راستای تحقق مفهوم جامعه مدنی است. به همین دلیل رشد، توسعه و بالندگی حوزه عمومی عاملی تأثیر گذار بر عینیت یافتن فضاهای عمومی هستند.

"شکل گیری عرصه های عمومی در شهرها مبتنی بر تفکر و بینشی

است که [همه] ساکنان شهر را صرف نظر از طبقه و جنس و خاندان، واجد حقوق برابر می داند و عنوان شهروندی به آنها اطلاق می کند."

(حسام، ۱۳۸۰) همچنین مدیریت مشارکت محور و دولت محلی (که از نتایج و ثمرات کوچک شدن دولت است) می تواند مسیر رسیدن به فضاهایی همگانی و متناسب با بافت اجتماعی هر محله یا منطقه را تسهیل کند.

یادداشتها

۱– برای اطلاع بیشتر ر.ک.به: "معماری و ایدئولوژی"، فصلنامه معماری ایران (ما)، دوره اول، شماره ۳+۴، زمستان ۱۳۷۹–بهار ۱۳۸۰. ص ۶ تا ۴۲.

۲– جهانگلگو، رامین. به نقل از : ادنانی، روح ا..، تالار شهر اندیشه

که [پس از] فرار از آلمان نازی مطالعات خود را از فلسفه به سیاست تغییر داد و بر تحلیل استبدادگرایی متمرکز شد. آرن‌ت از طریق تحلیل پدیدارشناسانه سه نوع فعالیت را که برای بشر اساسی هستند شناسایی می کند: کوشش، کار و عمل [که از این میان] عمل مربوط است به تجمع آرای افراد مجزا از هم که شرط "زندگی سیاسی" است. ((Arendt,۱۹۵۸:۷. به نقل از : مدنی پور، علی، فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه نوریان، فرشاد، سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران،۱۳۸۹.ص ۱۹۵.

۱۴– میز گرد، "فضای گفتگو در شهر"، ماهنامه شهرداریها، سال ۳، شماره ۳۰، آبان ۱۳۸۰.

۱۵– "دو پیش نیاز نظارت [همگانی] یعنی اطلاعات و ارتباطات به نقل از : بهزادیان نژاد، قربان، "نظارت مستلزم فرهنگی پویا است"، نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی (مجموعه مقالات) شهرداری تهران، ۱۳۸۷.

۱۶– Quality Of life

۱۷– از نگاه موسسه بین المللی مرسر در سال ۲۰۰۹ وین دارای رتبه اول (شاخص کیفیت زندگی) و تهران دارای رتبه جهانی ۱۷۸ است. به نقل از : " بررسی تطبیقی نظارت همگانی در ایران و جهان"، همایش ملی نظارت همگانی (راهبردها و راهکارها)، جلد دوم، ۱۳۸۹،ص ۴۵ و ۴۶.

منابع

۱– گودسل، چارلز، (۱۳۸۶)،"مفهوم فضای عمومی و جلوه های مردم سالارانه آن"، ترجمه هدیه نوربخش، فصلنامه معماری ایران، دوره هشتم، شماره ۳۰+۲۹، تابستان و پاییز.

۲– پارکینسن، جان، (۱۳۸۶)، "دموکراسی معماری و فضای همگانی"، ترجمه سحر قاسمیان، فصلنامه معماری ایران، دوره هشتم، شماره ۳۰+۲۹، تابستان و پاییز.

۳– مدنی پور، علی، (۱۳۸۹)،فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.

۴– مدنی پور، علی،(۱۳۸۷)، طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی)، ترجمه مرتضایی، فرهاد. انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری. چاپ سوم.

۵– آزاد ارمکی، تقی،(۱۳۸۴)، پاتوق و مدرنیته ایرانی. نشر لوح فکر.

۶– تانکیس، فرن،(۱۳۸۸)، فضا، شهر و نظریه اجتماعی (مناسبات اجتماعی و شکل های شهری). ترجمه حمیدرضا پارسی و دیگران. انتشارات دانشگاه تهران.

۷– – – –، (۱۳۷۹)،"معماری و ایدئولوژی" فصلنامه معماری ایران، دوره اول، شماره ۳+۴، زمستان و بهار .

۸– دانشپور، عبدالهادی و دیگران،(۱۳۸۶)، "فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی"، فصلنامه باغ نظر، سال ۴، شماره ۷. بهار و تابستان.

۹– لاری بقال، کیانوش. (۱۳۸۰)،"اصول طراحی فضای مطلوب در شهر"، ماهنامه شهرداریها، سال سوم، شماره ۳۰، آبان.

۱۰– اکبری، غزنفر.(۱۳۸۰)،"روابط اجتماعی و فضاهای عمومی شهر"، ماهنامه شهرداریها، سال سوم، شماره ۳۰، آبان.

۱۱– هاشم نژاد، هاشم.(۱۳۸۰)، "فضای شهری سند تاریخی شهر و شهروندان"، فصلنامه معماری و فرهنگ. سال هفتم، شماره ۲۴.

۱۲– حبیبی، فرح. (۱۳۸۰)،"فضای شهری بستر تعامل اجتماعی (تعامل اجتماعی رویکردی به پایداری)" فصلنامه معماری و فرهنگ. سال هفتم، شماره ۲۴.

۱۳– کارمونا، میتو و دیگران، (۱۳۸۸)، "مکانهای عمومی فضاهای شهری، ابعاد گوناگون طراحی شهری". ترجمه قداثی، فریبا و دیگران، انتشارات دانشگاه هنر،

۱۴– میزگرد، (۱۳۸۰)،" فضای گفتگو در شهر"، ماهنامه شهرداریها، سال سوم، شماره ۳۰، آبان.

۱۵– اخوت، ارش،(۱۳۸۸)، "مردم واری بناهای عمومی"، فصلنامه معماری ایران، دوره پنجم، شماره ۱۸. پاییز.

۱۶– مهدوی، شهرزاد،(۱۳۸۸)،"حیات مشترک شهری و حقوق شهروندان"، فصلنامه معمار، شماره ۵۷، مهر و آبان.

۱۷– حسام، فرحناز.(۱۳۸۰)،"حوزه عمومی و تجلی آن در کالبد شهر". ماهنامه شهرداریها، سال سوم، شماره ۳۰، آبان.

۱۸– مسعودی، کیومرث،(۱۳۸۰)،"فضاهای عمومی شهری جایگاه تعامل اجتماعی" ماهنامه شهرداریها، سال سوم، شماره ۲۶، تیر.

۱۹– حبیبی، محسن.(۱۳۷۹)،"جامعه مدنی و حیات شهری". فصلنامه هنرهای زیبا، شماره هفتم. تابستان.

۲۰– حبیبی، محسن. (۱۳۷۸)،"فضای شهری، حیات واقعه ای و خاطره های جمعی"، مجله صفه، سال نهم، شماره ۲۸. بهار و تابستان.

۲۱– ماجدی، حمید و دیگران،(۱۳۸۵)، "عرصه عمومی فضای روابط فرافردي و میان فردي". فصلنامه آبادی، شماره ۵۱، تابستان.

۲۲– کارل هدن، مایکل و دیگران،(۱۳۷۵)،"دموکراسی و آرمانشهر، گفتگو با یورگن هابرماس"، ترجمه پرویز صداقت، فصلنامه معماری و شهرسازی، دوره ششم، شماره ۸ و ۹. بهمن و اسفند ، فروردین و اردیبهشت.

۲۳– مدنی پور، علی.(۱۳۸۲)،"فضاهای عمومی شهر". ترجمه علی صفوی، فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۱۴. تابستان.

۲۴– ادنانی، روح الله، (۱۳۸۹)،"تالار شهرجدید اندیشه (شهریار)"، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین. دانشکده عمران و معماری. استاد راهنما: دکتر نوروزیان. استاد مشاور: مهندس جمال الدین سهیلی.

۲۵– خوارزمی نژاد، علی (۱۳۸۸)، طراحی تالار شهر اردبیل با رویکرد پایداری اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده عمران و معماری، دانشگاه آزاد قزوین، استاد راهنما: دکتر ایمان رئیسی، استاد مشاور: دکتر کاوه بذرافکن.

۲۶– ملا، سلمه. (۱۳۸۹)،"سرای حضور". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علم و تحقیقات تهران. دانشکده هنر و معماری. استاد راهنما: دکتر محمد نقی زاده. استاد مشاور: دکتر سید غلامرضا اسلامی.

۲۷– پایا، علی.(۱۳۷۷)،"معجزه گفتگو". مجله راه نو. سال اول. شماره ۵.

۲۸– توسلی، محمود و دیگران. (۱۳۷۱)، "طراحی فضای شهری". جلد اول. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

۲۹– جهانگلگو، رامین،(۱۳۸۵)، نقد عقل مدرن. ترجمه حسین سامعی، انتشارات فرزان روز.

۳۴۱ – "John Parkinson," Holistic Democracy and Physical Public Space", University of York, London, ۲۰۰۶.

سیطره‌ی خزن‌دهی ارابه‌ها بر پیکر شهر

عباس جلالی



زمینه‌ی سند با آمدن متفقین به ایران، دگرگونی‌های بزرگ اجتماعی و جمعیتی در این سرزمین آغاز گردید. کمبود و گاه نبود غله برای (آرد و نان) نا امنی راهها قحطی سال ۱۳۲۱ را در حکومت قوام‌السلطنه پیش آورد. از آنجا که به هر روی در پایتخت ایمنی، بیشتر می‌نمود و دسترسی به خواربار بیشتر از نقاط قحطی زده چون آذربایجان و کردستان بود. سیلی از مهاجران به سوی تهران روان گردید که بیشتر از استانهای آذربایجان باختری، خراسان، همدان و دیگر مناطق باختری کشور بودند. این کوچ و مهاجرت افزایش بی‌رویه‌ی جمعیت و در پی آن رشد ناپه‌نجان و بی‌نقشه‌ی گستره‌ی تهران را آغازید.

شهر تهران که در ۱۳۱۷ خورشیدی از شمال به خیابان شاهرضا (انقلاب) از خاور به کارخانه برق جدید زاله (شهدا) از جنوب به ایستگاه راه‌آهن و از باختر به باغشاه بسته می‌شد، یازده سال بعد (در ۱۳۲۸) از شمال به آبادیه‌های امیرآباد، یوسف‌آباد، عباس‌آباد، حشمتیه؛ از خاور به تهران‌نو، دوشان‌تپه و دولاب از جنوب به گودهای جنوبی شهر (مانند خزانه) و از باختر به آبادیه‌های طرشت، جی، بریانک و امامزاده حسن (جنوب مهرآباد) رسیده بود. این گسترش شهری خود به افزایش جمعیتی حیرت‌آور انجامید، چندانکه جمعیت ۷۰۰ هزار نفری تهران در سالهای پایانی فرمانروایی رضاشاه (فر ۱۳۰۰ - ۱۳۲۰ خ) در سرشماری ۱۳۳۵ به بیش از دو برابر، یعنی ۵/۱ میلیون رسید. این جمعیت میلیونی در ظرف ۱۰ سال باز هم دو برابر شد و در سرشماری ۱۳۳۵ جمعیتی ۲،۷۱۲،۹۴۴ نفری را برای پایتخت ایران رقم زد. این افزایش شگفت با نیازهای شدید برای ترابری بار و مسافر روبرو بود.

خودروهای امریکایی و انگلیسی مانند استودیبیکر، واکس هال، پاکارد، شورولت، جمس، خودرو آلمانی بنز و خودرو روسی پابدا جاده‌های خالی را در می‌نوردیدند و نیاز به وسیله‌ی نقلیه در شهر و جاده‌های برونشهری روز به روز بیشتر می‌شد. نیازهای دو سوپه به خودرو ظریف و راحت و پر شتاب و نیاز یک چنین خودروهایی به راه آسفالت، سبب شد که در ازای راههای آسفالتی از ۱۱۶ کیلومتر در ۱۳۳۴ خورشیدی به ۷۶۲۴ کیلومتر در بهار سال ۱۳۴۶ (به بیش از ۶۵ برابر) برسد.

در ۱۲ مهرماه ۱۳۴۱ رخدادی بزرگ در تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران روی داد. برادران خیامی که در کار وارد کردن خودرو از آنسوی آبها بودند و نمایندگی جیب ویلیز و ... را در دست داشتند، شرکت ایران ناسیونال، بزرگترین کارخانه‌ی خودرو سازی در ایران را شالوده ریختند. جای این شرکت در خیابان اکباتان و هدفش تولید انواع خودرو بود. این کارخانه در ۱۴ خرداد ماه سال بعد (۱۳۴۲) کار خود را آغاز کرد. ایران ناسیونال در ۲۸ اسفند ۱۳۴۲ بهره‌داری رسید و پهلوی دوم همراه با ملکه دلیبا آن را افتتاح نمود. سال ۴۲ رخدادهای سیاسی فراوانی را با خود داشت، اما رخدادهای فرهنگی و اقتصادی چندی نیز زاده شد. بازگویی آنها می‌تواند شرایط تولد چنین رویدادی را روشن سازد. در ۱۲ و ۱۳ فروردین ماه آرامگاه نادرشاه افشار (در مشهد) خیام و کمال‌الملک (در نیشابور) گشایش یافت. ۲۴ فروردین عوارض دروازه‌ی [باج‌راه] لغو گردید.

۱۸ خرداد ماه چاپ و انتشار کتابهای درسی به وزارت فرهنگ واگذار شد.
 ۱۹ تیرماه قرارداد ایجاد صنایع پتروشیمی در ایران با فرانسه امضا شد.
 ۳۱ مردادماه دانشسرای عالی برپیده شد و بجای آن دانشگاه تربیت معلم تشکیل گردید.
 ۴ شهریور لایحه‌ی قانونی تشکیل "انجمنهای ده و اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات" به تصویب هیأت وزیران رسید.
 ۶ شهریور، هیأت وزیران آیین‌نامه اجرایی "قانون ملی شدن جنگلها" را تصویب کرد.
 ۱۰ آذرماه کنفرانس توسعه‌ی روابط بازرگانی با کشورهای عربی و شیخ‌نشینهای خلیج فارس در تهران گشایش یافت.
 ۹ بهمن‌ماه، "سپاه بهداشت" به منظور خدمات درمانی در روستاها تشکیل شد.
 ۱۷ اسفند، لایحه‌ی وزارتخانه‌ی نوبنیاد که عبارتند از "وزارت اطلاعات"، "وزارت آب و برق" و "وزارت آبادانی و مسکن" به مجلس شورای ملی تقدیم شد.

(سند شماره ۱)





بررسی سند

" ۲۸ اسفند آخرین چهارشنبه سال برای محیط صنعتی نوین ایران یک روز خوش بود ... کارخانه‌ای افتتاح گردید که در پیشرفت صنعت و در اقتصاد و تجارت ایران سهم مؤثری خواهد داشت. اولین اثرش این خواهد بود که در همین امسال تقریبا ۳۸ میلیون تومان ارز برای کشور صرفه‌جویی خواهد نمود و به زودی تا سه هزار نفر مهندس و کارگر را به کار وادار خواهد کرد ... این یک واحد صنعتی مرکب از چند کارخانه مختلف می‌باشد ... که در جاده کرج قرار دارد ... "

(سند شماره ۱).

در اردیبهشت ماه ۱۳۴۶ بهره‌برداری از تأسیسات ساخت اتومبیل پیکان آغاز شد که با گواهینامه‌ی کارخانه‌ی تالبوت انگلستان تولید می‌شد. در سالهای بعد بهره‌برداری از خط تولید مینی‌بوس بنز ۳۰۹ و خط تولید اتوبوس ۳۰۲ و خط تولید وانت آغاز گردید. در همان سال سواری‌های آریا و شاهین با گواهینامه‌ی رامبلر در کارخانه‌ی پارس خودرو و سال بعد سواری ژپان با گواهینامه‌ی سیتروئن فرانسه در سایپا تولید و وارد خیابانها شد و تولید خودرو سواریهای دیگر بیوک، کادیلاک و شورولت نوا با گواهینامه جنرال موتورز امریکا آغاز گردید و این شروع تولید سیل آسای خودرو در ایران بود که خیابانهای پایتخت و دیگر شهرهای بزرگ را به زیر سیطره‌ی خود می‌کشید. با تولید روزانه ۴ دستگاه اتوبوس شمار آن رفته‌رفته چندان فزونی گرفت که در عرض شش سال به کشورهای دور و نزدیک هم صادر می‌شد. در شهریور ماه ۱۳۵۰ یکصد دستگاه به کویت و در مرداد ماه همان سال ۳۰۰ دستگاه مینی‌بوس به رومانی و چندی بعد به اردن نیز فرستاده شد.

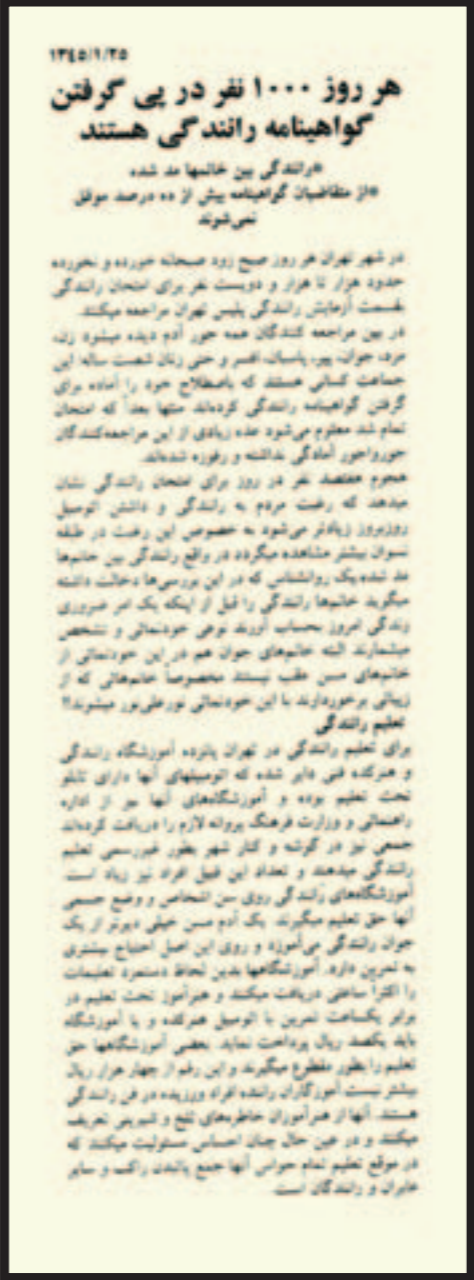
پیامدها

این افزایش ناگهانی و انفجارآمیز برای خیابانها غیر استانده، پیامدی به جز بالا رفتن شمار کشتگان رخدادهای رانندگی را نداشت، چندانکه در مرداد و دی ماه همان سال شمار کشتگان به بیش از ۶۵ نفر در تهران، یعنی روزانه دو نفر رسید و با همه‌ی تلاشهای راهنمایی و رانندگی و پلیس‌راه که نهاده‌ی نوپا بود، مرگ و میر حوادث رانندگی سال ۱۳۵۰ از مرز ۷۰۰ نفر گذشت که رکوردی در تاریخ شهرهای ایران شمرده می‌شود. درخواست برای رانندگی با افزایش خودرو و شمار کشتگان رابطه‌ای معنادار یافته بود و در نخستین ماه از سال ۱۳۴۵ روزانه ۱۰۰۰ نفر برای دریافت گواهینامه آزمایش می‌شدند. (سند شماره‌ی ۲)

به هر روی تهران در آغاز دهه‌ی ۵۰، یعنی ۴۰ سال پیش با مساله‌ی راهنندان در خیابانها به طور جدی روبه‌رو گردید.

در ۱۳۴۴ شمار کل خودروها در تهران به ۱۱۸۳۴۸ دستگاه رسیده بود. این شمار در مدت کمتر از ۱۰ سال؛ در ۱۳۵۲ به رقم شگفت‌انگیز

(سند شماره ۲)



۵۵۴۶۱۷ دستگاه، یعنی ۶/۴ برابر رسید و اینک پایتخت در سال ۱۳۵۵ با ۵۵۰ هزار خودرو شخصی دست به گریبان مانده بود و تازه این رقم همه روزه افزایش نیز می‌یافت. در همان سالها بود که حسین کریمان استاد دانشگاه ملی برای گریز از این بن‌بست راهکار مترو و پل هوایی را پیشنهاد نمود. آمار سال ۵۵ با شمار ۸۰۰ هزار وسیله‌ی نقلیه که ۱۷۰ هزار موتور سیکلت را نیز باید بدان افزود، با رقم یک میلیون، فشردگی و چسبندگی در آمد و شد و راهنندان را در پایتخت آن روزی نشان می‌دهد. از کل ۹۵۰ هزار وسیله‌ی موتوری که خیابانها را در اشغال خود داشتند، ۵۵۰ هزار دستگاه آن شخصی؛ خودروهای سواری، کامیون و جز آن، ۱۶ هزار تاکسی و تاکسی سرویس، ۳ هزار تاکسی بار، ۱۷۰ هزار موتور سیکلت، ۱۸ هزار بارکش شهری و ۲۸۰۰ دستگاه اتوبوس شرکت واحد بوده است.

ریشه‌های بنیادین این مشکل را می‌توان در افزایش جمعیت

پایتخت دانست که در سرشماریهای دهساله هربار، دو برابر شده است که ۲۵ درصد کل جمعیت شهرنشین را در سال ۱۳۴۳ تشکیل می‌داد. این جمعیت ۵/۱ میلیون نفری در ۱۳۳۵، ده سال بعد، یعنی در سالهای بنیاد صنعت خودروسازی به ۷/۲ میلیون نفر و در ۱۳۵۵ به مرز ۵/۴ میلیون نفر رسید. رشد طبیعی جمعیت سالانه در تهران ۲۰۰ هزار نفر بود که سالانه ۷۰ هزار مهاجر را نیز بخود می‌کشید. در گسترش افقی شهر، خیابانها و بزرگراههای چندی ساخته شد مانند، خیابان ۴۵ متری نارمک (رسالت) که شهرکهای خاوری تهران مانند نارمک، تهران پارس و تهران نو را به جاده‌های شمیранات می‌پیوست (۱۳۴۵). در همین سال نخستین بزرگراه ایران میان کرج و تهران ساخته شد و هفت سال بعد ضرورت ساختن اتوبان قم آشکار گردید و باز در همین سال (۱۳۴۵) – محدوده‌ی پنجساله اول – شهرداری تهران نواحی دهگانه داشت که از شمال به بلندیهای البرز – ۱۸۰۰ متری – از جنوب تا پایان محله‌ی نازی آباد، از باختر به فرودگاه مهرآباد و میدان شهیاد (آزادی) و از خاور به سیلگرد (مسیل) سرخه‌حصار می‌رسید. در این سالها بود که طرح تهران بزرگ محدوده‌ی ۲۳۰ کیلومتر مربعی خود را به یکباره به ۶۳۰ کیلومتر مربع افزایش داد. راستای گسترش به سوی باختر شهر بود، زیرا که از خاور و شمال خاوری شهر با بلندیها روبه‌رو شده بود که جلوی پیشروی را می‌گرفت. برای گریز از این گسترش افقی پایتخت به سوی آپارتمان سازی و شهرک‌سازی نیز روی آورده بود. در این سالها ۴۲ شهرک و کوی در پیرامون تهران سر برآوردند که کیلومترها با شهر فاصله داشتند مانند کوی کن در "شهرزیبای" امروز و هر شب نزدیک به ۱ میلیون نفر، از پایتخت رهسپار شهرکها می‌شدند که بیشتر آنها در پیرامون کرج جای داشتند. گذشته از این، ۹ درصد جمعیت تهران یعنی ۳۴۵ هزار نفر در خارج از محدود می‌زیستند که روزها از همه سو سرازیر مرکز کاری می‌شدند و عصرها باز می‌گشتند. مجموعه‌ی آپارتمانهای "بهجت‌آباد" و "ساعی" که در سال ۵۲ گشایش یافتند در لبه‌ی

پایتخت دانست که در سرشماریهای دهساله هربار، دو برابر شده است که ۲۵ درصد کل جمعیت شهرنشین را در سال ۱۳۴۳ تشکیل می‌داد. این جمعیت ۵/۱ میلیون نفری در ۱۳۳۵، ده سال بعد، یعنی در سالهای بنیاد صنعت خودروسازی به ۷/۲ میلیون نفر و در ۱۳۵۵ به مرز ۵/۴ میلیون نفر رسید. رشد طبیعی جمعیت سالانه در تهران ۲۰۰ هزار نفر بود که سالانه ۷۰ هزار مهاجر را نیز بخود می‌کشید. در گسترش افقی شهر، خیابانها و بزرگراههای چندی ساخته شد مانند، خیابان ۴۵ متری نارمک (رسالت) که شهرکهای خاوری تهران مانند نارمک، تهران پارس و تهران نو را به جاده‌های شمیранات می‌پیوست (۱۳۴۵). در همین سال نخستین بزرگراه ایران میان کرج و تهران ساخته شد و هفت سال بعد ضرورت ساختن اتوبان قم آشکار گردید و باز در همین سال (۱۳۴۵) – محدوده‌ی پنجساله اول – شهرداری تهران نواحی دهگانه داشت که از شمال به بلندیهای البرز – ۱۸۰۰ متری – از جنوب تا پایان محله‌ی نازی آباد، از باختر به فرودگاه مهرآباد و میدان شهیاد (آزادی) و از خاور به سیلگرد (مسیل) سرخه‌حصار می‌رسید. در این سالها بود که طرح تهران بزرگ محدوده‌ی ۲۳۰ کیلومتر مربعی خود را به یکباره به ۶۳۰ کیلومتر مربع افزایش داد. راستای گسترش به سوی باختر شهر بود، زیرا که از خاور و شمال خاوری شهر با بلندیها روبه‌رو شده بود که جلوی پیشروی را می‌گرفت. برای گریز از این گسترش افقی پایتخت به سوی آپارتمان سازی و شهرک‌سازی نیز روی آورده بود. در این سالها ۴۲ شهرک و کوی در پیرامون تهران سر برآوردند که کیلومترها با شهر فاصله داشتند مانند کوی کن در "شهرزیبای" امروز و هر شب نزدیک به ۱ میلیون نفر، از پایتخت رهسپار شهرکها می‌شدند که بیشتر آنها در پیرامون کرج جای داشتند. گذشته از این، ۹ درصد جمعیت تهران یعنی ۳۴۵ هزار نفر در خارج از محدود می‌زیستند که روزها از همه سو سرازیر مرکز کاری می‌شدند و عصرها باز می‌گشتند. مجموعه‌ی آپارتمانهای "بهجت‌آباد" و "ساعی" که در سال ۵۲ گشایش یافتند در لبه‌ی



آن روز شهر در شمال تهران برکنار ستون فقرات خیابان پهلوی (ولیعصر) سر برآوردند.



=====

منبع

۱)اطلاعات ۸۰ سال؛ جلد یکم (۱۳۰۴–۱۳۵۷)، موسسه‌ی اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۸۷.

۲)دانشنامه دانش گستر؛ زیر نظر کامران فانی، موسسه علمی – فرهنگی دانش‌گستر، چاپ یکم، تهران ۱۳۸۹.

۳)ارشديه، سعدالدین؛ شهرسازی و طرح‌ریزی شهر در ایران، انتشارات اتحادیه‌ی شهرداری‌های ایرانف ۱۳۴۳.

۴)عاقلی، باقر؛ روزشمار تاریخ ایران، نشر نامک، چاپ هفتم، ۱۳۸۴.

۵)کریمان، حسین؛ تهران در گذشته و حال، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۲۵۳۵ (۱۳۵۵ خورشیدی)

گفتگو با شهردار مود

عباس جلالی

رضا مطلبی پور دومین شهردار مود، زاده‌ی ۱۳۶۰ همین شهر است. دانش‌آموخته‌ی دانشگاه آزاد زاهدان در رشته زمین‌شناسی با گرایش مهندسی است. دانشجوی کارشناسی ارشد را داراست. او کار خود را در شهرداری زادگاهش با معاونت اداری آغاز نمود و سپس به سرپرستی شهرداری گمارده شد و پس از یکسال در ۱۳۸۶ دومین شهردار مود شد.



مود شهری در خراسان جنوبی، شهرستان سریشه با ۳۶۱۰ نفر جمعیت که مرکز اداری بخش مود نیز شمرده می‌شود. این شهر با فرازای ۱۸۵۰ متری از روی دریا بر پهنه‌ای تپه ماهوری، در جنوب خاوری بیرجند و بر سر راه آن به سریشه نشسته است. با آب و هوایی معتدل و خشک. در گذشته "مود دهن آب" خوانده می‌شد که روستایی از دهستان "نهارجات" بود. در ۱۳۸۴ با ۲۷۶۱ نفر باشند شهر شد و ۵ ماه پس از آن رسماً دارای نهاد شهرداری گردید. از فرآورده‌های کشاورزی آن غلات و انگور است. قالی مود آوازه‌ای خراسانی دارد. شهر مود در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه در سال ۱۳۸۴ رسماً شهر شد.

۶ سال است که شهر شده است.

از تاریخ ۲۸ مهر ماه شروع به کار کرده است یعنی ۵ ماه بعد از شهر شدن .

شهر مود بدون آبادی‌های اطرافش چند نفر جمعیت دارد چون در آماری که داده بودید با آبادی های اطراف بود . آخرین سرشماری که ما داشتیم در سال ۱۳۸۵ بوده است که ۲۷۶۱ نفر بوده است اما با توجه به گذشت ۵ سال آخرین سرشماری که من اطلاع دارم ۳۶۱۰ نفر میباشد .

شهریایا بفرمایید که شهرداری مود در چه چندم است؟

– درجه یک است.

شهردارپها: آقای مطلبی پور آیا شما بومی مود هستید . این بومی بودن در پیشبرد کارها چه تاثیری دارد .

– ببینید مدیریت بومی یک مدیریت بسیار سختی است به خصوص در شهرداری‌ها، چون شهرداری‌ها نهادهای مردمی هستند و به واسطه‌ی دریافت عوارض از مردم باید به آنها خدمت کنند. البته انتظارات بالاست به خصوص در شهرهای کوچک که قومیت‌های زیادی هم در آنها هستند و همه یکدیگر را می‌شناسند و این خودش توقعاتی را در برای مردم پدید می‌آورد و واقعاً کار کردن سخت است، اما یک مزیت بسیار خوبی که دارد اینست که شخص برای شهر خودش دل می‌سوزاند. من خود زمانی که کار می‌کنم به این فکر نمی‌کنم که شهردار هستم. چرا که این میز شهرداری بیشتر از چند سال برای من نیست، اما بعد از این مدت که بخواهم به درون اجتماع شهر برگردم، نباید انگشت نمای مردم باشم. باید چنان کرده باشم که حداقل تحسین‌ام کنند و بگویند برای ما کار کرد، زحمت کشید. دستش خالی بود، اما نهایت تلاش را کرد در حالی که شاید اگر این مدیریت بومی نبود یا خودم به شخصه جای دیگری مدیریت می‌کردم این دلسوزی را داشتم، اما نه تا به این اندازه و حتی بیشتر از توان خودم. فکر می‌کنم مزیت بومی بودن همین است.

شهردارپها: متشکر. می‌خواستم ساختار سنی جمعیت مود را بدانم چون اگر ترکیب جمعیتی جوان باشد شما برای جلوگیری از مهاجرت و نگه داشتن نیروی جوان برای ایجاد رشد در اقتصاد شهر باید کارهایی کرده باشید، اما اگر جمعیت پیر باشد من نمی‌دانم چه کار می‌خواهید بکنید.

– متأسفانه یکی از مشکلات اساسی در شهرمان همین میانگین سنی است که بالای ۵۰ سال است. شهر بسیار پیری داریم چرا که جوانان شهر به خاطر نداشتن صنعت، کشاورزی و در این ۱۵ سال اخیر، بویژه به دلیل خشکسالی از رونق افتاده است، صنعت فرش مود صنعتی بوده که جوانان و

پیرها در کنار هم کار می‌کرده‌اند، اما متأسفانه به دلیل بی‌مهری‌هایی که در مجموعه‌ی دولت‌های گذشته شده مانند نداشتن بیمه برای قالیباف‌هایی که واقعا زجر می‌کشیدند، از رونق افتاده و جوانهای این شهر مجبور به مهاجرت شدند. طوری که میانگین ۴۰۰ خانوار مودی مقیم شهرستان‌های اطراف به خصوص در سیستان و بلوچستان داریم. خوب این خودش باعث شده است که جمعیت پیری داشته باشیم، اما سعی شده از زمانی که شهرداری راه افتاده، با پیگیری‌هایی که وجود دارد و شورای شهر و شهرداری انجام می‌دهد، بحث نواحی صنعتی را پیگیری کنیم. در مود به عنوان شهرک‌های اقماری مرکز استان با توجه به اینکه در غرب استان خراسان جنوبی دیگر جایی برای توسعه نیست، ما کوشیده‌ایم جمعیت سر ریز صنعتی استان را مشخص کنیم تا بتوانیم با اهدای زمین‌های اطراف که مردم و منابع طبیعی در اختیار ما قرار داده‌اند جمعیت شهری را از پیری خارج کنیم و به سوی جمعیتی جوان سوق بدهیم که تقریباً می‌توانم بگویم نه ۵۰ درصد، اما تا ۳۰ درصد را موفق بوده‌ایم.

شهریایا بسیار خوب. بر پایه‌ی جدولهایی که به دستم رسیده متوجه شدم بیش از نیمی از روستاهای پیرامون مود خالی از سکنه است. می‌خواستم ببینم که آیا شما توانسته‌اید این جمعیت را به طرف خودتان بکشانید یا در پی انجام آن بوده‌اید، و اگر انجام نشده، بی‌گمان آنها به مناطق دور دست رفته‌اند. این کار را به چه وسیله‌ای می‌توانید انجام بدهید که جوان‌های روستاهای دیگر را لااقل در ایستگاه اول به سوی مود بکشانید.

– ببینید شهرداری ما نوپاست. از اول دید ما همین بوده، اما امکانات نداشته‌ایم، زیر ساختی نداشته‌ایم. بحث زمین‌های اطراف شهرمان که تمامش زمین‌های شخصی است، متأسفانه زمین‌های دولتی نداشته‌ایم. ما در مورد مسکن مهر می‌خواستیم کارهایی را انجام بدهیم، واقعا دو سال و نیم است که درگیر هستیم تازه دو هفته است که زمین‌های مسکن مهر شهر را تحویل گرفته‌ایم و هنوز ساخت‌وسازی انجام نگرفته است، در صورتی که در بیشتر نقاط کشور ساخت و ساز تمام شده، اما ما با وجود اینکه ۱۹۰ نفر متقاضی تأیید شده از سوی خود سازمان داریم، هنوز نتوانسته‌ایم اینها را نگه داریم به دلیل اینکه آن زیر ساخت‌های اولیه‌ای که می‌باید داشته باشیم نداشته‌ایم و زمانی که اینجا شهر شد

این فکر نبوده است که زیرساخت‌های شهری درست بشود. بیشتر سعی شد در مسائل توسعه و عمران شهری کار بشود که من فکر می‌کنم ما در آن موضوع موفق نبوده‌ایم اما الان چند سالی است که به طور جدی پیگیر هستیم. زمین‌هایی را توافق کرده‌ایم به طرح جامع شهری پیوند زده‌ایم. فکر می‌کنم که اگر همین جمعیت را که اکثراً هم از روستاهای اطراف برای کار می‌آیند بتوانیم که در ایستگاه اول نگه داریم، انشالله که بتوانیم جلوی تخلیه را بگیریم.

شهریایا متشکر. حالا دغدغه‌ای را می‌گوییم که بنده به شخصه احساس می‌کنم در ذهن دارید. ببینید بافت شهری شما یک بافت سنتی است به لحاظ اجتماعی. خب بافت سنتی در خراسان هم که یک بافت بسته است

و همین جلوی چیزی را می‌گیرد و آن اینست که در بیرون از این دیوارهای خانه / باغ چیزی به من مربوط نیست. حالا با این وضعیت که گفتیم برای نهادینه کردن باورهای مشارکت مردمی به نوعی البته نمی‌خواهم شعار بدهم، ولی باید به آنها بقبولانیم که خانه‌ی آنها بزرگتر از آن چیز است که در آن زندگی می‌کنند یعنی این شهر است که خانه‌ی آنهاست. شما برای این موضوع چه کاری می‌توانید انجام بدهید.

– بافت فرسوده‌ی شهر ما که بیش از ۶۰ درصد از ساختمانهای شهر را تشکیل می‌دهد، اشکال خیلی بزرگی دارد زیرا بین وراث آن منزل تقسیم شده است پدر، مادر در خانه‌ای زندگی می‌کرده‌اند و فرزند به واسطه‌ی اینکه شغلی نداشته یا با توجه درس و تحصیل مجبور به مهاجرت شده و دیگر حاضر به برگشت نیست. چونکه کار او در آن مراکز است، پیشرفت او در آنجاست و این مشکلی برای شهر مود است، زیرا که حاضر به واگذاری این منازل نیستند برای اینکه دوست دارند در ماههایی خاص، به ویژه در محرم در اینجا باشند، برای درگذشتگان خیرات کنند و همین دلایل باعث شده که دوستان، زیاد همکاری نکنند، اما شهرداری اولین



یک بودجه‌ی خاص ورزشی دارم اگر بخواهم همه‌ی اینها را پوشش بدهم نمی‌توانم هرچند که دوست دارم.
آمدیم چه کردیم گفتیم آقا ما شما را در سننین مختلف می‌پذیریم ولی با شما قرارداد می‌بندیم ما شما را به میدانها می‌فرستیم سعی می‌کنیم شما را پشتیبانی کنیم اما در عوض شما هم باید کار کنید. گفتند چه کار؟ گفتیم در بحث مشارکت‌های مردمی که هست جشنی پیش می‌آید شما ما را کمک کنید. مثلا می‌خواهیم سکویی درست کنیم. کارگر نباید کار کند شمای نوجوان بیاید کمک کنید که این جواب داده.
محفل‌های انس با قرآن، شب شعرهایی که برگزار می‌کنیم همه جواب داده است و خود بنده هم چون بومی آن منطقه هستم سعی کردم به طور مستقیم با آنها در ارتباط باشم که خیلی‌ها بر من ایراد گرفتند که شما باید جایگاه شهردار را حفظ کنید!
گفتم که جایگاه شهردار برای من حفظ شده نیست چون من بومی این منطقه هستم من شهردار نیستم، بلکه خدمتگزار اینها و نوکر اینها هستم، چرا که چند سالی هست که دارم برایشان خدمت کنم. حتی لباس می‌پوشم و با جوانان فوتبال بازی می‌کنم ورزش خودم هم فوتبال هست ولی خب مکان‌هایی مثل سینما، کافی‌نت‌ها را نداریم ما اینترنت پرسرعتمان ۴ ماه است که نصب شده است.

شَهرِابِیا اینها همه یک نقطه‌ی قوتی است برای جذب جوانان که باید باشد تا بدانند برای برقراری ارتباط نیازی نیست کیلومترها راه بروند.
– البته ناگفته نماند که من اینترنت رایگان را در اختیار کل شهر قرار دادم با دو آنتن که نصب کرده‌ام کاربر در سایت شهرداری مود عضو می‌شود چون باید مشخصاتش باشد به محض عضویت یک پست کاربر به او می‌دهیم تا در روز ۲ ساعت در پارک محله‌ی خودش بنشیند و از فضای اینترنت استفاده کند.

شَهرِابِیا بسیار عالی. من یک سوال دارم. در چشم‌اندازی ۱۰ ساله شما یک افزایش جمعیت خواهید داشت، چون اگر جمعیت شما گرایش به جوان شدن پیدا کند، خواه ناخواه افزایش جمعیت را در پی خواهد داشت! خب، با این وضعیت منابع آبی شما کمی نگران‌کننده است یعنی اینکه شما ۵ کاربز دارید که نمی‌دانم تا چه زمانی می‌توانید از آن استفاده کنید، اگر کارگاهی که با آب سرکار دارند، داشته باشید چه می‌شود؟ نه تنها شما بلکه تمامی شهرهایی که دارند متولد می‌شوند هم، چنین هستند و این یک هشداری است که بیست سال دیگر تکلیف چه خواهد بود؟ شما این قضیه را نه که آشکارا، اما آیا در پیش خودتان درباره‌ی این موضوع یا کارشناسانتان مشورت کرده‌اید؟ یا اصلا لزومی بر این کار نمی‌بینید.

– بی‌آبی در منطقه‌ی ما بیداد می‌کند ما جلساتی را با کارشناسان آب منطقه‌ای در سال ۱۳۸۶ داشتیم که من سرپرست مجمع شهرداری شدم. اولین حرکتی که کردم ساماندهی ۲تا از رودخانه‌های منطقه بود که از داخل شهر می‌گذشت، به نام "سراب" و "سربندی" خب، آبی که در بارندگی‌های خیلی کم، از بالادست سرچشمه می‌گرفت جاری می‌شد و از شهر عبور می‌کرد در هیچ جایی هم ذخیره نمی‌شد. نشستیم صحبت کردیم یک رشته اعتباراتی گذاشتند برای شهر. برای اجرا، اعتبار خاصی پیش نیامد. بندهای خاکی در بالادست و گابیون بندی‌هایی انجام شد، اما جوابگو نیست، چون میزان بارندگی‌هایمان کم است.
تبخیر هم بسیار زیاد است. خب بی‌شک اولین حرکتی که من باید انجام می‌دادم از خود شهرداری بود. کنار گذاشتن آبیاری غرقابی که باید برای مردم جا بیفتد! چون میزان آب مگه چقدر است. من اگر یک درخت را با ۲۰ لیتر آب می‌دادم، الان باید آن را به ۵ لیتر آب برسانم اما مدام باشد.
آمدیم در سال ۸۸ حتی قبل از اینکه مصوبهٔ از سمت سازمان شهرداری‌ها بیاید که شهرداری‌ها باید بروند به سمت تفکیک و جداسازی آب شرب از آب فضای سبز ما آمدیم این کار را به صورت آبیاری قطره‌ای / بارانی انجام دادیم. هر چند شهر کوچک است و این کار به صورت محله‌ای انجام

می‌شود اما این کار بازتاب داشت. کشاورزی می‌پرسید شما می‌خواهید چه کار کنید؟ کسی که داشت کار می‌کرد می‌گفت ما داریم کاری می‌کنیم که این آب قطره قطره بیاید نه یکدفعه. می‌خواهیم سرسبزی بیشتری داشته باشیم، اما با میزان مصرف پایین گفت که خب این که برای شما هزینه دارد ما هم توضیح دادیم که این کار هزینه‌اش یکباره است. الان دارد انجام می‌شود باغات شهر مود همه دارد به سمت مکانیزاسیون آبیاری پیش می‌رود. هرچند مشکل هنوز هم هست، اما بیشترین کاری که شهرداری کرد این بود که امتیاز آب آشامیدنی را قطع کرد و رفت به سمت ساختن یک مخزن تا آب غیرآشامیدنی را از مناطق بیاورد و برای کل شهر تلمبه کند، اما اینی که شما می‌فرمایید ما چه فکری کرده‌ایم، هنوز هیچ.

شَهرِابِیا از صدافتی که دارید متشکرم.
گفتم که این فقط مشکل شما نیست به غیر از نوار شمالی ایران، همه با این مساله روبه رو هستند، سوال یا بهتر بگویم پیشنهادی که داشتیم این است شما در جایی اشاره کردید به اینکه کسانی که از این منطقه در سرتاسر دنیا پراکنده‌اند. می‌خواستم پیشنهادی کنم شما به زودی به ده سالگی شهرداری می‌رسید آیا می‌توانید به بومیان مود که در سرتاسر دنیا پراکنده‌اند از راه اینترنت فراخوانی بدهید تا هر کس که می‌تواند در آن حضور فیزیکی داشته باشد. نمی‌تواند به نوعی حضور مجازی داشته باشد. یک همایشی با عنوان "مود و آینده‌ی آن" که در آن بتوانید از کمک مردم بهره ببرید. بسیاری از آنها آنقدر توانایی فکری و مالی دارند که می‌توانند خیلی به شما کمک کنند. شما بیایید آنها را در مکانی دور هم جمع کنید و بدون رو در بایستی به آنها بگویید. اینجا زادگاه شما بوده و شما به آن مدیون هستید! حالا برای این شهر و آینده‌ی آن چه کاری می‌توانید انجام بدهید؟ به لحاظ فکری یا مالی، چون من سراغ این کار را دارم در شمال، در شهر بابل کسی به کانادا رفته بود و صاحب کارخانه‌ای شده بود. آمد یک آکادمی را با خرج خودش در آنجا تاسیس کرد و بچه‌هایی که استعداد داشتند را در آنجا پرورش داد. چون که مردم آن منطقه از لحاظ مالی ضعیف هستند این کار را کرد و الان از سرتاسر ایران برای دیدن آن آکادمی می‌روند. این را فقط یک نفر انجام داد اینقدر که توانش بالا بود. خودش هم نیست، اما این کار را کرد. حالا این آدمها که آنجا هستند فکرهای بزرگ دارند. خیلی می‌توانند کمک کنند. اگر شما به مناسبت دهمین سال تاسیس شهرداری این همایش را انجام بدهید. کار خوبی خواهد بود.

– ما این کار را کردیم در سال ۸۶"اولین همایش توسعه‌ی پایدار مود" را برگزار کردیم با حضور بیش از هزار تحصیلکرده از سراسر دنیا حتی از آمریکا هم مهمان داشتیم. اشخاص سرشناسی مثل "پروفسور بلالی" پدر علم سم شناسی در ایران، "پروفسور معتمدنژاد"، مرحوم "دکتر آزاد" همگی شرکت کردند هر کدام از این دوستان هم پیشنهادهایی داشتند هر کدام از اینها به قول معروف نخودی هم در آش انداختند و اگر هم الان من از مود صحبت می‌کنم به واسطه‌ی تجمعی بود که انجام شد. آمدند نشستند و گفتند ما حاضریم همکاری کنیم و کمک مالی هم. یک رشته زمین‌هایی که داشتند اهدا کردند. مثلا ساختمان کتابخانه‌ای که در حال ساخت است اهدایی شادروان دکتر آزاد است. خب اینها همه به واسطه‌ی همین همایشی بود که ما برگزار کردیم. حتی قرار بر این بود که این کار هر دو سال یکبار برگزار بشود، اما متأسفانه به دلیل مشغله‌ی کاری شدیدی که دارند ما هم این را قبول داریم، اما کمی هم کم کاری شهرداری که از لحاظ مالی تأمین نبود تا بتواند این کار را دوباره انجام بدهد چون در همان سال ۸۶ که این انجام شد هزینه‌ی سنگینی روی دست ما گذاشت، اما مود را به تمامی مردم شناساندیم. ما در سال ۱۳۰۴ همزمان با "دارالفنون" و "مدرسه‌ی شوکتیه" خود بیرجند اولین مدرسه خودمان را در اینجا داشتیم. در سال ۱۳۱۷ دیپلم داشتیم، اینها در کنار

هم جمع شدند یاد از خاطره‌های خود کردند. حتی یاد کسانی را که نبودند گرامی داشتند. الان هم با آنها ارتباط داریم بحث دانشگاه را داریم پیگیری می‌کنیم دنبال دانشگاه بین المللی بودیم خوبم پیش رفتیم، اما چون منطقه‌ی آزاد نبودیم، مجوز ندادند. در همان همایش حتی پای سرمایه‌گذار را پیش کشیدیم الان دنبال دانشگاه آزاد و پیام نور هستیم دانشگاه پیام‌نور دو رشته موافقت شده، اما اول به دنبال سرمایه اولیه هستیم که به محض تأمین، کار را انجام می‌دهیم سعی می‌کنیم این کار را انجام بدهیم اما این پیشنهاد شما را هم ما آویزه‌ی گوشمان می‌کنیم و به مناسبت ده‌سالگی این کار را انجام می‌دهیم.

شَهرِابِیا بسیار عالی. به نظر من برای فضای آرام شهر شما دو تهدید بزرگ وجود دارد بویژه زمانی که گسترش پیدا کند، اما از حالا باید به کسی که شهردارست، گفت که مردم عادت می‌کنند به مصرف بی‌رویه‌ی انرژی، اینها همگی پیامدهایی دارد که برای یک شهر کوچک قابل درک نیست، اما بعدها این را می‌بیند که خودرو فرمانروای مطلق شده است و همین زندگی با مصرف بالا یک رشته پیامدهایی دارد، مثل بالا رفتن میزان پسماندها یعنی الان تهران اگر روزانه ۸ هزار تن زباله دارد خیلی هم زیاد است، اما مردم به این عادت کرده‌اند و نمی‌شود کاری با آن کرد. حالا جمعیت کوچک در مناطق شمالی هم همینطور است. آنها هم عادت کرده‌اند به تولید زیاد زباله. به نظر من فقط با آموزش می‌توان این خطر را کم کرد. می‌خواستم بدانم شما برای این کارها تا چه اندازه به سراغ مدارس رفته‌اید؟ یعنی اینکه به بچه‌ها آموزش بدهید که در آینده فقط شهرنشین نباشند، باید شهروند باشند! نباید آن زندگی و جامعه‌ی شهری را خراب کنند و …

– ما با همکاری روسای مدارس به خصوص دبستان، یک رشته جوایزی را تهیه کرده بودیم که سالیانه دو تا سه عدد دوچرخه هست که در اختیارشان قرار می‌دهیم به واسطه‌ی این دانش‌آموزانی که نمره‌ی هزار بگیرند، حالا این نمره از کجا می‌آید ۲۰۰ امتیاز مربوط به "نظافتی" است که این دانش آموز دارد، مابقی مربوط به درس، "مشارکت عمومی" که دارد و … است. درباره‌ی امتیاز پسماند (زباله) بایستی چگونه امتیاز می‌دادیم؟ اول به آنها گفتیم که از کاغذ بیشترین استفاده را بکنند یک رشته سطل‌های مخصوص کاغذ باطله را خریداری کرده‌ایم در اختیار دانش آموزان پایه‌ی اول تا پنجم گذاشتیم که هزینه‌ی آنچنانی هم نداشت. خب، گفتیم این هفته این سطح زباله در اختیار این کلاس و کسی از میان خودشان موظف است که آخر هر کلاسی نظارت کند که کدام از این دانش‌آموزان میزان زباله‌ی کمتری تولید می‌کند. هرکس زباله‌ی کمتری داشته باشد امتیاز بیشتری می‌گیرد. هرکس امتیاز بیشتری بگیرد به آن ۲۰۰ امتیاز می‌رسد و بعد هم به هزار امتیاز این کار باعث می‌شود که دانش‌آموز بداند نباید زباله تولید کند. اگر این کاغذ را در سطل زباله بیندازد دوچرخه به او تعلق نمی‌گیرد. این واسطه‌ای شده بین ما و حیاط مدرسه‌ها شهر مود خاکی بود. نمای بسیار زشتی داشت. وقتی دانش آموز کلاس اول در بین خاکها می‌رفت خیلی بد بود آمدیم همکاری کردیم و یک فضای سبز خوبی رویاندیم، آسفالت کردیم و به دانش‌آموزان اعلام کردیم همه‌ی اینها به واسطه‌ی همان نظافت‌هاست که باید رعایت کنند. اینجوری با آنها کار کردیم جلسات هم داریم سخنرانی می‌گذاریم. اولین چیزی که می‌گوییم اینست که؛ "شماها اهالی مود شهر ما را می‌سازید اگر شما کمک کنید من شهردار خوبی خواهم بود، اگر شما زباله بریزید من آدم بدی می‌شوم". و این باعث شده که شهر تمیزی داشته باشیم البته اگر بادهای / توفان‌های ۱۲۰ روزه‌ی سیستان اجازه بدهد. چون گاهی اوقات مود را در خود می‌گیرد. ما خوشبختانه از لحاظ تمیزی مشکلی نداریم.

شَهرِابِیا بسیار عالی. البته به خاطر آن توفان که گفتید امیدوارم در یک برنامه‌ی دراز مدت بشود یک کمربند سبز حفاظتی با درختان بومی درست کرد. حالا برای این منابع آبی هم باید سنجد کار کنید دو تا از

محسنات این درخت آنست که ریشه‌هایش دیواره‌ی جویها را نگه‌می‌دارد و بعد سایه ساری که ایجاد می‌کند تبخیر را به حداقل می‌رساند. میوه هم که دارد.

– فرمایش شما درست است اما ما بیشتر زیتون تلخ استفاده می‌کنیم چون در مقابل باد محکم است، سایه‌ی خوبی دارد میزان مصرف آبش کم است ما هم سعی کردیم بیشتر از این درخت استفاده کنیم.

شهرداریها: آخرین پرسش اینست که دشواری عمده‌ای که سر راهتان است چیست؟ برای مقابله با آن چه کارهایی را می‌خواهید انجام بدهید.
– من فکر کنم بزرگترین مشکلی که داریم یکی بیکاری است، یکی هم ناتوانی مالی مردم. فکر می‌کنم اگر این دو را به هر شکلی که هست حل کنیم یا به تعادل برسانیم شهر پویا و جذابی داشته باشیم. شهری که همه حسرتش را بخورند چرا که توانهای خوبی را دارد. آب خوبی دارد، خاک حاصلخیزی دارد هوای مطبوعی دارد. موقعیت استثنایی خوبی دارد نزدیکی به مرکز استان (به فاصله‌ی ۱۰ دقیقه) با جاده‌های دو بانده زیرساخت‌های خوبی که دارد مثل گاز، برق، تلفن و.. همه امکانات یک شهر بزرگ را دارد با آرامش خاطر با آن دغدغه‌های خاطری که یک شهروند شهر بزرگ دارد و … خیلی راحت می‌تواند محل خودش را شهر مود انتخاب کند محل کارش را مرکز استان کار هایش را انجام بدهد توسعه و پیشرفت خانواده‌اش را انجام بدهد آرامش را هم دارد. من مشکلات را گفتم و به نظر من اگر بیکاری حل بشود توان مالی

شَهرِابِیا حالا آخرین حرف من اینست که شما جاذبه‌های گردشگریتان را حتی برای خود بیرجندی‌ها باید بالا ببرید تا روزه‌های تازه به سوی اقتصاد مود باز شود. برای نمونه با زدن فروشگاهی بزرگ که شهرداری نمی‌توانند چیزهای لوکس داشته باشند، اما چیزهایی که مورد نیاز باشد با بسته‌بندی‌های شکیل‌تر بازار خواهد داشت! به ویژه برای جوانان، چون اگر شما این امکانات را فراهم کنید پایبندی آنها بیشتر می‌شود. وقتی شما شهر را بسته نگه دارید آنها ناچار به گریز می‌شوند. خب به عنوان آخرین صحبت از شما می‌خواهم که اگر چیزی دارید بفرمایید و من از شما بابت وقتی که در اختیار من قرار دادید متشکرم:

– من به عنوان آخرین حرف از هر خواننده‌ای که این مطلب ما را می‌خواند تقاضایی دارم اگر وابستگی به شهر مود دارد، خواهش می‌کنم ما را کمک کند. حتی در زمینه‌ی فکری تماس بگیرد که آقای شهردار برو این کار را انجام بده من دستتش را می‌بوسم، چون میدانم ظلم شده! نه اینکه کسی ظلم کرده باشد! مهاجرت‌هایی که صورت گرفته است تاثیر زیادی بر روی این شهر گذاشته. ما پیشینه‌ی تاریخی ۸ هزار ساله داریم کارشناس خود میراث فرهنگی آقای لُـباف اعلام کرد. آن مزرعه‌ی مود قدیم! آقا اگر اینطوری که من پیش می‌روم کسی بیاید و در اینجا بر روی باستانشناسی آن کار کند من بدون شک می‌گویم که خراسان از مود گرفته شده است ببینید خب چرا ما نباید مود را خوب بشناسیم چرا باید دغدغه داشته باشیم؟ ما اولین بار است که در همایش دستاوردهای شهرداری‌ها شرکت کرده‌ایم و هیچ آشنایی هم با کسی نداشتیم خدا خواست که من با شما آشنا بشوم و این مطلب را بگویم و شما هم چاپ کنید تا مردم مود را بشناسند.

شَهرِابِیا من یک چیزی که از پیشینه‌ی این شهر می‌دانم، آنست که شما دست کم در گذشته تاکنون زیاد داشتید و مشروب الکلی تولید می‌شد به وفور، شما با وزارت بهداشت برای تولید الکل بهداشتی طبیی هیچ گفتگویی کرده‌اید، مثلا برای ساخت کارخانه و اگر بتوانید بعضی از باغات را احیا کنید تا این کار را انجام بدهید این خودش صنعت کوچکی خواهد بود برای شهر چون مصرف الکل طبیی چیزی است که نیاز همه درمانگاهها و بیمارستانهای سراسر کشور است.
– بسیار پیشنهاد عالی‌ای بود ممنون .

امنیت زنان در محله‌های شهری با تأکید بر نقش سازمان‌های محلی

دکتر فضیله‌خانی

چکیده:

جستجوی امنیت به این مفهوم کلی آزادی و رهایی از هرگونه ترس، تهدید، آزار و خطر یکی از نیازهای اولیه و اساسی بشر از آغاز زندگی اجتماعی بوده‌است. یکی از تجربه‌های تلخ جامعه‌ی ما ظلم و ستم بر حقوق و امنیت زنان است، از جمله تهدید امنیت آن‌ها در بیرون و درون منزل. از این رو کاهش خشونت علیه زنان، ترس از جرائم و ارتقاء امنیت آنان از جمله تعهدات دولت و همچنین اجتماعات محلی در سطوح مختلف است. مقاله حاضر از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی تجارب کشورهای مختلف در رابطه با راه کارهای مقابله با عوامل خطرزا برای زنان در پی طرح الگوهای مناسب جهت ارتقاء ضریب امنیتی زنان با تأکید بر اجتماعات محله‌ای می‌باشد. از انجائی که برقراری امنیت برآیندی از تهدیدها و آسیب‌پذیری است ایجاد امنیت برای زنان در محله‌ها از دو بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد یکی از بعد توانمند سازی زنان و کاهش درجه‌ی آسیب‌پذیری آنان که این مسأله با شناخت انواع آسیب‌ها و راه‌های مقابله با آن‌ها امکان پذیر است و دوم از طریق رفع موارد تهدیدزا در محله‌ها و اماکن عمومی و ارتقاء سطوح امنیت بخشی به محله‌ها که این امر از طریق همکاری بین بخشی تمامی ارگان‌های درگیر امنیت و مسائئ محله امکان‌پذیر است. در این راستا ایجاد گروه‌های امنیت زنان که به‌طور خاص به مسائل امنیتی زنان در محله‌ها می‌پردازد پیشنهاد می‌شود. این گروه‌ها از طریق ایجاد شبکه قادر است نقش رابط بین سطوح محلی و منطقه‌ای و همچنین سطوح کلان شهری را ایفا نماید. همچنین آن‌ها عمدتاً وظیفه‌ی آگاهی بخشی، آموزش، هدایت و حمایت از زنان خصوصاً آنانی را که در معرض خطر هستند و یا با همسران خشن زندگی می‌کنند را بر عهده خواهند داشت. ویژگی‌ها و نحوه‌ی عملکرد گروه‌های مذکور با استفاده از تجارب سایر کشورها به تفصیل آورده شده‌است.

واژگان کلیدی: خشونت علیه زنان، ترس زنان، خانه‌های امن، زنان و سازمان‌های محلی

مقدمه

جامعه‌ی ما جامعه‌ای است در حال گذار که تغییرات به وجود آمده زنان را هر چه بیشتر وارد عرصه روابط شهری و بازار کار و فعالیت‌های اجتماعی نموده‌است. از سوی دیگر با توجه به اینکه آسیب‌پذیری زنان از انواع جرائم به دلیل ویژگی‌های فیزیکی و روانی بیشتر است لذا تعرض به آنان بخصوص در شرایط ضعف قوانین و نرم‌های اجتماعی حمایتگر با سهولت بیشتری صورت می‌پذیرد.

با وجود ضعف‌های موجود در نظام کیفری و رسمی در رابطه با مبارزه با مبارزه با جرم و بزهکاری و نیازهایی که زنان بزه دیده خشونت‌های خانگی و خیابانی دارند پیدایش حمایت‌های غیر رسمی و مبتنی بر اجتماعات محله‌ای ضرورت می‌یابد. لذا مسئله مهم شناسایی مکانیسم‌های اجتماعی مناسب جهت رویارویی با انواع آسیب‌هایی است که زنان را تهدید می‌کند و در این



خود به بالا بودن رقم سیاه در این موارد اشاره دارند. از همین روست که حمایت‌های غیررسمی که گاه می‌تواند در قالب یک شبکه همسایگی قرار گیرد بیشتر امکان شناسایی و نظارت بر افراد را داراست.

در خصوص مهار بزهکاری؛ تجارب جهانی نشان داده است عملکردهای دولتی بدون مشارکت جامعه از توفیق کمی برخوردار بوده‌اند؛ در بسیاری از کشورها سازمان‌های داوطلبانه مردمی(سازمان خیریه) نظیر طرح‌های حمایت از بزه دیدگان سهم عمده‌ای را در خدمت‌رسانی نسبت به بزه دیدگان ایفا می‌نماید. و بعضاً این سازمان‌ها طی پرسشنامه‌هایی نیازهای ضروری و فوری بزه دیدگان را از خودشان جویا شده‌اند لذا در این مقاله برآنیم تا ضمن شناسایی ماهیت ترس زنان و احساس ناامنی آنان به معرفی مکانیسم حمایت‌های محله‌ای در کاهش آسیب‌ها و جرائم وارده بر زنان از طریق سازمان‌های غیر رسمی و محله‌ای نموده و در این راستا جهت استفاده از تجارب جهانی به ارائه آن‌ها نیز خواهیم پرداخت.

به هر صورت یکی از اهداف اقدامات غیر رسمی را می‌توان در کشف جرائم و نظارت بهتر بر اعمال افراد از طریق سازو کارهای مبتنی بر این اقدامات دانست و هدف دیگر آن پیشگیری از جرم و بزه کاری است که ان نیز جدای از مسئله نظارت قرار ندارد. علاوه بر این اقدامات غیر رسمی که اصولاً مبتنی بر دیدگاه‌های بزه دیده شناختی است می‌تواند یک هدف اصلاحی و درمانی را نیز در ارتباط با بزه کاران و بزه دیدگان مد نظر داشته باشد. (معمدی مهر،۱۳۸۰:۱۰۸) بنابراین به نظر می‌رسد که اهداف سازمان‌ها و نهادهای مدنی (غیررسمی) همان هدف سازمان‌های رسمی مبنی بر مبارزه با بزه کاری است، لیکن سازمان‌ها با ابزاری متفاوت و سیاستی غیر کیفری به دنبال دستیابی به اهداف خود می‌باشند.

مفهوم امنیت در فضای محله‌ای

محلات شهری از خانه‌های مجاور هم در یک فضای شهری تشکیل می‌شود که به نوعی احساس همسایگی را در بین اهالی آن تقویت می‌نماید. خانواده‌ها نسبت به محله‌ی خود نوعی احساس تعلق دارند و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا احساس می‌کنند. محله عموماً از روابط محکم همسایگی و اتحاد غیر رسمی میان گروهی از مردم بوجود می‌آید. مطالعه‌ی محله در دنیای غرب ابتدا به وسیله رابرت پارک و رودریک مکنزری در سال ۱۹۹۶ آغاز شد. این محققین شاید برای اولین بار در یک محدوده‌ی فیزیکی (محله) در شناخت گروه‌های اجتماعی، روی کیفیت زندگی گروه‌ها، کیفیت رفتارها، انواع بزه‌کاری‌ها و غیره تأکید داشتند.(شکویی،۴۹:۱۳۷۲)

امروزه یکی از عوامل مهم آسیب زنده به نظام فرهنگی–اجتماعی شهرها به خصوص عامل مختل کننده آرامش محله‌ها گسترش انحرافات اجتماعی است که با توجه به ارزش‌های دینی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی و ساختار جمعیتی بسیار جوان جامعه و وجود مشکلات عدیده‌ی اقتصادی، به‌عنوان یکی از بغرنج‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی مطرح می‌باشد.

انحرافات اجتماعی به مفهوم رفتاری که به طور مستمر بر خلا ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی عمل می‌کند، آسیبی اجتماعی محسوب می‌شود که نتیجه‌ی قطعی ن سلب امنیت اخلاقی و اجتماعی است. در این بین



تمامی گروه‌ها از ناامنی حاکم بر جامعه بطور یکسان آسیب نمی‌پذیرند بلکه گروه‌های خاصی از جمله زنان و کودکان بدلیل ویژگی‌های خاصی که دارند از اسب‌پذیری بیشتری رنج می‌برند.(بوزان،۱۳۷۸:۱۳۶)

به نظر دورکیم، مبنای نظم جامعه عامل اخلاقی است نه سیاسی یا اقتصادی، نظم فراگردی غیر ارادی است که از درون جامعه خود به خود می‌جوشد... آنچه حافظ نظم است، عنصری اخلاقی است. (بشریه،۱۳۷۴:۴۷) از اینرو یکی از مهمترین عواملی که موجب ایجاد اختلال در نظم عمومی می‌شود، انحرافات اجتماعی به مفهوم رفتارهای ناهمنوا با ارزش‌های اجتماعی است. از این رو انحرافات اجتماعی به عنوان سلب‌کننده‌ی امنیت اخلاقی و اجتماعی و کاهش دهنده اقتدار معنوی جامعه، از یکسری عوامل اجتماعی درونی و بیرونی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نظیر اختلال هنجاری، فرآیند نوسازی سریع و شتابان، فرآیند جهانی شدن و انقلاب اطلاعات تأثیر می‌پذیرد(محبوبی منش، ۱۵۷:۱۳۸۱–۱۳۳)

فقدان مدیریت جامع شهری و فقدان ساختاری، هنجاری و کارکردی دستگاه‌ها و نهادهای ذیربط در تولید، نگه‌داری و توسعه امنیت عمومی موجب بروز نابسامانی در فضای شهر می‌شود که از آن جمله می‌توان



به وجود فرآیندهای افزایشی پتانسیل خشونت و پرخاشگری و آشوب‌های صنفی، قومی، قشری و جنسی اشاره کرد.

امروزه ثابت شده است که گسترش امنیت تنها از طریق افزایش کنترل نهادهای رسمی امنیتی از جمله نیروی انتظامی و پلیس امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند مشارکت تمامی آحاد جمعیت و سازماندهی گروه‌های خود جوش و مردمی است. در مقابل از جمله کارکردهای عمده‌ی هر نظام فرهنگی امنیت بخشی به زندگی اجتماعی و تداوم ان، تکوین هویت اجتماعی و ایجاد و حفظ همبستگی است . عامل اصلی آسیب زنده به نظام فرهنگی–اجتماعی شهرها گسترش ناامنی در جامعه است.

از انجایی که مهمترین کارکردهای محله، گسترش نظام فرهنگی و بهبود شرایط زیست ساکنین است، ایجاد و گسترش امنیت برای تمامی گروه‌ها به‌خصوص زنان و کودکان و تداوم آن موجب تکوین هویت اجتماعی و حفظ همبستگی خواهد شد. لذا جامعه‌ای که برای زنان و کودکان امن باشد برای تمامی گروه‌ها و کل جمعیت امن خواهد بود. از آنجایی که فقدان امنیت بازتاب ترکیبی از تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها و برآیندی از این دو است لذا ارتقاء سطح امنیت محله به‌خصوص برای زنان از دو بعد باید مورد توجه قرار گیرد:

۱–افزایش سطوح توانمندی و کاهش آسیب‌پذیری زنان.

۲–از بعد عوامل امنیت بخش و کاهش عوامل تهدیدآمیز امنیت در محله.

امنیت انسانی و مسأله زنان

اصطلاح امنیت انسانی از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر و در طول زمان براساس سطح توسعه‌ی جامعه تفاوت دارد، این اصطلاح به نیازهای اساسی و حقوق انسانی مرتبط می‌باشد. رفع این نیازها واحترام به این حقوق مسائل

گونگونگ از جمله نگرش‌های اجتماعی درخصوص جنسیت را در بر می‌گیرد. مفهوم کانونی اصطلاح امنیت انسانی اعتقاد به برابری و تعادل بین نیازها و منابع، حقوق و تکالیف و الزامات و سطوح تحمل می‌باشد. این اصطلاح مفهوم رفاه بخشی را در برمی‌گیرد که در آن افراد یا گروه‌ها از حمایت در برابر صدمات جسمانی و روحی، رهایی از ترس و اضطراب و حق زندگی در کمال آرامش، اطمینان حاصل نمایند.

امروزه تغییرات در جامعه موجب افزایش فعالیت‌های مجرمانه به دلیل سهولت ارتباطات، گسترش شبکه‌های مواد مخدر، شویندگان پول و قاچاق زنان و کودکان شده‌است.

لذا از انجایی که تعریف امنیت شامل مصونیت و نداشتن بیم و احساس تهدید نسبت به منافع اساسی، نگاهبانی از جامعه در برابر آفت‌ها و آسیب‌ها و جلوگیری از تبدیل این آفت‌ها و آسیب‌ها به تهدید و نیز مقابله با تهدیدهای موجود می‌باشد، مصونیت عموم جامعه در برابر عامل تهید کننده جان، مال ناموس و آبروی آنان از مصداتی‌های گسترش امنیت عمومی است(محبوبی منش ۱۴۳–۱۳۸۱:۱۴۴)

بنابر این مفهوم امنیت انسانی می‌باید بر موارد زیر تأکید نماید:

۱-تمامی مردم صرف نظر از سن، جنس و گروه نژادی را در بر گیرد.

۲- حمایت از افراد و اجتماعات محلی را از تمامی اشکال خشونت، ترس و جرم و جنایت شامل شود.

۳-به موضوعاتی همچون اقتصاد، بهداشت و استفاده‌ی بهینه و مراقبت از محیط طبیعی و توسعه‌ی آن باز می‌گردد.

۴-مستلزم خاتمه دادن به تجاوز به حقوق انسانی است.

در شرایط نامنی و غلبه ترس؛ جامعه روح امید و افتخار خود را از دست می‌دهد و اکثر مکان‌های عمومی تعداد اندکی استفاده کننده خواهند داشت،



همچنین ترس و ناامنی بر کیفیت زندگی زنان و آنچه که می‌توانند کسب کنند تأثیر منفی خواهد داشت چرا که مطالعات نشان داده است، ترس و تجربه ترس از نظر جنسیتی بی‌طرف نبوده بلکه گزارشات نشان می‌دهد که زنان در اماکن عمومی ترس بیشتری را نسبت به مردان تجربه می‌کنند. احساس ناامنی از نظر فرهنگی، اجتماعی و مالی نه تنها بر جامعه تأثیر می‌گذارد بلکه قادر است زندگی زنان را تخریب کند، بسیاری از زنان فعالیت‌هایشان را محدود می‌کنند تا از مکان‌های ناامن اجتناب ورزند در نتیجه آن‌ها مشارکت اجتماعی کمتری خواهند داشت در این صورت ترس از خشونت و جرم بخش جاری زندگی روزمره آنان می‌شود و از آنجائیکه سپهر عمومی با مردان در ارتباط بوده و دارای ویژگی مردانه است. توسط ایجاد ترس از سپهر عمومی، زنان بیش از پیش در سپهر خصوصی محصور می‌مانند. با توجه به اینکه ترس از ناامنی به اندازه‌ی خود ناامنی آسیب رسان است لذا هر اقدامی جهت ارتقاء امنیت جامعه کاهش ترس مردم از ناامنی خواهد شد. در این خصوص تاکنون مؤسسات متولی ایجاد امنیت به طور خاص امنیت زنان را مورد توجه ویژه قرار نداده‌اند.

آسیب‌پذیری زنان



زنان به دلیل دارا بودن ویژگی‌های خاص از جمله شرایط روحی و جسمی،در زمره اقلشار آسیب‌پذیر جامعه به حساب می‌آیند. در این رابطه فوکویاما دلایلی را بر می‌شمارد که دال بر آسیب‌پذیری بیشتر زنان در مقایسه با مردان می‌باشد. از این گذشته وی بر مسائل دیگری از جمله حقوق و دستمزد کمتر زنان در مقایسه با مردان و یا امکان اخراج زنان از کار و همچنین مغفول واقع شدن زنان در بسیاری از جرائم و مشکلات اجتماعی از جمله ضرب و جرح، طلاق، قتل و فاعل واقع شدن مردان در موارد مشابه به دلیل خوی و خصلت تهاجمی و پرخاشگرانه آنان به عنوان زمینه‌های نامنی بیشتر زنان، در مقایسه با مردان در جریان رواج آسیب‌های اجتماعی تأکید می‌کند.(فوکویاما.۱۳۷۹).

آسیب‌های روانی نیز از دیگر از آسیب‌هایی به شمار می‌رود که زنان را بیش از مردان تهدید می‌نماید. بررسی‌های کاواچی و برکمن در زمینه‌ی تأثیر شبکه‌های اجتماعی و حمایت‌های محیطی بر سلامت روان افراد نشان داد که اختلالات جنسیتی در جلب حمایت از شبکه‌های اجتماعی موجب غلبه بیشتر پریشانی روانی در میان زنان در مقایسه با مردان می‌گردد.(مدنی قهفرخی. ۱۷۰:۱۳۸۲). میزان شیوع این اختلالات در افراد مطلقه، بیوه، بیکار، زنان خانه‌دار، متأهل و بازنشسته بیش از سایر گروه‌ها بوده‌است. بدین ترتیب اکثریت گروه‌های مذکور را زنان تشکیل می‌دهند که پس از قرار گرفتن در گروه‌های در معرض خطر، به دلیل ضعف پیوندها و ارتباطات اجتماعی به شدت آسیب‌پذیر می‌شوند.

در تعریفی که کاسکا و همکاران در خصوص سلامت روان ارائه داده‌اند. تأکید بر حمایت‌های محیطی به عنوان عامل مؤثر بر ارتقای سلامت روان، این فرآیند را به سرمایه اجتماعی پیوند می‌هد. اکثر مطالعات نشان داده‌اند که با افزایش سلامت رون افراد بر میزان پیوستگی اجتماعی آنان افزوده می‌شود.(کاسکا، دیگران.۱۳۸۰)

پژوهشی که به‌وسیله سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه در سال ۲۰۰۱ انجام شد نشان داد که پیوندهای اجتماعی مداران، خطر کودک آزاری و مشکلات اجتماعی کودکان و نوجوانان را کاهش می‌دهد. در واقع متناسب با نقش و جایگاه زنان در جامعه تخریب و فروپاشی سرمایه اجتماعی می‌تواند تأثیر مضاعفی بر کارکرد آنان داشته باشد، همچنان که اثرات منفی چنین شرایطی بر زنان بیش از مردان بوده است.

رواج آسیب‌های اجتماعی، جمعیت زنان را بیش از مردان در معرض خطر قرار داده و توانایی آن‌ها را به دلایل گوناگون کاهش می‌دهد و آن‌ها را در برابر انواع خطرات آسیب‌پذیر می‌نماید. جانسون(۱۹۹۶) معتقد است که حوادث و مزاحمت‌های جنسی دانما زنان را در شرایط آسیب‌پذیر در برابر مردان قرار می‌هد. در این رابطه استانکو(۱۹۹۰) خشونت را به عنوان بخش طبیعی و پذیرفته شده در جامعه می‌داند، چرا که اصولاً برخی از انواع خشونت‌ها در زندگی روزمره رخ می‌دهد. اما وی معتقد است که خشونت خود به خود شکل جنسیتی به خود می‌گیرد چرا که زنان و مردان نوع خشونت متفاوتی را در زندگی تجربه می‌کنند و به همان ترتیب نوع هراسی که به وجود می‌آید متفاوت است. برای مثال کودکان از ابتدا می‌آموزند که با غریبه‌ها صحبت نکنند و یا به تنهایی در آسانسور سوار نشوند، به همین

ترتیب ترس زنان انعکاسی از آموزه‌ها و برخواسته از تجارب دوستان و یا حوادث پیرامونی است. همچنین ترس زنان ناشی از احتمال خشونت از سوی مردان نیز می‌باشد.(استانکو، ۱۹۹۷:۱۱)

علاوه بر این رشد آسیب‌های اجتماعی، جمعیت زنان را بیش از مردان در معرض خطر قرار داده و توانائی‌های آنان را به دلایل گوناگون منحرف و کاهش داده است.(مدنی قهفرخی. ۲۳:۱۳۸۲)

از این رو زنان می‌باید در مقابل آسیب‌های مختلف مورد حمایت قرار گیرند تا بتوانند از عهده‌ی نقش مهمی که در مراقبت از امنیت انسانی و تسری آن به محیط خانه دارند به خوبی برآیند. این حمایت‌ها در سطوح محلی،ملی و جهانی مورد نیاز می‌باشد.

آسیب‌های متعددی زنان را مورد تهدید قرار می‌دهد که از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف . آزار خیابانی

آزار خیابانی آسیب‌هایی مبتنی بر جنسیت است که در خیابان، شهر و در متن جامعه بر فرد بزه دیده (عمدتاًزنان) وارد می‌شود. این نوع آزار پدیده‌ی شومی است که در سطح جهان قربانان فراوانی دارد و امروزه یکی از دغدغه‌های قابل توجه کارشناسان مسائل اجتماعی و مدیران جامعه می‌باشد.

ترس و ناامنی، فشارهای روانی، مخدوش شدن شخصیت و کاهش مشارکت اجتماعی زنان کمترین پیامد آزارهای خیابانی است که جبرانش نیازمند هزینه‌های مالی و انسانی سنگین است.(آقاجانی. ۱۳۸۳:۱۶۱)

آزارهای خیابانی علاوه بر پیامدهای فردی و خانوادگی دارای پیامدهای اجتماعی مهمی است که از جمله آن‌ها می‌توان به زائل شدن امنیت عمومی، فرسایش حجب و حیا در جامعه، کاهش مشارکت اجتماعی زنان، آشفتگی در روابط اجتماعی، تأثی منفی در فرآیند جامعه‌پذیری، کاهش حساسیت‌ها و افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی، ترویج فساد اخلاقی و تنزل ارزش‌های اخلاقی اشاره کرد. هچنین یکی از عوارض شایع مزاحمت‌های خیابانی، سلب امنیت خانواده است، به‌گونه‌ای که والدین کمتر جرأت خواهند کرد که فرزندان خود را در محیط ناامن جامعه روانه کنند.

آزارهای خیابانی و توسعه‌ی آن در سطح محله موجب فرسایش حیای عمومی شده و همه‌ی کسانی را که شرم اجتماعی مانع ارتکاب علنی فساد اخلاقی آنان می‌شود به صحنه می‌کشاند و کلیت محله را محیط خلوت آزارهای مبتنی بر جنسیت توسط آنان قرار می‌دهد.

کتمان مزاحمت از ناحیه فرد بزه‌دیده به دلیل ترس از آبرو و برخی مسائل فرهنگی و از جمله وجود این نگرش عرفی که تمام زنان آزار دیده خود زمینه سودجویی مزاحمان را فراهم می‌کنند و کوتاهی و تقصیرها متوجه آن‌هاست، باعث جسارت مزاحمین در تکرار آزار می‌شود.

بی‌تفاوتی در مقابل آزار و اذیت‌های خیابانی و عدم نقش نظارتی و فشار اجتماعی علیه بزهکاران، یکی از زمینه‌های تشدید این معضل است.

بنابراین برای مقابله با آزارهای خیابانی تکیه بر نیروی انتظامی و دستگاه قضایی به تنهایی نمی‌تواند کارساز باشد. لذا کاهش ضریب آسیب‌پذیری زنان و اتخاذ راهکارهایی جهت گسترش امنیت در محله می‌تواند زمینه‌ساز ساختن محیطی امن برای دختران و زنان جامعه باشد.



ب: خشونت‌های خانگی

خشونت‌های خانگی علیه زنان عبارت است از هر نوع رفتار خشن و وابسته به جنسیتی که در محیط خانه موجب آسیب جسمی، روانی و یا رنج زنان شود. چنین رفتاری می‌تواند با تهدید یا اخبار و سلب مطلق اختیار و آزادی صورت گرفته، در جمع و یا در خفا باشد. خشونت شوهران علیه زنان در خانواده یکی از معضلات اساسی در جوامع امروزی اعم از توسعه یافته و یا در حال توسعه است.

خشونت خانگی یا خشونت علیه زنان در خانواده‌ها، شایع‌ترین شکل خشونت علیه آنان است، نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که احتمال ضرب و جرح،



تجاوزز قتل زنان به دست همسرانشان، بیش از هر کس دیگری است.

(سازمان جهانی بهداشت. ۱۳۸۰.۳۹).

تا سه دهه‌ی قبل جامعه‌شناسان خشونت در خانه را امری استثنایی قلمداد می‌کردند، اما نتایج پژوهش‌ها برخلاف تصور رایج نشان داد که خشونت تقریباً در میان بیشتر خانواده‌ها وجود دارد و معمولاً قربانیان خشونت در خانواده، زنان و کودکان هستند. به دلایل متعدد خشونت خانوادگی با سایر اشکال خشونت متفاوت است، نخست آنکه خشونت در خانواده در خلوت اتفاق می‌افتد، حال آنکه سایر خشونت‌ها در محیط عمومی رخ می‌هد. دوم اینکه وقتی خشونت در یک مکان عمومی اتفاق می‌افتد عواملی هستند که در آن مداخله‌ای می‌کنند یا به دعوا پایان می‌دهند. اما خشونت در خانه موضوعی خصوصی است و شاهدی به استثنای فرزندان ندارد.

وابستگی عاطفی-اخلاقی، مالی-قانونی و به ویژه وابستگی عاطفی خانواده به یکدیگر مقررات خشونت خانوادگی و طبیعت خصوصی خانواده، خشونت خانوادگی را از خشونت در دیگر مکان‌ها متمایز می‌سازد.

براساس گزارشات مجمع ملی مبارزه با خشونت خانوادگی در هر یک دقیقه یک زن توسط همسر خود مورد ضرب و شتم قرار قرار می‌گیرد.(مرکز تحقیقات پژوهش‌های ناجا،۱۳۸۲).

آنچه مسلم است در ایران نیز خشوت شوهران علیه زنان در خانواده در ابعاد مختلف آن (جسمی-جنسی، روانی، اجتماعی و اقتصادی) حتی خشونت‌هایی که منجر به قتل توسط شوهر یا خودکشی زنان می‌شود نیز روی می‌دهد ولی اکثر زنان به دلایل مختلف از جمله ترس از مواجهه با فقر، عدم پذیرش مجدد در خانواده، بی‌آبرویی، نگرش مردم نسبت به آنان ترس از دست دادن کودکان و …مسائل خود را گزارش نمی‌کنند.

در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما، قصور در تشخیص و ارائه خدمات حمایتی به زنان قربانی خشونت خانگی مشهود است. از این رو، زنان نیازمند کمک، به همسایه‌ها و اعضای فامیل مراجعه کرده و از رجوع به پلیس یا مراکز بهداشتی امتناع می‌ورزند. از آنجایی که مراکز ارائه دهنده خدمات حمایتی مانند پلیس یا سازمان بهزیستی به دلایل مختلف قادر به شناسایی زنان قربانی خشونت یا ارائه پاسخ مقتضی به نیازهای آن‌ها نیستند، کاهش آسیب‌پذیری زنان در برابر این‌گونه خشونت‌ها از طریق گسترش ارتباطات همسایگی در محله‌ها و ایجاد شبکه‌هایی که با ارائه خدمات آموزشی، آگاهی بخشی و حمایت‌های خاص و همچنین ایجاد پناهگاه‌های امن و خدمات

توان بخشی و مشاوره‌ای برای زنانی که مورد خشونت شوهرانشان واقع شده‌اند و یا در معرض آن قرار دارند، امکان‌پذیر است.(برای اطلاع بیشتر ر.ش.احمدی و زنگنه.۴۱:۱۳۸۱).

در این رابطه تجارب سایر کشورها نشان می‌دهد که گروه‌های حمایتی که در آن زنان بتوانند تجربه‌هایشان را به اشتراک گذارند، در انگلستان، آرژانتین، استرالیا، کاستاریکا، هند، ژاپن، لیبریا و سایر کشورها به‌عنوان راهی مؤثر برای کمک به زنان در جهت پایان دادن به مشکلات مربوط به ارتباطات خشن و یا سازش با آن مطرح است.

درگیر شدن جوامع محلی در گزارش دادن و توییح کردن شوهران خشن در هند و در بین ساکنین کانادا موفقیت‌هایی را به‌همراه داشته است.

در آمریکای لاتین و در برخی از کشورهای آسیایی به‌منظور ارائه پاسخی متعهدانه و مناسب به جرایمی که علیه زنان رخ می‌دهد، مراکز پلیس زنان تأسیس شده‌است.

دوره‌های آموزشی والدین و برنامه‌های اطلاع‌رسانی حقوقی و مشاوره رایگان برای تشویق زنان قربانی خشونت یه شکایت و تحت تعقیب قرار دادن ضاربین در کانادا، نیکاراگوئه، کاستاریکا و اوگاندا شروع شده است. در مصر، پاراگوئه، السالوادور، مالزی، انگلستان، کانادا و سایر کشورها برای زنانی که با همسران خشن خود زندگی می‌کنند، خانه‌ها و پناهگاه‌های امن تأسیس شده‌است.

نقش گروه‌های محله‌ای در کاهش آسیب‌پذیری زنان
همانطور که اشاره شد امنیت یک تولید اجتماعی و مبتنی بر خواست و عمل مردم به عنوان ارگانسیم دفاع اجتماعی است. وجود گروه‌های قدرتمند زنان نه تنها در کاهش آسیب‌پذیری آنان مؤثر بوده بلکه در امنیت بخشی به محلات و مکان‌های مسکونی اهمیت فوق‌العاده دارد.

از آنجائیکه حوزه‌های آسیب‌پذیری زنان فراوان است، مسأله‌ی مهم در امنیت بخشی به آنان شناخت میزان خطر پذیری در هریک از این عرصه‌هاست. نقطه شروع باید آگاهی و داوری در مورد آسیب‌پذیری‌ها باشد و در عین حال گروه‌های زنان باید به دنبال حمایت از خودشان در برابر خشونت‌ها، جرائم و به‌طور کلی آشنفتگی‌های اجتماعی باشند.

اصولاً نوع جرائمی که زنان از آن می‌ترسند متفاوت از مردان و سطوح ترس آنان نیز بالاتر است با توجه به اینکه ترس قادر است زندگی انسان را مختل کند، بدون شناخت نوع ترس زنان از جرائم و خشونت علیه آنان راهبردهای توسعه‌ی امنیت محلات نا کار آمد و نامناسب خواهد بود.

لذا در این راستا نیازمند طراحی پروژه‌هایی هستیم که راهبردهایی هستیم که راهبردهای اصولی زیر را در پی داشته باشد.

الف: یک محله‌ی قابل زندگی، محله‌ای است که تمام اعضای آن احساس امنیت داشته باشند.

ب: راهبردهایی تدوین نماید که ترس را کاهش داده و همچنین فرصت‌های جرم و جنایت را از بین ببرد.

ج: جامعه‌ای که برای زنان امنیت داشته باشد برای همه امن است.

راهبرد امنیت مؤثر نیازمند شناسایی مسائل است، زنان مهمترین منبع اطلاعاتی در خصوص موارد امنیتی خود بوده و آنان قادر به شناسایی اماکن عمومی و محلات امن و ناامن هستند. بنابراین زنان زمانی قادرند عوامل محیطی را که در ترس آن‌ها مؤثرند رفع کنند که بتوانند آن عوامل را به‌خوبی شناسایی نمایند.

ماهیت جنسی جرائم، تجارب ناگوار، تجار خشونت‌های فیزیکی از جانب مردان، فقدان آگاهی در خصوص خشونت علیه زنان به دلیل عدم گزارش ان از سوی زنان ترس بیشتری از جرم ناامنی داشته باشند، لذا اگر خشونت علیه زنان گزارش نشده و به بحث گذارده نشود کاهش تهدیدات در برنامه‌های جامعه لحاظ نخواهد شد.

جهت دستیابی به اهداف فوق ایجاد گروه‌ها و نهادهای خودجوش مردمی در راستای ایجاد یک سیستم مددکاری اجتماعی که وظیفه آگاهی بخشی،

آموزش و همچنین حمایت را بر عهده داشته و موجبات کاهش ناامنی و ترس از آن شود ضرورت می‌یابد.

مواردی که در تشکیل گروه امنیت زنان در محله باید رعایت شود به شرح

زیر می‌باشد:

● اعضای گروه باید از زنان تشکیل شده باشد، این زنان از بین ساکنین محله که دارای علائق مشترک در راستای امنیت زنان باشند انتخاب می‌شوند.

● تجارب نشان داده است که نیازی نیست که گروه بزرگ باشد، در واقع اگر گروه کوچکتر باشد، مدیریت و هدایت آن ساده‌تر است.

به عبارت دیگر اگر در محله‌ای عده‌ی کثیری باشند که به موضوع امنیت بخشی به اماکن برای زنان علاقه نشان می‌دهند،باید به گروه‌هایی تقسیم و وظایف هر گروه مشخص شود.

● اعضای گروه یکدیگر را حمایت نموده و از آنجایی که هر تغییری زمان می‌برد، این حمایت‌ها باید بلند مدت و مستمر باشد.

● اعضای گروه با خود طیفی از تجارب، مهارت‌ها، عقاید و ارتباطات را به‌همراه می‌آورد.

● این گروه بر مسئله امنیت زنان تأکید می‌کند. گروه می‌تواند چارچوبی را برای بحث، تبادل و انعکاس نظرات و پژوهش ایجاد کند و درخصوص مسائلی که بر امنیت زنان تأثیر می‌گذارد بحث نماید.

● از آنجایی که زنان در محله‌ها ممکن است بیشتر مشتاق به تبادل تجارب با گروه‌های زنان در جهت مقوله‌ی امنیت باشند تا با دفاتر و ادارات دولتی، لذا این گروه‌ها می‌توانند نقطه نظرات را تشخیص داده و نقطه آغاز و رابطی بین زنان و دستگاه‌های دولتی باشند.

● گروه امنیت زنان می‌تواند در زیر مجموعه‌ی شوراهای محله تشکیل شده و راهکارهایی را که در شوراهای محله درخصوص امنیت بخشی به محله ارائه می‌شود به بحث و تبادل نظر بگارد تا از تحت پوشش قرار گرفتن کامل زنان اطمینان کسب نمایند.

● متخصصان پیشگیری از خشونت‌های خانگی می‌توانند اطلاعات و کمک‌هایی را برای ایجاد جامعه‌ای امن‌تر فراهم سازند، آن‌ها می‌توانند به ایجاد شبکه‌های محلی کمک کنند و از طریق انطباق با شرایط محلی می‌توانند جهت مقابله‌ی با خشونت علیه زنان اقداماتی را طرح‌ریزی نمایند. همچنین ارتباط مؤثری میان ابتکارات محله‌ای و اجتماعات و همچنین پرسنل رده بالای دولتی برقرار می‌گردد. تداوم مشارکت در تبادل اطلاعات و تجارب به زنان کمک می‌کند که در فعالیت‌های مربوط به امنیت بخشی به محله مشارکت کنند و مطمئن شوند که نظرات و نیازهای آنان نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

از جمله تجارب که در این رابطه به اجرا درآمده‌است می‌توان به پروژه‌ی امنیت زنان در لیورپول اشاره کرد: این پروژه عمدتاً دوهدف اصلی را دنبال می‌نماید که عبارت اند از:

۱-کاهش ترس زنان از مزاحمت‌ها و حمله‌ها در خیابان و سایر مکان‌های عمومی.

۲-افزایش امنیت زنان در هنگام استفاده از اماکن عمومی.

این گروه بهبود وضعیت امنیتی زنان را از طریق تشریک مساعی بین مشارکت‌کنندگانی که درگیر مسائل زنان هستند و مؤسساتی که وظیفه اداره و نظارت بر محلات شهری را برعهده دارند مانند شوراهای محلی، پلیس، مدیران جامعه، مدیران حمل و نقل شهری اصناف، دنبال می‌کند. پروژه امنیت زنان با این اعتقاد که بدون شناخت نوع ترس زنان از جرائم و خشونت علیه زنان راهبردهای توسعه‌ناکار آمد خواهد بود، در پی شناخت عواملی برآمد که بر افزایش ترس و کاهش امنیت زنان تأثیرگذار می‌باشد، از این رو اقدام به ایجاد سیستم ثبت اطلاعات نمود که تأکید اصلی سیستم بر موارد زیر بوده است:

● عوامل مؤثر بر ترس زنان را به عنوان وجه مهمی از دستیابی به محله‌ی

امن شناسایی و مستند سازد.

● روش‌هایی را که از طریق آن ترس از جرم و تجارب مزاحمت‌ها و حمله‌ها می‌توانند بر زنان تأثیر بگذارد و مشارکت آنان در زندگی اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار دهد را طور خاص به تصویر بکشد.

● راهنمای امنیت زنان قدم به قدم به دیدگاهی نزدیک می‌شود که به شناسایی مکان‌هایی که زنان احساس ناامنی می‌کنند و یا برای آنان ناامن است کمک می‌کند.

● تهیه لیستی از عوامل مؤثر بر امنیت زنان که اولین قدم در ایجاد جامعه‌ی امن است.

از آنجایی که از نظر طراحان این پروژه زنان بهترین منبع اطلاعات درخصوص خشونت و جرم علیه آنان بوده و بهترین منبع برای ارائه راه حل می‌باشد، برای مجریان پروژه اطلاعاتی درخصوص مکان‌هایی که زنان امن و یا ناامن گزارش کرده‌اند و جلب نظر شوراهای محلی و مؤسسات دست اندرکار امنیت محله و برقراری ارتباط با آن‌ها حائز اهمیت فراوان می‌باشد. همچنین خط مشاوره‌ی تلفنی نیز برای کمک به زنانی که تحت خشونت خانگی و یا در اماکن عمومی قرار گرفته‌اند نیز دایر شده است.

بطور کلی در انگلستان، اقدامات غیر رسمی در زمینه حمایت از زنان در برابر جرایم خشونت آمیز و جنسی، در دو جبهه‌ی کلی و اصلی قرار دارد که سایر اقدامات در داخل یکی از این مجموعه قرار می‌گیرد که به اختصار عبارت‌اند از:

الف: جنبش حمایت از بزه‌دیدگان که در سال ۱۹۷۴ در شهر بریستول تأسیس شد، این طرح از سال ۱۹۷۹ مشمول دریافت پشتوانه مالی از وزارت کشور و در نتیجه یک انجمن ملی برای اداره‌ی جنبش حمایت از بزه‌دیدگان تأسیس شد. از جمله فعالیت‌های این جنبش، انجام ملاقات با بزه‌دیدگان، کمک غیر حضوری از طریق تلفن با نامه، حمایت از بزه‌دیدگان جرایم خانوادگی، فراهم آوردن کمک‌های عاطفی و مادی، دادن اطلاعات و ایجاد تسهیلات برای آن‌ها در دادگاه‌هاست و از جمله خصوصیات این جنبش، عدم وابستگی به احزاب سیاسی، اجتناب از تبلیغات برای جلوگیری از ناراحتی بزه‌دیدگان و ارتباط نزدیک با پلیس است.(معمدتی مهر.۱۱۱:۱۳۸۰ به نقل از دبستانی کرمانی)

ب: جنبش حمایت از زنان بزه‌دیده:

هر چند ممکن است طرز کار و اقسام اقدامات حمایتی این دو جنبش یکسان باشد، اما موضوع کار خصوصیات ایدئولوژیک و سیاست‌گذاری نهضت اخیر، رادیکال بوده و با جنبش یکسان باشد، اما موضوع کار، خصوصیات ایدئولوژیک و سیاست‌گذاری نهضت اخیر، رادیکال بوده و با جنبش حمایت از بزه‌دیدگان متفاوت است.

از جمله گروه‌هایی که در قالب این جنبش فعالیت می‌کنند مرکز بحران جنسی، پناهگاه‌های زنان، گروه‌های قربانیان زناى با محارم و زنان مخالف تجاوز به عنف هستند، همه‌ی این گروه‌ها بیشتر به بزه‌دیدگی‌های خاص زنان در ارتباط با جرایم جنسی و خشونت آمیز توجه دارند. از آنجائیکه این جنبش در پی بزرگ کردن و نمایاندن نقائص نظام عدالت کیفری است، طبیعتاً نمی‌تواند با بخش‌های رسمی، همکاری و تفاهم داشته باشد. از خصوصیات این جنبش ارتباط ضعیف با پلیس و حتی خصومت میان آن‌هاست.(منبع پیشین:۱۱۱–۱۱۲)

با توجه به تجارب اتخاذ شده در سایر کشورها از جمله لیورپول باید ادعان نمود بسیاری از ابتکارات اخیر در باب امنیت نقش مهمی در پیشگیری از جرم دارند. تجارب حاصل از سرتاسر جهان نشان می‌دهد که شوراهای محله می‌تواند محله‌ای امن‌تر ایجاد کند این کار از طریق ابتکار، حمایت و به کارگیری برنامه‌های پیشگیری از جرم امکان‌پذیر است. بنابراین هر چند ایجاد گروه‌های امنیت زنان در محله متشکل از خود زنان ضرورت دارد لیکن برنامه‌های کار آمد پیشگیری از جرم و ارتقاء امنیت نیازمند هماهنگی بین تعدادی از سازمان‌های خصوصی و عمومی است که در سطوح محله‌ای،

منطقه‌ای و شهری قادر به ایجاد هماهنگی باشد.

امنیت خانواده و محله برای همه اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. اگر چه عموماً ما برای حمایت و ایجاد امنیت به مراجع قانونی و دولت وابسته هستیم اما از طریق ایجاد گروه‌های مردمی قادر به ایجاد مشارکت مؤثری با نهادهای دولتی و شوراهای محله در حفظ امنیت محله می‌باشیم. لذا افزایش امنیت و کاهش ترس از جرم یک فعالیت بین نهادی را می‌طلبد. که وظیفه‌ی ابتدایی و اولیه این گروه‌ها آموزش و آگاهی بخشی در خصوص مقابله با موقعیت‌های مخاطره آمیز است.

از آنجایی که برقراری روابط صمیمانه و خوب با همسایگان موجب ارتقاء کیفیت زندگی و آرامش در محله می‌باشد، لذا باید ترتیباتی اتخاذ شود تا همسایگان یکدیگر را به خوبی بشناسد و روابط صمیمانه بین آن‌ها برقرار شود.

از این رو جهت ارتقاء سطح امنیت محله باید موارد زیر را در نظر داشته باشید:

● یک گروه با هدف حمایتی و اطلاع بخشی و همچنین آموزشی در محله ایجاد کرده و جلسات منظم تشکیل دهید.

● از بین اعضای گروه رابطی را جهت همکاری و ارتباط با پلیس انتخاب نمایید. مثلاً کسی که مدت زمان بیشتری در محله اقامت داشته است.

● با جلب نظر حمایت‌گرانی از سازمان‌های مختلف، علامت‌ها یا بر چسب‌هایی را بر دیوارها و صندوق‌های پست نصب کنید و در آن مواردی را که باید از سوی همسایگان رعایت شود آگهی کنید.

● اعضای گروه می‌باید شماره‌ی تلفن یکدیگر و همچنین همسایگان را با اطلاعات خاص آنان در اختیار داشته باشند این اطلاعات بر موارد زیر تکیه دارد:

–اسامی افراد بالغ و کودکان

–شماره‌ی تلفن، خانه، محل کار و مدرسه

–ساعات معمول حضور در خانه/یا محل کار

–مهارت‌هایی که اعضا دارند از قبیل پرستاری / کمک‌های اولیه، تجارت و بازاریابی و غیره…

● همچنین جهت کاهش جرم در محله همسایگان باید:

–هر نشانی از جرم را و همچنین افراد مظنون را شناسایی کنند.

–جهت اطلاع به پلیس و یا آگاه‌سازی یکدیگر برنامه‌هایی داشته باشند.

–به کودکان آموزش دهند.

نقش اقدامات محله‌ای در کاهش مخاطرات خشونت خانگی

همان طور که در صفحات پیشین اشاره شد، یکی از رایج‌ترین انواع خشونت علیه زنان خصوصادر جامعه‌ی ما، خشونت شوهران علیه زنان است، چنین شرایطی سبب می‌شود خانه که باید مأمن و پناهگاه زنان باشد به مکانی ناامن برای آنان تبدیل شود. از این رو یکی از مهمترین حوزه‌های عملکردی گروه‌های امنیت زنان محله می‌تواند توانمندسازی زنان برای مقابله با شرایط خطرزا و یا پیشگیری از به وجود آمدن چنین شرایطی باشد و در نهایت گروه می‌تواند درخصوص حمایت از زنان قربانی خشونت اقدام نماید.

گروه می‌تواند با کمک گرفتن از مشاوران و و روانپزشکان و ایجاد خطوط مشاوره تلفنی ضمن شناسایی مشکلات اصلی زنان آنان را در مقابله با مردان خشن یاری نماید.

از مهمترین اقدامات گروه تشکیل جلسات آموزشی برای زنانی است که با شوهران خشن خود زندگی می‌کنند. برای مثال اقدامات امنیتی زیر به آنان آموزش داده می‌شود:

–ویژگی های مردان خشن و نحوه‌ی برخورد با آنان را بشناسند.

–حتی‌الامکان از جر و بحث در شرایط نا مناسب دوری کنند.

– در هنگام مجادله از آسپزخانه و مکان‌هایی که وسایل خطرناک دارد دوری کنند.

–کلید منزل، محل کار، سوئیچ ماشین و مدارک مهم و مقداری پول در دسترس باشد تا در مواقع ضروری هنگام خروج آن‌ها را نیز به همراه ببرند.
–وسایل کودکان را از پیش آماده نمایند تا در هنگام خروج کودکان را نیز با خود از معرکه دور کنند.

–همسایگان را در جریان دعوا قرار دهند.

–از همسایگان بخواهند که در چنین مواردی از نیروهای انتظامی مدد بگیرند.

–اعضای شبکه لازم است شماره‌های تماس با یکدیگر را داشته باشند تا در مواقع ضروری به کمک هم بشتابند.

در نهایت با توجه به اینکه در شهرهای ما تقریباً در تمامی محلات مسجد یا شورا‌هایی وجود دارد و با توجه به اینکه مساجد پتانسیل گسترش کارکرد اجتماعی را نیز دارا می‌باشند، پیشنهاد می‌شود هسته‌ی اصلی تشکیل گروه‌های زنان در مساجد شکل بگیرد و ضمن ایجاد دفاتر مشاوره‌ی خانواده در این مساجد، خط تلفنی نیز ایجاد شود تا به طور تلفنی به مددجویی زنان در معرض خطر یا آسیب دیده بپردازد، همچنین با توجه به اینکه یکی از مهمترین دلایل عدم گریز زنان از موقعیت‌های خطرناک در خانه، نداشتن هیچگونه مأمن و پناهگاه دیگری است و بعضاً مشاهده شده که در چنین شرایطی حتی جان خود را از دست می‌دهند، لذا به نظر می‌رسد محلات ظرفیت ایجاد پناهگاه‌های امن برای زنان آسیب دیده را دارد و این مکان‌ها در محله‌های منتخب می‌تواند جان زنان را در موقع خاص نجات دهد.

ارتقاء سطوح امنیت محله در راستای نیازهای زنان

کاهش خشونت علیه زنان و ارتقاء امنیت آنان یکی از تعهدات دولت در سطوح مختلف بوده و امنیت بخشی به اماکن عمومی برای زنان موجب احساس امنیت بیشتر آنان که حق انسانی هر فردی است خواهد شد. این امر موجب بهبود دستیابی برابر به منابع می‌شود، و فرصت بیشتری را برای زنان جهت مشارکت در امور اجتماعی فراهم خواهد ساخت، به عبارت دیگر به زنان اجازه می‌دهد که در تصمیماتی که بر زندگی آن‌ها مؤثر است مشارکت کنند. کاهش احساس ناامنی زنان اولین قدم در ارتقاء امنیت آنان است.

اخیراً تشخیص داده شده است که محیط شهری (شامل ساختار محله‌ها، مدیریت و خدمات رسانی شهری و دسترسی به امکانات) دارای اثرات مثبت و منفی بر نوع زندگی ما می‌باشد به عبارت دیگر به نظر می‌رسد طراحی شهری به عنوان یک عامل بالقوه در وقوع برخی جرائم مؤثر باشد و مدیران اماکن عمومی موظفند که اقدامات مطمئنی را برای پیشگیری از فراهم شدن هرگونه فرصتی برای وقوع جرائم در پیش گیرند.

در این راستا پروژه‌های مختلفی در سطح جهان تدوین و اجرا شده‌است، از جمله می‌توان به پروژه‌های که در انگلیس، امریکا و کانادا اجرا شده اشاره کرد. احساس ناامنی بخش مهمی از پروژه‌های امنیت زنان بوده است، لذا ضروری است که در اماکن عمومی ترس از انواع جرائم شناسایی و سطوح آن مشخص شود. عوامل چندی در کاهش امنیت محله‌ها تأثیرگذار است که عبارت‌اند از:

–فقدان انسجام و هویت محله و فقدان نهادهای محلی انتظام دهنده و التیام بخش.

–افزایش فرصت‌های و موقعیت‌های جرم خیز در فضای شهری و برخورد شهروندان ناشی از: تبعیض‌ها و تورم‌ها، بورس‌بازی، شکاف فاحش بین درآمدها و هزینه‌های خانوار به‌خصوص مستأجرین، نارسائی‌ها و گسست‌ها.
–وجود فرآیندهای افزایشی پتانسیل خشونت و پرخاشگری و آشوب‌های صنفی، قومی، قشری و جنسی.

هر محله‌ای تحت اداره‌ی یکی از مناطق شهرداری می‌باشد، به طور تاریخی نقش اصلی شهرداری‌ها فراهم ساختن خدمات و زیر ساخت‌هایی برای املاک و کاربری اراضی است. همچنان که شهرهای ما گسترش می‌یابند، نیازهای و اولویت‌های ما نیز تغییر می‌کند. انتظار می‌رود ادارات دولتی محلی به تدریج نقش خود را در جهت رفع تقاضاهای جدید منطبق سازند.

اولین نکته قابل فهم این است که امنیت محله‌ها در درجه‌ی اول توسط پلیس تأمین نمی‌شود بلکه این شبکه گروه‌های نظارتی داوطلب و هنجارهای بین خود مردم است که موجب نظارت بر امنیت می‌شود نه پلیس. از سوی دیگر حفظ امنیت اماکنی مانند ایستگاه‌های مترو، اتوبوس‌ها و پارکینگ‌ها بر عهده‌ی مدیران آن اماکن می‌باشد.

گروه‌های متعدد مردم علاقمند و متعهد به حفظ امنیت اماکن عمومی هستند. اما برای ارتقاء امنیت در اماکن عمومی نیازمند گروه‌هایی هستیم که با هم کشارکت داشته باشند. مهمترین مشارکت کنندگاه در امنیت زنان در محله‌ها عبارت‌اند از:

- زنان
- اماکنی که به طور محلی خدماتی را به زنان ارائه می‌دهند.
- شورای محله
- پلیس
- ارگان‌های محلی مغازه‌داران و هتل‌داران
- اتوبوس‌های محلی و آژانس‌های حمل و نقل
- آژانس‌های مسکن

زنان بهترین منابع اطلاعاتی در محله می باشند. تجارب آنان در رابطه با ترس از جرم یا خود عمل جنایت یا جرم و یا امنیت به طرح و تعریف مسائل مربوط به سلامت اجتماعی محله و مشارکت آحاد مردم در فعالیت اجتماعات عملی کمک می کند.

بسیاری از زنان در شرایطی زندگی می کنند که از مکان‌هایی خاص و یا ساعاتی خاص از شبانه روز احساس ترس دارند. بنابراین جهت شناسایی عوامل مؤثر بر ترس و یا ناامنی زنان می‌باید پروژه‌های طراحی گردد که که وظیفه اصلی پیدا کردن مسأله را بر عهده داشته باشد. اینکه چگونه مساله امنیت زنان به مکان‌های عمومی یا محله مرتبط می‌شود و اینکه توسط نهادهای محله مانند شوراها و پلیس چگونه می‌توان سطوح آن را ارتقا بخشید از اهداف این پروژه است . ما درخصوص اینکه مردم مختلف بر اساس عواملی همچون جنسیت، سن، زمینه‌های اجتماعی اقتصادی و غیره از اماکن عمومی به اشکال متفاوتی استفاده می کنند اطلاعات بسیار اندکی در دست داریم.

در سال ۱۹۹۴ اولین اقدام پروژه‌ی امنیت زنان در لیورپول ایجاد یک خط مشاوره بوده است. اطلاعات بدست آمده نقطه آغازین بود. با مرور نکاتی که زنان اشاره داشتند و داستان‌هایی که آنها در رابطه با تجاربشان داشتند می گفتند، تصویر روشنی از امنیت زنان در محله‌ها و اماکن عمومی ترسیم شد. وقتی که از زنان سؤال می‌شود که بیشتر در چه مکان‌هایی احساس ترس دارند آنها قادرند آن مکان‌ها را به خوبی مشخص کنند و زمانی که از آنان در خصوص عوامل ایجادکننده ترس سؤال شد آنها بر چند عامل خاص تأکید می‌کردند.

تجارب پژوهشی در لیورپول، استرالیا و تورنتو کانادا اصولا عوامل و تجارب مشترکی را نشان می دادند.

گزارش زنان حاکی از آن است که آنها معمولاً از مکان‌های تاریک، پرت و دور افتاده که دید کمی دارد و خلوت است بیشتر احساس ترس از جرم دارند. چرا که هنجار شکنان اغلب در مکان‌های فاقد نظارت جمع می شوند. در این پروژه‌ها زنان پاسخگو برای اجتناب از ترس و خطر راه کارهایی را درپیش گرفته بودند از جمله اینکه: بعد از تاریکی هوا از خانه خارج نشوند تنها بیرون نروند، بیشتر از وسایل نقلیه عمومی به خصوص تاکسی استفاده کنند، برای اجتناب از مکان‌های پر خطر و افراد خاص مسیر خود را تغییر دهند. در مطالعه‌ای که درخصوص مهاجران یا پناهندگان در ۱۹۹۶ در بین زنان غیر انگلیسی زبان صورت گرفته بود زنان توسط محدود کردن فعالیت‌هایشان از خطر دوری می‌کردند. آنها گزارش داده‌اند به دلیل ترس در شب آنها کمتر در برنامه‌های آموزشی، اجتماعی و فعالیت ها شرکت می‌کنند و اشتغالاتی را که نیاز به رفت و آمد در شب دارد کمتر می پذیرند.

زنان در چه مکان‌هایی احساس امنیت بیشتری دارند؟ مکان‌هایی وجود دارد که زنان ابراز کرده‌اند که احساس امنیت بیشتری در این اماکن دارند. مثلاً: مکان‌هایی که دارای نورگیری مناسب و تحت نظارت پلیس یا ناظران امنیتی است. مکان‌های پر جمعیت و مراکز خرید در هنگام روز.

واقع شدن در اجتماعات محلی و درون روابط همسایگی بودن نیز در ایجاد احساس امنیت در برخی زنان مؤثر است. آشنایی با یک منطقه، شناخت همسایگان، آشنایی با مردمی که در خیابان و محله هستند و قدمت سکونت در محله نیز عواملی هستند که احساس امنیت را به وجود می‌آورند. در عین حال زنان اظهار کرده‌اند که احساس امنیت در محله می‌تواند با تاریکی هوا و یا ایجاد شرایطی خاص مثلاً جمع شدن گروهی از مزاحمان در محله کاهش یابد .

بنابراین در شناخت ویژگی‌های محله در ایجاد و یا

کاهش احساس امنیت باید در موارد زیر

تأکید نمود:

–همه محله‌ها و اماکن عمومی برای زنان احساس ترس ایجاد نمی‌کنند.

–احساس امنیت در اماکن عمومی و محله‌ها در دوره‌هایی از شبانه روز تغییر می‌کند، زمان‌های خاص و استفاده کنندگان خاص می‌توانند بخشی از مسئله باشند.
–ترس از نا امنی در شب بیشتر است.

–مکان‌های عمومی و محله‌هایی که در زنان احساس ناامنی ایجاد می‌کنند، معمولاً مکان‌هایی هستند که نسبت به جرم آسیب پذیرترند.

–بسیاری از زنان به طور خاص از جرائم جنسی هراس بیشتری دارند.

– مکان های عمومی که زنان در آن احساس ترس دارند اغلب دارای ویژگی‌های مشترکی هستند. آن‌ها عموماً:

– فاقد نور پردازی مناسب می باشند.

– دور افتاده و منزوی هستند.

– محیط‌های بسته‌ای که توسط عابران قابل رؤیت نیستند.

– مکان‌هایی که دارای پیچ در پیچ و پنهان هستند.

– مکان‌هایی که به عنوان نقاط جرم خیز شناخته شده اند.

–مکان‌هایی که دارای مدیریت و نظارت ضعیفی هستند.

از آنجائی که مکان‌های ناامن از نقطه‌ای به نقطه دیگر متفاوت است، لذا

شناخت محلی نسبت به نقاط امن و ناامن بسیار مؤثر می‌باشد. از این رو مقابله با چنین مسائلی نیازمند ایجاد شبکه است که با پرسش از زنان در خصوص شناسائی اماکن و محله‌های ناامن آغاز می‌شود. علاوه بر این سؤال از آنان برای شناسائی مسائل خاص آن‌ها ضرورت دارد. گوش دادن به صحبت‌ها و تجارب آنان برای هدفیابی و یافتن راه حل‌های مؤثری می تواند به کاهش ترس زنان کمک کند و امنیت آنان را ارتقاء بخشد
حائز اهمیت فراوانی است. با در نظر داشتن تمامی موارد فوق، ایجاد شبکه ای متشکل از گروه‌های زنان جهت اطلاع رسانی، آموزش، تبلیغات و اقدام در جهت امنیت بخشی به همراهی تمامی ارگانهای درگیر در امنیت محله ها از ضروریات اولیه می باشد.

تعامل میان سازمانی در ارتقای امنیت زنان

یکی از مواردی که امروزه سازمان‌های غیر

رسمی در اکثر کشورها بدان توجه

دارند، تعامل بین سازمانی است

(اعم از مراجع رسمی یا غیر

رسمی)، مبنای نظری این

کار در رهیافت تشریک

مساعی قرار دارد.

این رهیافت به یک

نوع همکاری میان

د ستگا ه ها ی

عدالت کیفری

خ د م ا ت

اجتماعی بهداشت

و سایر دستگاه‌های

مرتبط با جرایم اشاره

دارد. فلسفه رهیافت

تشکیل مساعی بر این

امر مبتنی است

که وقتی نهادهای

موجود جامعه فعالانه

عمل می‌کنند در امر

پیشگیری از جرم و

مراقبت از بزه‌دیدگان

مؤثر واقع می‌شوند.(معمدی مهر.

۱۳۸۰:۱۱۱)

شیوه دیگر این رهیافت «حفظ

نظام محلی» است، این تعبیر

اصولاً مربوط به مفهوم پیشگیری

از جرم و نا امنی از طریق تلاش‌ها

هماهنگ بوده و به عنوان یک

مفهوم جدید در حال تکوین

است. که به دو روش سیاست‌های

رسمی و سیاست‌های مدرن

اعمال می‌شود. روش اول در مناطقی یافت می‌شود که

سیاست رسمی حفظ نظم ضعیف بوده و به گروه‌های مختلف قدرت اجازه می‌دهد که در محلات و مناطق به اعمال نوعی کنترل غیر رسمی اقدام نمایند .

در روش سیاست مدرن همه عوامل موجود در جامعه چه رسمی و غیررسمی معتمد به سعادت مشترک جامعه بوده و به یکدیگر می‌پیوندند تا به ایجاد یک جو اجتماعی و محیطی دارای نظم و آسایش مطلوب منجر گردد. این



نوع سیابت حفظ نظم برقراری قانونی نظم را به پلیس واگذار کرده و برای تضمین و موفقیت آن بر تدابیر اجتماعی تکیه می‌نماید. سومین مورد از رهیافت تشریک‌مسابی، رهیافت تعامل بین دادگاه‌هاست در مواردی که بزه کار و بزه دیده جرم آزار رسانی به زنان، نسبت خانوادگی یا ارتباطی با هم داشته باشند، هماهنگی میان دادگاه‌های جزائی و مدنی بسیار حائز اهمیت تلقی می‌گردد(معمدی مهر ۱۳۸۰:۱۱۳) به‌عنوان نمونه، در فلوریدا یک دادگاه تخصصی برای پرونده‌های راجع به خشونت علیه زنان وجود دارد.

جمع بندی و پیشنهادات

اگر چه امنیت زنان جدا از امنیت سایر گروه‌های اجتماعی نیست اما به دلایل چندی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌باشد از این رو امنیت بخشی به زنان در محله‌ها از دو بعد کاهش آسیب‌پذیری زنان و ارتقاء سطوح انسجام محله حائز اهمیت است. هر چند دستیابی به اهداف فوق مستلزم همکاری بین بخشی تمامی ارگان‌های و نهادهای درگیر در مسائل امنیتی و مدیریتی کشور و شهر می باشد اما در درجه نخست از وظایف خود اجتماعات محلی است. از این رو ایجاد گروه‌های امنیت زنان جهت اطلاع‌رسانی، آموزش و حمایت از زنان در موارد لازم در گسترش حس همبستگی محله‌ای و کاهش

آسیب‌ها می‌تواند مؤثر واقع شود.

بنابراین تشخیص نواحی و محله‌هایی که به‌طور خاص مورد تهدید می‌باشند ضرورت دارد. علاوه بر این در امنیت بخشی به اماکن و کاهش آسیب‌پذیری زنان بر موارد تأکید می‌شود:

–افزایش آگاهی از مسائل و شیوه‌هایی که زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

–پیشگیری از جرم نسبت به زنان و کودکان از طریق آموزش، طراحی برنامه‌ها و راه‌اندازی خطوط مشاوره‌ی تلفنی و ایجاد مراکزی برای حمایت از زنان و دختران آسیب‌دیده.

–تجهیز و هدایت مساجد محلی جهت ایجاد کانون اولیه گروه‌های امنیت زنان و ایجاد پناهگاه‌های امن برای قربانیان خشونت در برخی محلات.

–ارتقاء سطح امنیت زنان در اماکن عمومی از طریق عوامل تضعیف کننده‌ی امنیت.

–ایجاد گسترش برنامه‌هایی برای آموزش به شهروندان و احترام به دیگران به خصوص در جوامع فرهنگی مختلط.

–آموزش فنون دفاع شخصی برای زنان و دختران.

–قلمداد کردن هرگونه خشونت علیه زنان به عنوان جرم و تدوین برخی قوانین و مجازات جهت پیشگیری از این جرائم برای دستیابی به عدالت

=====

اجتماعی.

–فراهم ساختن خدماتی جهت حمایت از زنان و کودکان که تجربه‌ی خشونت را داشته و یا مورد تهدید می‌باشند.

–تدوین برنامه‌های ضد خشونت و آموزش آن در مدارس و در سطح جامعه.

منابع:

۱–آقاچانی نصرا،... (۱۳۸۳)، تکرر خشونت در آزارهای خیابانی، در کتاب زنان، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ششم، شماره ۳: ۱۶۰–۱۸۸.

۲–احمدی حبیب و محمد زنگنه، (۱۳۸۱)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر به خشونت شوهران علیه زنان در خانواده، مطالعه موردی شهر بوشهر، در مجموعه مقالات همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران.

۳–بشیریه، حسین، (۱۳۷۴)، انقلاب و بسیج سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران.

۴–بوزان، باری، (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها، هراس، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۵–سازمان جهانی بهداشت،(۱۳۸۰)، خشونت علیه زنان، مترجمین شهرام رفیعی‌فر، سعید پارسی‌نیا، نشر تندیس، چاپ اول.

۶–شکویی، حسین، (۱۳۷۲)، جغرافیای اجتماعی شهرها، انتشارات سمت.

۷–فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹)، پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، غلامعباس توسلی، انتشارات جامعه ایرانیان، تهران.

۸–کاسکا و دیگران، (۱۳۸۰)، آثار بیکاری بر سلامت و آسایش روانی، حسن رفیعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۲، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

۹–کامروان، طیبه، (۱۳۶۷)، اعتیاد گسختگی روابط خانوادگی، ستاد مبارزه با مواد مخدر.

۱۰–مدنی قهفرخی، سعید، (۱۳۸۲)، پیامدهای جنسیتی تخریب سرمایه اجتماعی، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۵.

۱۱–محبوبی‌منش، حسین، (۱۳۸۱)، امنیت و انحرافات اجتماعی در کتاب زنان، شورای فرهنگی – اجتماعی زنان، زمستان شماره ۱۸.

۱۲–مرکز تحقیقات و پژوهش‌های ناجا، (۱۳۸۲)، نظم اجتماعی، امنیت عمومی و چالش‌های توسعه، مطالعات امنیت اجتماعی، پیش‌شماره اول.

۱۳–معمدی‌مهر، مهدی، (۱۳۸۰)، حمایت از زنان در برابر خشونت، انتشارات برگ زیون.

۱۴–AARP Social Security and women: some facts, http://research.aarp.org.

۱۵–Berne Ai yana Fear of The Park, women in public Space http://Iclark.edu/htm.

۱۶–A:Women and The Internet. Htm women and The Internet.

۱۷–Flame.org/documents/Ethiopia.Htm/Ethiopia National Action Plan. SAAP Human Security/http://ifuw.org/saap ۲۰۰۷/globalization.Htm.

۱۸–IFUW,SAAP Human Security/Http://ifuw.fuw.org/saap ۲۰۰۷/ globalization.Htm.

۱۹–LAW link plan it safe: Community safty and women’s fear of crime.http://www.lawlink.nsw.yov.au/swp/sep.nsf/payes/sep–۲.

۲۰–NSWa: Plan it Aguide for making public places safer for women http://ww.lawlink.nsw.gov.au/swp/swp.nsf/payes/swp–intro.

۲۱–NSWb: Plan it Safe, women talking about Their safty in Public Places File://A:/lawlink NSW.

۲۲–National Institute of Justice (۱۹۹۶): Domestic Violence, Stalking and Anti–Stalking Levlsation, P.۱۰.

۲۳–Press office fact sheets Social security is Important to women http://socialsecurity.Gov/Pressoffice/factsheets/women.Htm.

۲۴–Farwomen. Social Security Launches New Release http:www.ssa.yov pressoffice/ Htm.

۲۵–Whitzman Carolyn women, Safty and Planning in Toronto: The Story Sofar http://۶۶.۱۰۲.۱۱.۱۰۴.femmese tvj;;es.org.wrrc.org.au/. Tehrs Pdfs/yen Domestic Violence.

۲۶–Wrrc.org.au/.Thers Pdfs/yen Domestic Violence.



الفبای شهر



است که به میزان آزادیهای اجتماعی و فضای موجود برای شکل‌گیری اجتماعات انسانی مستقل از دولت باز می‌گردد. به رغم ارتباط متقابلی که ایندو در شکل‌گیری یک جامعه انسانی دارند، همواره در کلانشهرها چالش‌هایی برای شکل‌گیری فضاهای عمومی وجود داشته است. منظور از فضای عمومی فضا در معنای نخست آن است. بررسی ادبیات مربوط به فضای عمومی و اهمیت آن در شهرها و نیز ویژگیهای خاص یک جامعه انسانی بیانگر نیاز جدی شهرهای رو به توسعه یا مدرن به داشتن فضاهای عمومی شهری در تلطیف تعاملات اجتماعی شهروندان و آرامش شهرهاست. فضای عمومی در شهر ارتباط نزدیک و قوی با شکل‌گیری مفهوم شهروندی دارد همین مفهوم نیز بیانگر نیاز شهرهای بزرگ به داشتن فضاهای عمومی به عنوان فضایی که شهروندان بخشی از اوقات خود را در این فضا صرف کنند، می‌باشد و شهرهای امروزی بی‌تردید قادر به حل بسیاری از مشکلات خود با توسعه فضاهای عمومی به عنوان فضایی برای تعامل منطقی جامعه شهری با شهروندان و هم‌چنین شکل‌گیری مناسبات انسانی در زیست شهری خواهند بود.

از مزایای تبدیل یک مکان به یک فضای عمومی شهری موارد زیر را می‌توان گفت:
۱– هویت‌بخشی به شهرها (شناساندن و نمایندگی شهر در دنیا)
۲– مزیت‌های اقتصادی (ارزش زمین‌های اطراف و فعالیت تجاری)
۳– مزیت‌های زیست‌محیطی (فیلترهای پاکسازی محیطی، بهداشت روانی)
۴– عرصه‌های فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی (حیات فرهنگی شهر و آشنایی مردم با فرهنگ، هنر و …)

اگر مردم تمایلی برای استفاده از فضاهای عمومی شهری نداشته باشند، این مسأله مشکلات اجتماعی و کالبدی جدی برای شهر ایجاد می‌نماید. وقتی حضور مردم در فضاهای شهری کم‌رنگ می‌شود، وقتی تعادل جنسی این حضور بهم می‌خورد، وقتی تعداد مردان نسبت به زنان و کودکان در فضای شهری فرونی می‌گیرد، وقتی احساس تعلق ساکنان نسبت به محله و شهر کم‌رنگ می‌شود و … بروز همه این عوامل امنیت اجتماعی را در یک مکان به خطر می‌اندازد و پافت یا پهنه شهری رو به فرسودگی و ناکارآمدی می‌گذارد و صرفاً تجلی کالبدی (سخت‌افزار) می‌یابد. بنابراین فضاهای عمومی شهری هدفمند ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی دارند، که از جمله آنها:
۱– قابلیت دسترسی،
۲– درگیر بودن مردم با فعالیت‌های فضای مربوطه (تنوع افراد، فعالیت و ساعت حضور)،
۳– سیما و منظر مناسب (امنیت، نظافت، منظر و …)،
۴– اجتماعی بودن فضا (بستر تحقق شهروندی، کیفیت فعالیت‌های شهروندی) را می‌توان برشمرد.

شهرها پیش از آنکه پدیده‌هایی مهندسی باشند، پدیده‌هایی اجتماعی هستند. شهرها محل زندگی شهروندانی هستند که در جوامع انسانی حضور دارند. در نگاه اول شهرها به عنوان مرکزی برای فعالیت‌های اقتصادی و پس از آن برای فعالیت‌های خدماتی مورد توجه قرار می‌گیرند. اما در اصل توجه به شهرها به عنوان جایی برای زندگی و اجتماع جزیی لاینفک از سرنوشت این پهنه‌ها است.

از دیدگاه اجتماعی – فرهنگی، فضاهای عمومی به عنوان مکانهایی جهت مناسبات و روابط بیرونی، تعاملات و رویاروییهای اجتماعی و جاهایی که گروه‌های مختلف با خواست‌ها و علایق متفاوت گرد هم جمع می‌شوند، تعریف می‌شود.

اهمیت وجود چنین فضاهایی بدان حد است که بسیاری از محققان وجود این فضاها را در شهر غربی و فقدان آن را در بسیاری از شهرهای شرقی یکی از تفاوت‌های اساسی فرم این دو نوع شهر می‌دانند البته برخی محققان نوع نظام سیاسی را متغیر مستقل در شکل‌گیری چنین فضاهایی می‌دانند. برای مثال فضاهای عمومی به عنوان مکان‌های گفتگو، بحث و مناظره و چارچوبی برای گرفتن حقوق و ادای وظیفه در شهرهای غربی وجود داشته است. چنین فضاهایی خود را به صورت و قالب کالبد در شهرها متبلور می‌سازند. میدان‌ها، استادیومها و سالنهای همگانی، … و دیگر مجامع عمومی در شهر به ویژه شهرهای غربی – نشانگر اهمیت و جایگاه گفتگو و مباحث (فضای عمومی) در این تمدن‌ها و شهرها است. متقابلاً در تمدن و دیاری که ضرورتی بر تجمع مردمان آن سرزمین وجود نداشته باشد و روابط آنها در فضای کوچک و خصوصی محدود باشد و حضور در عرصه‌های عمومی از لحاظ ارزشی منع شده باشد، طبیعتاً فضایی برای گفتگو و طرح دیدگاه‌ها شکل نخواهد گرفت.

برخی از متفکران عالیترین هدف زندگی در شهرها را حفظ تمدن بشری می‌دانند. بدون شک در سایه تعاملات و روابط اجتماعی این هدف به نحو مطلوبتری تأمین می‌گردد. فضاهای عمومی در شهر به مثابه ظرفی هستند که روابط اجتماعی در آن شکل گرفته و پویایی شهر از طریق این فضاها میسر می‌شود. پویایی، نوع تعاملات و روابط اجتماعی وابسته به کیفیت و کمیت فضاهای شهری است.

وقتی از فضای عمومی در شهرها و تأثیر آن در جامعه صحبت می‌شود، دو مفهوم از فضا در ذهن شکل می‌گیرد. نخست فضای عمومی در معنای فیزیکی و کالبدی آن که شامل پارک‌ها، خیابان‌ها، میداین، بازارها و دیگر مکان‌های عمومی می‌شود. دوم در واقع فضایی ذهنی

شهر و فضاهای شهری کودک مدار

مریم علیزاده اسکویی

چکیده

کودکان به عنوان حساس ترین و آسیب پذیرترین گروه جامعه بوده و ضمن تاثیرپذیری از محیط پیرامون، قابلیت ها و توانایی های قابل توجهی در شکل دهی به آن دارند. کودک مداری از مفاهیمی است که در ابعاد مختلف کالبدی-فضایی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی شهر قابل بررسی بوده و تجلی عینی آن در شهرهای مختلف با توجه به ضرورت ها و نیازهای موجود، متفاوت خواهد بود. این پژوهش در تلاشی است با بررسی مفاهیم پایه در زمینه شهر و فضاهای شهری کودک مدار و ادبیات جهانی مرتبط با موضوع، بستری برای ارتقاء کیفیت شهر ایرانی فراهم آورد.

واژه های کلیدی: کودک، شهر کودک مدار، مشارکت، سامانه شهری



مقدمه

در یک نظام شهری منطقی و پاسخده، تمامی شهروندان صرفنظر از سن، جنس، نژاد و قومیت، مذهب، طبقه اقتصادی و توانایی مورد توجه قرار می گیرند. توجه به این ویژگی ها متضمن تحقق مفهوم شهروندی در شهر است که امروزه از آرمان های جوامع مدنی به شمار می آید. تجلی کالبدی مفهوم شهروندی و شهروندگرایی در شهر، در قالب ماهیت و کیفیت عرصه های عمومی قابل بررسی است. در این زمینه طراحی شهری از ابزارهای مهم در تحقق شهروندگرایی در فضاهای شهری و تقویت حیات مدنی محسوب شده و رویکردهای مختلف آن شهروندگرایی را در فرآیند طراحی فضاهای شهری تحت پوشش قرار می دهند. توجه به نیازهای گروه های مختلف استفاده کننده یک اصل اجتناب ناپذیر در طراحی و برنامه ریزی معاصر عرصه های عمومی به شمار می آید. این اصل در ساختار امروز شهر ایرانی مغفول مانده است. در شهر امروز ایرانی عرصه تحرک و خود نمایی کودکان روزبه روز کوچکتر و محدودتر می شود. بزرگسالان آگاهانه یا ناآگاهانه در بسیاری موارد، شهرها را برای بر آوردن نیازهای روزمره خود ساخته و آماده کرده اند. بررسی ساختار عرصه های عمومی شهر ایرانی نشان می دهد در طراحی و برنامه ریزی این فضاها، همیشه یک گروه بسیار با اهمیت اجتماعی یعنی کودکان، فراموش شده اند. فراموشی این گروه نوعا به معنی فراموشی شهروندگرایی و یا بی توجهی به آینده مدارترین شهروندان است.

در چنین شرایطی طراحی فضاهایی که بستری مناسب برای کودک و زندگی اجتماعی وی فراهم آورد، اجتناب ناپذیر می باشد. طراحی چنین فضاهایی باید برخاسته از نیازهای کودک بوده و بتواند تجارب جدید را در فضایی سالم، آموزنده و متنوع برای وی فراهم آورد. این رویکرد متضمن ویژگی هایی است که در آن شهر دوستدار کودک و یا شهری با فضاهای کودک مدار، شاخص ارتقاء کیفیت محسوب می گردد. شهر کودک مدار، مجموعه ای از سیستم های اداری محلی است که به منظور اعمال حقوق کودکان در شهر تشکیل می گردد. مسئولین محلی، تامین کنندگان خدمات، اعضاء جامعه، خانواده و کودکان و نوجوانان همگی شهری را متصور هستند که در آن همه کودکان به عنوان شهروند برابر مورد توجه بوده و به خدمات مختلف دسترسی دارند (Riggio, 2006). در چنین شهری جهت دستیابی به محیط شهری مطلوب برای کودک، از وی مشارکت جویی می شود.

این نوشتار در تلاش است با بهره گیری از رویکرد "کودک مداری در شهر و فضای شهری"، زمینه ای برای توجه به نقش و جایگاه کودکان در فرآیند توسعه شهری ایران فراهم آورد. در این راستا پس از معرفی محتوای نظری این ایده، نمونه هایی از شهرهای کودک مدار در کشورهای مختلف بررسی شده و در نهایت یک جمع بندی کلی از ویژگی های فضاهای شهری کودک مدار و ابزارهای دستیابی به آن برای استفاده از آن در ایران معرفی می شود.

بدون یادآوری می گردد که در نگاشتهای ادبیات ایرانی شهرسازی در مقابل واژه انگلیسی Child Friendly City، شهر دوستدار کودک بر نهاده شده است. اما این نویسنده ترجیح داده است شهر و فضای شهری کودک مدار را برای این واژه معادل سازی نموده و فضای شهری کودک مدار را محور بحث خویش قرار دهد. در ماهیت کودک مداری در فضای شهری صرفا به موضوع کالبدی بسنده نشده و سازگار با ادبیات جهانی به ابعاد اجتماعی، به ویژه موضوع مشارکت نظر ویژه ای شده است.

توجه به کودکان در سامانه شهر: ضرورت ها و منافع

در سامانه شهر کودکان نقش های مختلفی دارند. به عنوان شهروند بطور عام و به عنوان استفاده کننده خاص جایگاه ویژه ای دارند. آنچه که در بحث کودک مداری مورد توجه می باشد این است که ضرورت و منافع مشارکت کودکان در سامانه شهر چیست؟ لذا این دو مفهوم ذیلا مورد بررسی قرار می گیرند:

ضرورت توجه به کودکان در توسعه شهری

امروزه نیمی از کودکان جهان در مراکز شهری و غالبا در کشورهای کم درآمد و یا با درآمد متوسط آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین سکونت دارند. در اغلب این مناطق، ۴۰-۵۰ درصد جمعیت زیر ۱۸ سال دارند. اما هنوز نظام های سیاسی وساختارهای اداری موفق به پاسخگویی به نیازهای آنها نبوده و اولویت ها و منافع آنها فرآیندهای سیاسی را تحت تاثیر قرار نمی دهد.

امروزه ناامنی، آلودگی و شلوغی از مهم ترین خطراتی است که زندگی کودکان را تهدید کرده و فرصت های کودک برای بازی کردن، تفریح و یادگیری را کاهش می دهد (Beck, 1992).

کنفرانس سازمان ملل در ارتباط با سکو نگاه های انسانی در سال ۱۹۹۶ بیان کرد که از هر ۴ نفر در جهان، یک نفر در شهر زندگی می کند. بر اساس برآوردهای انجام شده، در سال ۲۰۲۵ شهرها ۴ بیلیون نفر را در خود جای خواهند داد، که تعداد زیادی از آنها کودکان خواهند بود (Sattewhaite, 1996). به طور متوسط حدود ۳۳٪ جمعیت کشورهای پیشرفته و ۶۰٪ جمعیت کشورهای در حال توسعه کودکان می باشند (Dallape, 1996).

در این کنفرانس توجه به نیازهای کودکان و نوجوانان به ویژه در ارتباط با محیط سکونتشان مورد تاکید قرار گرفته است. از سوی دیگر به منظور ایمن کردن شرایط زندگی کودکان و نوجوانان و همچنین استفاده از توانایی ها، خلاقیت و عقاید آنها درباره محیط، فرآیندهای مشارکتی در شکل دهی به شهرها و محلات مورد توجه ویژه قرار گرفته است (Chawla, 2001).

کودکان به عنوان آسیب پذیرترین گروه در جامعه، در مقابل تنزل شرایط محیطی و اجتماعی، نسبت به سایر گروه ها در معرض خطر بیشتری قرار دارند. امروزه خطرات محیط های شهری، عقب نشینی افراد به محیط خانه و محدود کردن کودکان برای حضور در محیط شهر توسط والدین را در پی داشته است (Mckendrik, et al. 2000).

این تجربه علیرغم کمک به حفاظت کودکان در مقابل خطرات محیطی، چنانچه مطلق گرایانه مورد توجه قرار گیرد، نتایج بلند مدت و نامطلوب بر رشد اجتماعی و عاطفی آنها دارد (Malone&Hsluck, 1998). بطور کلی می توان گفت کیفیت محیط رشد کودکان، تعیین کننده کیفیت زندگی آنها می باشد. لذا مباحث پیرامون ارتقا کیفیت محیط شهری جهت پاسخگویی به نیازهای مختلف کودکان و نوجوانان و بسترسازی برای مشارکت آزادانه و فعال آنها در حیات شهری ضروری می باشد.

منافع مشارکت کودکان

مشارکت فعال کودکان در فرآیند توسعه شهری یکی از اصول اساسی طرح شهرهای کودک مدار می باشد. کودکان به عنوان بهترین کارشناسان در ارتباط با شرایط محلی و تبیین نیازهای کودک بوده و مشارکت آنها در توسعه شهری، زمینه ای مناسب برای کسب

مهارت های رسمی شهروندی دموکراتیک فراهم می آورد. از سوی دیگر مشارکت، انگیزه کودک برای توجه به محیط و نگهداری از آن را افزایش می دهد (Chawla, ۲۰۰۱). مشارکت کودکان در مسائل شهری در درجات مختلف شامل توضیح واقعیت های مربوط به خود تا مشارکت واقعی در فرایند برنامه ریزی و تصمیم گیری وجود دارد (Chawla, ۲۰۰۲) و به زعم "دریسکل " مهم ترین منافع آن در سه سطح به شرح زیر قابل بررسی می باشد:

الف: منافع مشارکت برای کودکان

- مشارکت در یک فعالیت جدید و جذاب
- نگاه جدید به محیط و جامعه محلی و درک آنها به شیوه های جدید
- یادگیری درباره دموکراسی
- پیدا کردن دوستان جدید
- کسب مهارت ها و دانش جدید
- کمک به ایجاد تغییرات مثبت در محیط محلی و سایر ابعاد اجتماع
- ایجاد و توسعه حس نظارت بر محیط و مسئولیت پذیری مدنی
- ایجاد اعتماد به توانایی های خود برای تحقق اهداف مورد نظر
- تقویت عزت نفس، هویت و حس غرور

ب: منافع مشارکت برای دیگر اعضاء اجتماع

- تعامل با کودکان به شیوه های مثبت و سازنده و کمک به حل مشکل عدم اعتماد و درک نادرست موجود بین نسل های مختلف
- درک صحیح دیدگاه واقعی کودکان نسبت به جهان ، اجتماع و خودشان
- مشخص کردن شیوه های مناسب جهت ارتقاء کیفیت محیط محلی برای کودکان
- ایجاد حس اجتماع قوی
- بها دادن به ایده ها و مشارکت کودکان
- ذخیره کردن انرژی و زمان در آینده

ج– منافع مشارکت برای برنامه ریزان و سیاستگذاران

- درک کامل نیازها و موضوعات اجتماع مورد نظر
- تصمیم گیری بهتر و برنامه ریزی آگاهانه برای توسعه
- آموزش افراد جامعه درباره پیچیدگی های ذاتی موجود در سیاست گذاری و تصمیم گیری برای توسعه
- اجرای رهنمودها و اصول کنوانسیون بین المللی حقوق کودکان در سطح محلی
- مشارکت دادن کودکان در تلاش برای توسعه پایدار
- کمک به دستیابی به اهداف دستور کار ۲۱
- ایجاد محیط های شهری کودک مدار و انسان مدار (۲۰۰۲)

ویژگی های شهر کودک مدار

ایده شهر کودک مدار بر مبنای یک مدل استاندارد شکل نگرفته بلکه چارچوبی برای شهرها فراهم می آورد تا در ابعاد مختلف محیطی، مدیریت شهری و ارائه خدمات کودکان را مورد توجه قرار دهند (Riggo, ۲۰۰۲).
سازمان ملی مبارزه با سوء استفاده از کودکان و بی مبالاتی نسبت به آنها ، یک جامعه کودک مدار را چنین تعریف می کند: "جامعه کودک مدار جایی است که در آن کودکان ارزشمند هستند، حمایت می شوند، مورد احترام هستند، نیازهای آنها تامین می شود و در فعالیت ها شرکت داده می شوند. جایی است که کودکان:

- در تصمیمات دخالت داده می شوند، آزادانه مشارکت می کنند و عقاید خود را بیان می کنند.

- به استعدادهای بالقوه خود دست می یابند، آموزش مناسب و فرصت های لازم جهت پیشرفت اجتماعی، عاطفی، فرهنگی، فیزیکی و روحی دریافت می کنند.

- به خوبی زندگی می کنند و تمام نیازهای اولیه شامل خوراک، پوشاک، مسکن و خدمات بهداشتی را دریافت می کنند.
- در برابر آسیب ها و خطرات مختلف از جمله سوء استفاده، بدرفتاری و بی توجهی حمایت می شوند (Howard, ۲۰۰۶: ۳).

از دیدگاه کنوانسیون حقوق کودکان، یک شهر کودک مدار، حقوق کودکان را به عنوان شهروندان خود، در موارد زیر تضمین می کند:

- تحت تاثیر قرار دادن تصمیمات مربوط به شهر؛
- بیان عقاید خود درباره شهر دلخواه ؛
- مشارکت در زندگی اجتماعی، اجتماع و خانواده؛
- دسترسی به خدمات اصلی نظیر مراقبت بهداشتی و آموزش؛
- دسترسی به آب آشامیدنی سالم، سیستم فاضلاب مناسب؛
- محافظت از استثمار، خشونت و بدرفتاری؛
- پیاده روی در خیابان ها با ایمنی کامل؛
- ملاقات دوستان و بازی کردن؛
- وجود فضاهای سبز برای گیاهان و حیوانات؛
- زندگی در محیط پایدار و غیر آلوده؛
- مشارکت در وقایع اجتماعی و فرهنگی؛
- مورد حمایت، علاقه و توجه قرارگرفتن؛
- برخورداری از حقوق برابر شهروندی با دسترسی به خدمات مختلف صرفنظر از نژاد، مذهب، درآمد، جنسیت و یا ناتوانی(BrienO,۲۰۰۴:۳)
- در شهر کودک مدار، اساس سیستم اداری بر پایه چهار اصل عمومی کنوانسیون حقوق کودکان، به شرح زیر می باشد:

- عدم تبعیض (بند۲ کنواسیون): یک شهر کودک مدار به دنبال برآوردن حقوق همه کودکان می باشد. این اصل دلالت بر رفع اشکال مختلف تبعیض کودکان در مورد جنسیت، ناتوانی، درآمد و … می باشد.
- اولویت دادن به منافع و خواسته های کودک (بند ۳ کنواسیون): در شهر کودک مدار، اساس سیستم اداری بر پایه چهار اصل عمومی کنوانسیون حقوق کودکان، به شرح زیر می باشد:
- تمام مسئولین شامل دولت، خانواده، مدرسه، اجتماع، سیستم قضائی و سازمان های اجرایی و قانون دنبال شوند.
- حق زندگی و پیشرفت (بند ۶ کنواسیون): شهر کودک مدار در جستجوی اطمینان از زنده بودن همه کودکان و رشد و توسعه استعدادهای ذاتی آنها می باشد. تامین خدمات پایه برای همه، محیط سالم و امن، فرصت های آموزش از موضوعات مورد توجه شهر است.
- احترام به دیدگاه های کودکان (بند ۱۲ کنواسیون): شهر کودک مدار مشارکت فعال کودک را ارتقاء داده و آزادی آنها برای ابراز دیدگاه های خود درباره موضوعاتی که آنها را تحت تاثیر قرار می دهند، تضمین می نماید (Riggo, ۲۰۰۲:۴۸–۴۹)

ابزارهای تحقق شهر کودک مدار

فرآیند ایجاد شهر کودک مدار به معنای اجرای کنوانسیون حقوق کودک در مجموعه دولت های محلی می باشد. یونیسف ۹ ابزار اصلی و الزامات دستیابی به شهرها و فضاهای شهری کودک مدار به ترتیب زیر بیان می کند:

- مشارکت کودکان در تصمیم سازی های مرتبط با آنان: ارتقاء مشارکت فعال کودکان در موضوعات تاثیرگذار بر آنها، توجه به نظرات آنها و فراخواندن آنها به همکاری در فرآیندهای تصمیم گیری؛
- چارچوب قانونی کودک مدار: تضمین حمایت وارتقاء دائمی حقوق کودکان توسط قوانین، چارچوب ها و انجمن های قانونی؛
- استراتژی حقوق کودکان در شهر: تدوین استراتژی جامع و تفصیلی

برای ایجاد شهر کودک مدار بر مبنای کنوانسیون؛

- واحد یا مکانیزم هماهنگ کننده حقوق کودکان: ایجاد ساختارهای دائمی در دولت محلی برای تضمین اولویت دادن به حقوق کودکان؛
- تشخیص و ارزیابی تاثیر عوامل مختلف بر روی کودکان: تضمین وجود فرآیند سیستماتیک برای تشخیص تاثیر قوانین، سیاست ها و تجارب عملی بر روی کودکان در ضمن اجرا و بعد از آن؛
- بودجه کودکان: تضمین اختصاص بودجه مناسب برای کودکان و تجزیه و تحلیل آن؛
- گزارش منظم از وضعیت کودکان شهر: تضمین نظارت و جمع آوری اطلاعات بطور کافی در مورد وضعیت کودکان و حقوق آنها؛
- معرفی حقوق کودکان: اطلاع رسانی در باره حقوق کودکان بین بزرگسالان و کودکان؛
- وکالت مستقل برای کودکان: حمایت از سازمان های غیر دولتی و سازمان های غیر وابسته در حال توسعه در زمینه حقوق انسانی به منظور ارتقاء حقوق کودکان (UNICEF,۲۰۰۴).

تجارب شهرهای کودک مدار در جهان

امروزه تحقق برنامهٔ شهر کودک مدار به عنوان یکی از شاخص‌های دولت خوب محسوب شده و به صورت یک ضرورت در بسیاری از شهرهای جهان، در حال توسعه می‌باشد. بسیاری از شهرداری‌ها، خود را کودک مدار معرفی کرده و طرح‌ها و برنامه‌هایی در سطح شهر برای کودکان تدوین کرده‌اند، تهیهٔ سیاست‌های کودک‌مدار، ایجاد اصلاحات در بودجه مالی، مشارکت دادن کودکان در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای کنوانسیون حقوق کودک به عنوان چارچوبی برای تهیه برنامه های شهرداری برای کودکان از اقدامات مهم انجام شده در این زمینه می‌باشد (Riggo, ۲۰۰۲ : ۵۳).
دراین زمینه تجارب متنوعی در کشورهای مختلف جهان نظیر ایتالیا، آلمان، اسپانیا، برزیل، فیلیپین، هند و … وجود دارد که برخی از آنها توسط یونیسف به عنوان تجارب موفق معرفی شده است. در این نوشتار در حد مقاله به معرفی دو نمونه یکی از آلمان به عنوان یک کشور پیشرفته و دیگری از برزیل به عنوان یک کشور در حال توسعهٔ موفق در زمینهٔ ساماندهی فضاهای کودک مدار، پرداخته می‌شود.

اسن شهری برای کودکان (آلمان)

الف: زمینه ها

تجربه اسن یکی از معدود برنامه های جهان صنعتی است که در آن پروژه شهر کودک مدار به یک سیاست رسمی تبدیل شده است. درسال ۱۹۸۸، شورای شهر اسن، تصمیم به انجام پروژه شهر کودک مدار گرفت و در این راستا واحدهای دولتی، سازمان ها و نهادهای محلی همکاری خود را جهت تدوین اهداف اصلی پروژه آغاز کردند. این مجموعه در گروه های کاری مختلف، ابعاد و مراحل مختلف زندگی کودک را از لحظه تولد تا زمان اشتغال مورد بررسی قرار دادند. از مهم ترین فعالیت های انجام شده در این زمینه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تاسیس اداره کودکان در سال ۱۹۹۰
- تدوین برنامه اجرایی به منظور ایجاد شهر کودک مدار با تهیه یک کتاب راهنما جهت حمایت فنی از والدین، تدوین راهنمای طراحی و سازماندهی فضاهای باز، ارتقاء کیفیت فضاهای بازی کودکان، ایجاد شبکه حمل و نقل کودک مدار و ایجاد فضاهای باز برای بازی کودکان؛
- تدوین طرح و برنامه استراتژیک به منظور تعیین و ساماندهی اهداف پروژه و ایجاد چارچوبی برای پیشنهاد سیاست های کودک مدار؛
- اختصاص بودجه به پروژه از محل درآمدهای معاف از مالیات شهرداری در سال ۱۹۹۹.

ب: هدف اصلی پروژه

هدف پروژه ایجاد زمینه مناسب برای رشد و پیشرفت کودکان به عنوان افرادی سالم و شاد بود، طوریکه کودکان در محیط شهر احساس بودن در خانه خود را داشته باشند.

ج: نقش سازمان های مختلف ذی مدخل

- اداره کودکان: سازماندهی و ارتقاء مشارکت کودکان، مدیریت سیستم های اطلاعاتی کودکان– والدین، هماهنگ کردن حامیان زمین های بازی، هماهنگی کمیته اجرایی شهر کودک مدار؛
- کمیته اجرایی شهر اسن: هدایت نهادها و سازمان ها و افراد مختلف نظیر معلمان، کارمندان مراکز بهداشتی، معماران و… جهت مناسب سازی محیط شهری برای کودکان؛
- شورای شهر: تدوین سیاست های هدایتگر برای انجام پروژه.

د: استراتژی ها

- ارزیابی موقعیت کودکان شهر؛
- مشارکت کودکان و نوجوانان در ابعاد مختلف پروژه نظیر طراحی فضاهای بازی، ارائه راه حل برای مشکلات ترافیکی موجود برای حرکت کودکان در شهر؛
- مشارکت استراتژیک بین اعضاء مختلف جامعه مدنی؛
- رویکرد میان بخشی با تاکید بر همکاری گروه های کاری مختلف؛
- ارتباط با شبکه شهرهای آینده به منظور تبادل تجارب و بهره گیری از طرح های مشابه کشورهای دیگر؛
- افزایش اطلاع رسانی به کودکان؛
- اصلاحات قانونی و سازمانی؛
- استفاده از منابع مختلف بودجه ای؛
- ظرفیت سازی با فعالیت ها و شیوه های مختلف.

ه: اقدامات

مشارکت کودکان

- اعطاء جایزه شهردوستدارکودک در سال ۱۹۹۲ به گروهی از دانش آموزان که کلاس های کمک آموزشی برای کودکان پرورشگاه تشکیل داده بودند؛
- مشاوره با والدین تمام کودکان زیر ۸ سال در شهر (سال ۲۰۰۰) جهت استفاده از نظرات آنها در تبیین سیاست ها؛
- تشکیل سایت اینترنتی «کودکان در شهر جهت تبادل اطلاعات درباره وقایع شهر،خدمات، موسیقی، مراکز کودکان و دیگر مسائل مربوط به کودکان؛

زمین های بازی

- مشارکت مستقیم کودکان در طراحی زمین های بازی (از سال ۱۹۹۶) ترافیک
- معرفی و ایجاد مناطق با سرعت کم (km/h۳۰) در محدوده هایی از شهر نظیر اطراف مدارس، مهدکودک ها، زمین های بازی و…(در سال۱۹۹۸)؛
- ایجاد شبکه ترافیکی کودک مدار در سال ۱۹۹۰با پیش بینی مسیرهای امن تراقیکی برای کودکان جهت حرکت بین فضاهای خصوصی و عمومی
- برنامه احداث ساختمان ها و فضاهای سبز آموزشی کودک مدار در سال۱۹۹۵

حمایت بهداشتی و روانی – اجتماعی

- آغاز پروژه مشترک بین مسئولین بهداشت عمومی و بیمه بهداشتی در سال ۱۹۹۶؛
- ایجاد خدمات اطلاعاتی کودک–والدین جهت ارائه اطلاعات به روز در مورد آموزش و مسائل مربوط به خانواده در سال ۲۰۰۰
- آگاهی دادن و مشارکت جویی از والدین جوان
- ارسال خبرنامه برای والدین کودکان ۸ سال

برنامه شهر دوستدار کودک در برزیل

الف: زمینه ها

در سال ۱۹۹۷ برنامه شهر کودک مدار در برزیل آغاز شد تا کاندیداهای شهرداری اداره شهرها از دیدگاه کودک را مورد توجه قرار دهند. این برنامه به عنوان یک محرک نقش استراتژیکی در تشویق شهرداران برای اجرای سیاست های طرفدار کودکان و نوجوانان ایفاء می کند.

ب:هدف اصلی پروژه

هدف اصلی پروژه ایجاد زمینه مناسب برای شهرداری ها به منظور برنامه ریزی و اجرای سیاست ها و برنامه های حمایت از کودکان و نوجوانان می باشد.

ج: نقش سازمان های مختلف ذی مدخل

● بنیاد ابرینگ : آموزش برنامه ریزی مشارکتی، ایجاد بانک اطلاعاتی از تجارب موفق،طبقه بندی شهرداری ها بر اساس ظرفیت آنها برای تحقق اهداف، ارزیابی، پیشنهاد و تصویباهداف و برنامه های عملکرد، نظارت بر فرآیند عملکرد شرداری ها، برگزاری سمینارهایی جهت تبادل تجارب، اعطاء جایزه به شهرداران.

● شهرداران و شهرداری ها: برنامه ریزی و اجرای سیاستهای عومی و برنامه های یکپارچه به منظور حمایت کودکان و نوجوانان.

● بنیاد فورد : تامین منابع مالی

● بنیاد دیوید و لویس پاکارد : تامین منابع مالی

● یونیسف: تامین منابع مالی و کمک های فنی

د: استراتژی ها

- ارزیابی موقعیت کودکان درشهر با همکاری ۶۶۸ شهردار؛
- مشارکت کودکان و نوجوانان در پروژه؛
- رویکرد میان بخشی با استفاده از شاخص های چند بخشی به منظور مواجهه با مسائل مرتبط با کودکان؛
- مشارکت استراتژیک در سطح شهر با مشارکت جامعه مدنی در برنامه ریزی و نظارت بر مسائل شهر؛
- افزایش اطلاع رسانی به کودکان از طریق سایت اینترنتی و دیگر منابع اطلاعاتی در برزیل؛
- اصلاحات قانونی و سازمانی؛
- استفاده از منابع بودجه ای مختلف؛
- ظرفیت سازی با انجام فعالیت ها و شیوه های مختلف نظیر برنامه های آموزشی، زمینه سازی برای تبادل تجارب و اطلاعات؛
- نظارت و ارزیابی مراحل مختلف طرح توسط شهرداری ها.

ه: اقدامات

● تهیه نقشه کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از فعالیت های اصلی چارچوب پروژه، شامل تبیین مشکلات هر شهرداری در زمینه آموزش، بهداشت، مشارکت اجتماعی و بودجه عمومی و همچنین چشم انداز آتی و اهداف و طرح عملکردی می باشد.

این پروژه به عنوان یک ابزار نظارتی و ارزیابی زمینه ای برای برنامه

ریزی بهتر شهرداران و ارتقاء برنامه های کودک مدار فراهم می آورد.

برخی از اقدامات انجام شده در این راستا به شرح زیر می باشند:

- شناسایی مشکلات، انتخاب اهداف و تبیین تفصیلی اقدامات
- تدوین برنامه عملکردی با تصویب شورای شهر جهت حمایت ازحقوق کودکان و نوجوانان
- تصویب برنامه از طریق کمیته فنی بنیاد فورد

کودک و برنامه های کودک محور در سامانه شهر ایرانی

در ایران رشد شهرنشینی در دهه‌های اخیر موجب تحول الگوهای سکونتی شهروندان به ویژه در شهرهای بزرگ شده است. این تغییرات کیفیت حضور کودکان در عرصه‌های عمومی، ایمنی و امنیت آنها در شهر، توانایی کشف محیط پیرامونی، مشارکت فعال در زندگی روزانه اجتماع، تعاملات اجتماعی با گروه‌های همسن و سال، حس تعلق خاطر به محیط و … را تحت تأثیر قرار داده است. بررسی ساختار شهر ایرانی در ابعاد مختلف کالبدی–مدیریتی و … نشان دهندهٔ عدم وجود جایگاه و نقش ویژه برای کودکان می‌باشد. در صورتیکه کو‌دکان به عنوان حساس‌ترین و تاثیرپذیرترین افراد جامعه بوده و تامین نیازها و خواست های آنها ضروری بوده و توجه ویژه ای را می طلبد. در چنین شرایطی با توجه به تاثیرات مهم محیط بر کودکان ایجاد بستر مناسب برای حضور کودک در عرصه های عمومی و مشارکت فعالانه وی در زندگی اجتماعی و به طور کلی هدایت سامانه شهری در راستای تحقق کودک مداری در شهر ضرورتی اجتناب ناپذیر می‌باشد.

لازم به ذکر است در معماری و شهرسازی سنتی و با هویت قدیم ایران نیز جایگاه ویژه‌ای برای کودکان در نظر گرفته نشده بود، ولی به جهت نزدیکتر و سازگار بودن سبک‌های معماری و شهرسازی با اقلیم، طبیعت، فرهنگ و شرایط کلی جوامع سنتی، کودکان به راحتی می‌توانستند جایگاه، فضا و قلمرو ویژه و مورد نظر خود را بیابند و امکاناتی بیشتر از کودکان امروزی برای تنفس، تحرک، آموختن، تجربه و بالندگی مطابق با نیازهای آن زمان داشتند. همراه با دگرگونی‌های اختیاری و اجباری جوامع و شهرها و تخریب شدن کالبدهای سنتی شهرها، کودکان نیز طی زمان مجبور به از دست دادن زمین و عقب نشینی به داخل خانه‌ها شده اند (بهروزفر و رازجویان،۱۳۸۰:۶۴).

در سال های اخیر نیز تمایلات جدید برای تقویت و تسهیل حضور کودکان در شهر و زمینه‌سازی برای حیات اجتماعی آنها دیده می‌شود. طراحی پارک‌های کودک، تجهیز فضاهای بازی در سطح محلات مسکونی، طراحی مراکز فرهنگی– تفریحی در شهر از مهم‌ترین اقدامات انجام شده دراین زمینه می‌باشد.

در این راستا، برنامه‌های یونیسف جهت دستیابی به کودک مداری در شهر بم اولین تجربه رسمی در کشور می باشد. هدف اصلی یونیسف ایجاد فضاها و محیط‌هایی کودک مدار می‌باشد. همکاری یونیسف در این محدوده شامل کمک‌های مالی و نظارت بر احداث خانه‌های کودک مدار، مراکز خدماتی (مراکز بهداشتی، مراکز آموزشی دبستان و راهنمایی)، مراکز مدنی ، زمین‌های بازی و فضاهای سبز می‌باشد. در این طرح یونیسف بر مشارکت کودکان به عنوان یکی از عوامل موثر در فرآیند برنامه‌ریزی شهر تأکید داشته است. اولویت دادن به سیستم حمل و نقل عمومی در مقابل وسایل نقلیهٔ شخصی، تأکید بر رشد شعاعی شهر در مقابل رشد خطی، بازنگری در منطقه بندی زمین در ارتباط با کاربری‌های مسکونی، تجاری، صنعتی و فضاهای سبز و توجه به جایگاه پیاده‌ها، دوچرخه‌سواران، اتومبیل و اتوبوس در آن، بازنگری دربارهٔ ارگ قدیم بم به عنوان مرکز تفریحی، گردشگری، آموزشی، استفاده از تکنولوژی‌های مختلف (جدید، قدیمی و ترکیبی) یادآور هویت فرهنگی، مدرنितه و زلزله، بازنگری درباره نقش کودکان در

زندگی روزمره و آینده شهراز پیشنهادات اصلی در این زمینه می باشد.

همکاران اصلی این طرح وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت آموزش و پرورش، مهندسین مشاور نقش جهان پارس، مهندسین مشاور آرمانشهر، شهرداری بم و همچنین سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی می‌باشد.

سازمان بهداشت جهانی، وزارت بهداشت کشور و سازمان های مشابه منطقه ای و ملی در زمینه‌های مرتبط با بهداشت کودکان از دیگر نهادهای درگیر با این پروژه می باشند(UNICEF, ۲۰۰۵).

تهیه طرح بم به عنوان شهر کودک مدار می‌تواند سر‌آغازی برای ایجادتحولات پایه در سامانه شهر ایرانی و ارتقاء کیفیت محیطی شهری باشد، اما این شروعی است که متاسفانه تداوم نیافته است. به نظر می رسد آگاه سازی و اطلاع رسانی در سطوح مختلف جامعه در ارتباط با ضرورت‌ها و منافع توجه به کودکان در شهر می تواند در ارتقاء کیفیت محیط شهرها و مناسب سازی آن برای گروه های مختلف از جمله کودکان راهگشا باشد. با توجه به مباحث صدرالذکر، معلوم است که در ایران توجه به موضوع کودک مداری شهرها نسبتا از نظر پنهان مانده است، طوریکه نمی توان مثال مشخصی از سیاست ها و اقدامات انجام شده در این ارتباط سخن گفت.

جمع بندی

در این نوشتار، ابتدا پایه‌های نظری شهر کودک مدار شامل ضرورت‌ها و منافع توجه به کودکان در سامانه شهر، ویژگی‌های شهر کودک مدار و ابزارهای تحقق آن گفته شد. سپس نمونه هایی از تجارب موفق جهانی و شرایط شهر ایرانی در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش با توجه به شرایط ایران و بررسی‌های انجام شده، نظر مسئولین و کارشناسان امور شهری را به الزامات زیر برای تحقق کودک مداری در شهرهای ایرانی جلب می‌نماید:

● تدوین برنامه استراتژیک به عنوان چارچوب کلی کودک مداری در شهر بر اساس ویژگی های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی؛

● تهیه برنامه ها و طرح های اجرایی با مشارکت جویی واقعی از کودکان و نوجوانان؛

● پیش بینی مکانیزم ها و واحدهای هماهنگ کننده و اجرایی و نظارتی در ساختار مدیریتی شهر جهت هدایت، کنترل و تسهیل اجرای طرح ها و برنامه های پیشنهادی؛

● پیش بینی بودجه مشخص برای کودکان و کودک مداری در شهر و تنظیم آن بر اساس نظرات و منافع کودکان؛

● ارتقاء سیستم های اطلاع رسانی جهت استفاده از تجارب موفق در زمینه شهرهای کودک مدار و دستیابی به اطلاعات به روز در مورد وضعیت کودکان؛

● آگاه سازی جامعه (کودکان و بزرگسالان) نسبت به حقوق کودک در اجتماع و ضرورت ها و منافع مشارکت کودکان در فرآیند توسعه شهری.

پی نوشت ها:

- ۱ ۰ برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: علیزاده اسکویی (۱۳۸۵): "طراحی محله شهروندگرا"، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری ، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران: ۸۸–۸۴ . Child Friendly City . Driskell . Agendar\ . NAPCAN: National Association for Prevention of Child Abuse and Neglect . http://www.childfriendlycities.org (UNICEF, Review of child friendly cities projects . Essen . Cities of Tomorrow (www.cities-of-tomorrow.net)

. در این بخش برخی از مهم ترین اقدامات انجام شده جهت دستیابی به شهر کودک محور معرفی شده است.

- www.jugend.essen.de
- Childfriendly Mayor Programme
- Abring Foundation
- Ford Foundation
- The David and Luicle Packard Foundation
- Civic Center

فهرست منابع

بهروزفر، ف. و رازجویان، م. (۱۳۸۰): "مبانی طراحی فضاهای باز مسکونی در تناسب با ویژگی های جسمی و روانی کودکان"، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.

علیزاده اسکویی، م. (۱۳۸۵): "طراحی محله شهروندگرا"، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری ، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

- Beck, U. (۱۹۹۲):"Risk Society: towards a new modernity", London: Sage.
- Chawla, L. (۲۰۰۱):"Insight, Creativity and Thoughts on the Environment: Integrating Children and Youth into Human Settlement Development",, Environment &Urbanization, Vol. ۱۴(۲): ۱۳–۱۴.
- Chawla, L. (۲۰۰۲):"InsightGrowing up in an Urbanizing World", London and Sterling VA: Earthscan Publication & UNESCO Publishing.
- Dallape, F. (۱۹۹۶):" Urban children: a challenge and an opportunity", Childhood, ۳(۳): . ۲۹۳–۲۹۴.
- Driskell, D. (۲۰۰۲): "Creating Better Cities with Children and Youth–A Manual for Participation", London: UNESCO/Earthscan Publications.
- Guerra, E. (۲۰۰۲): "Citizenship knows no age; Children’s participation in the governance and municipal budget of Barra Mansa, Brazil", Environment and Urban-ization, Vol. ۱۴(۲):۸۱–۸۴.
- Howard, A. (۲۰۰۶): "What Constitutes Child Friendly Communities &How are they built?" New South Wales, Australian Research Alliance for Children & Youth.
- Malone, K. & Hasluck, L. (۱۹۹۸):" Geographies of exclusion: young people’s perceptions and use of public Space", Family Matters: ۲۰–۲۶.
- Malone, K (۲۰۰۱):"Children, Youth and Sustainable Cities", Local Environment, Vol. ۶(۱):۵–۱۲.
- McKendrick, J., Bradford, M & Fielder A. (۲۰۰۲):" Kid customer? ommercialization of play space and the commodification of childhood", Childhood, ۷(۳): ۳۱۶–۳۱۴.
- O Brien, C. (۲۰۰۴): "Planning Transportation with and for Children: Good News for Pedestrians and Cyclists", NCBW Forum Article.
- Riggio, E.(۲۰۰۲):"Child friendly cities good governance in the best interests of the child", Environment &Urbanization, Vol. ۱۴(۲): ۴۵–۵۸.
- Riggio, E. (۲۰۰۶):"The Child Friendly Cities Initiative: A Viable Approach for Arab Cities", The Conference of "The Role of Cities and Municipalities in Responding to the Needs of Children and Young People in Saudi Cities", Dammam.
- UNICEF (۲۰۰۴): "Building a Child Friendly City: A framework for Action", Florence : UNICEF Innocenti Research Centre.
- UNICEF (۲۰۰۵): "Child Friendly Cities: A Progress Report on the CFC Initiative in Bam, Iran".
- Satterthwaite , D. (۱۹۹۶):" The Scale and Nature of Urban Change in the South", London: International Institute for Environment and Development.



هوش فرهنگی: نیاز مدیران شهری

لیلا سعیدی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

مژگان قنبری ارباستان

کارشناس ارشد مدیریت شهری

چکیده

چکیده

یکی از چالش‌های مدیران شهری، یافتن راهکاری برای تعامل با افرادی از فرهنگ‌های گوناگون می‌باشد. هوش فرهنگی، موضوعی نوین بوده که بر جنبه فرهنگی تعاملات اجتماعی تاکید دارد. در این پژوهش، با معرفی هوش فرهنگی و ابعاد آن، به بررسی نقش و ضرورت آن در شهرداری پرداخته شده است. هوش فرهنگی با دربرداشتن ابعاد انگیزش، استراتژی، رفتار و دانش فرهنگی، نیاز حیاتی مدیران می‌باشد. زیرا عوامل موفقیت مدیران شهر شامل مهارت‌های فنی، احساسی و ادراکی می‌باشد که به ترتیب نیاز مدیران سطوح عملیاتی، میانی و ارشد در شهرداریها می‌باشد. روش انجام پژوهش تحلیل اسنادی و مبتنی بر ادبیات نظری بوده و به منظور گردآوری داده‌های لازم جهت پاسخگویی به سئوالات پژوهش، اسناد و مدارک موجود، مرتبط و در دسترس با استفاده از فرم گردآوری داده‌ها جمع‌آوری و به شیوه کیفی تحلیل شده‌اند. در پایان پژوهش نیز رابطه هوش فرهنگی با هوش عاطفی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج بیانگر آن است که هوش فرهنگی زیرمجموعه هوش اجتماعی و دارای اشتراکاتی با هوش عاطفی می‌باشد.

واژگان کلیدی: هوش فرهنگی، هوش عاطفی، هوش اجتماعی، موفقیت

مقدمه

شهرداری به عنوان یک نهاد دولتی خدمات عمومی متعددی از جمله احداث خیابانها، مکانها و معابر عمومی تخلیه زباله و مراقبت در امور بهداشتی شهروندان، کارهای عمرانی، زیبا سازی شهر و سایر خدمات شهری را به شهروندان ارائه میکند، در حال گذر از یک نهاد خدماتی و تبدیل شدن به یک نهاد اجتماعی میباشد، لذا این پدیده، با از میان برداشتن این پارادایم ذهنی، موجب تغییرات اساسی در ذهنیت مدیران در مورد کسب موفقیت، شده است. با توسعه حیطه فعالیتهای شهرداری، روی کار آمدن مدیران از فرهنگها و اقصی نقاط کشور و مهاجرت بیشتر افراد به زندگی و کار، باعث شده که مدیران شهری بطور مستمر با افرادی از منسهای فرهنگی مختلف (مانند زبان، هنجارها، سبک‌های زندگی و...) در ارتباط باشند (Zakaria, 2000). تعامل با این افراد، نیازمند داشتن دانش و تجربیاتی در ارتباط با ناهمگونی‌های فرهنگی و مواجهه با مسائلی نظیر انگیزش، رهبری، بهره‌وری، قدرت و... است (Higgs, 1996). بنابراین می‌توان گفت ناهمگونی‌های فرهنگی، در شهرداریها از اهمیت بیشتری نسبت به سازمان‌های دیگر برخوردار است. به نظر می‌رسد که تحقیقات زیادی که بخصوص در سال‌های اخیر در رابطه با عوامل ارزش‌آفرینی در شهرداریها انجام شده است،

نیاز به درک چگونگی سازگاری با ناهمگونی فرهنگی در شهرداریها را بیش از پیش آشکار ساخته است.

برای پاسخگویی اثربخش به پویایی تغییرات فرهنگی، نیاز به رویکردی جدید بر پایه هوش فرهنگی بوضوح حس می‌شود. هوش فرهنگی چارچوبی جامع را معرفی می‌کند که قادر به حل مشکلات موجود در مواجهه موقعیت‌های میان فرهنگی می‌باشد، زیرا هم جنبه شناختی و هم جنبه رفتاری را شامل می‌شود. تحقیقات نشان داده است مدیرانی که از هوش فرهنگی بالایی بهره می‌برند، تلاش بیشتری برای دستیابی ارزش‌های موجود در فرهنگ‌های متفاوت خواهند داشت (Vedadi, Kheiri & Abbasalizade, 2010).

در راستای موارد فوق، مسئله اساسی تحقیق حاضر، تبیین ویژگیها، ارتباطات و تاثیرات متقابل مدیریت دولتی و پدیدارشناسی است. به منظور بررسی مسئله اساسی پژوهش سئوالات زیر مطرح میگردد.

۱- رابطه بین هوش فرهنگی و هوش عاطفی چگونه است؟

۲- رابطه بین هوش فرهنگی و هوش اجتماعی چگونه است؟

۳- روش تحقیق:

با عنایت به عنوان تحقیق و سئوالات مطرحه، پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و از نوع تحلیل اسنادی میباشد

جامعه و روش تحقیق

در این تحقیق کلیه مراجع و منابع موجود و در دسترس، اعم از کتاب، مقالات و گزارشات پژوهشی در مورد هوش فرهنگی مورد بررسی واقع شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها:

ابزار پژوهش، فیش برداری از منابع و مراجع بوده است.

شیوه تجزیه تحلیل داده‌ها:

داده‌های حاصل از بررسی سئوالات اصلی پژوهش از نوع کیفی بوده و بنابر این با ملاحظه ماهیت داده‌ها به طبقه‌بندی، تحلیل، استدلال و استنتاج منطقی پرداخته شده است.

تجزیه تحلیل یافته‌ها:

در اینجا به بررسی سئوالات پژوهش پرداخته شده است.

مروری بر تئوری‌های پیرامون هوش فرهنگی

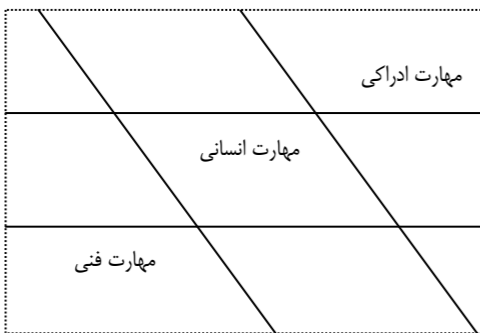
هوش فرهنگی بصورت قابلیت افراد در سازگاری اثربخش ناهمگونی و تفاوت‌های فرهنگی تعریف شده بود با تعاریف اشمیت و هانتز (2000)، سازگار است. این دو، هوش را بدین صورت تعریف کرده‌اند: "قابلیت افراد در دریافتن و استدلال درست از طریق درک مفاهیم و حل مشکلات".

در طبقه‌بندی‌های گذشته، هوش به سه حوزه اصلی تفکیک می‌شود: هوش اجتماعی (توانایی برقراری ارتباط و ایجاد تعاملات مؤثر با دیگران)، هوش عاطفی (قابلیت درک و بکارگیری عواطف) و هوش شفاف‌های / منطقی که با تست‌های IQ قابل سنجش است. اما همانطور که گفته شد، با توجه به پدیده جهانی شدن و حذف فاصله‌ها، نیاز مدیران به نوع دیگری از هوش که برای تعامل با افرادی از فرهنگ‌های دیگر ضروریست، بوضوح حس می‌شود (Ang et al, 2007).

هوش فرهنگی بیانگر واقعیات و حقایقی است که در راستای جهانی شدن بوقوع پیوسته و بر حوزه‌های میان فرهنگی تاکید دارد. بنابراین با تعریف اخیر اشمیت و هانتز (2000) از هوش، نوعی هوش وجود دارد که بر قابلیت استدلال و رفتار مؤثر در محیط‌هایی مملو از ناهمگونی‌های فرهنگی تاکید دارد. هوش فرهنگی دیدگاه‌هایی در مورد توانمندی‌های مورد نیاز افراد برای سازگاری با موقعیت‌های چندفرهنگی و برقراری ارتباط مؤثر با دیگران است. همچنین قابلیت سازگاری با افراد در رویارویی با افرادی از فرهنگ‌های مختلف را نیز شامل می‌شود. شخصی که از هوش فرهنگی بالایی بهره می‌برد، توانایی درک درست رفتارهای افراد و گروه‌هایی که از نظر فرهنگی بیگانه هستند را بدرستی درک کرده و نسبت به آن عکس‌العمل مناسب را از خود نشان دهد. در نتیجه، هوش فرهنگی به توسعه روابط مؤثر کاری نیز منجر خواهد شد (Triandis, 2006).

البته باید اذعان داشت تمامی تحقیقاتی که پیرامون هوش فرهنگی صورت گرفته است، بر اهمیت و ارزش بالای آن در محیط‌های کاری تاکید نداشته‌اند. ارلی و پترسون (2003) دریافتند که هوش فرهنگی را می‌توان بعنوان رویکردی نوین در آموزش میان فرهنگی مدیران جهانی بکار برد. آنان معتقدند مهمترین نقطه ضعف رویکردهای اخیر این فرض است که بیان می‌دارد تمامی افراد نیازمند روش‌های آموزشی مشابهی می‌باشند و هوش فرهنگی، راهنمایی شایسته برای ارزیابی شایستگی‌های مدیران در جهت آموزش دهی به آنان در هر منطقه جغرافیایی خاص است (Earley & Peterson, 2003). ارلی و موساکوفسکی (2004) چارچوبی شش‌بعدی برای هوش فرهنگی شامل ابعاد قبیله‌ای، تحلیلی، شهودیی، سفیر، مقلد و مسلط برای شناسایی مدیران بر مبنای قابلیت‌های هوش فرهنگی تعریف کرده‌اند (Earley & Mosakowsky, 2004). شواهد دیگری بیانگر آنست که میزان هوش فرهنگی در گروه‌ها، بیانگر اعتماد فراگروهی، اتحاد و عملکردشان می‌باشد (Moynihan et al, 2006).





مهارت‌های مورد نیاز مدیران بر اساس سطوح سلسله مراتبی سازمانی، Koontz et al, 1988

(Abbasalizadeh, ۲۰۱۰).

هوش فرهنگی و رهبری تحول آفرین

هرچه مدیران از هوش فرهنگی بالاتری برخوردار باشند، راحت تر می توانند سبک های رهبری تحول آفرین را در سازمان خود اجرا کنند. چرا که مدیران با افزایش دانش فرهنگی نسب به پیروان، درمی یابند که چگونه از رفتارها، کلام و دیگر ابزارهای هوش فرهنگی در جهت برانگیختن و ایجاد بینش مشترک در پیروان استفاده کنند و همچنین در آنان نسبت به هدف ایجاد شده تعهد لازم را ایجاد کنند.

همچنین چنین بر می آید که مدیران جهت برانگیختن پیروان در جهت دستیابی به بینش مشترک، نیاز دارند که سعی کنند توانایی برخورد با افراد از فرهنگ های مختلف را در خود گسترش داده و از تعامل با آن احساس لذت کنند (انگیزش فرهنگی) و تفاوت های فرهنگی از جمله هنجارها، عقاید مذهبی، ارزش ها و .. پیروان را بشناسند (دانش فرهنگی) و از رفتارهای کلامی و غیر کلامی مناسب جهت برخورد با افرادی که از فرهنگ-های متفاوت هستند، استفاده کنند (رفتار هوش فرهنگی) و در نهایت، از توانایی تبدیل، بکارگیری و بررسی دانش فرهنگی برخوردار باشند (استراتژی فرهنگی) (بیکاخیان، ۱۳۸۸).

هوش فرهنگی و موفقیت شغلی

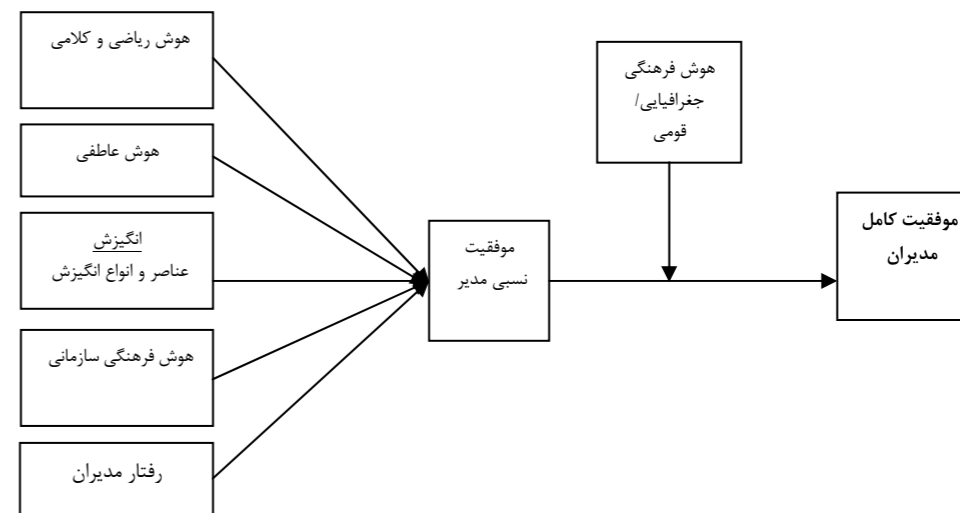
مدل زیر که توسط هیگینز و آیلون (۲۰۰۵) ارائه شده است، ابعاد موفقیت مدیران را در سطح سازمانی نشان می دهد (Higgins & Ilon, ۲۰۰۵).

همانطور که در شکل ۱ مشاهده می شود عناصر موفقیت مدیران در محیط داخلی مشتمل بر هوش شناختی (IQ)، هوش عاطفی (EQ)، هوش فرهنگی (CQ)، و انگیزش بالاست. هوش شناختی با وجود این که برای مدیران لازم است، اما کافی به نظر نمی رسد. IQ فقط ۲۰٪ از موفقیت را تضمین می کند، اما ۸۰٪ دیگر به سایر عوامل بستگی دارد. خصوصا با توجه به وراثتی بودن IQ و قابلیت تقویت انواع دیگر هوش می توان ادعا نمود که مدیران با داشتن درصد پایینی از IQ و درصد بالایی از دیگر قابلیت های هوش می توانند به موفقیت دست یابند. همانگونه که در شکل آمده است، انگیزش را نیز می توان به عنوان یکی از عوامل اصلی توفیق مدیران به شمار آورد که قابل تقویت نیز می باشد؛ به عبارتی دیگر مدیران باید از انگیزه ای بالا برای دستیابی به موفقیت برخوردار باشند.

با فراتر رفتن از محیط داخلی و قدم نهادن در عرصه جهانی، عوامل موفقیت وسیع تر می شود. در این حالت لازم است متغیر تعدیل گر هوش فرهنگی به آن اضافه شود. امروزه مدیران باید آمادگی مراودات میان فرهنگی را داشته باشند. برای داشتن مراودات و تعاملات موفق بین فرهنگی در محیط جهانی، قابلیت هوش فرهنگی عنصری ضروری

در محیط های چندفرهنگی و تعامل با افراد از فرهنگ های متفاوت است. چنین بیانی، نشانگر ارزش وجود انگیزه برای توجه به قابلیت هوش فرهنگی واراده نمودن در جهت یادگیری و افزایش این قابلیت است. در واقع کسانی که از انگیزش فرهنگی بالایی برخوردار هستند، توجه و انرژی خود را بر مبنای میل درونی و اطمینان به اثربخشی میان فرهنگی خود هدایت می نماید (Bandara ۲۰۰۲).

انگیزه توفیق طلبی نیز در معنای کلی به میزان تمایل و ارزش درونی فرد برای مؤثر بودن اطلاق می شود. فردی که انگیزه بالایی برای موفقیت دارد همواره در پی کشف و یادگیری ویژگی ها و مهارت هایی است، تا احتمال رسیدن به هدف را بیشتر نماید (عباسعلی زاده، ۱۳۸۶). هوش فرهنگی به عنوان یک توانمندی متفاوت افراد، به آنچه که فرد می تواند برای موثر واقع شدن در محیط های دارای تنوع فرهنگی انجام دهد اشاره می کند. بنابراین این موضوع جدا از ویژگی های ثابت شخصیتی است که تشریح می نمایند یک فرد در طول زمان و در موقعیت های مختلف چه کاری انجام می دهد (عباسعلی زاده، ۱۳۸۶). از آن جا که فطرت، بر انتخاب رفتارها و تجارب تأثیر می گذارد، بعضی از ویژگی های شخصیتی بایستی با هوش فرهنگی مرتبط باشند. در این راستا انگیزه کسب موفقیت یکی از ویژگی های لازم و ضروری در جهت افزایش هوش فرهنگی تلقی می شود (Vedadi, Kheiri &)



شکل ۱ - اجزاء موفقیت مدیران. (Higgins & Ilon, 2005)

میان فرهنگی را درک می کند. این استراتژی بیانگر فرآیندهایی است که افراد برای کسب و درک دانش فرهنگی به کار می برند. این امر زمانی اتفاق می افتد که افراد در مورد فرآیندهای فکری خود و دیگران قضاوت می کنند. استراتژی هوش فرهنگی شامل تدوین استراتژی پیش از برخورد میان فرهنگی، بررسی مفروضات در حین برخورد و تعدیل نقشه های ذهنی در صورت متفاوت بودن تجارب واقعی از انتظارات پیشین می باشد (نائبیجی و عباسعلی زاده، ۱۳۸۶).

هوش فرهنگی و انگیزه توفیق طلبی

چنانچه در تقسیم بندی اجزاء هوش فرهنگی مشاهده شد، انگیزش یکی از اجزاء هوش فرهنگی است که به معنای ارزش درونی فرد برای حضور



انگ (۲۰۰۷) ارتباط میان هوش فرهنگی و ساختارهای وابسته به علم پزشکی و رفاه اجتماعی مانند تصمیم-گیری، تطابق فرهنگی و قضاوت فرهنگی را نیز مورد بررسی قرار داد (Ang et al, ۲۰۰۷). هوش فرهنگی دارای تمایزاتی مهم نسبت به سایر انواع هوش است. بهره هوشی (IQ)، هوش عاطفی و هوش اجتماعی اغلب قابلیت های شناختی هستند، اما هوش فرهنگی رویکردی متفاوت نسبت به دیگر انواع هوش را با ابعادی چندگانه شامل می شود (Jones & Schneider, ۲۰۰۶).

ابعاد هوش فرهنگی

بر اساس تقسیم بندی مرکز مطالعات هوش فرهنگی، هوش فرهنگی به چهار بخش انگیزه، دانش، رفتار و استراتژی هوش فرهنگی تقسیم می شود:

دانش هوش فرهنگی؛ دانشی است که بیانگر درک فرد از تشابهات و تفاوت های فرهنگی است و دانش عمومی و نقشه های ذهنی و شناختی فرد از فرهنگ های دیگر را نشان می دهد. این جنبه مبتنی بر شناخت سیستم های اقتصادی و قانونی، هنجارهای موجود در تعاملات اجتماعی، عقاید مذهبی، ارزش های زیبایی شناختی و زبان فرهنگ های دیگر می باشد.

انگیزش هوش فرهنگی؛ میزان تمایل فرد به تجربه نمودن فرهنگ های دیگر و ارتباط با افراد مختلف در سایر فرهنگ ها را نشان می دهد. این انگیزه شامل ارزش درونی افراد برای تعاملات چندفرهنگی و اعتماد به نفسی است که به فرد اجازه می دهد که در موفقیت های فرهنگی مختلف به صورتی اثربخش عمل کند.

رفتار هوش فرهنگی؛ این امر قابلیت فرد را در سازگاری با رفتارهای کلامی و غیرکلامی که برای برخورد با فرهنگ های مختلف مناسب هستند را نشان می دهد. رفتار هوش فرهنگی مجموعه ای از پاسخ های رفتاری منطقی که در موقعیت های مختلف به کار می آیند و متناسب با یک تعامل خاص یا موقعیت ویژه از قابلیت اصلاح و تعدیل برخوردارند را شامل می شود.

استراتژی هوش فرهنگی؛ بدین معناست که فرد چگونه تجربیات

برای مدیران محسوب می شود. این مهارت به مدیران کمک می کند که حساسیت های فرهنگی خود را افزایش دهند؛ به این معنی که بتوانند تفاوت های فرهنگی را جدا از قضاوت های ارزشی، درک کنند و با درک و پذیرش تفاوت های فرهنگی به سازگاری فرهنگی نائل شوند. دستیابی مدیران به موفقیت کامل مستلزم طی فرایند ذکر شده در رسیدن به سازگاری فرهنگی است؛ سازگاری فرهنگی نیز بدون برخورداری یا تقویت قابلیت هوش فرهنگی میسر نخواهد شد. در یک طبقه بندی کلی دیگر معیارهای موفقیت مدیران به صورت زیر مطرح شده اند: اهداف سخت که شامل اهداف کمی و قابل اندازه گیری می شود . اهداف نرم که دربرگیرنده اهدافی هستند که بر پایه روابط با کارکنان استوار می باشند مانند سبک های رهبری، مهارت های بین فردی . . . اهداف موقعیتی که شامل اهدافی است که بنابر قرار گرفتن مدیر در موقعیت های مختلف ایجاد می شود مانند عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی . . .

برای رسیدن به اهداف سه گانه بالا نقش انواع هوش به صورت متمایز و طبقه بندی شده قابل تفکیک است؛ به عبارتی IQ بالا شما را در دستیابی به اهداف سخت یاری می رساند در صورتی که اهداف نرم و اهداف موقعیتی نیاز به توانایی فراتر از IQ دارند. چنانچه در تحقق اهداف سخت، IQ نقش مهمی ایفا می کند، در برقراری رابطه با کارکنان مدیران باید در حد مطلوبی از هوش هیجانی برخوردار باشند و درنهایت نیل به اهداف موقعیتی نیازمند برخورداری از هوش فرهنگی بیش از IQ و هوش هیجانی است (Stogdill & Ralph, ۱۹۸۸). در طبقه بندی دیگری برای بکارگیری انواع هوش در انجام موفق امور توسط مدیران، می توان طبقه بندی سنتی سه گانه مهارت های مورد نیاز در سطوح مدیریت را به کار گرفت:

مهارت فنی – مهارت بکارگیری علوم، روش ها، فنون و تجهیزات ویژه برای انجام امور و وظایف تخصصی؛ IQ در انجام این وظایف نقش مهمی دارد.

مهارت انسانی _ مهارت و توانایی کار با کارکنان و استفاده از آنها برای انجام وظایف محوله؛ هوش هیجانی توانایی کار با دیگران را سهولت می بخشد.

مهارت ادراکی _ مهارت و قدرت درک پیچیدگی های کل سازمان و تشخیص موقعیت و جایگاه عملکرد خود در سازمان. این مهارت به فرد کمک می کند تا بتواند مطابق و همسو با اهداف کل سازمان عمل کند؛ حال اگر این پیچیدگی ها رخ دهد دامنه مسیله وسیع تر می شود؛ و باید از مدیرانی که از هوش فرهنگی بالایی برخوردارند بهره گرفت و یا به آنان آموزش تقویت هوش فرهنگی داد

(Koontz et al, ۱۹۸۸).

بنابراین، هر چه از سطح فنی که درجه بالایی از IQ را می طلبد به سطح مدیریت عالی که نیازمند مهارت های انسانی و ادراکی است پیش می رویم بیشتر به ضرورت برخورداری مدیر از هوش هیجانی و هوش فرهنگی پی می بریم. درواقع به مراتبی که از مدیریت سطح سرپرستی به سطح مدیریت عالی ترقی می کند، به ترکیب-های متفاوتی از این مهارت ها و به تبع آن ترکیب های متفاوتی از انواع هوش نیاز خواهد داشت (عباسعلی زاده، ۱۳۸۶).

جواب سؤال اول : رابطه هوش فرهنگی با هوش عاطفی

یکی از توانایی ها در رفتار عاطفی، جلوگیری از بروز واکنش های عاطفی است که از آن با نام کنترل عاطفی نیز یاد می شوند. درون یک فرهنگ ملی یا در یک خرده فرهنگ محلی، برداشت مشابهی از معنی و مفهوم هر یک از این احساسات به چشم می خورد؛ اما با عبور از مرزهای فرهنگی و جغرافیایی ترجمه بسیاری از هیجانات و اشارات (گفتاری و غیرگفتاری) مربوط به آن، به سهولت امکانپذیر نیست (Benett, ۲۰۰۳).

هوش عاطفی دارای ابعادی چون خودآگاهی، خودتنظیمی، انگیزش، همدلی و مهارت های اجتماعی می باشد که ممکن است در گذر از فرهنگی به فرهنگ دیگر دستخوش تغییر شود. هوش فرهنگی نیز برخی اجزای هوش عاطفی را در برمی گیرد. این بدان معناست که هوش عاطفی در ابعادی با هوش فرهنگی همپوشانی و اشتراک دارد (Westby, ۲۰۰۷).

افرادی که در مواجهه با فرهنگ های مختلف، عواطف و احساسات خود را بدرستی ابراز نموده و براحتی با افراد دیگر رابطه برقرار می کنند، هم از لحاظ عاطفی و هم از لحاظ فرهنگی در سطح بالایی قرار دارند. این امر بیانگر آنست که افراد می توانند خود را با شرایط و موقعیت های گوناگون عاطفی وفق داده یا عواطف و احساسات خود را بدرستی و با توجه به شرایط موجود کنترل کنند. بنابراین مهارت های یکسانی وجود دارد که هم در هوش عاطفی و هم در هوش فرهنگی بصورت مشترک وجود دارد. در نتیجه بیان احساسات حتی ممکن است تحت تاثیر فرهنگ نیز قرار گیرد. بنابراین می توان گفت نقاط مشترکی میان این دو نوع هوش وجود دارد (Earley & Peterson, ۲۰۰۴).

جواب سؤال دوم : رابطه میان هوش

فرهنگی و هوش اجتماعی

تاکید هوش فرهنگی بر قابلیت هایی

برای تعامل با ناهمگونی های

فرهنگی بوده و بدان وسیله بر بعد

فرهنگی تعاملات اجتماعی تاکید

دارد. افراد مختلف هنگام تعامل

با فرهنگ های گوناگون، از طریق

قابلیت های بالای هوش فرهنگی خود قادر خواهند بود فرهنگ میزبان را با سهولت بیشتری درک کرده و به راحتی با افراد دیگر، ارتباط موثر برقرار نمایند. بنابراین از آنجا که هوش اجتماعی به فرد اجازه می دهد با دیگران تعاملاتی اثربخش داشته باشد، هوش فرهنگی نیز موجب می شود که فردی در موقعیت های خصوصاً میان فرهنگی، توانایی برقراری ارتباط با دیگران را پیدا کند و بنابراین هوش فرهنگی نیز جزئی از هوش اجتماعی به حساب می آید (Crowne, ۲۰۰۹).

نتیجه گیری

همانطور که بیان شد هوش فرهنگی دارای ابعاد انگیزش، رفتار، دانش و استراتژی فرهنگی می باشد که لازمه موفقیت مدیران شهری می باشد. امروزه با توجه به فرآیند جهانی شدن و از میان رفتن مرزهای فیزیکی، تعامل با افرادی از فرهنگ های متفاوت، امری محتمل به نظر می رسد. بنابراین برای موفقیت ، نیاز به هوش فرهنگی بیش از پیش حس شده و برخورداری از مهارت های آن، برای رهبران و مدیران ارشد سازمان ها، امری ضروری می نماید.

سه هوش ریاضی (IQ)، هیجانی و فرهنگی درون سازمانی در کنار انگیزش، تضمین کننده موفقیت داخلی رهبران هستند، اما هوش فرهنگی جغرافیایی و قومی، موفقیت کامل رهبران را به دنبال خواهد داشت.

=====

منابع

۱.میرسپاسی، ناصر ،۱۳۸۸،هوش فرهنگی ، انتشارات میر

۲.بیکخاکیان، یوکابد، ۱۳۸۸، بررسی تاثیر هوش عاطفی بر سبک های رهبری، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

۳.عباسعلی زاده، منصوره، بررسی رابطه هوش فرهنگی با انگیزه توفیق طلبی مدیران، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

۴.ناتیجی، محمد جواد و عباسعلی زاده، منصوره، ۱۳۸۶، هوش فرهنگی؛ سازگاری با ناهمگون ها، ماهنامه تدبیر، سال هجدهم، شماره ۱۸۱

۵.Ang, S, Van Dyne L, Koh C, Ng K. Y, Templer K.J , Tay C and Chandrasekar N.A. (۲۰۰۷), "Cultural Intelligence: its Measurement and Effects on Cultural Judgment and Decision Making, Cultural Adaptation and Task Performance", Management and Organization Review, Vol. ۳, Issue ۳, pp. ۳۳۵–۳۷۱.

۶.Benett, Milton, ۲۰۰۳, Cutral intelligence–another aspect of emotional intelligence. Cross Cultural Development and Organization Management, Vol.۳۱, pp۲۰–۲۶.

۷.Crowne, Kerri, ۲۰۰۹, The relationships among social intelligence, emotional intelligence and cultural intelligence, Organization Management Journal (۲۰۰۹) ۶, ۱۴۸–۱۶۳

۸.Dyne, van Linn and Ang Soon, ۲۰۰۵, Cultural intelligence: An essential capability for individual in contemporary organizations. Michigan State University and Nanyang Technological University, Singapore

۹.Earley, P. C., & Mosakowski, E. (۲۰۰۴), "Cultural intelligence", Harvard Business Review, Vol. ۸۲, No. ۱۰, pp. ۱۳۹–۱۴۰.

۱۰.Earley, P. C., & Peterson, R. S. (۲۰۰۴), "The elusive cultural chameleon: Cultural intelligence as a new approach to intercultural training for the global manager", Academy of Management Learning and Education, Vol. ۳, No. ۱, pp. ۱۰۰–۱۱۵.

۱۱. Higgins James & Alon Ilon ; Business Horizons ; No ۴۸ , (۲۰۰۵) , pp ۵۰۱–۵۱۲

۱۲. Higgs, M. (۱۹۹۶), "Overcoming the problems of cultural differences to establish success for international management teams", Team Performance Management: An International

۱۳. Jones G & Schneider W. J (۲۰۰۶), "Intelligence, human capital, and economic growth: A Bayesian Averaging of Classical Estimates (BACE) approach", J Econ Growth, Vol. ۱۱, pp ۷۱–۹۳.

۱۴. Koontz,Harold and Others , ManagementY Ath ed, New York: McGraw–Hill, Inc. (۱۹۸۸)

۱۵. Moynihan, L.M. & Peterson R.S. and Earley P.C (۲۰۰۶), "Cultural Intelligence and the Multinational Team Experience: Does the Experience of Working in a Multinational Team Improve Cultural Intelligence?", Research on Managing Groups and Teams ,Vol. ۹, pp. ۳۹۹–۳۳۳.

۱۶. Stogdill, Ralph M; Personal factors associated with leadership: A survey of the literature. Journal of Psychology,Vol.۳۵. (۱۹۸۸), pp ۱۰– ۱۳

۱۷. Triandis, H. C. (۲۰۰۶), "Cultural intelligence in organizations". Group

۱۸. Vedadi, Ahmad, Kheiri, Bahram & Abbasalizadeh, Mansoureh, The relationship between cultural intelligence and achievement: a case study in an Iranian company, Iranian Journal of Management Studies (IJMS) Vol ۳. No.۳. January ۲۰۱۰ pp: ۲۵ – ۴۰

۱۹. Westby, C., ۲۰۰۷, being smart in a diverse world. Communication Disorders Quarterly, ۳۹(۱):۷–۱۳.

۲۰. Zakaria, N. (۲۰۰۰), "The effects of cross-cultural training on the acculturation process of the global workforce", International Journal of Manpower, Vol. ۲۱ No.۶, pp. ۴۹۲–۵۱۰.

کمرنگ شدن مرزهای ملی و مهاجرت های رو به افزایش داخلی و خارجی در داخل سازمان ها، نیروی کار هم شکل و یک دست را از بین برده است؛ بنابراین حتی اگر کسب و کار شما در سطح محلی فعالیت می کند، نباید نسبت به تقویت این ویژگی ها بی تفاوت باشید. عدم توجه به تفاوت های فردی و فرهنگی کارکنان و شهروندان ، آنان را به مرور به نیروی کار ناراضی و درنهایت به منبع تعارض در سازمان تبدیل می کند. در مقابل، به کارگیری قابلیت های هوش هیجانی و هوش فرهنگی موجب افزایش کارایی کارکنان ، اثربخشی مدیران ، بهره وری شهرداری و درنتیجه رضایت شهروندان را به دنبال خواهد داشت . در نهایت پیشنهاد می شود جهت برخورداری از هوش فرهنگی بالاتر، بررسی فرهنگ های مختلف، دیدن موزه ها یا نمایشگاه ها و سنجش مفروضات ذهنی با رفتار واقعی افراد در حین تعامل با آنان در کنار استفاده از آزمون های سنجش هوش در هنگام جذب کارکنان، می توان در راستای تقویت و افزایش هوش فرهنگی گام برداشت. با بکارگیری آزمون های سنجش هوش، افراد از نظر قابلیت های هوشی مورد ارزیابی قرار گرفته و به این ترتیب، می توان افرادی را که از هوش فرهنگی پایین تری برخوردارند حداقل تا قبل از تقویت آن، در پست هایی قرار داد که با نیروی کار همسان تر در ارتباط باشند.

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====

=====



رشد شهری و برنامه ریزی راهبردی - فضایی در ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی

نویسنده: آلیسون تودز

مترجم: محمد حامد عبدی

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری

دانشگاه کردستان

چکیده

این مقاله روش های برنامه ریزی فضایی و استراتژیک را در شهر ژوهانسبورگ بررسی می کند که تلاش در تغییر شکل وضع موجود و به دنبال یافتن الگویی فضایی برای شهردر حال گسترش و منفک است؛ به ویژه بر روی ابتکارات عمومی برای ارتباط برنامه ریزی فضایی و توسعه زیرساخت های بزرگ از طریق راهبرد مدیریت رشد تمرکز می کند. این راهبرد در شهرداری و با حمایت قوی سیاسی و در ارتباط با برنامه های بودجه به خوبی پایه گذاری شده است. با وجود بحث های فراوان در مورد برخی از این توسعه ها، سیستم های جدید حمل و نقل عمومی که معرفی شده است به برنامه های فضایی اضافه می شود. اگرچه یقیناً بخش املاک نسبت به برخی از جنبه های برنامه ریزی پاسخ گو است، اما حرکت به سوی عدالت فضایی بیشتر چالش هایی را بر جای می گذارد. به نظر می رسد که ارتباط زیرساخت های برنامه ریزی، تقویت برنامه ریزی را منجر شود، اما این یک راهکار سختی است که به اشکال پیچیده ای از برنامه ریزی نسبت به برنامه ریزی جامع سنتی نیاز دارد.

واژگان کلیدی: ژوهانسبورگ، برنامه ریزی شهری، برنامه ریزی فضایی - راهبردی، زیرساخت ها، مدیریت رشد، پراکنش شهری

مقدمه

شهر ژوهانسبورگ با قرارگیری در مرکز حیاتی و اقتصادی کشور و در ایالت گتنگ موقعیت ویژه ی را دارا می باشد، این شهر بزرگ ترین شهر آفریقای جنوبی و مادر شهری با جمعیت ۳/۹ میلیون نفر و مهمترین مرکز اقتصادی است. تحت شرایط جدایگزینی اجتماعی (جدایی سیاهان و سفید پوستان) رشد شهرها کنترل شد و شهرها براساس خطوط نژادی تقسیم بندی شدند اما این سیاست ها و الگوها از به تدریج اواخر دهه ۱۹۷۰ و بعد از دوره بزرگ شکست جدایگزینی و اتفاق مردم آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۴ از بین رفت.

از آن زمان به بعد تغییرات فضایی در ژوهانسبورگ سریع تر شد که این با ظهور گره های جدید حومه ای و شهرهای لبه ای، توسعه جوامع بسته در سکونتگاههای متفرق، رشد آشکارای مسکن و سکونتگاههای غیر رسمی عموماً بر روی محدوده ی پیرامونی و تغییرات نژادی و فشرده گی در محدوده مرکزی شهر همراه بود. اگرچه شیوه های جدید رشد نسبت به گذشته عموماً بر روی تراکم بالا تاکید داشتند اما شهر به گسترش پراکنده خود ادامه داد و با وجود تقسیم بندی های ضدنژادی که در نواحی دارای سکنه با طبقه متوسط در شمال رخ داد (Kracker Selzer & Heller, ۲۰۱۰)، تقسیم های فضایی در طول خطوط طبقاتی بسیار آشکار بود.

برنامه ریزی فضایی - کالبدی در دوران بعد از شکست جدای گزینی سیاه پوستان و سفید پوستان، برای ارتقاء شهرهای فشرده و یکپارچه کردن آنها و همچنین برای جبران الگوی غیر عادلانه گذشته تلاش کرد. این مقاله بررسی می کند که برنامه ریزی فضایی در ژوهانسبورگ چگونه برای تغییر شکل وضع موجود و همچنین دستیابی به الگوی فضایی برای شهرهای پراکنده از طریق استفاده از چارچوب فضایی در ایجاد راهنمایی برای توسعه تلاش می کند. این مقاله بر روی ابتکارات بسیاری که اخیراً انجام شده است تمرکز می کند تا از این طریق برنامه ریزی فضایی و توسعه زیرساخت ها را از طریق راهبرد مدیریت رشد به هم ارتباط دهد. این ابتکارات با تاکیدات رایج بین المللی بر روی اتصال برنامه ریزی فضایی با زیرساخت ها سازگار است (Angel, ۲۰۰۸; Mattingly, ۲۰۰۱; UN-Habitat, ۲۰۰۹; Neuman, ۲۰۰۹; Singh and Steinberg, ۱۹۹۶).

این مقاله راهکارهای اتخاذ شده در ژوهانسبورگ را بیان می کند و طریقه دستیابی به آن و مواردی که برای امکان پذیر ساختن آن و چالشهای مواجهه با آن را تشریح می کند. این مقاله براساس نشریات در دسترس و اسناد برنامه ریزی نوشته شده است همچنین با ۲۰ نفر از مقامات شهری و اعضای شورای شهر، توسعه دهندگان مالی، برنامه ریزان و آکادمی های مختلف در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، مذاکراتی صورت گرفته است. این مذاکرات در برخی از موارد برای حفظ اعتماد و رازداری بصورت مستقیم ذکر نشده است.

مقدمه

شهر ژوهانسبورگ با قرارگیری در مرکز حیاتی و اقتصادی کشور و در ایالت گتنگ موقعیت ویژه ی را دارا می باشد، این شهر بزرگ ترین شهر آفریقای جنوبی و مادر شهری با جمعیت ۳/۹ میلیون نفر و مهمترین مرکز اقتصادی است. تحت شرایط جدایگزینی اجتماعی (جدایی سیاهان و سفید پوستان) رشد شهرها کنترل شد و شهرها براساس خطوط نژادی تقسیم بندی شدند اما این سیاست ها و الگوها از به تدریج اواخر دهه ۱۹۷۰ و بعد از دوره بزرگ شکست جدایگزینی و اتفاق مردم آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۴ از بین رفت.

از آن زمان به بعد تغییرات فضایی در ژوهانسبورگ سریع تر شد که این با ظهور گره های جدید حومه ای و شهرهای لبه ای، توسعه جوامع بسته در سکونتگاههای متفرق، رشد آشکارای مسکن و سکونتگاههای غیر رسمی عموماً بر روی محدوده ی پیرامونی و تغییرات نژادی و فشرده گی در محدوده مرکزی شهر همراه بود. اگرچه شیوه های جدید رشد نسبت به گذشته عموماً بر روی تراکم بالا تاکید داشتند اما شهر به گسترش پراکنده خود ادامه داد و با وجود تقسیم بندی های ضدنژادی که در نواحی دارای سکنه با طبقه متوسط در شمال رخ داد (Kracker Selzer & Heller, ۲۰۱۰)، تقسیم های فضایی در طول خطوط طبقاتی بسیار آشکار بود.

برنامه ریزی فضایی - کالبدی در دوران بعد از شکست جدای گزینی سیاه پوستان و سفید پوستان، برای ارتقاء شهرهای فشرده و یکپارچه کردن آنها و همچنین برای جبران الگوی غیر عادلانه گذشته تلاش کرد. این مقاله بررسی می کند که برنامه ریزی فضایی در ژوهانسبورگ چگونه برای تغییر شکل وضع موجود و همچنین دستیابی به الگوی فضایی برای شهرهای پراکنده از طریق استفاده از چارچوب فضایی در ایجاد راهنمایی برای توسعه تلاش می کند. این مقاله بر روی ابتکارات



بسیاری که اخیراً انجام شده است تمرکز می کند تا از این طریق برنامه ریزی فضایی و توسعه زیرساخت ها را از طریق راهبرد مدیریت رشد به هم ارتباط دهد. این ابتکارات با تاکیدات رایج بین المللی بر روی اتصال برنامه ریزی فضایی با زیرساخت ها سازگار است (Angel, ۲۰۰۸; Mattingly, ۲۰۰۱; UN-Habitat, ۲۰۰۹; Neuman, ۲۰۰۹; Singh and Steinberg, ۱۹۹۶).

این مقاله راهکارهای اتخاذ شده در ژوهانسبورگ را بیان می کند و طریقه دستیابی به آن و مواردی که برای امکان پذیر ساختن آن و چالشهای مواجهه با آن را تشریح می کند. این مقاله براساس نشریات در دسترس و اسناد برنامه ریزی نوشته شده است همچنین با ۲۰ نفر از مقامات شهری و اعضای شورای شهر، توسعه دهندگان مالی، برنامه ریزان و آکادمی های مختلف در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، مذاکراتی صورت گرفته است. این مذاکرات در برخی از موارد برای حفظ اعتماد و رازداری بصورت مستقیم ذکر نشده است.

استفاده از مقولات نژادی در این مقاله نفوذ گذشته و تقسیمات نژادی رایج را منعکس می کند و قصد ندارد تا از آنها چشم پوشی کند و از (سیاه) شامل مردم آفریقای و آسیایی (در اصل هندی) و مردمی که به صورت نژادی ترکیب شده اند، می شوند که به واژه ((رنگی)) در دوره جدایگزینی برمی گردد.



فقدان ابعاد مشارکتی؛ ناتوانی در جلب همکاری نهادها و بخش های لازم در تحقق برنامه، ارزیابی شدند.

با وجود برخی انتقادات، شیوه ی قدیمی طرح جامع در برخی از کشورها هنوز هم ادامه دارد (Watson, ۲۰۰۹)، اما بسیاری از شهرها، شکل های جایگزینی را برای برنامه ریزی استراتژیک فضایی یافته اند که انعطاف پذیری بیشتری دارد(بر روی خطوط راهنمای هدایتی ومداخلات راهبردی کلیدی تمرکز می کنند)؛ و برای در کنار هم آوردن نهادها و بخش ها فراتر از برنامه های کاربری رفت؛ اشکال مختلف برنامه ریزی مشارکتی شامل محدوده ای از افراد ذینفع و سطوح گسترده تری از مشارکت به کار گرفت (UN–Habitat, ۲۰۰۹)؛ و از طریق پروژه ها و بودجه گذاری های مختلف به اجرا مرتبط می شد. یک بخش از این کار بر روی ارتباط با توسعه زیرساخت ها تمرکز می کند (Mattingly, ۲۰۰۱; Singh & Steinberg, ۱۹۹۶) و از آن پس تشخیص داده شد که جاده ها، سیستم های حمل و نقل، تجهیزات و زیر ساخت های اجتماعی نقش کلیدی را درتنظیم شکل فضایی شهرها دارند.(UN–Habitat, ۲۰۰۹)

هرچند سوالاتی در مورد تاثیر این شکل از برنامه ریزی و توانایی آن در مدیریت رشد شهری و تغییرآن به ویژه در کشورهای در حال توسعه و جایی که توانایی نهاده‌ها و منابع با محدودیت بیشتری روبرو هستند، وجود دارد (Watson, ۲۰۰۹)چالشها شامل:مقابله با نیروهای بازاردر داخل و فراتر از قلمرو برنامه؛ مقاومت در برابر ایده‌های برنامه؛ تصمیم سازی سیاسی بر خلاف برنامه، تمرکز بر روی از انباشت ها که از سرمایه گذاری در مدیریت رشد آینده ممانعت می کند (Mattingly & Winarso, ۲۰۰۰)؛ و وجود مشکلات در همکاری در داخل و بین سازمانهای کلیدی(Stead & Meijers, ۲۰۰۹) همچنین برنامه

بزرگترین اقتصاد محلی را در آفریقای جنوبی دارد که در حدود۱۳/۷ درصد ازدرآمد ملی و ۱۱/۲ درصد از اشتغال را به خود اختصاص داده است (Quantec, ۲۰۰۹) اگرچه سطوح بالایی از فقر نسبی (۲۵) (Presidency, ۲۰۰۶) و بیکاری(۲۴/۵) (Quantec, ۲۰۰۹) را دارا است. این شهر دارای بیشتری پویایی در اقتصاد در استان گنانگ است که یک منطقه شهری با جمعیتی در حدود ۱۰/۵ میلیون نفر (شامل ۳ مرکز مادر شهری) که عهده دار نقش ۱/۳۵ درصدی از درآمد اقتصاد ملی است (Quantec, ۲۰۰۹) .

همین طور، مهمترین مقصد برای مهاجرین بین المللی و داخلی در



کشوراست. جمعیت ژوهانسبورگ در بین سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۱ که اولین سالهای بعد از پایان جدایگزینی بود به نرخ رشدی با ۱/۴ رسید که سریع تر از نرخ رشد ۲درصدی جمعیت ملی بود که به نرخ نسبتاً بالای مهاجرت داخلی اشاره می کرد. از آن پس نرخ رشد آرام تر شد اما هنوز نسبتاً سریع بود که در بین سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ به ۲/۲ رسید . (Statistics South Africa, ۲۰۰۷) اندازه خانوار کاهش یافت این در حالی بود که تعداد خانوار سریع تر از گذشته رشد می کرد . (COJ, ۲۰۰۶) بنابراین،مانند بسیاری از شهرها از لحاظ بین المللی، آثار ساخت و ساز به سرعت گسترش یافت.این رشد همچنین نتیجه شکل فضایی غالب ناشی از توسعه جدید می باشد (Angel, Sheppard, & Civco, ۲۰۰۵) .

از دهه ۱۹۷۰، شهر ژوهناسبورگ عدم تمرکزی از ادارات و توسعه خرده فروشی را از منطقه تجاری مرکزی شهر(CBD) تجربه کرد و رشد نقاط جدید اقتصادی را در شمال شهر مانند مناطق Rose Bank, Sandton, Midrand به خود دید (شکل ۱). شرکت های نامتمرکز در ابتدا به مشتریان در حومه خدمت رسانی می کردند و در طول زمان به تقاضاهایی که برای محیط های خودرو محور، برای انواع جدیدی از فضاهای کاری و همچنین برای فضاهای امن دور از آلودگی و جنایت در داخل مرکز تجاری شهر نیز پاسخگو بودند. Goga (۲۰۰۳)همچنین نقش الزامات سرمایه گذاری در بخش املاک در هدایت تمرکز زدایی ادارات از دهه ۱۹۹۰ را نباید فراموش کرد. در سال ۲۰۰۴، تنها ۳۶ درصد از درآمد اقتصادی ژوهانسبورگ در مرکز تجاری شهر تولید شده (که به عنوان مهمترین و تنها مرکز فعالیت اقتصادی در گنانگ باقی مانده است)، در حالی که جمعاً ۵۲ درصد از آن در چندین نقطه برای

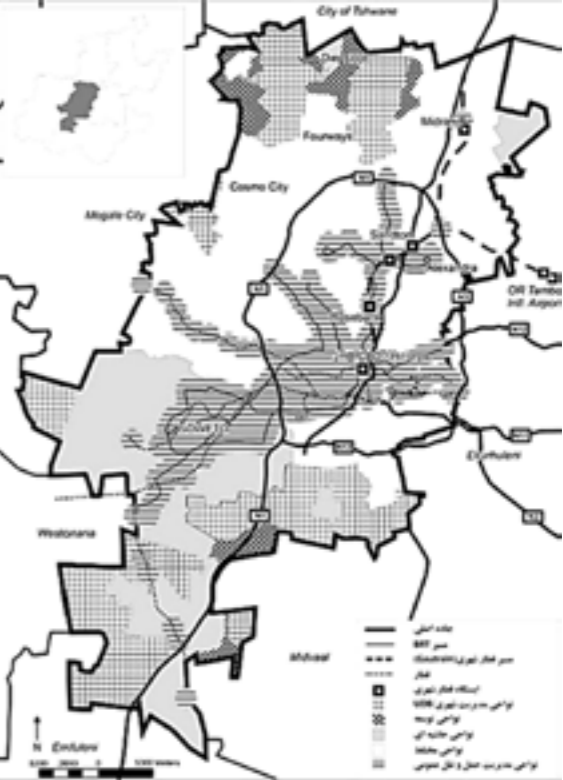
شمال آن تولید شده است.(COJ, ۲۰۰۹a) که این نشان می دهد که ژوهانسبورگ به عنوان یک شهرچند مرکزی پدیدار شده است.الگوی غالب توسعه های مسکونی جدید برای طبقات متوسط و بالاتر، مجتمع های ویلایی که بر روی زمین های ارزان تر درلبه های شمالی وغربی شهر را وارد کرده است که معمولاً نسبت به نواحی حومه ای قدیمی در تراکم های بالاتر قرار گرفته اند. اگرچه این توسعه ها به نگرانی که درباره ایمنی وجود داشت پاسخ گفتند اما همچنان به مسکن ارزان قیمت و حذف شیوه های زندگی دست و پاگیر منتج شدند.تنوع الگوها شامل مجتمع های ((خانه شهری))، بلوک های آپارتمانی با تراکم پایین، زمین های گلف و اخیراً ،توسعه های چند منظوره بسیار بزرگ در همه ۱۰۰۰ واحد طیفی از انواع مساکن را در بر می گرفت. زمانی که دوباره طرح ها برای توسعه ادارات و خرده فروشی ها یا برای مجتمع های مسکونی با تراکم بالا مورد استفاده قرار گرفت، سطحی از توسعه مجدد برای نواحی حومه ای موجود اتفاق افتاد. این نواحی به طور تدریجی و افزایشی به لحاظ نژادی ترکیب شدند اما اساساً طبقات متوسط به بالا در آنها قرار گرفته اند. (Kracker Selzer & Heller, ۲۰۱۰)

با این وجود، هنوز الگوها بسیار پیچیده هستند. منطقه الکساندرا، در مجاورت ساتون، که به طور تاریخی تحت مالکیت مطلق آفریقایی ها است، جایی است که ساکنان آن به طورموقعبت آمیزی در برابر پاک سازی در شرایط جدایگزینی مقاومت کردند. این منطقه به جذب شمار زیادی از مهاجران کم درآمد به داخل سکونتگاه های غیر رسمی و آلودگ ها ادامه می دهد. برخی از این سکونتگاه های غیر رسمی بزرگ و جدید (مانند دیبسلوت)، برروی لبه شهر در شمال ظاهر شده بودند و این ها به یک کارگاه آزمایشی با توسعه های مسکونی تبدیل شده است که مسکن افراد کم درآمد را با مسکن افراد دارای درآمد متوسط که توسط هردو بخش خصوصی و عمومی تهیه شده است را در همان نواحی ترکیب می کند مانند شهر کازمو که برای جمعیتی در حدود ۷۰ هزار نفر طراحی شده است(COJ, ۲۰۰۹b).

برای بیشتر بخش ها، هنوز رشد مسکن برای فقرای شهری در داخل و یا نزدیک به "قبضه" برای آفریقایی هایی که تحت شرایط جدایگزینی ادامه داشت. بیشتر اینها در جنوب و مهمترین آنها در سوتو برای تغییر مکان در جدایی گزینی در دهه ۱۹۵۰ ساخته شده است، که حالا جمعیتی بیشتر از یک میلیون را داراست.علیرغم چندین توسعه اقتصادی که در این نواحی ابتکار شده است،(که در زیر تشریح شده اند)آنها، مکان هایی را برجای می گذارند که سطوح اشتغال رسمی بسیار پایین است.تنها ۴/۶ درصد از درآمد اقتصادی ژوهانسبورگ در سوتو تولید شده است. (COJ, ۲۰۰۹a) این گونه از اشکال فعالیت اقتصادی غیر رسمی را که دراینجا می دهد را منعکس نمی کند و روش هایی که مردم این مکان ها را بازسازی می کنند، نادیده می گیردMbembe,Dlamini, & Khunou, ۲۰۰۸).

حجم مسکن برای فقرای شهر برگرفته از قانون منفصل عمومی مسکن RDP تعیین شده بود که از طریق برنامه کمک مالی پایتخت مربوط به دپارتمان ملی سکونتگاه انسانی و رشد مسکن غیررسمی انجام شد. در حدود ۱۸/۸درصد از خانوارها در مسکن غیررسمی زندگی می کنند (جدول ۱)،که ۱۰/۴درصد آن در ۱۸۰ مسکن غیررسمی در سراسر شهر زندگی می کنند (COJ, ۲۰۰۸).

مرکز تجاری شهر و همچنین برخی از حومه های پرتراکم شهر مرکزی(مانند هیلبرو)که در شرایط جدایگزینی برای سفید پوستان حفظ شده بود، همچنین به محله های مهمی برای اسکان افراد کم درآمد سیاه پوست و اغلب جمعیت مهاجر تبدیل شده بود.از دهه ۱۹۷۰ سفید پوستان از برخی از این نواحی شروع به رفتن کردند و از آن زمان امواج پی در پی مهاجرت ها به این نواحی آغاز شد. مجموعه ی پیچیده ایی


 شکل ۱: چارچوب فضایی ژوهانسبورگ و راهبرد مدیریت رشد یادداشت: ژوهانسبورگ در داخل استان گتاناگ منبع : COJ (۲۰۰۸).

از فاکتورها شامل نگه داری فقرا بوسیله صاحبان خانه، ازدحام و تصرف ساختمان ها منجر به به تراکم های بالا همراه با تخریب و نابودی برخی از ساختمان ها می شود.

برخی ساختمانها (بویژه ادارات بی متصدی) به عنوان واحدهای امن و کوچک برای بازار مسکن ارزان قیمت بازتوسعه داده شده اند که این امر توسط افراد کارگشا و سازمان های مسکن اجتماعی غیرانتفاعی صورت گرفت. در حدود ۴۰ هزار واحد از این طریق توسعه یافته اند.

بنابراین، درحالی که ژوهانسبورگ رشد قابل توجهی را بر روی لبه شهر تجربه می کند، الگوهای تغییرات فضایی در سراسر شهر پیچیده وقابل تغییر می باشد. بر خلاف الگوهای غالب بین المللی، به طور سراسری تراکم در حال بالا رفتن است GCRO(۲۰۱۰) نشان می دهد که تراکم ها از عدد۱۹۱۸ به۲۳۶۲/۲ نفردر کیلومتر مربع طی سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ افزایش یافته است.الگوهای جدید رشد نسبت به گذشته در تراکم های بالاتر هستند. تراکم ها به طور اساسی در مرکز تجاری شهر و برخی از نواحی داخلی شهر افزایش یافته است و گسترش کمتری را در مناطق حومه ای قدیمی شاهد هستیم. به طور میانگین، هنوز تراکم ها نسبت به استاندارد های بین المللی پایین است(Bertaud,۲۰۰۸; Turok, ۲۰۱۱) .

برنامه ریزی چارچوب فضایی و راهبرد مدیریت رشد در ژوهانسبورگ

در سالهای بعد از جدایگزینی اجتماعی، چیزی که وجود دارد این است که شهر ژوهانسبورگ توسط شماری از قدرت ها اداره می شد: شهرداری ژوهانسبورگ، که بیشتر نواحی را اداره می کرد که برای اشغال توسط سفید پوستان، هندوها و مردم رنگین پوست حفظ کرده بود؛ چندین شهرداری در حومه برای((سفید پوستان))؛ و قدرت های استانی و ملی

که((قصبه هایی)) را اداره می کردند که برای مردم آفریقایی حفظ کرده بود. تقریباً با وجود نبود پایه اقتصادی و به ویژه درآمد های پایین این ((قصبه ها)) ناچاراً سطح پایینی از زیرساخت ها و خدمات را دارا بودند. تلاش هایی که از دهه ۱۹۸۰ بوسیله سازمان های سیاسی و شهری برای راهکار ((یک شهر)) انجام شد، به منابع مالی و پولی اجازه داده شده تا در سراسر شهر به کار گرفته شوند و سرانجام به تشکیل دفتر مرکزی مادرشهری ((ویت واترسند)) در دوره گذار اوایل دهه ۱۹۹۰ ودر دوره ساماندهی مجدد دولت های محلی بعد از جدایگزینی اجتماعی منتج شد. در سال ۱۹۹۵ یک ساختار دو بخشی که قدرت مادر شهری را در برداشت ودر چهار زیر ساختار(جمع آوری گزارش برای شورای انتخابی) تنظیم شد و در سال ۲۰۰۰ این ساختارها به یک ساختار واحد در مدیریت مادر شهری تبدیل شدند.

برنامه ریزی فضایی که توسط دفتر مادرشهری انجام شد، به مفهوم ((یک شهر)) پاسخ داد و ایده های تغییر ساختار شهر را با حرکت به سوی شهری با فشردگی و تراکم بیشتر منعکس ساخت که در آن زمان در حوزه برنامه ریزی ضد جدایگزینی ادبیات رایجی بود. (Harrison, Todes, & Watson, ۲۰۰۸) این ایده ها بنیان های ابعاد اصلی تدوین قانون برنامه ریزی تصویب شده در اوایل دوره بعد از جدایگزینی راپایه گذاری کرد که شامل: قانون تسهیل توسعه سال ۱۹۹۵ و کاغذ سفید در سال ۲۰۰۰ که درباره برنامه ریزی فضایی و مدیریت کاربری اراضی بود.(Todes, ۲۰۰۶) در آن زمان برنامه ریزی فضایی عکس-العملی در برابر دو موضوع شهرهایی منفک شده به لحاظ نژادی و توسعه یافته در دوره جدایگزینی و همچنین در برابر حقیقت پراکندگی شهری بود .برنامه ریزی فضایی- راهبردی بر روی توسعه محورهای متمرکز شده در مسیرهای حمل ونقل عمومی که موجود هستند و یا می توانند تقویت شوند، تمرکز می کند که توسعه های مسکونی با تراکم بالا و سایر توسعه ها را جذب خواهد کرد. این محورها برای هدایت کجایی و چگونگی توسعه نیز به کار می روند و در چندین مورد برای تجمیع قصبه ها با مراکز شهری و نواحی حومه ای برنامه ریزی شده بود. گر ه ها که اغلب به کردیورها متصل می شد، برای تمرکز بر روی توسعه در سراسر شهر و نیز برای تشویق کردن آن در قصبه سابق به کار گرفته می شود. توسعه محورها و گر ه ها بوسیله سیاست فشرده سازی و متراکم سازی حمایت خواهد شد که افراد با درآمد های مختلط یا پروژه های مسکن کم قیمت را در نزدیک نواحی دارای مکان یابی خوب شامل خواهد شد.

این نوع برنامه ریزی تلاش می کند تا از راهکارهای طرح جامع دوره شده به طرف تاکید بیشتر بر روی خطوط راهنمای گسترده حرکت کند که قصد داشت تا همه سرمایه گذاری همه بخش های درون شهرداری را اطلاع رسانی کند به طوری که کاربردهای برنامه ریزی بوسیله بخش خصوصی بررسی شده و پروژه ها به عهده گرفته شدند. درحالی که هدف این بود که این نوع از برنامه ریزی های بزرگ، جهتی را برای تصمیم گیری درباره مدیریت کاربری اراضی بدست دهد، توجه های هدایتی کوچکی به مدیریت کاربری اراضی شد؛ به این دلیل که آن به عنوان بخشی از برنامه ریزی جامع سنتی دیده شده بود. در عوض تمرکز با توجه بیشتر بر پروژه های خاص به طرف راهکارهای ظاهرا مفید و برروی نواحی که به طور تاریخی دارای مشکل بوده و به حاشیه رفته اند، تغییر پیدا کرد.
باین حال پاسخگویی به درخواست های توسعه اشخاص توسط بخش های خصوصی، قسمت بسیار مهمی را از کار دیپارتمان های برنامه ریزی در شهرداری برجای گذاشته بود. در ژوهانسبورگ از سال ۲۰۰۰ میلادی این کار به طور تدریجی بوسیله چارچوب فضایی شکل گرفت و الان بوسیله استراتژی مدیریت رشد انجام می شود زیرا که کاربردهای برنامه ریزی که تغییرات کاربری اراضی را درگیر می کند، برخلاف این سیاست ها ارزیابی شده است(Ahmad,۲۰۰۹;

خانه های تک خانواری	واحد ها در بلوک های اپارتمانی	واحد در خانه شهری /دیگر مجتمع ها	اتاق و واحد مسکونی در حیاط پشتی	کلبه در حیاط پشتی	کلبه در سکونتگاه غیررسمی	اتاق/تخت در هتل	سایر	جمع
۵۲/۵	۹/۴	۶/۳	۷/۴	۸/۴	۱۰/۴	۳/۲	۲/۵	۱۰۰

جدول ۱. درصد خانوارها به لحاظ نوع سکونت در ژوهانسبورگ در سال ۲۰۰۷- منبع: آمار سال ۲۰۰۷ آفریقای جنوبی

Zanty, ۲۰۱۰). اما از اواخر دهه ۱۹۹۰ رویکرد های بی پایه تری به کار گرفته شدند.

تحت شرایط جدایگزینی، برخی از شهرداری ها به غیر از ژوهناسبورگ،(به ویژه سندتون) برنامه های رشد قوی را دنبال کردند که تلاش می کرد تا توسعه را از ژوهانسبورگ جذب کند. گرایش های جدید فضایی مانند تمرکز زدایی از ادارات، رشد جوامع بسته، مجموعه های خرده فروشی بزرگ با زمین ارزان و مالیات های مالی پایین (Robinson, ۲۰۰۸) و سیاست های آزاد اقتصادی در برخی از این شهرداری ها، رشد مهمی را برای نواحی شمالی در اواخر دوره جدای گزینی به ارمغان آورد.

این گرایش ها از اوایل دوره بعد از جدایگزینی نیز از سال ۱۹۹۵ ادامه پیدا کرد. تقسیم ناحیه مادر شهر به چهار ساختار با تفاوت های سیاسی در سراسر نواحی و بدون یک مرکز قوی به این معنی بود که هنوز رقابت ادامه داشت. کمیته های اجرایی شورا که ساختار سیاسی مرکزی را تشکیل می دادند، در آن زمان شهرداری که را شامل همه گروه های سیاسی می شد، اداره می کردند. سیستم های گزینشی در این دوره فشار بیشتری را به مالیات دهندگان وارد کردند. به علاوه شوراهای جدید هنوز بدون تجربه بودند و در هدایت کردن شهرداری های خود ناتوان بودند.در حالی که مقامات رسمی جدید ایده های متفاوت را از گذشته که به طور مناسبی به کار برده شده بود، منعکس می کردند و بیشتر محافظه کاران سیاسی نیز باقی ماندند (Mathang, ۲۰۱۰).

همچنین زمانی که شهرداری های قدیم و دولت های محلی جدا شده و شهرداری های جدید برپا شدند، دوره قابل توجهی از بی ثباتی بوجودآمد(Beavon, ۲۰۰۶) وبه طور آهسته به توسعه سیاست ها پرداخته شد.

توسعه دهنده دراین دوره وضعیت را در نواحی شمالی که سریعاً توسعه یافته است به عنوان ((بی قانونی)) توصیف کرده است که همراه با بسیاری از توسعه های کوچک و بدون یک برنامه ریزی کلی تصویب شده است.تصویب یک کازینو بزرگ و مجتمع تفریحی در شمال، محرک بزرگتری را برای رشد این ناحیه از اواخر دهه ۱۹۹۰پدید آورد.

تاسیس یک قدرت کلان شهری واحد برای ژوهانسبورگ از سال ۲۰۰۰ یک دوره جدیدی را از حکومت محلی آغاز کرد. کنگره ملی حاکم آفریقایی از طریق سیستم های انتخابی بر اساس یک نفر، یک رای و با کمیته های اجرایی که تنها بخش های تصمیم گیر را شامل می شد، تقویت گردید.در ژوهانسبورگ یک رهبری قوی در لوای یک شهردار واحد برای توسعه و اجرای سیاستهای منسجم امکانپذیرتر است. این در حالی است که فشار مالی در اوخر دهه ۱۹۹۰ باعث به وجود آمدن چیزی شد که بعدها آن را سیاست های نتولیبیرالی می نامند مانند خصوصی سازی برخی از خدمات و تاسیس خدمات شهری نیمه مستقل که این با تاکید قوی بر توزیع مجدد پرداخت ها در نواحی به حاشیه همراه است. (Beall, Crankshaw, & Parnell, ۲۰۰۲; Robinson, ۲۰۰۸) با وجود رشد سریع جمعیت، سطوح ارائه خدمات در دهه گذشته همانطور که در جدول ۲ نشان داده شده به طور اساسی بهبود یافته است.

بحران مالی در سطح محلی، تصمیم گیری را در امر محدود کردن شوراها به موضوع سیاست ها، ارتقاء بخشید و آنها را از خواستههای شخصی شان برای توسعه جداکرد.(Tau, ۲۰۱۰) همچنین جایگاه

خانه های تک خانواری	واحد ها در بلوک های اپارتمانی	واحد در خانه شهری /دیگر مجتمع ها	اتاق و واحد مسکونی در حیاط پشتی	کلبه در حیاط پشتی	کلبه در سکونتگاه غیررسمی	اتاق/تخت در هتل	سایر	جمع
۵۲/۵	۹/۴	۶/۳	۷/۴	۸/۴	۱۰/۴	۳/۲	۲/۵	۱۰۰

جدول ۱. درصد خانوارها به لحاظ نوع سکونت در ژوهانسبورگ در سال ۲۰۰۷- منبع: آمار سال ۲۰۰۷ آفریقای جنوبی

برنامه ریزان وسیاست برنامه ریزی فضایی – راهبردی را نیز تقویت کرد.

از سال ۲۰۰۰ یک سری از برنامه ها برای جهت دهی به کار شهرداری ها در نظر گرفته شد که شامل:

● راهبرد توسعه و رشد (GDS)، درسال ۲۰۰۶ میلادی چشم انداز بلند مدتی را از شهر ترسیم کرد. این راهبرد جایگزین برنامه ژوهانسبورگ ۲۰۳۰ شد و تاکید را از((شهرطبقه جهانی)) در برنامه سابق به ((شهر طبقه جهانی برای همه)) با صراحت بیشتر و تمرکز بر توزیع مجدد، تغییر داد.

● برنامه توسعه یکپارچه(IDP)، که براساس قانون موردنیاز بود، به طور سالانه بازبینی می شد و هر ۵ سال تجدید نظر می شد. برنامه های توسعه یکپارچه، اولویت های کلی، خطوط راهنما برای توسعه شهرداری ها، چارچوب ها را برای برنامه های بخشی و بودجه بندی نشان می دهد و برنامه های اصلی و پروژه های بزرگ را برای ۵ سال بعدی مشخص می کند.

● چارچوب توسعه فضایی ((SDF، نیز براساس قانون مورد نیازبود. چارچوب های توسعه فضایی، یک دید فضایی را برای شهرمشخص می کند و وسایل اجرا را نیز در اختیار قرار می دهد. اولین ((چارچوب توسعه فضایی)) در سال ۲۰۰۳ تدوین شد و سپس هردو سال بازبینی شد. این برنامه ها به هشت چارچوب توسعه فضایی در مقیاس منطقه تقسیم شد که راهنمای برنامه ریزی را با جزئیات بیش تر فراهم می کند. بیشتر چارچوب های توسعه شهری خاص که در نواحی محلی گسترش یافته اند،مانندمنطقه تجاری مرکزی(CBD) سندتون به توجه بیشتری نیازمندند. این برنامه ها جهت ارزیابی درخواست های شخصی در توسعه و همچنین هدایت سرمایه گذاری های ثابت استفاده می شود. یک سیستم موروثی در طرح های برنامه ریزی شهری، پایه هایی برای مقررات کاربری زمین ایجاد می کند. هرچند که این موارد به طور اساسی بازینی نشده است(به علاوه اصلاحات دیگری نیز در برنامه مشترک قرار گرفتند)، پیشنهاداتی که توسط آبادگران جهت تغییر در کاربری اراضی داده می شود در قالب چارچوب های فضایی و راهبرد مدیریت رشد ارزیابی شده و در زیر بحث خواهد شد. اخیراً سیاستی برای قانونمند سازی سکونتگاه های غیر رسمی و برای تنظیم آنها از طریق سیستم های محدود مدیریت کاربری اراضی گسترش داده شده است که بر روی مسابلی اساسی درباره حفاظت محیطی، کاهش خطر، سلامتی و ایمنی تمرکز می کند.

● برنامه ها، پروژه ها و طرح های مرتبط با نواحی در پاسخ به نواحی مسئله دار ویژه مانند: پروژه نوسازی شهری در ((الکساندرا)) و برنامه های گسترده احیاء و نوزایی در نواحی داخلی شهرتهیه شدند. این برنامه ها عموماً پروژه های چندبخشی هستند که محدوده ای از مداخلات را به کار می برند.

همه این برنامه ها شامل افراد مشارکت کننده و مشارکت با جوامع می شود.

از سال ۲۰۰۰، برنامه های متوالی ((چارچوب توسعه فضایی)) توانست اهداف محیط های شهری پایدار، کارایی را درشهر و دسترسی را به فرصت های شهری ارتقاء بخشد. این اهداف به راهبردهایی تشریح شده است که بر روی یک سیستم حرکتی کارا تاکید می کند و بر روی حمل

و نقل عمومی، ارتقاء گره ها و محورها با کاربری مختلط که در ارتباط با حمل و نقل عمومی قرار دارند، متراکم سازی راهبردی به ویژه در اطراف نواحی مورد بحث، جلوگیری از گستردگی شهرها از طریق استفاده از لبه های شهری، مدیریت محیطی پایدار و ایجاد محیط های مسکونی پایدار(شامل شماری از انواع مسکن، تجهیزات و فعالیتهای اقتصادی) در مکانهای مناسب تمرکز می کنند.(COI,۲۰۰۸) و همراه با تاکید راهبرد رشد و توسعه(GDS) بر روی ((جذب فزاینده فقرا)) و ((تجدید ساختار سکونتگاه ها)) قرار می گیرد. استراتژی بعدی تمرکز بر روی توان ایجاد قوانین مسکن ارزان قیمت در نواحی با مکان یابی مناسب را شامل می شود که همچنین بر روی بهبود شرایط و یکپارچه سازی نواحی که به طور تاریخی دارای مسئله حاشیه نشینی هستند، تمرکز دارد (COJ, ۲۰۰۸). در حالی که در این سیاست ها به طور مستقیم توضیح داده نشده است، اینجا تاکید ویژه بر روی ارتقاء عدالت فضایی بیشتر شده است.

در سال ۲۰۰۶/۲۰۰۷، مشخص بود که چارچوب های فضایی گسترده در شکل دادن به توسعه در شهرکاریابی لازم راندارند. بمب املاک منتشر شده بعد از سال ۲۰۰۳ منجر به رشد عظیمی درآینده در توسعه بازار در شمال و غرب گشت که عموماً همان شکل فضایی در دهه های۸۰ و ۹۰ قرن بیستم میلادی به کار برده شد. توسعه های براساس حرکت خودرو که سطوح بالایی از تراکم را در این نواحی منجرشد، جایی را برای ظهور حمل و نقل عمومی باقی نگذاشت.در همان زمان بسی عدالتی های فضایی تقویت شد و مانند برخی توسعه ها که در جنوب رخ داده بود،به ویژه در قصبه های سابق به پایین ترین حد خود رسید. بیشتر توسعه های مسکن رسمی که در قسمت های شمالی و غربی انجام شد، فقرا را در بر نمی گرفت. این در حالی بود که برخی از آبادگران، مساکن با تراکم بالا را در وهله اول برای خریداران و مستاجران با درآمد متوسط و پایین تولید کردند و تعدادی از توسعه های مسکونی مختلط مانند ((شهر کازمو)) برای محدوده ای از گروه های درآمدی متوسط و پایین ایجاد شدند.بسیاری از پروژه های مسکونی با هزینه بالا که بوسیله دیارتمان مسکن سازی استانی (به جز آنهایی که با SDF ها سازگار بودند)بالا شده و برای یک وسعت کمتر که توسط دیارتمان های مسکن خود شهر ژوهانسبورگ بالا رفتند، به طور برجسته ای به مکانیابی در جنوب ادامه دادند اگرچه برخی از این پروژه ها در اطراف مساکن غیر رسمی ((دیپسلوت)) و سایر نواحی گسترش یافت.

در این مرحله برنامه ریزی به ندرت توسعه زیرساخت ها را در نظر می گرفت، این در حالی بود که برنامه های فضایی خطوط راهنمایی را برای زیرساخت ها ارائه کرده بودند اما برای اتصال آنها مکانیزمی وجود نداشت. این یک مشکل ویژه بود زیرا که دیارتمان های زیرساخت اصلی (آب، برق، جاده ها)، در موارد مستقل برنامه های خود را دنبال می کردند

دسترسی به خدمات	انواع خدمات	تعداد خانوارهایی با دسترسی به خدمات در سال ۲۰۰۱	تعداد خانوارهایی با دسترسی به خدمات در سال ۲۰۰۷
آب	آب لوله کشی در خانه	۴۹/۶	۷۰/۸
	آب لوله کشی در حیاط	۳۴/۹	۲۰/۸
	آب لوله کسی از نقاط دسترسی در بیرون حیاط	۱۲/۵	۶/۷
فاضلاب	سایر	۶	۱/۷
	توالت	۸۴/۸	۸۹/۵
	توالت خشک/شیمیایی	۱/۸	۳/۷
	مستراح عمومی(چال)	۶/۸	۴
	توالت دارای سطل	۳/۸	۱/۵
انرژی	هیچکدام	۲/۸	۱/۲
	برق	۸۴/۹	۸۹/۴

جدول ۲. پیشرفت ها در ارائه سرویس در شهر ژوهانسبورگ ار سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷
منبع:آمار آفریقای جنوبی(۲۰۰۷)

و همچنین حساسیت هایشان در ارزیابی درخواست های شخصی برای توسعه تاثیر می گذاشت.

برنامه ریزی همچنین مزایای کوچکی هم برای دیارتمان های استانی دربرداشت که عهده دار آموزش بودند. به علاوه برنامه– ریزی انجام شده بسیار گسترده بوده تا مکان مدارس، پارکها و سایر تجهیزات را مشخص کند و در حالی که آبادگران در شمال سهم خود را برای زیرساخت ها و تجهیزات پرداخت کرده بودند، یک محدوده مشخص برای حمایت از توسعه وجود نداشت. مصوبه هایی که به تدریج دراین زمینه برای توسعه در نظر گرفته می شد، بحران را برای توسعه در این نواحی به ارمغان آورد که شامل تراکم شدید، ظرفیت پایین دفع فاضلاب و شبکه های الکتریسیته در برخی نواحی، نبود خدمات شهری مانند پارک و مدارس می شد. در سال ۲۰۰۶ روسای برنامه ریزی های توسعه و بخش های مدیریت شهری با ۴۰۰ آبادگر و ساکن خشمناک در ناحیه ((فوروایز))مواجه شدند (Harrison,۲۰۱۰). بنابراین، دیارتمان مجبور شد تا با محدودیت های برنامه ریزی برای آن مواجه شود.

نیاز به اتصال زیرساخت ها به برنامه ریزی فضایی همچنین در کمیسیون دیگری مشخص شده است. در سال ۲۰۰۷، رئیس جمهور وقت آفریقای جنوبی (بیکی) با مشاهده اوضاع ژوهانسبورگ، شهرداری ژوهانسبورگ را به دلیل توجه اندک به رشد اقتصادی تنبیه کرد. او بیان کرد که اگر آفریقای جنوبی در بهترین حالت به شد سالیانه ۶ در صد برسد، ژوهانسبورگ به عنوان مهمترین شهر در اقتصاد محلی، نیاز خواهد داشت تا سریع تر رشد کند .این بوسیله شورای شهر این طور تفسیر شد که ما در سال نیاز به ۹درصد رشد نیاز خواهیم داشت. این درحالی بود که محدودیت های مشخصی همچون ظرفیت زیرساخت ها که در اثر سرمایه گذاری ناچیز در زیرساخت های عمده و همچنین نگهداری آنها در سراسر محدوده ی بخش ها وجود داشت. (COJ,COJ; ۲۰۰۹a, ۲۰۰۹b)

این نارسایی ها بوسیله قطعی های برق در سال ۲۰۰۷ بارزتر شد– نتیجه برنامه ریزی بلند مدت و نامناسب برای روی ناحیه ((اسکوم)) در یک قسمت و در اثر پاسخگویی نارسا به نیروی برق، کمبود های ظرفیتی، محدودیتی را برای مصوبه های توسعه و رشد ایجاد کرد و توجهات به یک مهلت قانونی برای توسعه مالی جدید داده شد .در عوض، دیارتمان برنامه ریزی یک راهبرد مدیریت رشد را گسترش داد که آن برنامه ریزی فضایی آن را به زیرساخت ها متصل می کرد. (Harrison, ۲۰۱۰)

ظرفیت زیر ساخت های موجود درسرتاسر شهر ارزیابی شد و نواحی را برای توسعه آتی زیرساخت ها برحسب چارچوب های فضایی اولویت

بندی شدند. هردو ناحیه به حاشیه رفته در جنوب و نواحی دارای مدیریت حمل و نقل عمومی(یک ناحیه به شعاع یک کیلومتر در اطراف گره ها و محورها که مسیرهای حمل و نقل عمومی و شامل نواحی داخلی شهر (شکل ۱)، به عنوان جاهایی که توسعه ها حمایت خواهد شد،نواحی دارای اولویت توسعه تعریف می شوند. در نواحی ((مختلط)) در اطراف حومه های قدیمی، توسعه تنها زمانی حمایت خواهد شد که زیرساخت ها در دسترس باشند و یا توسعه دهندگان به آن توجه کرده باشند. در نواحی((الحاقی)) توسعه تنها زمانی مجوز خواهد گرفت که زیر ساخت بوسیله آبادگران کاملاً ایجاد شده باشد. علاوه براین موارد، دیگر به هیچ نوع توسعه ای اجازه داده نخواهد شد.

راهبرد مدیریت رشد(GMS) از طریق یک سری از جلسات بحث و گفتگو متشکل از توسعه دهندگان و سایر افراد ذینفع و سایر دیارتمان ها در شهرداری به دقت بررسی شده است (Pienaar,۲۰۰۹). برای به نتیجه رسیدن، راهبرد مدیریت رشد در ارتباط با بودجه اصلی قرار گرفت.هر سال یک فرآیند سه ماهه مذاکرات با دیارتمان ها درباره پروژه های اصلی صورت می گیرد. همه بخش های موجود در شهرداری، پیشنهادات خود را برای پروژههایشان را که همزمان با ((راهبرد مدیریت رشد)) ارزیابی شده است، از طریق سیستم مدیریت سرمایه گذاری اصلی ارائه می کنند.– یک سیستم بر اساس GIS که شامل وزن دهی ها است و به راهبرد مدیریت رشد متصل می شود، در دیارتمان مدیریت شهری و برنامه ریزی توسعه برگزار می شود. نتایج به سیاستمدارانی ارائه می شود که بر این اساس تصمیم سازی می کنند. (Harrison, ۲۰۱۰)ارزیابی سرمایه گذاری های شهری در طول دو سال گذشته نشان می دهد که این نواحی بیشترین سازگاری را با راهبرد مدیریت رشد شهری داشته است که در حدود ۷۰درصد از پروژه های اصلی و ۶۴ درصد از بودجه های مهم در نواحی دارای مدیریت حمل و نقل شهری و نواحی حاشیه ای به کار گرفته شده است. (COJ;۲۰۱۰, ۲۰۰۹a) این ارتباط به وسیله دو رهبری قوی سیاسی درشهرداری و بوسیله تعهدات وسیع و مذاکرات بین دیارتمان های برنامه ریزی و سایر بخش ها و دیارتمان ها، امکانپذیر شده است (Pienaar, ۲۰۰۹).

راهبرد مدیریت رشد، با معرفی سیستم های جدید حمل و نقل در نواحی دارای مدیریت حمل و نقل عمومی ادامه یافت– قطار شهری و سیستم حرکت سریع اتوبوسی(BRT)؛ اولین مرحله در آگوست سال ۲۰۰۹ و ژوئن سال ۲۰۱۰ پیشنهاد شدند. قطار شهری که مرکز شهر را با ((پرتوریا)) و فرودگاه ((تامبو)) از طریق چندین گره در شمال وشرق متصل می کرد – یک ابتکار استانی بود که از سال ۲۰۰۲ برای ارتقاء توسعه اقتصادی بکار گرفته شد. این سیستم به لحاظ هزینه و فواید آن و نشان ندادن نیازهای حمل و نقل اکثریت افراد مورد انتقاد قرار گرفت. در مقابل BRT یک ابتکار شهری بود و بر روی بهبود دسترسی همه طبقات استفاده کنندگان به حمل و نقل عمومی تمرکز می کرد.

مطالعات قابل اجرایی که در سال ۲۰۰۶ انجام شد، بر روی اتصال به خطوط ریلی و قطار شهری تاکید می کرد و ۵۰۰ ایستگاه BRT در

سراسر شهردر بلند مدت برنامه ریزی شدند. در برنامه ریزی برای BRT, مذاکرات شدیدی با قسمت های مختلف در صنعت تاکسی صورت گرفت. در آفریقای جنوبی، صنعت تاکسی به عنوان یک فعالیت غیر رسمی در سالهای پایانی جدیگرینی و الان به عنوان شکل غالب حمل ونقل شهری وجود دارد که ۷۲ درصد از جمعیت ژوهانسبورگ از آن استفاده می کنند. (GCRO, ۲۰۱۰)

اگرچه تاکسی ها یک سیستم منطفی را در گسترش شهرها ایجاد می کنند، آنها را براساس سابقه ایمنی ضعیفشان و عدم رعایت حال مسافران در میان سایر موارد مهم مورد انتقاد قرار می گیرند. بخش های مختلف صنعت حمل ونقل در برابر BRT مخالفت کردند و مذاکرات آنها طولانی ومتناقض شده بود (Moosajee,۲۰۱۰)با این وجود که، شهرداری در مراحل اولیه توانست به وسیله ترکیب متصدیان تاکسی به عنوان یک عضو در اداره کردن اتوبوس های BRT و به عنوان سهام دار شرکت، موافقت آنها را جلب کند (SACN, ۲۰۱۱).

تاثیر چارچوب فضایی و راهبرد مدیریت رشد

مشخص است که هنوز روزهای اولیه اجرای چارچوب های فضایی و راهبرد مدیریت رشد است و ایجاد تغییرات فضایی یک فرآیند بلند مدت است. به چندین سال زمان نیاز است تا مکانیزم هایی به کار گرفته شود تا از این طریق مقاصد چارچوب فضایی و برخی از سیاست های در حال توسعه، به انجام رسد. در بهترین حالت تحلیل آثار این برنامه ها و نتایج می تواند به صورت مقدماتی و آزمایشی بیان شود.

برخلاف ارزیابی هایی که توسط COJ از اهداف و راهبردهاصورت گرفته، به نظر می رسد که برخی پیشرفت ها در سیستم حمل و نقل عمومی به کار برده شده و تمرکز بیشتری ازتوسعه در اطراف گره ها و محورها به وقوع پیوسته است .ارزیابی شخصی COJ از مصوبه ها و کاربردهای برنامه ریزی یرای معرفی GSM, (۲۰۱۰; COJ ۲۰۰۹a) نشان می دهد که تعداد کاربردهای برنامه ریزی در نواحی دارای مدیریت حمل و نقل عمومی در مقایسه با گذشته رشد کرده است. اگرچه ((نواحی مختلط)) اکثریت کاربرد های توسعه و ساختمان سازی را جلب کردند.در این مورد یک واکنش مهم به وسیله توسعه دهندگان مالی به ویژه در ((روزبانک)) و ((سندتون)) به برخی از ایستگاه های قطار شهری داده شد اما برای BRT این کار انجام نشد.اگرچه افراد صاحب نظر به روشی اشاره داشتند که از این طریق برخی از ساختمانهایی که در امتداد مسیرهای BRT در مرکز شهر قرار گرفته، دوباره توسعه داده شوند و یا به خاطر دسترسی آنها تجاری شوند. اگرچه توسعه دهندگان به پیشنهاد مساکن متراکم واکنشی نشان ندادند، (یکی از مشوق ها که با GSM مرتبط می شد، به توسعه دهندگان اجازه داد که با ارتفاع و توده های بزرگتری نسبت به حالت عادی به ساخت و ساز ادامه دهند، زیرا که اینها فراتر از تقاضای بازار و به خوبی عمل می کنند). انتقادات نیز، نگرانی ها را بالا برد که آثار تجمعی توسعه بر روی محدوده های اطراف و زیرساخت های موجود بررسی نشده است. در



پترزبورگ در ردیف بهترین‌ها



بسیاری از نظرسنجی‌ها و تحقیقات مؤسسات مستقل، شهر پترزبورگ را یکی از بهترین شهرهای آمریکای شمالی معرفی کرده‌اند. به گزارش شهر نوشت یکی از بخش‌هایی که در این شهر در آن به دریافت لقب بهترین امیدوار است، حوزه شهری و شناخته شدن به‌عنوان بهترین محل برای سکونت شهروندان است. بسیاری از گزارش‌ها و تحقیقات، از این شهر به عنوان یک نمونه کامل و الگو نام برده‌اند. مؤسسه places rated almanac که گزارش‌های متعددی در زمینه معرفی مناطق و شهرها منتشر می‌کند در سال ۱۹۸۱ عامل معرفی پترزبورگ به عنوان شهر نمونه شد.

از آن زمان تاکنون، این شهر در ارزشیابی‌های مختلف عناوین بالای جدول را به خود اختصاص داده است. در سال ۱۹۸۹ این شهر توانست رتبه‌ی سوم و در سال ۱۹۹۳ رتبه‌ی پنجم بهترین شهر برای زندگی را کسب کند. عواملی مانند میزان جرم و جنایت، وضعیت سکنی‌گزینی شهروندان، توجه به فرهنگ و هنر در شهر، نوسازی، آب و هوا و نوع زمین، آموزش، بهداشت و خطوط حمل و نقل همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در معرفی یک شهر به عنوان محلی مساعد برای سکونت دارند. بیش از ۳۰۰ ابر شهر در سراسر جهان هر سال مورد مقایسه و بررسی قرار می‌گیرند و به نظر می‌رسد راز موفقیت پترزبورگ در مقایسه با این است که طی دهه‌های اخیر شهروندان ساکن در آن همواره از زندگی خود در این شهر ابراز رضایت کرده‌اند. نشریه اکونومیست دیگر مؤسسه‌ای است شهر پترزبورگ را به‌عنوان شهری شاخص معرفی می‌کند. در سال‌های ۲۰۰۵، ۲۰۰۹، ۲۰۱۱ پترزبورگ توانست نظر کارشناسان اکونومیست را به خود جلب کند و به عنوان بهترین شهر برای سکونت در آمریکای شمالی معرفی شود.

برنامه‌ریزی برای شهرنشینی در آفریقا



رشد شهرنشینی در سراسر جهان به طرز شگفت‌انگیزی سرعت یافته است اما برنامه‌ریزی شهری به همراه این پدیده رشد نکرده است. دانش‌کده‌های برنامه‌ریزی شهری در آفریقا نیز در حال بومی‌سازی برنامه‌هایی هستند که از کشورهای موسوم به شمال وارد شده‌اند. برنامه‌ها معمولاً به اهدافی که برنامه‌ریزان برای رفع مشکلات شهرهای آفریقایی پیش‌بینی کرده بودند دست پیدا نمی‌کنند و رشد جمعیت، فقر و ناهمگونی شهری همچنان در این مناطق پیدای می‌کند. در سال ۲۰۰۸ جامعه مدارس برنامه‌ریزی آفریقا که شبکه‌ای از ۴۳۴ انستیتوی برنامه‌ریزی شهری است تلاشی ۳ ساله را برای اصلاح آموزش‌های برنامه‌ریزی شهری در سطح آفریقا آغاز کرد. کیپ‌تاون در آفریقای جنوبی گزارشی در حاشیه این برنامه ارائه کرد که نتیجه گرفته شد برای مقابله با فشار روند شهری شدن در سطح قاره باید به ابعاد فرآیند شهری شدن توجه شود. اتحادیه مدارس برنامه‌ریزی آفریقا معتقد است که شهرنشینی در آفریقا نشانی از اعلام صنعتی‌سازی و ایجاد اشتغال مانند کشورهای شمال را به همراه خود نداشته است. بنابراین ورود جامعه به این وضعیت جدید ساختارهای خانوادگی و سنتی را دچار به هم‌ریختگی کرد. به گزارش شهر نوشت، مشکل اصلی که برنامه‌ریزان شهری در آفریقا با آن روبه‌رو هستند عدم تفکیک فضای آموزش برنامه‌ریزی شهر و فضای تمرین آن است. برنامه‌هایی که توسط مجامع علمی آفریقایی توصیه می‌شوند پیش از این در جای دیگر مورد آزمون قرار نگرفته‌اند و در حقیقت مرحله آزمایش اصلی خود را در محیط واقعی شهری می‌گذرانند.

Kracker Selzer, A., & Heller, P. (۲۰۱۰). The spatial dynamics of middle class formation in postapartheid South Africa: Enclavization and fragmentation in Johannesburg. *Political Power and Social Theory*, ۲۱, ۱۷۱-۲۰۸.
Mathang, R. (۲۰۱۰). Member of the Mayoral Committee (MMC) for Housing, COJ. Personal communication. ۹ November.

Mattingly, M. (۲۰۰۱). Spatial planning for urban infrastructure planning and investment. A Guide to training and practice, development planning unit, University College, London.

Mattingly, M., & Winarso, H. (۲۰۰۰). Urban spatial planning and public capital investments. The experience of Indonesia's integrated urban infrastructure investment programme, development planning unit working paper ۱۱۳, University College, London.

Mbembe, A., Dlamini, N., & Khunou, G. (۲۰۰۸). Soweto now. In S. Nuttall & A. Mbembe (Eds.), Johannesburg. The Elusive Metropolis. Johannesburg: Wits University Press.

Moosajee, R. (۲۰۱۰). MMC for Transport, COJ, ۱ November.
Neuman, M. (۲۰۰۹). Spatial planning leadership by infrastructure: an American view. *International Planning Studies*, ۱۴(۲), ۲۰۱-۲۱۷.

Pienaar, H. (۲۰۰۹). Director strategic planning, development planning and urban management, COJ. Personal communication. ۹ December.

Presidency (۲۰۰۶). National spatial development perspective, Presidency, Pretoria.

Quantec (۲۰۰۹) RSA Regional Indicators Database, Quantec, Johannesburg.

Robinson, J. (۲۰۰۸). Developing ordinary cities: city visioning processes in Durban and Johannesburg. *Environment and Planning A*, ۴۰, ۷۴-۸۷.

Singh, K., & Steinberg, F. (۱۹۹۶). Multi-sectoral investment planning approach for integrated development of urban services. In K. Singh, F. Steinberg, & N. von Einsiedel (Eds.), *Integrated Urban Infrastructure Development in Asia* (pp. ۱۷-۳۲). London: IT Publications.

Steinberg, F. (۲۰۰۵). Strategic urban planning in Latin America: Experiences of building and managing the future. *Habitat International*, ۲۹, ۶۹-۹۳.

South African Cities Network (SACN) (۲۰۱۱). State of cities report, SACN, Johannesburg.

Statistics South Africa (۲۰۰۷). Community survey. Municipal data on household services, report ۰۳-۰۱-۲۲, Statistics South Africa, Pretoria.

Stead, D., & Meijers, E. (۲۰۰۹). Spatial planning and policy integration: concepts, facilitators, inhibitors. *Planning Theory and Practice*, ۱۰(۳), ۳۱۷-۳۳۲.

Tau, P. (۲۰۱۰). MMC for Finance, COJ. Personal communication. ۱۵ November.

Todes, A. (۲۰۰۶). Urban spatial policy. In U. Pillay, R. Tomlinson, & J. du Toit (Eds.), *Democracy and Delivery. Urban Policy in South Africa* (pp. ۵۰-۷۵). HSRC Press: Pretoria.

Todes, A., Kok, P., Wentzel, M., van Zyl, M., & Cross, C. (۲۰۱۰). Contemporary South African urbanisation dynamics. *Urban Forum*, ۲۱, ۳۳۱-۳۴۸.

Turner, G. (۲۰۱۰). Manager, development and planning, Mogale city. Personal communication. ۸ November.

Turok, I. (۲۰۱۱). Deconstructing densities: strategic dilemmas confronting the postapartheid city. *Cities*, ۲۸, ۴۷۰-۴۷۷.

UN-Habitat (۲۰۰۹). Planning sustainable cities: global report on human settlements ۲۰۰۹, UN-Habitat, Nairobi.

Watson, V. (۲۰۰۹). 'The planned city sweeps the poor away...?'. Urban planning and ۲۱st century urbanization. *Progress in Planning*, ۷۲, ۱۵۱-۱۹۳.

Zack, T., Bertoldi, A., Charlton, S., Kihato, M., & Siverman, M. (۲۰۰۹). Draft strategy for addressing blighted medium and high density residential 'bad buildings' in Johannesburg: working document for discussion, Report to the City of Johannesburg. <http://www.joburg-archive.co.za/۲۰۱۱/inner_city/bad_buildings_strategy_۲۰august۲۰۰۹>. (Accessed ۱۵.۰۸.۱۱).

Zanty, G. (۲۰۱۰). Director land use management, development planning and urban management, COJ. Personal communication. ۲۷ October.

یک ماه جشن در کانادا برای زمین



۲ میلیون کانادایی به همراه ۲۰۰ میلیون نفر از ۱۴۱ ملیت در سال ۱۹۹۰، نخستین روز جهانی زمین پاک را جشن گرفتند در این کشور، مدت زمان روز زمین پاک به یک هفته و سپس به یک ماه گسترش پیدا کرد. برای آوریل ۲۰۱۲، کانادا ۲ کمپین اصلی - یکی برای بچه‌ها و مدارس و دیگری مربوط به جوانان، بزرگسالان، خانواده‌ها و تجار- در نظر گرفته است.

«اقدام برای سیاره»، کمپین مخصوص کودکان است که فعالیت‌هایی مانند کاشتن گیاه برای پاک نگه‌داشتن هوای داخل مدرسه، استفاده از قمقمه و خوردن آب شیر، ساختن وسایل جدید از وسایل قدیمی و امن کردن مدرسه و خانه برای پرندگان و همچنین جلوگیری از مرگ آن‌ها انجام می‌شود. در این بین برای تشویق کودکان، هدایایی از شرکت سونی کانادا هم در نظر گرفته شده است.

کمپین «به خاطر روز زمین پاک، بپاخیزید»، در ۴ بخش خوردن، نوشیدن، مراقبت‌های بهداشتی و حرکت (move)، اقداماتی را به بزرگسالان دوستدار محیط زیست پیشنهاد داده است. در این بین، ۱۰ کار آسان در حوزه‌هایی مانند خرید هوشمند، حمل و نقل، تمیز کردن لباس‌ها و تهیه غذا- که انجام‌شان به بهتر شدن سلامت زمین کمک می‌کند- توصیه کرده است.

به غیر از این دو کمپین، ۴ رویداد هم برای رده‌های مختلف سنی مختلف طی ماه آوریل برگزار می‌شود. باغ وحش تورنتو در ۲ روز میزبان کودکان زیر ۸ سال و خانواده‌هاست و جشن زمین پاک را برگزار خواهد کرد.

شرکت کنندگان در آن‌جا یاد خواهند گرفت که چگونه سفرانی برای زندگی محیطی که بیشتر دوستدار طبیعت است، باشند.

همچنین برای این محدوده سنی برنامه‌ای زیست محیطی طی ۲ روز برگزار می‌شود که کودکان از نزدیک فعالیت‌هایی در این حوزه را تجربه می‌کنند. در اینجا، ورود برای افرادی که زباله الکترونیکی برای بازیافت داشته باشند، رایگان است.

برای جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال هم در ۳ روز، کارگاه‌های آموزشی و جلسات سخنرانی در موزه سلتنی اوناریو برگزار می‌شود این کارگاه آموزشی با مضمون تنوع زیستی به صورت رایگان میزبان جوانان است. جشن مخصوص بزرگسالان هم بالای برج ملی کانادا در تورنتو برگزار می‌شود. در این برنامه، میهمانان علاوه بر لذت بردن از نمای وسیع تورنتو، در کمک‌های مالی برای حمایت از زمین شرکت می‌کنند.

به مناسبت روز جهانی زمین پاک برنامه‌ها و فعالیت‌های متنوعی در نقاط مختلف دنیا برگزار می‌شود. در سنگاپور، انجمن طبیعت در همکاری با آژانس محیط زیست ملی مسابقه تهیه مستند کوتاه به مناسبت ارج نهادن به زمین برگزار می‌کند. شرکت کنندگان به یک محل امحای زباله برده می‌شوند تا از جانوران و گیاهانی که برای نجات تلاش می‌کنند، فیلم تهیه کنند.

در اصل، هدف از این مسابقه بالا بردن آگاهی عمومی از اثرات مخرب زباله‌های انسانی و آشنایی با گونه‌های زیستی است که به خاطر وجود چنین محل‌هایی در خطر قرار دارند. در اردن، فعالیت‌هایی در ارتباط با یک میلیارد حرکت سبز انجام می‌شود.

این فعالیت‌ها یک هفته قبل از روز جهانی زمین پاک و با پوشش رسانه‌ای انجام می‌شود. در این راستا، سازماندهی اجتماع‌هایی برای تمیز کردن محیط پیرامون، توزیع سطل بازیافت در سطح دانشگاه‌ها و برگزاری مراسم بازیافت تلفن همراه همراه انجام می‌شود.

در سریلانکا، اردوگاه کاری با شرکت کنندگانی از ژاپن، هنگ کنگ، فرانسه و این کشور با محتوای کاشت درخت، طبیعت گردی، کلاس‌های باغبانی در خانه و فعالیت‌های فرهنگی برگزار می‌شود.

گفته می‌شود هدف سازمانی که این برنامه را در سریلانکا هماهنگ می‌کند، بهبود زندگی اعضای جامعه روستایی از طریق آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، حفظ محیط زیست و توسعه کار است.

در این بین، برنامه‌هایی پیش از شروع ماه آوریل در راستای اهداف روز جهانی زمین پاک در بعضی از کشورها اجرا شده است.

در ماه میلادی گذشته، بیش از هزار دانش‌آموز از ۱۹ مدرسه شهر «دهرادون» هند برای پاس داشتن روز زمین پاک به خیابان آمدند و نمایش‌های خیابانی در باب اهمیت حفاظت از زمین اجرا کردند.

کودکان هم برای حفاظت از ببرهای این کشور امضاء جمع کردند. این امضاهای جمع شده در روز جهانی زمین پاک به دست مقامات مسئول داده خواهد شد. همانطور که در سایت رسمی برنامه محیط زیست سازمان ملل (UNEP) آمده، زمین ما مورد غفلت واقع شده است و به نظر می‌رسد که هر روز یک فاجعه زیست محیطی رخ می‌دهد. روز جهانی زمین پاک می‌تواند، شروعی برای یکصد شدن مردم کره زمین باشد و

باید نسل به نسل این همصدایی منتقل شود؛ چرا که تغییرات اقلیمی همیشه در کمین است.

فناوری‌های المپیک ۲۰۱۲



از نخستین دوره برگزاری مسابقات المپیک نوین در آتن که در سال ۱۸۹۶ برگزار شد تعدادی عکس به جای مانده است، حتی اخبار مربوط به برندگان آن دوره از مسابقات را نیز هاله‌ای از غبار گرفته است. در آن زمان و در هنگامه برگزاری بازی‌های المپیک به دلیل اینکه رادیو اختراع شده بود و رسانه‌های تصویری نیز وجود نداشت اخبار مربوط به مسابقات بیشتر از طریق روزنامه‌ها انتشار می‌یافت و پیش‌تر نیز پس از مدت زمانی نسبتاً طولانی مردم در سایر نقاط دنیا از تحولات مربوط به رویدادهای المپیک با خبر می‌شدند، اما امروز پس از گذشت ۱۱۶ سال از نخستین المپیک معاصر علاقمندان به کسب اخبار از مسابقات المپیک حتی می‌توانند از طریق موبایل به تماشای مسابقات مورد علاقه خود بپردازند. در این گزارش در ابعاد مختلف به بررسی انواع و اقسام تکنولوژی‌های به کار رفته در المپیک لندن پرداخته‌ایم و از آن جایی که در این دوره از مسابقات از فناوری‌های دوستدار محیط زیست نیز استفاده شده است، بخشی از این گزارش را به فناوری‌های سبز به کار گرفته شده در المپیک ۲۰۱۲ اختصاص داده‌ایم.

وجود تجهیزات ویژه - از سیستم‌های انرژی سازگار با محیط زیست گرفته تا تمام اماکن برگزاری مسابقات با سازه‌های قابل بازیافت- نشان می‌دهد که المپیک ۲۰۱۲ لندن می‌تواند سبزترین المپیک باشد که تاکنون برگزار شده و به شیوه‌ای خاص با محیط زیست سازگار است. به گزارش ایستا به نقل از دیسکوری نیوز، وقتی درباره المپیک و سازگاری با محیط زیست صحبت می‌کنیم، دو موضوع مهم را به یاد می‌آوریم که یکی حمل و نقل و دیگری معماری در فضاهای گسترده و وسیع مخصوص برگزاری مسابقات است و امسال تدابیر قابل ملاحظه‌ای برای سبز کردن رقابت‌های لندن اندیشیده شده است. برای مثال، شرکت بی‌ام، ۲۰۰ اتومبیل برقی بدون آلاینده تولید کرده و در اختیار برگزارکنندگان این مسابقات قرار داده است. علاوه بر اینها، وسایل نقلیه برقی‌ای نیز تهیه شده‌اند که با امواج رادیویی کنترل می‌شوند و به اندازه‌ای هستند که می‌توانند و سایل کوچک مثل دیسک‌ها یا نیزه‌های پرتاب را حمل کنند. با هر بار شارژ، این خودروها می‌توانند ۸۰ دقیقه حرکت کرده و تا هشت کیلوگرم وزن را حمل کنند. همچنین در سالن سرپوشیده ورزشگاه ولودروم که بیش از شش هزار تماشاچی را در خود جای می‌دهد، یک سیستم تهویه طبیعی تعبیه شده که هوای داخل را خنک نگه می‌دارد و در عین حال نیازی به مصرف برق ندارد. از سوی دیگر سازه‌های محل برگزاری مسابقات واترپولو و بسکتبال پس از پایان رقابت‌ها از هم باز می‌شوند.

هر دو سازه از الیاف پی‌وی‌سی ساخته شده‌اند که قابلیت بازیافت فوق‌العاده‌ای دارند و می‌توان از آن‌ها برای پروژه‌های ساخت و ساز بعدی استفاده کرد. بنابراین هر چه در المپیک امسال وجود دارد نه تنها برای ورزشکاران بلکه برای حامیان محیط زیست نیز به عنوان تجربه‌ای بی سابقه و تاریخی در یادها باقی خواهد ماند.

فناوری‌های سبز در المپیک ۲۰۱۲

مسئولان برگزاری المپیک لندن در ساخت اماکن ورزشی مخصوص این مسابقات از سازه‌های قابل بازیافت استفاده کرده‌اند. سازه‌های ورزشگاه‌های واترپولو و والیبال در محل برگزاری مسابقات المپیک از الیاف پی‌وی‌سی ساخته شده‌اند و پس از تمام مسابقات این سازه‌ها را می‌توان باز کرد و مورد بازیافت قرار داد.



فضاهای جمعی واقعیت‌های فراموش شده (نمونه موردی منطقه ۱۱ تهران)

نرگس طوسی نژاد
کارشناس ارشد جغرافیا، برنامه ریزی شهری

مقدمه

شهر موجودی زنده، پویا و در حال رشد. شهرها با افزایش عاملی به نام جمعیت پیوسته بزرگ و بزرگتر می‌شوند و با عامل مهمتری چون امکانات توسعه می‌یابند. رشد جمعیت شهرهای ایران و نیاز به عناصر کالبدی جدید شهری متناسب با نیازهای روز جامعه همه نتیجه‌ی صنعتی شدن جامعه‌ی شهرنشین ایرانی در دهه‌های اخیر با الگوپذیری از جامعه غربی است این پدیده را به شکل حادثی در کلانشهر تهران می‌توان دید.

با توجه به اینکه توسعه و گسترش فضاهای جمعی در شهرهای امروزی بدلیل تأثیرات فراوانی که در بهبود ارتباطات و کنش‌های اجتماعی و افزایش سطح فرهنگ عمومی دارند، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. در کنار لزوم توجه به این واقعیت که شهر تهران بالاخص محدوده‌ی مورد بررسی بدلیل تراکم کاربریها و فقدان زمین، مکانیابی و احداث عناصر کالبدی جدید که دارای هویت و پیشینه‌ای قوی با کاربری تقویت کنش و ارتباط اجتماعی تقریباً غیر ممکن می‌نماید و در صورت امکان شاید نتوانند آنطور که باید به دلیل نداشتن پیشینه در اذهان مردم از عهده‌ی هدف مورد نظر برآیند. با توجه به این محدودیت و نیز غنی بودن منطقه از فضاهای دارای ارزش تاریخی و معماری به یادگار مانده از گذشتگان و نیز مکانهای با پیشینه‌ای روشن کاربری خاص (میدان گمرک بعنوان دروازه‌ی ورودی شهر) بر ساماندهی و بهسازی این مکانها در راستای نیل به هدف کلان توسعه‌ی پایدار شهری، و پرداختن به مجموعه‌ای اینچنین که در آن همه‌ی ارزشهای تاریخی و فرهنگی نهان می‌باشد و ساماندهی کالبدی و بررسی فضاهای جمعی و تقویت آنها بعنوان مکانهایی برای دیدارهای اجتماعی و امکان برهمکنش مردم با مدیریت شهری برای مشارکت همه جانبه‌ی مردمی تاکید می‌شود. با توجه به این فرضیه که منطقه‌ی ۱۱ تهران با قدمت و تحولات کالبدی که در طول تاریخ داشته است امکان ایجاد و تقویت فضاهای جمعی برای ارتقا سطح فرهنگ عمومی و تقویت حس مشارکت در بهسازی محیط زندگی را دارد.

همکاری مستمر برای داشتن شهری پایدار



کپنهاگ و پکن در برنامه‌ریزی و ساخت و ساز پایدار در راستای استانداردهای شهر پایدار تفاهنامه امضاء کردند. با تشکیل کارگروهی به همین منظور، نمایندگان دو شهر دست کم سالی یک بار برای همکاری و گفت‌وگو بیشتر با هم ملاقات می‌کنند. همکاری این دو شهر از طریق پروژه‌های زیر ساخت سرمایه‌ی و گرمایش پایدار شهری و سیستم حمل و نقل عمومی به صورت عملی شروع می‌شود. در این جهت، سال آینده تعدادی اتوبوس الکتریکی تولید شده در چین در حمل و نقل عمومی پایتخت دانمارک آزمایش خواهد شد. گفته می‌شود تولیدکنندگان چینی به طرز هوشمندانه‌ای مشکل ذخیره‌سازی انرژی کافی برای یک دستگاه اتوبوس را حل کرده‌اند. این موضوع هم به آلودگی صوتی و آلودگی هوا و هم به معضل جهانی تغییرات اقلیمی کمک می‌کند. از طرف دیگر، بازسازی سیستم گرمایش انجمن نیوجین را یک شرکت دانمارکی انجام می‌دهد. این عملیات منجر به افزایش قابل توجهی در درجه حرارت و همچنین باعث صرفه‌جویی ۳۱/۲٪ و ۱۳/۱٪ در ترتیب برق و انرژی گرمایی می‌شود. بنا بر گفته شهردار کپنهاگ، آن‌ها ۲۰ سال روی راه حل‌های پایدار برای کاهش کربن کار کرده‌اند و قرار است این تجارب به پکن که از این نظر در جایگاه بدی قرار دارد، انتقال داده شود.

بریتانیا در اندیشه خودروهای الکتریکی



بریتانیا طرحی دارد که از طریق آن قرار است تا سال ۲۰۵۰ میزان انتشار گاز دی‌اکسید کربن جزیره به ۸۰ درصد پایین‌تر از میزان آن در سال ۱۹۹۰ برسد. یک چهارم از تولید این گاز سهم حمل و نقل داخلی است و نصف این مقدار را ماشین‌های شخصی تولید می‌کنند. از این رو، قسمتی از اقدامات در پیش گرفته شده شامل وسایل نقلیه و جایگزین شدن ماشین‌های الکتریکی با ماشین‌های عادی است. گفته می‌شود اگر بریتانیا بخواید به هدف‌های مورد نظرش در رابطه با کاهش انتشار کربن برسد، باید تا سال ۲۰۲۰، یک میلیون و ۷۰۰ هزار دستگاه ماشین الکتریکی به فروش برساند. دولت انتظار دارد که تا سال ۲۰۱۵ ده‌ها هزار ماشین الکتریکی - که مسافت بیشتری از خودروهای عادی را طی می‌کنند اما باز هم به شارژ شدن نیاز دارند - در خیابان‌های بریتانیا ببینید اما با توجه به گزارش‌های منتشر شده تاکنون مردم استقبال چندانی از این ماشین‌ها - به دلیل گرانی آن‌ها - نکرده‌اند و این موضوع باعث نگرانی مسئولان شده است. برای تشویق مردم در جهت خرید خودروهای الکتریکی، دولت تاکنون حدود یازده میلیون پوند، به صورت یارانه، هزینه کرده است اما اعضای پارلمان بریتانیا می‌گویند که سود حاصل از این سرمایه‌گذاری ناچیز بوده است. آن‌ها همچنین هشدار داده‌اند که بیشتر خانواده‌های مرفه از این یارانه جهت خریدن ماشین دوم استفاده کرده‌اند.



بخش مرکزی شهر و تعیین محدوده‌ی آن

با توجه به اینکه عموماً مراکز دارای پیشینه و هویت تاریخی برای ایجاد فضاهای جمعی در محدوده‌ی مورد بررسی در مرکز شهر قرار دارد در این قسمت بخش مرکزی شهر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مرکز شهر بخشی از شهر است که در یک پارچوب مشخص و معین فضایی محدود شده است و دارای نقش نمادین می‌باشد، به طوری که مسائل عناصر و قسمت‌های مهم شهر را متشکل و مجتمع ساخته و به آنها وحدت و قوام می‌بخشد. مرکز شهر نقطه‌ی کانونی شهر است که محل وقوع، شکل‌گیری و تجمع مهمترین فعالیتهای شهری، خاطرات جمعی و تجلی‌گاه حضور مردم در شهر است(احمدی، ۱۳۷۶، ص ۹۲). تراکم فعالیت و کسب و کار در شهرهای بزرگ ایران، در بافت قدیم شهر و پیرامون بازارها سبب شده که فضای کسب و کار فضاهای مسکونی کوچکتر شوند. از اینرو، مغازه‌های عمده فروشی و خرده‌فروشی، و مراکز تولید و پخش کالا در راستای معابر و در جوار بازار گسترش یافته‌اند و خانه‌های قدیمی محله‌ی بازار، به انبار کالا و کارگاههای تولیدی تبدیل شده‌اند این روند، هویت نخستین آنها را رو به زوال و تباهی گذاشته است. مرکز شهر نقش اساسی و مهمی در حیات شهر دارد، این ناحیه نماینده بیشترین ارزش زمین و داد و ستدهای اقتصادی و اجتماعی است و دارای کاربریهای یکسان یا متنوع با عملکردهایی در مقایسه شهری و فراشهری را در خود جای داده است.(سعید نیا ،۱۳۸۳ص۲۶)

در گذشته ابعاد هندسی و فضایی شهر به آن اندازه بود که مرکز شهر به آسانی در دسترس عموم قرار می‌گرفت، به‌گونه‌ای که مردم هر بار مراجعه کنند با چهره‌های آشنا مواجه می‌شدند. عناصر جدید و تاریخی در امتداد هم، فعالیتهای روز و شب و کار فراغت را پاسخگو بودند و

محلات مسکونی چندان از مرکز شهر فاصله نداشتند. امروز مرکز شهر قبل از همه وظیفه دارد تاریخ، هویت عینی و ذهنی شهر را حفظ کند و در زندگی جاری سازد. (بزرگر، جمالی، ۱۳۸۴، ص ۶۸–۷۲).

بررسی و شناسایی و تعیین محدوده بخش مرکزی شهرها و تعیین معیارها یا اصولی برای شناسایی آن کاری بس مهم و اساسی است زیرا تعیین محدوده مرکزی شهر اولاً به دلیل جایگاه نمادینی که در شهر دارد و ثانیاً به دلیل لزوم تمرکز برنامه‌ریزی ویژه برای آن اهمیت دارد. یکی از عناصر شاخص و نمادین شهری فضای عمومی شهری است که برای تقویت کنشهای اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد.(بحرینی، ۱۳۷۷، صص ۲۲۸–۲۲۷).

فضاهای شهری

فضاهای جمعی بخشی از فضای شهری را تشکیل می‌دهند، فضاهای داخل یا پیرامون شهرها مکانهایی هستند مختص زندگی اجتماعی شهروندان که فضاهای سبز و طبیعی را در بر می‌گیرند کاربرد این فضاها متعدد بوده شامل تردد، تفریح، بازی، ملاقات و غیره (ژان پیر موره ،۱۳۷۳،ص۱۵)

فضای شهری نوعی از فضای جغرافیایی است که در اثر تعامل ویژگیهای محیط طبیعی و ساختار اجتماعی – اقتصادی شکل می‌گیرد.(شماعی وپوراحمد ،۱۳۸۴،ص۹۰)

از جمله مهمترین عناصر تشکیل دهنده هر فضای شهری آنست که علاوه بر ویژگیهای طبیعی، نحوه‌ی گویش، زبان، پوشاک و در کل فرهنگ را نیز در بر می‌گیرد.

پس برای اینکه شهر هویت قوی و به یادماندنی داشته باشد باید فضاهای عمومی شهر دارای فرم متناسب، منطقی، زیبا و پاسخگو به عملکرد مرتب برآنها باشند.(لاری ، ۱۳۸۰،ص۶۵)

طراحی فضای شهری می‌تواند آنچنان آگاهانه صورت گیرد که انسانی که در این فضا قرار می‌گیرد احساس ویژه‌ای پدید آورد.

فضاهای شهری در دوره معاصر

ایجاد فضای آزاد با کیفیت عالی تقریباً از دهه شصت سده بیستم ابتدا در کشورهای شمال اروپا ظاهر شد این اندیشه نیازی بود که بعد از جنگ و نیاز انسانها به محیط زندگی خوشایند ایجاد شد(ژان پیر موره ،۱۳۷۳،ص۴۷)

شهروند امروزی از خیابان تصور مکانی را دارد صرفاً برای حرکت سواره، در همه جای خیابانها تقاطعها و پیچها به سود حرکت خودرو است. امروزه حتی خیابانهای فرعی را مملو از خودرو موتورسیکلت و وسایل نقلیه‌ی دیگر می‌بینیم نگاهی به بافت مورد مطالعه بی‌نظمی شدید کوجه‌ها، خیابانهای فرعی را بدلیل پارک و رفت و آمد بیش از اندازه‌ی خودرو نشان می‌دهد. بطوریکه در میان آنها انسان بیش از آنکه کالبد فضاها را ببیند، در هر سو تنها وسایل نقلیه به همراه تمام آلودگیهای ناشی از آن است که به چشم می‌زند، که این خود یکی از عوامل اصلی تشدید آشتگیهای شهری، جسمی و روانی بهره‌وران از این فضاهاست. دستیابی به زیبایی و آرامش در فضاهای شهری تنها با ساختمانهای زیبا و لوکس تجاری نماهای ساختمانهای شیشه‌ای جور واجور، ساختمانهای مسکونی با نماهای مختلف و تعدادی مبلمان ساخته شده از روی نمونه‌های خارجی میسر نمی‌شود، بلکه مستلزم فضاهایی شهری است که به تمام جنبه‌های جسمی و روانی شهروندان توجه کرده، عناصری چشم‌نواز برای گذرندگان و فضاهای آرام را برای توقف و ارتباط و نظاره (فضاهای جمعی) ایجاد کرده باشد. چنین فضایی است که ارتباطها را شکل می‌دهد و ارتباطها و کنشهای اجتماعی را سامان می‌بخشد.

"فضاهای کالبدی مطلوب همراه با اجتماع آمیخته است و محیط

اجتماعی سرزنده تنها در فضاهای شهری دلپذیر شکل می‌گیرد "(توسلی ،۱۳۷۹،ص۳۶)

شلوغی و ازدحام بیش از اندازه و همیشگی در فضاهای شهری، آلودگی هوا، آلودگی بصری و صوتی، کمبود فضای ناشی از تراکم بیش از حد ساختمانها، گذرگاههای باریک که از گذرندگان و پارک وسایل نقلیه لبریز است، مسائل اجتماعی، فرسودگی بناها، آلودگی زیست محیطی ناشی از پرجمعیت بودن محله‌های ناحیه، وجود ناهنجاریهای اجتماعی و نبود فرهنگ مشارکت در زمینه‌ی پاکیزگی محیط زیست و جز آن، فضا را ملال آور و خسته‌کننده کرده و هیچ رهگذری میل به توقف ندارد و پیادگان بدون توقف و با عجله در حال حرکت هستند تا از این فضا خارج شوند. در اینجااست که وظیفه طراحان، معماران و برنامه‌ریزان شهری طراحی فضایی هماهنگ، شاداب و دل‌انگیز است که خواه ناخواه فرصت توقف برای ارتباط، برهمکنش و تلطیف روحیه را به شهروندان ارزانی کند.

فضاهای جمعی و سیمای شهر

سیما و منظر شهری همان چشم انداز و منظری است برای اینکه اهمیت سیمای شهر را در زندگی انسانها درک کنیم لازم است شهر را بررسی کرده، با ساکنانش صحبت کنیم تا ببینیم کدام فرمها تصویری روشنتر از سیمای شهر پدید می‌آورد و سپس براساس این بیشن برنامه‌ریزی مطلوب را انجام دهیم، زیرا شهری که از نمایانی کامل برخوردار باشد به این تعبیر به نظر خوش شکل، مشخص و قابل ملاحظه است.

از آنجا که سیمای شهر اولین چهره از شهر را نمایش می‌دهد باید از دیدگاه طراحان و برنامه‌ریزان شهری مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

شهرهای گذشته با ساختار و بافتهای نسبتاً همگون و هماهنگ ستی که مطابق با شرایط اقلیمی، نیازها و عقاید مذهبی مردمان شکل گرفته بودند، نوعی تعادل و توازن میان صورت و محتوا در خود داشتند.

امروزه روند شتابان تغییرات اجتناب ناپذیر دنیای مدرن در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و معماری از یک سو و سیل آرمانها و طرحهای نو در کار طراحی و معماری و مبادلات فرهنگی از طریق ارتباطات و رسانه‌ها از سوی دیگر تحولی شگرف در شیوه‌های شهرنشینی و انتظار مردم از شهر و سیمای آن به وجود آورده است. (فصلنامه آبادی،۱۳۸۵،ص۴ص۶)

هدف از این بررسی تاکید بر این موضوع است که حس ایجاد ارتباط و دیدارهای اجتماعی میان بهره‌وران از فضا در مکانهای زیبا و دل‌انگیز و در عین حال دارای پیشینه و هویت قوی فرهنگی و تاریخی در اذهان رخ می‌دهد. در واقع شاید احیا و بهسازی و در صورت لزوم نوسازی مکانهای دارای ارزش تاریخی و معماری در نیل به این هدف با اقبال بیشتری روبرو شود.

تاکید بر جنبه زیباشناخی فضاهای جمعی

هدف از پرداختن به جنبه‌ی زیبایی شناختی فضاهای عمومی تاکید بر ایجاد محیطی زیبا و دل‌انگیز است یعنی اهمیت قائل شدن برای جنبه زیبایی شناختی عناصر کالبدی فضاهای جمعی بعنوان یک اصل پذیرفته شده در موفقیت عملکرد اینگونه فضاها.

در فرهنگ لغات آکسفورد معنی زیبایی چنین آمده است: "چنان ترکیب کمال یافته‌ای از فرم و رنگ‌آمیزی که لذت شدیدی به حس بینایی ناظر عرضه می‌کند".

انسان موجودی اجتماعی است و نیازمند برقراری ارتباط، این ارتباط نه تنها با هموعانش بلکه با اشیاء، ساختمانها و محیطش برقرار می‌شود این ارتباط در محیط شهری بسیط‌تر و در عین حال حساستر است. ارتباط انسان با محیط بلافصل آن از دید طراح شهری اهمیت خاصی دارد. چون سرچشمه بسیاری از تنازعات روانی انسان را می‌توان در رابطه ناموفق آن با محیط پیرامونش جستجو کرد حس تعلق به محیط



که منجر به بروز رفتارهای تخریبی و نیز فرصت دادن به بروز انواع بزهدکاری‌ها می‌گردد نمونه بسیار کوچکی از عوارض رابطه ناموفق انسان با محیط است. این بخاطر حس نفرت و احساس دوری است که انسان از محیط پیدا می‌کند زیرا تمام عوامل که در جلوه و ظاهر شهر موثر هستند هیچ جاذبه‌ای برای فرد ایجاد نمی‌کنند نه یک بلواری سر سبز برای قدم زدن و نه یک توقفگاهی تزئین شده با انواع گلها و گیاهان زیبا، که لحظاتی به دور از غوغای شهر با دوستان به گفتگو بنشیند. همه چیز پیچیده و درهم برهم است برای نمونه در همین منطقه مورد مطالعه، کاربریهای که برای استراحت و تفریح مردم در نظر گرفته شده از سرانه پایین برخوردار هستند که این خود باعث شلوغی و ازدحام بیش از حد استفاده‌کنندگان از این فضاها شده که نه تنها محیط آرامش بخشی را بوجود نیآورده بلکه به محیطی برای بروز ناهنجاریها و مشکلات اجتماعی بدل شده است که شخص در این فضاها نه احساس راحتی دارد نه یک عنصر زیبا توجهش را جلب می‌کند.

نوعی تحلیل زیبایی شناختی محیط پرداختن به این مهم در طراحی و بهبود فضاهای جمعی نه تنها باعث ارتقاء دانش زیبایی شناسی محیط می‌شود که به بهتر شدن توان برقراری پیوند میان طراحان شهری به عنوان متخصصان از سویی و مردم از سوی دیگر خواهد انجامید. بطوریکه طراحان بدون توجه به این اصل مهم در ایجاد و تقویت حس ارتباط و برهمکنش اجتماعی استفاده‌کنندگان از فضا موفق نخواهند بود.

موقعیت تاریخی منطقه ۱۱

منطقه ۱۱ تهران، به عنوان یکی از مناطق بیست و دوگانه شهر تهران با وسعتی حدود ۱۲۰۰ هکتار و جمعیتی در حدود ۲۴۵۰۰۰ هزار نفر از مناطق مهم مرکزی کلانشهر تهران به شمار می‌آید. محدوده‌ی فعلی منطقه ۱۱ تهران در مجاورت هسته تاریخی شهر تهران قرار گرفته است و بخشهایی از آن (نواحی شرقی) جزئی از این هسته است. از این دیدگاه این منطقه به لحاظ سابقه تاریخی دارای عناصر، بناهای مسکونی و فضاهای عمومی با ارزش‌های معماری و تاریخی خاص است. از ویژگی‌های خاص این منطقه تنوع بسیار فعالیتها وکاربربها

است. وزن و اقتدار هر کدام از فعالیتها به حدی است که نمی‌توان نقش غالب و تک بعدی را برای منطقه ۱۱ در نظر گرفت.

موقعیت فضاهای جمعی عمده و شاخص منطقه

توسعه و گسترش فضاهای جمعی در شهرهای امروزی به دلیل تأثیرات فراوانی که در بهبود ارتباطات و کنشهای اجتماعی و افزایش سطح فرهنگ عمومی دارند، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. چگونگی ایجاد اینگونه فضاها و تقویت فضاهای موجود مستلزم تعیین شاخص‌ها و معیارهایی است که بنظر می‌رسد مهمترین آنها موارد زیر باشند:

– گشوده بودن همیشگی فضا بر روی شهروندان؛

– امکان دسترسی برابر برای همه شهروندان؛

– وجود عملکردهای عمومی در آنها و

– امکان مکث و دیدارهای اجتماعی.

با توجه به معیارهای بالا و بررسی مقدماتی وضعیت شهرهای معاصر ایران و بویژه تهران، فقدان (کمبود) و حتی عدم برنامه‌ریزی برای گسترش چنین فضاهایی کاملاً احساس می‌شود. معدود فضاهای جمعی موجود نیز میراث معماری سنتی ایران و توجهی است که در گذشته به چنین فضاهایی می‌شده است. با این همه با کمی تسامح درباره‌ی شاخصهای بالا می‌توان فضاهای جمعی را که بیشتر مردم تمایل دارند در آن حضور داشته باشند شناسایی و رده‌بندی کرد. بر این اساس گذرگاههای پر رفت و آمد و شلوغ منطقه مانند مقاطعی از خیابان جمهوری، خیابان انقلاب و خیابان ولیعصر و میدان انقلاب و همچنین فضاهایی مثل تالار شهر، تالار وحدت، نگارخانه‌ها، کتابخانه‌های عمومی و مساجد، حسینیه‌ها، تکیه‌ها بعنوان فضاهای جمعی منطقه شناخته می‌شوند هر چند که ممکن است کارکرد عمومی مورد نظر در آنها همیشه در اختیار افراد نباشد. فضاهای جمعی که همه شاخص های مورد نظر را داشته باشند تنها پارکهای منطقه مثل پارک رازی، پارک دانشجو، پارک اوستا و مکانهایی مانند میدان جمهوری و محوطه جلوی تاتر شهر هستند. نبود فضاهای شهری با مشخصاتی که گفته شد (مثل میدان نقش جهان، میدان گنجلی خان، تکیه‌های یزد و سمنان) در منطقه ۱۱ کاملاً نمایان است.



از آنجایی که بیشتر کاربریهای عمده‌ی منطقه در سطوح کلان و فرا منطقه ای هستند از اینرو عملکرد بیشتر فضاهای جمعی منطقه نیز در سطح فرا منطقه‌ای قرار می‌گیرد (مثل خیابان انقلاب، خیابان جمهوری، میدان راه آهن، پارک دانشجو، تالار وحدت و …..) دیگر فضاهای جمعی منطقه مانند نگارخانه‌ها، کتابخانه‌های عمومی، پارکها و … بدلیل نبود چنین فضاهایی در سطح محله، همگی در سطح منطقه‌ای فعالیت می‌کنند.

هویت غالب هر یک از فضاهای جمعی

فضاهای جمعی منطقه از دیدگاه مادی دچار نوعی آشفتگی و سردرگمی است که از کاربرد نادرست مصالح و نامتجانس بودن آنها، افراط در نوگرایی و به عبارت بهتر تجددطلبی، توجه به خرد فضا به جای اهمیت دادن به کلان فضا، عدم رعایت مقیاس انسانی، "پذیرفتن الگوی کالبدی و فیزیکی ثابت بعنوان الگو و نسبت معماری اسلامی" بر می‌آید که با پویایی و نوگرایی فرهنگ ایرانی دوگانگی دارد. هویت مادی فضاهای جمعی منطقه وجوه مختلفی را در بر می‌گیرد که هویت عملکردی تنها یکی از این رخساره‌هاست. با این دیدگاه فضاهای جمعی نظیر خیابان انقلاب، میدان انقلاب، خیابان جمهوری و خیابان ولیعصر هویششان تجاری بوده و پارکهای منطقه دارای هویت تفریحی و مکانهایی مانند تالار وحدت، نگارخانه‌ها و ….. دارای هویت فرهنگی هستند.

اما درباره هویت معنوی فضاهای جمعی منطقه باید اذعان کرد که متأسفانه بدلیل بی توجهی به ارزشها و باورهای اجتماعی و دوری از هویت ملی در دهه‌های کنونی، اینگونه فضاها بطرز ناخوشایندی دستخوش تقلید و تکرار گرایشهای غربی شده است و بواسطه عدم وجود ضوابط معین در این زمینه کالبد فضاهای جمعی بیان‌کننده مفهوم خاصی نیست. (مهندسین مشاور پارت،۱۳۸۳،ص۵۰)

تقویت عناصر و فضاهای مؤثر در ایجاد خاطره‌ی جمعی (فضاهای جمعی)

"خاطره جمعی، تصویر مشترکی است از فضا که بدلیل وقوع یک رخداد مهم تاریخی، وجود چشم اندازی زیبا و استثنایی، بنای چشمگیر و با ارزش و یا ….. در ذهن شهروندان نقش می‌بندد و مایه شکلگیری احساس مشترک در آنها می‌شود.(مهندسین مشاور پارت،۱۳۸۳،ص۶۷)
" اگر این تعریف را بپذیریم، در فضاهای شهری منطقه ۱۱ فضاها یا مکانهایی که برای تمام ساکنانش با گروه سنی مختلف در منطقه یا شهر خاطره برانگیز بوده و پدید آورنده احساس مشترکی باشد وجود ندارد. زیرا هر شهروند با توجه به بستر فرهنگی که در آن رشد یافته و زندگی نموده است تصورات متفاوتی از فضاهای شهری خواهد داشت. این امر بویژه با توجه به تحولات اجتماعی فراوان سده‌های کنونی و بسترهای فرهنگی گوناگونی پدید آورده در اجتماع کنونی منطقه و حتی شهر کاملاً بچشم می‌خورد. بدین صورت که عناصری که در نسل های مختلف جامعه کنونی بعنوان فضاهای خاطره برانگیز شناخته می شوند کاملاً با یکدیگر تفاوت دارند و نسلهای قدیمی‌تر فضاهایی مثل باغشاه، خیابان امیریه، محدوده‌ی حکومتی و پاتوقهایی که برای گروههای مختلف اجتماعی وجود داشته‌اند را بعنوان یک تصویر مشترک و برانگیزاننده احساسات خوشایند می پذیرند در حالیکه در مورد افراد جوان تر فضاهایی مثل تأثر شهر، تالار وحدت مصداق پیدا می کند.

برای عده‌ای نیز فضای خیابان انقلاب (مقابل دانشگاه تهران)، میدان انقلاب و اوایل خیابان کارگر یادآور اجتماعات و خاطره های دوران انقلاب اسلامی هستند که برای بسیاری جوانها موضوعی ناآشناست. بنظر می‌رسد ناهمخوانی فضاهای حامل خاطرات جمعی افراد مختلف در جامعه بیشتر

ناشی از تعریفی باشد که در ابتدا گفته آمد.

ویژگیهای فضایی وکالبدی فضاهای جمعی

شناسایی و ارزیابی دقیق کیفیات فضایی و ارزشهای کالبدی حاکم بر فضاهای جمعی منطقه از این رو که وجود چنین فضاهایی در تداوم حیات شهری کنونی و آتی تهران نقش بسزایی دارد، دارای اهمیت است. فضاهای جمعی منطقه عمدتاً از دید نقش اجتماعی ناقص عمل می‌کنند، از اینرو دیده می‌شود که بیشتر راسته‌های تجاری (خیابان انقلاب، خیابان جمهوری، …..) و یا سالن های عمومی (تأثر، موسیقی و …..) در این زمینه مورد نظر قرار می‌گیرند و مکانهایی با شاخصه‌های فضایی و کالبدی فضاهایی شهری مثل میدان نقش جهان اصفهان کمتر در منطقه و حتی شهر دیده می‌شود. چنین می‌نماید که نبود فضاهای شهری در شهرهای کنونی بیشتر مربوط به تحولات شهرسازی معاصر ایران و چگونگی نگرش به فضاهای شهری تحت تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی معاصر بوده که مطالعاتی نیز تاکنون در این زمینه صورت نگرفته است. در پی این تحولات فضاهای شهری بتدریج از ساختار فضایی شهرهای ایران خارج شده و بطور خودبخودی و بدون برنامه‌ای از پیش تعیین شده شکل گرفته‌اند. بدین لحاظ با توجه به خصوصیات کارکردی فضاهای جمعی موجود، مطالعه شرایط کالبدی و فضایی آنها حساسیت بیشتری را می‌طلبد زیرا در شرایط فعلی هویت کلی فضا و قلمرو اجتماعی آن و نیز موقعیت اجتماعی بهره‌برداران از آن زیر تأثیر ویژگیهای کارکردی و در پی آن عناصر شاخص فضا قرار می گیرد.

فضاهای جمعی منطقه به ویژه در مقیاس شهری و فراتر از آن دارای نوعی آشفتگی فضایی برآمده از عدم طرح‌ریزی جامع گرایانه هستند که با تأثیر بر کالبد آنها کاهش کیفیت محیط شهری را در پی داشته است. بنابراین کیفیت کالبدی و فضایی هر مکان ارتباط متقابلی با یکدیگر دارند که نمی‌توان جدا از یکدیگر مورد بررسی و تحلیل قرارگیرند. عوامل بسیاری در ویژگیهای کالبدی و فضایی یک خیابان یا میدان یا بطورکلی یک فضای شهری مؤثر هستند. مهمترین این شاخصه‌ها کیفیت سیمای شهری، کالبد در برگیرنده فضا، نوع چیدمان و میزان اثاثیه شهری، شیوه‌ی ترکیب توده و فضا، فرم و ابعاد فضا، چگونگی حرکت سواره و پیاده، میزان سبزینگی فضای شهری و… هستند که بررسی و تحلیل آنها درباره خیابانها و میدانهای شهری نیازمند انجام مطالعات تفصیلی برای هر یک از آنها خواهد بود.

موانع عمده‌ی برنامه ای و کالبدی موجود در راه موفقیت عملکرد فضا عدم موفقیت کامل فضاهای جمعی موجود عمدتاً بدلیل شیوه‌ی شکل گیری آنها در ساختارهای فضایی شهر تهران بوده که بطور خودبخودی و طی مراحل زمانی مختلف و بدون برنامه‌ریزی همه سونگر بوده است.

در زمینه برنامه‌ریزی باید اذعان کرد که در شهرسازی معاصر ایران هیچگونه تلاشی در راستای ایجاد فضاهای شهری حتی در شهرهای بزرگ ایران نشده است این در حالی است که تا کمتر از یک سده پیش حضور قوی و مؤثر فضاهای شهری در عرصه زندگی اجتماعی مردم یکی از ساختارهای اصلی تشکیل دهنده شهرهای کشور ما شمرده می‌شد. بافت مرکزی و قدیمی اکثر شهرهای ایران مصداق کامل این مطالب هستند. متأسفانه فضاهای شهری که از قرنهای گذشته بیادگار مانده‌اند نیز در دهه‌های اخیر رفته رفته دستخوش تخریب فضایی و کالبدی شده‌اند (مثل تغییرات کالبدی و فضایی انجام شده در میدان توپخانه). بنظر می رسد یکی از دلایل عمده مربوط به زمان ورود جلوه‌های مدرنیسم و تأثیرات کالبدی آن بر شهر تهران در اواخر حکومت قاجاریه و ادامه آن در دوران حکومت پهلوی باشد. به همین

دلیل به رغم گسترش کالبدی منطقه ۱۱ عمدتاً در اواخر قاجار به و اوایل پهلوی بوده است ولی هیچگونه فضای جمعی و شهری شاخص در منطقه وجود ندارد و فضاهای جمعی موجود عمدتاً بدون طرح‌ریزی مشخص و به مرور زمان شکل گرفته‌اند.

کیفیت فضایی – کالبدی فضاهای جمعی منطقه از جنبه‌های مختلف مثل سیمای شهری، محیط اجتماعی، محیط زیست، حمل و نقل، آلودگی و …… دارای مشکلات و معضلات فراوانی است.

در یک جمع‌بندی کوتاه باید گفت که بدلیل نبود اراده‌ای قاطع در ایجاد فضاهای جمعی در دهه‌های اخیر و شکل‌گیری و رشد خودبخودی اینگونه فضاها کیفیات کالبدی و فضایی فضاهای جمعی موجود مطلوب نبوده و در نتیجه این فضاها در برآوردن انتظارات موفقیت قابل توجهی ندارد.

(ویژگیهای بصری و چشم‌انداز یکی از خیابانها و یک میدان اصلی از منطقه)

برای نمونه (I) خیابان ولیعصر را بر می‌گزینیم که بخش جنوبی آن در محدوده‌ی ناحیه ۴ واقع شده است و در پی آن (II) میدان رازی(گمرک سابق) را بررسی می‌کنیم

(I)خیابان ولیعصر

مهمترین شاخصه بصری خیابان ولیعصر ردیف منظم درختان حاشیه‌ی خیابان به همراه نهر آن است که جداکننده فضای پیاده‌رو از سواره‌رو هستند. این درختان باعث ایجاد ریتم شده و محصوریت را در فضای خیابان افزایش می‌دهند و بدین ترتیب در پدیدآوردن یک فضای تعریف شده و با مقیاس انسانی بسیار مفید و مؤثر هستند. وجود درختان علاوه بر اینکه از دید ذهنی و بصری تأثیرات مثبتی دارد، باعث می‌شود که بسیاری از ناهماهنگی‌ها و ناهنجاریهای کالبدی بدنه‌های خیابان دیده نشود و ناهماهنگی ارتفاع ساختمانها را شاخ و برگ درختان بپوشاند.

با این همه در برشهایی از خیابان که از تراکم درختان کاسته می‌شود، قسمت جنوبی واقع در ناحیهٔ ۴ ناهماهنگی‌های بدنه‌ی خیابان کاملاً هویداست. عدم پیوستگی بدنه، ناهماهنگی ارتفاع ساختمانها، بیرون‌زدگیهای بد نما و اضافی و ناهماهنگی تابلوها و نشانه‌ها از مهمترین ناهنجاریهای موجود در بدنه این خیابان هستند.

به‌رغم ناهنجاریهای گفته شده بخشهایی از خیابان که دارای قدمت بیشتری هستند هماهنگی بیشتری از نظر بافت، ارتفاع، پیوستگی بدنه و بازشوها دارند.

(II)میدان رازی (گمرک)

میدان گمرک از میدانهای بسیار قدیمی شهر تهران است که بواسطه



استقرار بسیاری از کاربریها در آن و دروازه ورودی اهمیت کارکردی بالایی دارد.از دید کالبدی قسمتهای آزمایشی دارای ساختمانهای قدیمی است که هماهنگی نسبی در ارتفاع ساختمانها بخوبی بچشم می‌خورد، همچنین پیوستگی نسبی بدنه، پهنه‌ی وسیع میدان با پیکره‌ی موجود در میدان افزایش دهنده کیفیت بصری میدان است ولی مهمترین مشکل در ابنیه این میدان فرسودگی و متروکه ماندن آنها و وجود کاربریهای مزاحم و نامنظم و میلمان شهری نامناسب و در هم است که باعث کاهش کیفیت کالبدی و در پی آن کیفیت بصری خیابان می‌شود. ناهماهنگی و در واقع تضاد شیوه‌های معماری ساختمانهای همجوار در مواردی باعث ناهنگونی و آشفتگی بصری در این میدان و خیابانهای پیرامون آن شده است.

پیشنهادهات

منطقه ۱۱ تهران با توجه به قدمت و تحولات کالبدی که در طول تاریخ داشته است امکان ایجاد و تقویت فضاهای جمعی را دارد.

– موقعیت‌ها و نقاط دارای امکان شکل‌گیری و ایجاد فضای جمعی:

همانگونه که در مطالعات کالبدی منطقه گفته شد، بافتهای شهری منطقه متراکم و پر بوده و بدلیل نداشتن فضاها و سطوح خالی در آن (به استثناء چند مورد که ذکر خواهد شد) امکان طراحی و ایجاد فضاهای جمعی جدید تقریباً وجود ندارد و در این زمینه تنها می‌توان برای افزایش



برهمکنشهای اجتماعی فضاهای جمعی موجود را تقویت نموده و با بهره‌گیری از توان‌های موجود امکانات آنها را افزایش داد. این کار نیز با توجه به اینکه فضاهای جمعی کنونی منطقه از نظر نوع فعالیت و کار متنوع هستند در هر مورد نیازمند مطالعات گسترده‌ای است. علاوه بر فضاهای جمعی موجود منطقه، یکی از فضاهایی که دارای توانهای فراوانی برای برنامه‌ریزی برای ایجاد فضای جمعی در سطح منطقه و حتی شهر مورد توجه است، پادگان حر (باغشاه) می‌باشد. این فضا بدلیل قدمت و سابقه تاریخی‌اش و نیز وجود خاطره جمعی از آن در اذهان بخش اعظمی از شهروندان مورد توجه قرار می‌گیرد. وسعت و موقعیت مکانی پارک رازی نیز در منطقه بگونه‌ای است که قابلیت‌های لازم در این زمینه را داراست زیرا بدلیل واقع شدن در محدوده‌ی مرکزی منطقه و نیز محلات متراکم (از نظر جمعیتی) منطقه در صورت برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای مأنوس و همساز با ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی ساکنان منطقه می‌تواند بسیار مورد استقبال قرار گیرد.

مورد دیگر محدوده‌ی انبارنفت در ناحیه‌ی ۴ منطقه ۱۱ بوده که می‌تواند با در نظرگرفتن و تقویت بعد ارتباط اجتماعی درفضای طراحی شده در آن به یک فضای جمعی مفید در کالبد شهری منطقه مبدل شود و در کنار ایجاد فضای تفریحی و فرهنگی با ایجاد مکانهای گردهمایی

شهروندان به ایجاد برهمکنشهای در راستای حل مسائل شهری و تقویت حس مشارکت در شهروندان نیز اقدام نمود.

مورد دیگر میدانهای موجود در ناحیه مانند میدان گمرک و حسن آباد و … است که می‌توان از طریق انتقال کاربریهای تجاری آن به خیابانهای فرعی، ساماندهی کالبدی آن و با تقویت فضاهای امکان ارتباط دو سویه آنرا به فضاهای جمعی مفید در منطقه تبدیل کرد.

● برنامه‌ریزی در راستای تقویت و ایجاد فضاهای جمعی در صورتی می‌تواند موفق باشد که این فضاها در سطح محلی ایجاد شده وخاص آن محل و فرهنگ آن محدوده باشند و محله نیز بر اساس آن تعریف شود بطوریکه این فضاها بصورت کانون و گرانیگاه محلات باشند.

● نکته مهمی که در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی باید در نظر داشت، این است که فضاهای عمومی فضاهای خالی صرف نیستند و آنچه که ما درون فضاهای عمومی‌مان قرار می‌دهیم درست به اندازه خود آن فضاها دارای اهمیت است به گونه‌ای که این عناصر کمک فراوانی به شکل‌گیری فضاهای عمومی می‌کند. شواهد نشان می‌دهد که مردم از فضاهای عمومی محلی زمانی بیشتری احساس رضایت می‌کنند که این فضاها دارای عناصر طبیعی باشد از این رو فضای سبز و دلپذیر عموماً فضاهای پر کاربردی در شهر محسوب می‌شود و باعث افزایش برهمکنش اجتماعی میان همسایگان می‌گردد بدین ترتیب که آنها وقتی در این فضاهای عمومی توقف کوتاهی برای نشستن می‌کنند در آغاز تنها یک دیدار ساده بینشان اتفاق می‌افتد اما رفته رفته پیوندها بینشان عمیقتر می‌شود که این خود باعث مشارکت بیشتر آنها در بهبود محیط زندگی و استفاده آنها می‌گردد.

باتوجه به آنچه گفته شد طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای عمومی به منظور فراهم آوردن مجموعه‌ها و موقعیتهای برای مشارکتهای شهری و اجتماعی برای تجربه‌های هنری، شادمانی و سرور ضروری است. این موضوع امروزه باید کانون توجه متولیان کار شهری قرار گیرد، چرا که با خلق فضاهای عمومی مبتنی بر حیات مدنی، جامعه شهری هویت می‌یابد و امکان انباشت خاطره‌های فارغ از بعد مکان فراهم می‌آید و فضاهای عمومی به محیطهای فرهنگی و شکل دهنده به رفتارهای اجتماعی و هنجارهای عمومی تبدیل می‌شوند محیطهایی که در آنها نیازها و تمایلات شهروندان در نظر گرفته شده است و شهروندان به عنوان بازیگران اجتماعی نقش خود را در تولید و باز تولید فضاهای اجتماعی و فضاهای شهری و در پی آن حیات مدنی ایفا می‌کنند.

از ساختگاههای مهم که توانهای فراوانی برای برنامه‌ریزی برای ایجاد فضاهای جمعی در سطح منطقه می‌باشد اینها هستند.

منابع وماخذ

۱–سعیدنیا، احمد، کتاب سبز شهرداری – جلد چهارم: نظام مراکز شهری وفضاهای مسکونی،تهران انتشارات سازمان شهرداریهای کشور،جلد دوم،۱۳۸۳.

۲–احمدی، ح، نگرشی بر الگوی برنامه ریزی شهری در جهان بخش سوم:امریکا، تهران، مرکز مطالعات وبرنامه ریزی وزارت کشور،۱۳۷۶.

۳–بحرینی، ح، فرایند طراحی شهری،تهران،انتشارات دانشگاه تهران،۱۳۷۷.

۴–ژان پیرموره، آیوماریآلن، مارگیز سابری، فضاهای شهری،طراحی،اجرا ،مدیریت،ترجمه رضایی، جمالی، رسولی، تهران، انتشارات پیام رسا،۱۳۷۳.

۵–شماعی، ع، پوراحمد، الف، بهسازی ونوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،۱۳۸۴.

۶–لازی، ک، اصول وطراحی فضاهای عمومی مطلوب در شهر، ماهنامه شهرداریها، ۳۰آبان۱۳۸۰.

۷–توسلی، م، طراحی شهری،(خیابان کارگر)، تهران، انتشارات شرکت عمران وبهسازی کشور،۱۳۷۹

۸–توسلی، م، قواعد ومعیارهای طراحی شهری، تهران، مرکز مطالعات وتحقیقات معماری ایران،۱۳۷۶.

۹– مولوی، م، تحلیل زیبایی شناختی کالبد فضاهای شهری ،پایان‌نامه دکتری،۱۳۸۴.

۱۰ – مهندسین مشاور پارت، بررسی مسائل توسعه شهری منطقه ۱۱، تهران، معاونت شهرسازی و معماری،۱۳۸۳.

۱۱ – کویین، ل، سیمای شهری، ترجمه منوچهر مزینی،تهران،انتشارات دانشگاه تهران،۱۳۸۱.

پادگان حر: بدلیل قدمت و پیشینه‌ی تاریخی‌اش و نیز وجود خاطره‌ی جمعی در اذهان بخش بزرگی از شهروندان مورد توجه است.

پارک رازی: بدلیل واقع شدن در بافت مرکزی در صورت برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای مانوس و همساز با ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی ساکنان منطقه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

میدانهای رازی(گمرک)،حسن آباد: با برنامه‌ریزی در خصوص انتقال کاربریهای تجاری آن به خیابانهای فرعی و تقویت فضا با امکان ارتباط دوسویه، این میدان را می‌توان به فضاهای جمعی مفید در منطقه تبدیل کرد.

نتیجه گیری

بطور کلی فضاهای شهری موجود در منطقه بسیاری از شاخصهای مطلوبیت نماها و فضای خیابان برای ایجاد حس ارتباط بهتر با محیط را ندارند در صورتیکه از جنبه‌ی هویتی، دارای پیشینه‌ی قوی فرهنگی و تاریخی هستند که لزوم ساماندهی جامع و حذف کارکردهای ناقص آنها را ضروری می‌سازد. وجود ناهنجاریهایی که ناشی از عدم وجود ضوابط مشخص و تعریف شده در طراحی فضاهای شهری هستند مثل ناهماهنگی فرم و اندازه، تابلوها، ناهماهنگی مفصلهای افقی و عمودی، ناهماهنگی ارتفاع ساختمانها با نبود عناصر و میلمان شهری مناسب و ناهماهنگی بافت و سبکهای معماری ابنیه همجوار باعث ایجاد چندگانگی در تصورات ذهنی مردم و در نهایت آشوب بصری می‌شود. در حالیکه میدان حسن آباد بعنوان نمونه علاوه بر دارا بودن ریتم و هماهنگی بصری، دارای مقیاس انسانی و حس محصوریت شایسته در داخل میدان و پیوستگی کالبدی بسیار مناسبی است. همچنین در قسمتهای دیگر منطقه مثل بدنه جنوبی میدان گمرک و قسمتهایی از خیابان ولیعصر و خیابان حافظ پیوستگی کالبدی، ریتم و بافت هماهنگی مشاهده می‌شودکه فرسودگی ابنیه از میزان تاثیرگذاری آنها می‌کاهد. بطورکلی نماهایی که دارای مطلوبیت نسبی هستند اکثراً دارای قدمت بالایی بوده و فرسودگی و متروکه بودن مهمترین مشکل آنها به شمار می‌رود.

در جمع بندی کلی می‌توان گفت که طراحی و برنامه‌ریزی مناسب برای افزایش کیفیت سیمای شهری منطقه از طریق تعیین ضوابط مشخص برای ساختمانهای جدید از دید بافت، ارتفاع و شیوه معماری، رفع فرسودگی از ابنیه‌ی قدیمی‌تر، افزایش میلمان شهری، افزایش سبزینگی معابر، مکانیابی دقیق عناصر شهری، تعیین ضوابط نصب علائم و تابلوها برای رسیدن به هدف تقویت حس ارتباط با مکان در فضاهای جمعی به عنوان مکانهای دیدارهای اجتماعی و افزایش برهمکنشهای مردم و مدیریت شهری و ساماندهی کاربریهای متنوع موجود و مکانیابی برخی کاربریهای متناسب با فضاهای جمعی ضرورتی انکار ناپذیر است.

مکان سوم Third Place



ویدا رمضانی، مهسا ضمیری
کارشناس ارشد شهرسازی - دانشگاه شیراز

چکیده

مکان سوم (Third Place) نه خانه است، نه محل کار. مکانی است میان این دو برای ملاقات با دوستان، استراحت و جایی برای خوردن و نوشیدن بدون فشار و استرس. الدنبرگ مکان سوم را این گونه تعریف می کند: مکان های سوم مکان هایی هستند که مردم می توانند در آنجا در کنار یکدیگر جمع شده و با هم ارتباط برقرار کنند. در مقابل مکان اول (خانه) و مکان دوم (محل کار) به مردم اجازه می دهد که در کنار یکدیگر بوده و از گفتگو کردن و در کنار هم بودن لذت ببرند. گوشه ی خیابان ها، کافی نت ها، قهوه خانه ها و دیگر مکان های سوم به عنوان قلب اجتماعات سرزنده پایه و اساس حضور پررنگ مردم هستند.

کلمات کلیدی: مکان سوم - فضای عمومی - رفتار اجتماعی

اهمیت فضای شهری

فضای شهری به معنای فضایی است که متعلق به تمام مردم بوده و از آن تاثیر می گیرد یا بر آن تاثیر می گذارد. این فضا در دسترس عموم بوده و به صورت اشتراکی مورد استفاده قرار می گیرد. به طور مثال خیابانی عمومی متعلق و مرتبط با تمام مردم به عنوان یک کلیت است، به رویشان باز است، موجودیتی محدود نشده دارد، از طرف دولت ارائه می شود و به آن مرتبط است. فضای شهری به عنوان بستر مشترکی است که فعالیت های کارکردی و مراسمی را که پیوند دهنده اعضای جامعه است، در آن انجام میشود، چه روزمرگی های معمولی باشد و چه جشنواره های دوره ای. فضای شهری اجازه می دهد تا مردم به آن دسترسی داشته باشند و فعالیت هایی در آن صورت پذیرد و فضایی است که یک سازمان عمومی آن را کنترل می کند و فضایی است که در جهت منافع عموم تامین و اداره می شود. فضای شهری جزئی جدایی ناپذیر از ساختار فضایی شهر در ادوار مختلف تاریخ شهر بوده است و از این روی همچون ساخت کلی شهر تابع

شرایط اجتماعی و اقتصادی متغیر بوده و در هر دوره ای به صورت های گوناگون چون میدان، خیابان، تکیه، بازار، گذر و ... جلوه کرده است. از ویژگی های فضای شهری دسترسی متوازن فیزیکی و بصری عموم مردم است. به بیان دیگری صفحه ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می شود. هرگونه فضایی را در شهر نمی توان فضای شهری دانست، بلکه ارتباطات ویژه بصری و حرکتی در فضایی با خصوصیات ویژه، موجد فضای شهری است. گوردن کالن (Gordon cullen) از نخستین نظریه پردازان نظم ساختاری بین اجزاء و محیط معتقد به هنری در شهر ورای معماری است، هنری مبتنی بر ارتباط. به گفته وی آمیختگی عناصری مانند بنا، طبیعت، ترافیک، تبلیغات و ... محصولی ایجاد می کند که تسلط بر طراحی این مجموعه (کل مرتبط) با تکیه بر مفهوم ارتباط امکان پذیر است.

رابطه میان عناصر تشکیل دهنده فضای شهری باید برای فرد ناظر قابل ادراک بوده و فرد بتواند از رابطه موجود، ساختاری در ذهن خود

ایجاد کند. به این ترتیب فضای شهری هدفمند بوده و بستر رویدادهای تعریف شده ای خواهد شد.

در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخوردهای از پیش تدوین نشده به وقوع بپیوندند و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم اختلاط کنند. بنابراین شرط اساسی برای این که یک فضای عمومی، فضای شهری باشد برقراری تعاملات اجتماعی در آن است. طبق آنچه بیان شد فضای شهری مصنوعی است سازمان یافته، آراسته و واجد نظم به صورت بستری برای فعالیت ها و رفتارهای انسانی. انسان جزئی از این فضا است و با ارزش ها و هنجارهای خود به این فضا معنی و مفهوم می بخشد.

مکان سوم کجاست؟

شهرها پر از افرادی با روابط پر معنی، مهم و مفید و شادی بر انگیز آنهاست. اگر روابط دوستی و سایر آشنایی هایی رسمی محدود به زندگی خصوصی افراد شود شهر ها بی اثر و خنثی می شوند و امری که ضروری است به شهرها اضافه شود زندگی اجتماعی افراد است. ری الدنبرگ ((Oldenburg)، در خصوص اهمیت فضاهای جمعی و عمومی به صورت غیر رسمی نوشته های بسیاری دارد. وی در کتاب The Great good place به این نکته اشاره می کند که چگونه این فضاها به ایجاد فضاهای عمومی و اجتماعی کمک می کنند. او معتقد است که کافی شاپ ها، مغازه های عمومی و دیگر مکان های سوم (در مقابل مکان های اول و دوم یا همان خانه و محل کار) مرکزی هستند جهت به وجود آوردن اجتماعات و حضور پررنگ مردم و افزایش حس سرزندگی.

از نظر الدنبرگ امروزه در شهر ها و محلات، فضاهای شهری که خوشایندو رضایت بخش باشند، به اندازه کافی وجود ندارد. مجاورت و نزدیکی به فضایی که هم جذاب باشد و هم همبستگی اجتماعی را تقویت کند، ابزار مورد نیازی است جهت سلامت روح و روان.

در واقع حس شهروندی و حس اجتماعی در مکان های سوم شکل می گیرد. در مکان سوم، حضور اختیاری و غیر رسمی بوده و محیطی شاد، منظم و فضایی مطلوب تر در اختیار استفاده کنندگان قرار میگیرد. و از این لحاظ بر مکان های اول و دوم اولویت دارد.

ویژگی های کلیدی مکان سوم عبارتند از:

• مکان سوم، مکانی برای رفع نیازهای اجتماعی انسان ها است، جای تعجب است که تا کنون توجه کمی به مزایای این نوع مکان شده است.

• مکان سوم فضایی است برای ملاقات با مردم که باعث ایجاد احساس شادی در افراد می شود. در این فضاها فعالیت هایی که صورت می گیرد، از قبل برنامه ریزی و سازمان دهی نشده اند.

• مکان سوم، مکانی است که افراد صادقانه برای اصلاح یکدیگر گفتگو کرده و برای بهبود دیگران کمک می کنند.

• مکان سوم مکانی است برای فراغت خاطر از کارهای روزمره.

• مکان سوم باعث توسعه انجمن های مردمی که امروزه رو به کاهش هستند، می شود.

• مکان سوم فرصتی را برای ارائه بحث ها و مناقشه های مهم فراهم می کند.

• مکان سوم، تجربه های دموکراسی را برای افراد به وجود می آورد و حس اعتماد به نفس افراد را تقویت می کند.

• مکان سوم به ایجاد و برقراری عدالت اجتماعی کمک می کند.

• مشکلات و نگرانی های روزمره افراد در مکان های سوم به بوته فراموشی سپرده می شود.

• مکان سوم متفاوت از زندگی روزانه بوده و با مقایسه با آن بهتر

شناخته می شود. اما مکان سوم برای بد نشان دادن خانه یا محل کار. کسب نیست. بلکه این مقایسه برای بهتر روشن شدن فضاها و مکان های عمومی است.

یکی دیگر از ویژگی های مکان سوم در این است که استفاده کنندگان آن مشخص و عموماً ثابت هستند. و نشانه این فضاها غالباً سرزندگی و نشاط است. این ویژگی در مقابل فضاهای فعالیتی دیگری است که عموماً مردم در آنجا فعالیت های جدی و مهم انجام می دهند. مکان سوم بسیار شبیه به خانه ای رویایی است که باعث ایجاد حس آرامش و راحتی فراوان در افراد می شود. در مجموع خیابان ها و مراکز خرید پر شده اند از آدم هایی که همدیگر را نمی شناسند و با هم بیگانه هستند. به طوری که مردمی که در یک مسیر ثابت و مشخص در حال حرکت هستند (جریان یکنواخت ترافیک پیاده و سواره)، چشمشان به یک آشنا نمی افتد. و چنین مسیریایی برای حرکت بسیار کسل کننده و بی روح می باشند.

اکثر مکان های سوم در مراکز شهری ایجاد می شوند تا تمامی ساکنین بتوانند از این فضاها استفاده کنند. اما در اکثر مواقع این مکان ها قابلیت جمع کردن مردم و ایجاد زمینه برای حضور آنها را ندارند.

ایروین آلتمن (Irwin Altman) در کتاب خود به نام محیط و رفتار اجتماعی قلمرو شخصی افراد را به سه دسته تقسیم می کند: نخست، قلمرو اولیه که تحت مالکیت و استفاده انحصاری فرد و یا گروه خاصی است و به شکل دائمی تحت اختیار افراد است و این قلمرو ها در زندگی روزمره آن ها نقش اساسی دارد. دسته، قلمرو ثانویه است، که کمتر نقش مرکزی و انحصاری دارد و معادل گروه های ثانویه در جامعه شناسی است. برای مثال در قهوه خانه های محلی و باشگاه ها و انجمن های اجتماعی غالباً محدودیتی رسمی و یا غیر رسمی وجود دارد که مشخص می کند چه کسی می تواند از محل یا محدوده استفاده کند.

ایروین، قهوه خانه های محلی را قلمرو ثانویه تلقی و اشاره می کند، قهوه خانه هادر سطح محله، مشتریان و یا استفاده کنندگان گوناگونی دارد که از آن جمله اند: مشتری های ثابت، مشتری های هر از گاهی و گروه های مختلفی که در ساعات مختلف روز به قهوه خانه سر می زنند. مشتری های ثابت غالباً جای مشخصی دارند و از قهوه خانه برای کارهای مختلفی مثل انجام کارهای مالی، دریافت و خواندن نامه ها و تلفن زدن استفاده می کنند. در واقع مشتری های ثابت قهوه خانه را قلمرو شخصی خود می پندارند و غالباً بیگانگان را به چشم متجاوز نگاه می کنند. دسته سوم، قلمرو عمومی است که این نوع قلمرو موقتی است و تقریباً هر کسی به آن دسترسی دارد و حق استفاده از آن را دارد این نوع از انواع قلمرو، سازوکاری شکننده و ناپایدار برای نظارت بر مرز میان خود و دیگران است و وابسته به عرف و هنجارهای اجتماعی است. با توجه به تعاریف مطرح شده برای مکان های سوم، قلمرونوع سوم نیز در این فضاها وجود دارد. به طور مثال میز و صندلی در رستوران برای مشتریان تا زمانی که از آن استفاده می کنند، حکم قلمرو عمومی را دارد.

از نگاهی دیگر، الدنبرگ (Oldenburg) هشت ویژگی را برای مکان های سوم مطرح می کند:

۱. فضاهایی خنثی هستند،
۲. فضاهای که در آن ها درجه و جایگاه اجتماعی افراد بی اهمیت و یا کم اهمیت است،
۳. به راحتی در دسترس هستند،
۴. از گروه های دوستی مختلف تشکیل شده است،
۵. در این مکان ها، گفتگو مهم ترین فعالیت است،
۶. امکانهایی هستند ساده و بدون زرق و برق،
۷. نشاط و سرزندگی در این فضاها جریان دارد و
۸. این فضاها احساس حضور در خانه را ایجاد می کنند، بدون اینکه در خانه باشید.



مکان سوم: فضایی برای همه

هر فرد ممکن است چندین دوست و فرصت هایی برای برقراری ارتباط با آنها داشته باشد؛ گروه دوستان می تواند بزرگ باشد، این گروه ها در چنین مکان هایی می توانند با یکدیگر ملاقات داشته باشند.

ریچارد سنت (Richard Sennet) معتقد است، افراد فقط وقتی می توانند اجتماعی شده و وارد اجتماع شوند که از حمایت افراد دیگر برخوردار باشند. این احساس در مکان های سوم به وجود می آید.

ویژگی اصلی مکان سوم ایجاد روحیه مشارکت پذیری و تقویت حس تعلق به مکان است. اجماع عمومی بر این است که جایگاه مکان سوم در زندگی های امروزی کاهش یافته است.

مکان سوم باعث نزدیکی روابط بین محلات شهری و شهروندان می شود. حذف این مکان ها از زندگی شهری، باعث کاهش روابط چهره به چهره شده و مردم محلات با اینکه سال ها در کنار یکدیگر زندگی کرده اند از هم بی خبر می مانند.

شهرها و واحدهای همسایگی این پتانسیل را دارند که فضایی بی طرف طبق خواست عموم مردم به وجود آورند.

این مکان ها بایستی احساس راحتی و ایمنی مانند آنچه در خانه وجود دارد را به وجود آورند. اگر این مکان ها از واحدهای همسایگی که زندگی شهروندان در آن جریان دارد گرفته شود، گروه ها و انجمن های اجتماعی خارج از محیط خانه بی خاصیت و بی اثر می شوند؛ همسایه ها هرگز ملاقات نخواهند کرد، گفتگویی بین آنها شکل نمی گیرد؛ چرا که مکانی برای بروز این رفتارها برای آنها وجود ندارد.

اصلاح گران اجتماعی کمتر اهمیت این مراکز و روابط متقابل و فعالیت های اجتماعی را در نظر گرفته اند. پاره ای از آنها هرگز دوست نداشتند که مردم را در پیاده رو ها و خیابان ها، در سوپر مارکت ها، در جلوی پله ها و راهرو ها مغازه های شیرینی فروشی و سایر مراکز عمومی ببینند.

آنها علاقه دارند که افراد در فضاهای خصوصی بوده و وقت خود را در مکان های عمومی نگذرانند.

انواع مکان های سوم

برای بررسی و شناخت مکان ها ی سوم بایستی از مرزهای زمان و فرهنگ عبور نمود. به طور مثال، قهوه خانه های عربی، بایر شتوب های (bierstube) آلمانی، فابرن (faberna) ایتالیایی، مغازه های حومه های قدیمی امریکایی نمونه هایی از مکان های سوم هستند.

وچسبرگ (Wechsberg) معتقد است کافی شاپ ها در وین که دارای استراحتگاه، سالن مطالعه و قمارخانه هستند، یک مکان سوم به شمار می روند. البته وی به همراه منکن (Menken) تصور محدود و کوچکی از مکان سوم ارائه می دهند. در حالی که بایستی با نگاهی کلان تر به مکان سوم نگاه کرد.

الدنبرگ معتقد است اجتماعات و فضاهای مجازی به زوال مکان های سوم کمک کرده و به عنوان جایگزینی برای این مکان ها در زندگی امروز عمل می کنند. در واقع این فضاهای مجازی باعث شده اند تا افراد در خانه های خود باقی مانده و در خیابان ها و مکان های سوم حضور پیدا نکنند.

امروزه با صنعتی شدن جوامع و گسترش روابط الکترونیکی و افزایش مدت زمان حضور در خانه، میزان روابط اجتماعی و برخورد های رودررو و در نتیجه زندگی اجتماعی و شهری شهروندان رو به کاهش است.

نمونه هایی از مکان های سوم در ایران

پاتوق به مثابه مکان سوم

پاتوق ها در واقع حد فاصل میان خانه های شخصی و محل کارند، زمانیکه نه طالب سکوت خانه ای و نه ازدحام اجتماع در ایران در گذشته در محلات قدیمی شهر هر کوچه چندین بن بست را

به داخل خود می پذیرد. در تلاقی چند کوچه، فضاهای بازی وجود داشته که پاتوق ساکنین کوچه بوده است.

تجربه ها نشان می دهند که پاتوق ها اکثراً قهوه خانه ها و یا مرکز تجمع کوچکی هستند که در جاهای دنج و آرام قرار گرفته اند و یا طراحی آنها به گونه ای بوده که توانسته اند علاوه بر این که به لحاظ شهری در نقطه ای شاخص قرار گیرند فضاهای خاص و آرامی را نیز در خود بپروراند. از نظر مقیاس، اکثر آنها بزرگ نیستند. قرار گرفتن در پرسپکتیو های دید زیاد، احساس آرامش را از آنها می زداید.

علاوه بر نیم شفاف بودن نماها، داشتن مبلمان راحت و قابل تحمل برای ساعات طولانی، نور ملایم، موسیقی حتی الامکان آرام و کلاسیک همه می توانند در پاتوق شدن یک مکان موثر باشند. آنچه که یک پاتوق را برای مشتریان دائمی ایش جذاب می کند احساس تعلق، آرامش، گیرایی و گاه فراموشی است.

قهوه خانه ها

در جلد دوم دایره المعارف فارسی در توضیح واژه قهوه خانه آمده است: قهوه خانه، محلی است که سابقاً در آن قهوه می نوشیدند و پس از رواج چای، این مشروب جای قهوه را گرفت، ولی نام قهوه خانه باقی ماند. در کتاب "تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم" اثر جعفر شهری در تعریف قهوه خانه آمده است: قهوه خانه یکی از تفریحگاه های مردم تهران بود، محلی که همه گروه افراد را به طرف خود کشیده و برای هر دسته تفریحات و سرگرمی های مخصوص شان را فراهم می نمود، در قهوه خانه موارد دیگری مانند نقالی و تعزیه خوانی و نوحه خوانی روضه خوانی و یا مجالس شعر خوانی و مشاعره و غزل خوانی و بعضی اوقات محفل "سخنوری" فراهم بود. در کتاب مذکور در خصوص صورت قهوه خانه چنین آمده است: قهوه خانه های مسقف دارای سالن های زمستانی بزرگ بودند که با قالیچه ها و گلیم و نمذ مفروش شده، از در و دیوار و سقف و ستون که به انواع پرده ها و عکس و شمایل ها و پوست، تبریزین، کشکول ها و حتی علم و کتل و بیدق ها آراسته شده بود همراه صدای پرندگان خوش نوا که محیط را جذاب تر می نمود.

قهوه خانه محلی بود که مردان در اوقات فراغت برای نوشیدن چای، تبادل نظریات، کسب اخبار، کاریابی، داد و ستد و شنیدن داستان های شاهنامه که هر شب به طور متوالی توسط نقال اجرا می شد، به آنجا می رفتند.

در ایران از همان ابتدا، قهوه خانه به صورت میعاد گاه اهل فضل درآمد و همه روزه عده زیادی از نویسندگان و شعرا و سایر هنرمندان ساعات یاز وقت خود را در قهوه خانه ها می گذرانند و با توجه به محدودیت رسانه های گروهی و وسایل طبع و نشر، آثار و نوشته های خود را برای حاضرین می خوانند.

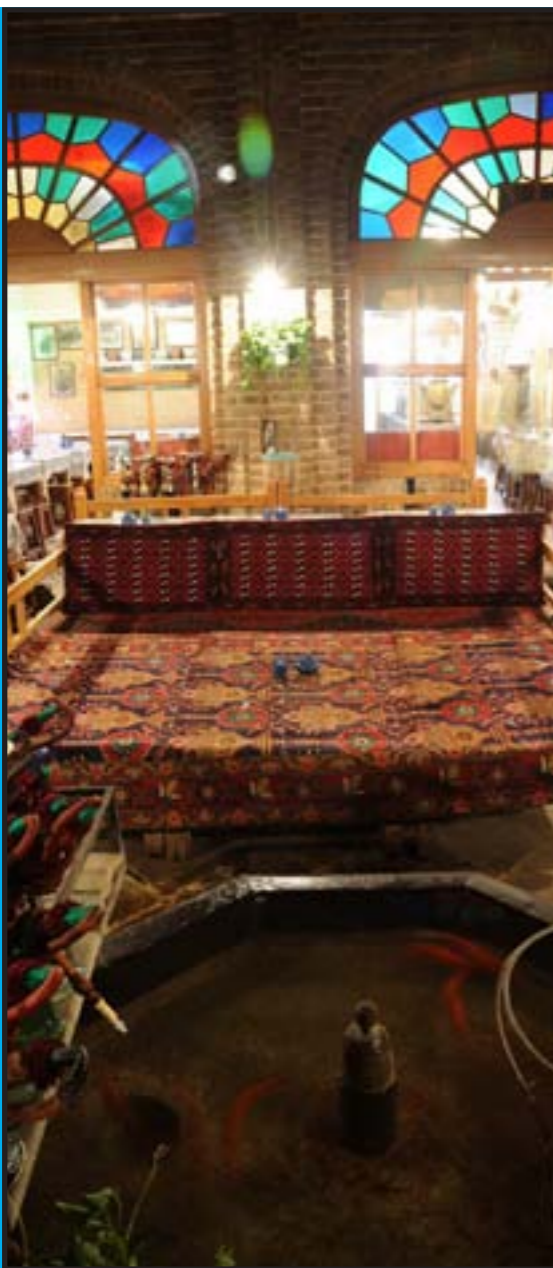
هر قهوه خانه سوای ساختمانش که شبیه به دیگر قهوه خانه ها بود، مشتریانی خاص داشت و چنانچه امروز هنوز مرسوم است مشتریان اصلی قهوه خانه ها را صاحبان مشاغل خدماتی آزاد تشکیل می دادند و هر قهوه خانه پاتوق و محل تجمع یک صنف بود. در آن روزها، از قهوه خانه برای داوری و حل و فصل مشکلات محلی و حتی گاهی مسائل خانوادگی استفاده به عمل می آمد.

قهوه خانه ها در گذشته یک نهاد اجتماعی، فرهنگی و مکتب و مدرسه پرورش استعداد های ادبی و هنری و آموزش فرهنگ و ادب سنتی به عامه مردم جامعه بود. ولی با گذشت زمان و با گسترش نظام ارتباطات سمعی و بصری در جامعه شهری و ورود رادیو و تلویزیون به قهوه خانه ها، کم کم اعتبار و ارزش پیشین خود را از دست داد. «علی بلوکاشی» نویسنده کتاب قهوه خانه های ایران در این باره می نویسد: «قهوه خانه ها که تا چند دهه پیش کانون نشر و ترویج فرهنگ سنتی و

دستاوردهای ادبی و هنری گذشتگان ما بود و وظیفه و نقش مهمی در انتظام روابط اجتماعی و باورهای جمعی و بقای ارزشهای فرهنگی ایرانی _ اسلامی در میان گروه ها و قشرهای مختلف مردم به خصوص اجتماعات شهرنشین به عهده داشت به تدریج به صورت محلی برای نوشیدن چای و خوردن صبحانه و ناهار و رفع خستگی درآمد. بعضی از آنها نیز به کانون های فساد و نشر شرارت و بدکاری و بدآموزی تبدیل شد. در این زمان قهوه خانه ها رشته های پیوند فرهنگی خود را با گذشته و سنت های گذشتگان گسسته است و از کارکرد مفید سابق خود فاصله گرفته است.»

بن بست ها در سطح محلات

در محلات قدیمی شهرهای ایران بن بست هابین واحدهای مسکونی و فضاهای عمومی ارتباط برقرار می کند. بن بست ها محل تلاقی و تماس یا نشستن اهالی بوده که روابط همسایگی بسیار نزدیکی را اجازه می داده است. هم چنین محرمیت و امنیت را برای چند خانوار موجود در بن بست فراهم می آورده است.



نتیجه گیری

چگونه می‌توان در عین بهره‌مندی از مواهب تکنولوژی،در فضایی انسانی زیست؟ این اساسی‌ترین سوّالی است که نام‌آوران طراحی شهری و معماری، نزدیک به نیم قرن است به دنبال پاسخ آن هستند و تقریباً همه متفق‌القولند که باید معیارها و قواعد شکل دهنده فضاهای گذشته را شناخت و از آن‌ها درس گرفت. فضای شهری قدیمی بهترین آزمایشگاه فراگیری و ادراک است.

بهترین راه ادراک فضای شهری نگاه دقیق به تجربه طراحی فضا در طول تاریخ است. ادموند بیکن(Baiken) از نام‌آوران طراحی شهری عقیده دارد جوهر مطالعه و بررسی آثار با ارزش معماری و شهرسازی همان خصوصیت فضایی است و تا زمانی که ادراک نشود سرگردانی در طراحی فضاهای شهری و معماری ادامه دارد؛ چرا که خصوصیت فضایی در واقع جوهر روابط فرهنگی، اجتماعی و فعالیت‌های شهروندان است. امروزه با صنعتی شدن جوامع و گسترش روابط الکترونیکی و افزایش مدت زمان حضور در خانه ، میزان روابط اجتماعی و برخورد های رودررو و در نتیجه زندگی اجتماعی و شهری شهروندان رو به کاهش است . "مکام سوم " در طراحی و برنامه ریزی شهرهای غربی در حال احیای جایگاه از دست رفته خویش است. در ایران نیز نمونه قهوه خانه های سنتی و پاتوق ها که می توانست شامل میدانچه های شهری و گذرهای قدیمی باشد ، از جمله فضاهایی بودند که زندگی اجتماعی شهروندان در آنها جریان داشته است . این مکان ها در عصر امروز جای خود را به کافی شاپ ها ، رستوران ها داده اند. (البته نمی توان این فضاها را کاملاً در ردیف فضاهای سنتی قرار داد) . کارکرد اجتماعی این گونه فضاها پایین بوده و سایر کارکرد های شهری ، کارکرد و استفاده غالب از این فضا هستند .

محلات شهری امروزی ما کمتر دارای فضاهای باز شهری بوده و به

ندرت در آن ها فضا یا مکانی برای رفع نیازهای اجتماعی شهروندان در نظر گرفته شده است . فضاهایی که در گذشته به عنوان فضای شهری عمل می کرده اند نیز امروزه عملکرد خود را از دست داده و در اکثر موارد تخریب شده و از بین رفته اند .

ویژگی های پاتوق ها و قهوه خانه ها که آنها را در زمره مکان سوم قرار می دهد ، بایستی مورد توجه و بررسی قرار گرفته و با استفاده از این ویژگی ها و انطباق آن با شرایط امروز شهرها و مکان هایی که امروزه توانایی تبدیل شدن به مکان سوم را دارند ، می توان امیدوار به احیای مکان سوم و یافتن مجدد جایگاه خود در شهرها بود . این ویژگی ها را می توان این چنین نام برد :

■ خنثی بودن فضا ؛

■ بی اهمیت یا کم اهمیت بودن جایگاه اجتماعی افراد ؛

■ در دسترس بودن ؛

■ مکانی برای گفتگوی صادقانه ؛

■ سادگی در مکان ؛

■ جریان داشتن زندگی در آنها ؛

■ وجود حس نشاط و شادی در این مکان ؛

■ ایجاد حس آرامش و

بر این اساس ، فضاهای نیمه خصوصی امروزی ، که البته در حال حذف از زندگی شهری هستند ، قابلیت پذیرفتن این ویژگی ها و تبدیل شدن به مکان سوم را دارند . از جمله فضاهایی که این توانایی را دارند کافی شاپ ها ، رستوران ها و ... را می توان نام برد .

اگر بتوان مکان های سوم سنتی را با شرایط امروز و نیازهای امروزی جامعه تطبیق داد ، در کنار دادن نقش اجتماعی به برخی مکان های موجود در شهرهای امروز ، احیای مکان سوم و در نتیجه احیای زندگی اجتماعی دور از دسترس نیست .

منابع

- طراحی شهرها ؛ بیکن،ادموند:ترجمه فرزانه طاهری؛ انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران ؛۱۳۷۶
- طراحی فضای شهری ، نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی؛ مدنی پور ، علی ؛ شرکت پردازش و برنامه ریزی ، ۱۳۷۹
- تحلیلی از ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران ؛ مشهدی زاده دهاقانی ؛ انتشارات دانشگاه علم وصنعت؛۱۳۸۱
- تهران قدیم ؛ حسن بیگی ، محمد رضا ؛ انتشارات ققنوس ، ۱۳۸۲ .
- محیط و رفتار اجتماعی؛ ایروین آلتمن؛ ترجمه علی نمازیان ؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛۱۳۸۲.
- عراهنمای طراحی فضای شهری در ایران ؛ پاکزاد ، جهانشاه ؛ وزارت مسکن و شهرسازی ، ۱۳۸۵ .
- شهر موجودی زنده ؛ ارباب ، پارسا ؛ وب سایت همشهری آن لاین ، ۱۳۸۶ .
- سایت اتحادیه قهوه خانه داران و قهوه خانه های سنتی تهران ؛ شایان راد برحیم ؛۱۳۸۴.

۹ . The Great Good Place , Oldenburg .۱۹۹۰

۱۰ . Physical space and collaboration _ " How the environment supports social and collaborative processes" , Nicolas Nova , ۲۰۰۴ .

۱۱ . Political and Citizen Participation Online ۲۰۰۶.

۱۲.www.Online Community.com "Intro to Internet" ۲۰۰۷۱

۱۳.www. Homiletiosonline.com." When Third Place Is the Right Place".

Coburn, Billy. “Cafés of community: the Starbucks principle.” Strategic Adult Ministries Journal (Vol. ۱۸, No. ۵, Issue ۱۴۵), ۸–۹.

۱۴. www.org.pps / Project for Public Spaces (PPS) – Placemaking for Communities – When Third Places Come ". ۲۰۰۶"

دیدگاه

مجسمه حقیقت شهر

کاوه زال نژاد

پژوهشگر و کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

(عضو مهندسیین مشاور مازن نقش کیان)

چکیده

این گفته معروف ومقبولی است که شهر،آینه تمام نمای جامعه است به این معنا که وضع نابسامان شهر حکایت از جامعه نابسامان دارد و شهری مطبوع ،جامعه ای با ثبات و متعالی می خو اهد.

«شهر زیبا» به روایت تکنوکراتها پدیده‌ای است که عمر آن از یک سده تجاوز نمی‌کند،این مفهوم مولود پلشتی شهرهای اروپایی در اواسط دورهٔ صنعتی بود .اما زیبایی‌شناسی شهری، ریشه در تاریخ شکل‌گیری شهر دارد و نمونهٔ برجستهٔ آن تمدن درخشان یونان باستان است تنها وجهی از پدیدهٔ شهر که مرزهای جغرافیایتاریخی را درمی‌نوردد، مقولهٔ «شهر زیبا» است که دغدغهٔ خواص در دوره‌های تاریخی، و دلمشغولی خواص (علما و دولتمردان) و عوام (مردم) در سده‌های متاخر است. زیبایی از این منظر در شهر، به ادارهٔ شهر بازمی‌گردد و «شهر زیبا» معادل «شهر عادل» و «مدینهٔ فاضله» می‌باشد.

مفهوم «شهر زیبا» با افول حوزهٔ عمومی در یونان و تبدیل آن به ملک‌طلق نمایندگان قدرت (به عبارت دقیق‌تر تبدیل حوزهٔ عمومی به حوزهٔ خصوصی صاحبان قدرت) تا ظهور مجدد حوزهٔ عمومی در دورهٔ بورژوازی به فراموشی سپرده‌شُد.

بنابراین با شناخت و بکارگیری روشهایی که بتواند به چنین مهمی کمک نماید، گام مطلوبی برای استغنائی ادبیات چهره آرایی کشوربرداشته خواهد شد.پر واضح است که این مقاله با رویکردی کل نگر نسبت به مسایل شهری هدفی جز زیبا شناسی و اهمیت به فضای مجازی شهر ندارد و نگارنده مجسمه را به عنوان یکی از مولفه های اساسی زیبایی در شهر معرفی نموده که در ادامه به آن خواهیم پرداخت .

کلید واژه: مجسمه، چهره آرای، مبلمان شهری، وندالیسم

مقدمه

معروف‌ترین و پسامدترین مؤلفه‌ای را که بتوان برای زیبایی شهرها به‌کار برد، واژه منظر شهری است. امروزه جایگاه منظر شهری، جایگاهی کاملاً فراموش شده است در شهرها.

ارزش‌ها و شاخص‌های زیبا یک شهر، به‌واسطه‌ی کاراکتر منظر شهری شناخته می‌شوند. ظهور پدیده‌ای به نام منظر شهری، به نوعی آرامش را به شهرها ارزانی داد.

سهل‌انگاری و بی‌میلی به بازپیرایی شهر کم‌کم به عادت تبدیل شده، و باور به داشتن شهر زیبا نیز به‌کاری دست‌نیافتنی. با وجود این نقدها، صرف‌نظر از آنچه که این عادت نازیبایی، منجر به بی‌میلی شهروندان شده، بلکه باعث آسیب پذیری روحیه شهروندان نیز می شود.



و وجود می‌آورند. امروزه مفهوم منظر شهری در دروازه معاصر از رشد فزاینده بر خوردار بوده است، اما ارتقاء کیفی آن همواره با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. تنگنا شهری لزوماً همان چیزی است که منزلت اجتماعی و روابط مشخص در چارچوب معنی برای شهروندان به از نانی می‌آورد. در واقع رهاورد مفهوم منظر شهری نمایانگر تبیین و تحکیم زیبایی برای شهرهاست.

معهد، شاید بتواند نوعی روشی شهرها را در خود بازگیند. متولیان شهرها، قلمداد نمود: خودبزرگ‌بینی که منجر به شکستن غرور شهرها به صورتی بی‌مورد و بی‌فایده می‌گردد. این امر در واقع به معنای آنست که در این شهرها، به‌راستی آیا تا به حال از خود پرسیده‌ایم که آیا این هنر رئال و انتزاعی (مجسمه‌های شهری) تا چه حد در شهرهایمان مشاهده گردیده است؟ به‌راستی چرا جایگاه مجسمه‌های شهری در میادین و پیاده‌روها چندان به چشم نمی‌آید؟

•جایگاه مجسمه‌های شهری به لحاظ ارزش و خوانایی در شهرها کجاست؟

اما سال‌هاست که شهروندان بر این باورند که شهری شاد، زنده و خلاق داشته باشد. وجود مؤلفه‌ای به نام شهر خلاق، یا خلاقیت شهری، صادقانه‌ترین، انگاره‌ای است که برای شهرها به کار برده می‌شود، تا فراز و فرودهای شهرها به یکپارچگی کامل برسد.

•بهرآی استی آیا تا به حال از خود پرسیده‌ایم که آیا این هنر رئال و انتزاعی (مجسمه‌های شهری) تا چه حد در شهرهایمان مشاهده گردیده است؟

•بهرآی استی چرا جایگاه مجسمه‌های شهری در میادین و پیاده‌روها چندان به چشم نمی‌آید؟

•جایگاه مجسمه‌های شهری به لحاظ ارزش و خوانایی در شهرها کجاست؟



- ۱- منظر شهری در شهرها در چه وضعیتی قرار دارد؟
- ۲- تحقق یابی منظر در شهرها چگونه است؟
- ۳- تئوری فضای شهری، چگونه به دست چه کسانی طراحی، اجرا و مدیریت می‌شود؟

حال این نوشتار می‌کوشد، تا تحولات شهری سرسام‌آور که از برآیند افکار برخی از مسئولان شهری به بار نشسته تا حدودی سامان دهد. بیش از یک دهه است که منظر شهرها حالت ایده‌آل و پسمانی نداشته است. بدون تردید فضای شهری که امروزه متولیان آن را ساخت و بنا نموده‌اند، اغلب گیج‌کننده و نامهربان هستند و همواره افسردگی و ناامیدی را به بار می‌آورد.

امروزه افق‌های جدیدی که در عین حال هنرهای شهری به‌وقوع پیوست، پررنگ‌ترین سنجش را برای ارزیابی شهرها بهم زده است. بنابراین هرگونه اظهارنظر در مسایل شهری بدون هیچ‌گونه پیشینه و مقدمه‌ای ممکن است، میل شهرها را به انحطاط پیرامون یا چالش روبرو سازد. با این پیش‌زمینه پس می‌توان گفت که بیان نمود، که ایام‌زادایی از واژه منظر شهری و خاطره‌ها، به‌عنوان سانه سکونت شهروند بستگی دارد. هرچقدر شهروند در شهر احساس کند، او را در ذهن تداعی کند، یقیناً به پایداری بیشتر منظر شهری می‌انجامد و بحران در منظر شهری نهایت کارآمدی عملکرد متولیان همان شهر است.

شرح و تفسیر این روش‌ها در ذهن انسان، فضا، ماشین، همواره نظم ذهنی و آشفتگی بصیرت را به دنبال داشته است. انتظام بخشی به این مؤلفه‌ها در قالب شهر نیکو و پایدار می‌تواند به تعاملات اجتماعی و حیات مدنی شهرها معنا بخشد.

گسترده و شتاب بی‌رویه کالبدی شهرها باعث ضعیف شدن فرم شهرها شده است. فهم این مفهوم که ماهیت یک شهر به فیزیک آن وابسته است، درکی است در چارچوب شهرسازی انسان‌مدار. امروزه ادراک منظر شهری تجربه‌ای خوشایند و بارزترین نمود عینی زیبایی‌هاست. به‌طور کلی نگرش‌هایی که پیرامون منظر شهری حکم فرماست، شاید شاخص‌ترین مؤلفه برای ظهور و افول شهرسازی شهروندگرا باشد. به‌رحال به‌رغم تأکیدات مکرر در حیطه منظر شهری، همواره این سخن قابل بازگو می‌باشد:

چه کسانی شهرها را می‌سازد و آیا تناسب فکری بین سازنده شهر و سیمای ظاهری آن رابطه سیستماتیک وجود دارد یا نه؟ به‌راستی چه کسانی در دخل و تصرف در شهر و تخریب کاربری‌ها و اجزای میلمان شهری ایفای نقش می‌کنند؟ آیا آماده بنا شده در مهر در راستای نیازهای عاطفی و بصری شهروندان می‌باشد؟

بنیان‌های فکری به‌ظاهر شهرسازی‌هایی از پرسنل شهرداری تا چه حد فضای نامملوس شهر را به‌سوی کیفیت محیط هدایت می‌کند؟ در واقع منظر شهری پاسخ به سؤالی است که در ذیل اینگونه بدان اشاره شده است:

- ۱- منظر شهری در شهرها در چه وضعیتی قرار دارد؟
- ۲- تحقق یابی منظر در شهرها چگونه است؟
- ۳- تئوری فضای شهری، چگونه به دست چه کسانی طراحی، اجرا و مدیریت می‌شود؟

حال این نوشتار می‌کوشد، تا تحولات شهری سرسام‌آور که از برآیند افکار برخی از مسئولان شهری به بار نشسته تا حدودی سامان دهد. بیش از یک دهه است که منظر شهرها حالت ایده‌آل و پسمانی نداشته است. بدون تردید فضای شهری که امروزه متولیان آن را ساخت و بنا نموده‌اند، اغلب گیج‌کننده و نامهربان هستند و همواره افسردگی و ناامیدی را به بار می‌آورد.

امروزه افق‌های جدیدی که در عین حال هنرهای شهری به‌وقوع پیوست، پررنگ‌ترین سنجش را برای ارزیابی شهرها بهم زده است. بنابراین هرگونه اظهارنظر در مسایل شهری بدون هیچ‌گونه پیشینه و مقدمه‌ای ممکن است، میل شهرها را به انحطاط پیرامون یا چالش روبرو سازد. با این پیش‌زمینه پس می‌توان گفت که ایام‌زادایی از واژه منظر شهری و خاطره‌ها، به‌عنوان سانه سکونت شهروند بستگی دارد. هرچقدر شهروند در شهر احساس کند، او را در ذهن تداعی کند، یقیناً به پایداری بیشتر منظر شهری می‌انجامد و بحران در منظر شهری نهایت کارآمدی عملکرد متولیان همان شهر است.

امید است متولیان شهرها گام مطلوبی را برای استغنائی ادبیات چهره آرایی این شهر بردارند، تا همواره شهری زیبا، شاداب، خلاق و دانش مدار در راستای توسعه پایدار داشته باشیم.

مجسمه های شهری

مجسمه شهری، حجمی سه بعدی و دارای فرم و بیان هنرمندانه است که از جهات مختلف قابل نظاره است و جزئی از میلمان شهری است که خارج از فضای بسته قرار گرفته است. نمادها و تندیس‌ها معمولاً بیانگر بازتاب خاطرات، انسانها، حوادث اعتقادات و .. هستند. این عناصر شهری در برخی موارد به عنوان یک سمبل فرهنگی - اجتماعی مطرح شده و سیمای انسانی دارند (رئال یا واقعی) و در موارد دیگر نمایانگر اندیشه های طراح خود می باشند (مثلاً در سال ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸)

در واقع کارکرد اصلی مجسمه تزئین، هویت بخشی یا انتقال پیامی به ناظران است و از مصالحی نظیر سنگ، بتن، فلز، چوب، فایبرگلاس ساخته میشود. مهمترین وجه تمایز مجسمه های شهری با مجسمه هایی که در فضای بسته قرار گرفته اند، آن است که بینندگان مجسمه های فضای باز بیشتر، تواتر دیدار آنها فزونتتر و ترکیب ناظران آن متنوع تر است، بدین ترتیب افرادی که حتی سواد خواندن و نوشتن ندارند بیننده این حجمها هستند. مجسمه سازی شهری کار مشترک مجسمه سازان، طراحان منظر و میلمان شهری، برنامه ریزان و طراحان شهری است که با حمایت و هدایت مدیران شهری انجام می پذیرد هر یک از این عوامل در این فرایند نقشی را بر عهده دارند. ساخت مجسمه به عنوان یک مجسمه ساز انجام میشود و ساخت مجسمه‌ها در میادین و فضاهای عمومی آن مناسب نقش دارند. هدف این مجسمه‌ها در میادین و فضاهای عمومی آن مناسب نقش دارند.



ضمن رعایت ملاحظات عملکردی بیشترین لذت بصری برای ناظر به وجود آید.

مجسمه تنها اثر حجمی زینت بخش میادین نیست، آثار حجمی متنوعی در فضاهای شهری استفاده می شوند که اگرچه گاهی تشابه نزدیکی با مفهوم مجسمه دارند اما دارای هویت متمایز هستند. بهره برداری هوشمندانه از این آثار حجمی نیز میتواند در ارتقای کیفیت فضایی شهر موثر باشد. (کاملی،۱۳۸۵، صص۴-۱) احجام را در یک تقسیم بندی در شهرهای ایران می توان به دو قسمت کلی : احجام میانی و احجام کناری تقسیم نمود . احجام میانی احجام و مجسمه هائی هستند که در میادین و یا ابتدای بلوارها ، و . . قرار می گیرند . این احجام دارای تعریف فرمی و مفهومی از چهار طرف هستند و عموماً مخاطب ،زمان چندانی برای دقت در جزئیات آنها ندارد. احجام کناری

آن دسته از فرمها ، مجسمه ها و .. هستند که در کنار و گوشه فضاهای شهری نظیر پارکها و فضاهای سبز و یا پیاده رو ها قرار گرفته و عموماً مخاطب ، زمان کافی را برای دقت در جزئیات آنها دارد . این احجام که عموماً در کشور ما مجسمه هستند می توانند بنا بر محل قرار گیری دارای تعاریف فرمی و مفهومی از یک یا دو جهت باشند .



(نمونه های از آثار حجمی در پیاده روها) (www.urbanfurniture.blogf.com)

مجسمه، هنر، شهر

تا چندی پیش تنها فعالیت مجسمه سازی شهری خارج از پایتخت محدود به آثار حجمی تکراری بود که از الگوی خاصی در طراحی تبعیت می کردند تکرار این مکررات نه تنها رکود فضاهای تصویری را در شهر های مختلف به ارمغان می آورد بلکه امکان تجربه های نو را از مجسمه سازان می گرفت . علاوه بر این آن چه در این میان پیش از همه نگران کننده بود عدم رشد درک تصویری شهروندان این شهرها بود که پیش از آن که زائیده بضاعت اندک دانش بصری آن ها باشد نتیجه ی ایده های تکراری و اصرار کارفرمایان و اجراهای بد مجریان و صنعتگرانی است که به تکثیر این آثار می پردازند این عوامل و در امان ماندن از نقد دیگران این اجازه را نیز نمی داد که حتی مسئولین و کارفرمایانی که به این معضل آگاهی داشته دست به تجربه های تصویری جدید تری نزنند . با این تفاسیل جای گلایه ای نیست که میلمان شهری در جامعه از رشد کیفی کمی برخوردار گردد . مجموع این امور نیزموجب شده است تا دست اندرکاران طراحی شهری برای راهی از هر گونه بحث و مجادله ای شیوه ی پیشین را پیش گیرند و به همین دلیل در گذر از جغرافیای شهرها نمادها و آثار ثابت و هم شکل همچنان که هنوز مشاهده می شوند در میداین ،پارک ها ،معاپر .. خودنمایی می کنند. (عینی، ۱۳۸۳ ، صص۱۳-۱۲) اما خوشبختانه به نظر می رسد در بعضی از شهرستانها ،مسئولین به این مهم آگاهی یافته اند و تلاش می کنند تا با شکستن این قاعده ها جلوه های بصری تازه ای را برای شهروندان و گردشگران شهرها به ارمغان بیاورند و رفته رفته خلاء موجود را پر کنند . طبعاً این جسارت مستلزم همکاری و کارشناسی متخصصانی است که در حوزه های مختلف رشته های مهندسی ، معماری و هنری صورت گرفته است . از طرفی این همکاری نیازمند حمایت مسئولیتی است که در کادر شورای شهر به خدمت مشغولند ، بدیهی است سرانجام این حمایت منجر به تکوین و پیدایش فضایی جدید با این الگو خواهد شد که می تواند با نیاز های جامعه حاضر همخوان نیز باشد چرا که با وجود این تصاویر جدید سوال های تازه ای را نزد شهروندان مطرح می نماید و پاسخ به این سوال ها باعث ایجاد احترام به اهالی این شهرها و سبب ارتقاء دانش بصری مخاطبان خواهد شد و صد البته به کارگیری این دیدگاه در شهرهای دیگر می تواند این فرصت را پیش آورد که در هر شهری چیدمان های متفاوتی را مشاهده کرد . اما آن چه در این خصوص باید کارشناسی شود متناسب بودن نوع آثار را از نظر جنسیت ابعاد کیفیت

اجزاء همخوانی با محیط اطراف ، هماهنگی عناصر با یکدیگر و... می باشد .که این خود مستلزم تدوین اصول و مبانی طراحی فضاهای شهری است که با فعالیت های صورت گرفته میدان بحث تخصصی در این زمینه گشوده شده است و مطمئناً با توقف این تحولات این میدان نیز خالی خواهد ماند و سرانجام تغییرات سنت های تصویری گذشتگان



فضای خالی از هنر، جذابیت ندارد و فقدان جذابیت از کیفیت فضا می کاهد و مانع ایجاد حس سرزندگی و نشاط در فضای شهری است، مجسمه میتواند این هر دو را در صورت وجود سایر شرایط به فضا، ارزانی دهد.



مجسمه ها و توضیحات متصل به آنها میتوانند سطح دانش و آگاهیهای عمومی شهروندان در خصوص حوادث های فرهنگی یا سایر زمینه ها ارتقا بخشند به عنوان مثال میتوانند مردم یک منطقه را با شخصیتها یا رویدادهای تاریخی یک منطقه آشنا سازند یا نمادهای فرهنگی آن منطقه را معرفی کنند.



بسیاری از شهرها محل وقوع حوادث تاریخی منحصر به فرد هستند، مجسمه ای که موضوع آن این رویداد تاریخی باشد تا سالها بعد از آن میتواند تداعی گر این واقعه باشد، همچنین عملکرد فعلی شهرها می تواند به وسیله مجسمه بیان شود، مثلا نصب مجسمه کوهنورد در



میدانی که مبدا عزیمت کوهنوردان به کوهستان است، بیانگر روحیه ورزشی حوزه پیرامونی میدان است . (کاملی ، ۱۳۸۵،ص۲)

مجسمه و میدان

مجسمه به عنوان عنصری در مرکز میدان از هر دو طرف دیده و درک میشود و می تواند نمایانگر مرکز میدان باشد به همین دلیل است که حتی در میداین خالی از خودرو نیز بسیاری از طراحان، مجسمه را در مرکز ثقل میدان نصب میکردند، تا حس مرکزیت را تقویت و نوعی نظم بصری به وجود آورند.



(تلفیق میدان و مجسمه)

بدون مجسمه و تندیس

مجسمه ها در میادینی که از سابقه تاریخی خاصی برخوردار نیستند و نامی قراردادی برای آنها تعیین شده است می توانند به نحوی طراحی شوند که نام میدان را در اذهان بینندگان تثبیت کنند نصب مجسمه ای مطلوب در میدان و بهسازی آن موجب میشود که ساکنان اطراف میدان انگیزه ای برای کیفیت بخشی به محیط خود پیدا کنند و تلاش کنند که محیطی متمایز به وجود آورند. مثلا نمادی از لاله در میدان لاله چنین کارکردی دارد.



(نمونه هایی از آثار حجمی با زیبایی منحصر به فرد)

ایجاد یک نشانه شهری

نشانه از عناصر اصلی سازنده سیمای شهر است از نظر کوین لینچ «نشانه ها عواملی در تشخیص قسمتهای مختلف شهر هستند خصوصیات نشانه باید چنان باشد که بتوان آن را از میان عوامل بسیار بازشناخت اگر نشانه ها فرمی واضح داشته باشند، با زمینه خود متضاد و به اطراف خود غالب و مسلط باشند شناخت آنها به آسانی میسر است و احتمال بیشتری هست که بر آنها معنایی متصور باشد، مجسمه ها در بسیاری موارد به ویژه اگر اندازه آنها بزرگ باشد میتوانند به عنوان نشانه در سطح محله، منطقه یا حتی شهر مطرح شوند. . (کاملی ، ۱۳۸۵،ص ۴)



(نمونه ای از آثار که بیانگر نشانه می باشند)

تندیس با محوریت پایان جنگ

نمادهای شهری و هویت شهر



نماد به معنی سمبل یا نشانه است. فضاهای شهری همواره محل فعالیت‌های روزمره شهروندان بوده‌اند و از این‌رو می‌بایست محیطی آراسته، دلپسند و خوانا برای شهروندان باشند. در این میان نمادها نیز نقش عمده‌ای در هویت‌بخشی به فضاهای شهری و معرفی شهرها دارند. نمادهای شهری تقویت‌کننده رابطه بین مردم و محیط اطرف، هویت بخش به محیط‌های شهری، ایجادکننده حس تعلق به مکان و نشانه‌ای از وجود عقیده‌ای مشترک و همگنی هستند و از سویی موجب معرفی، تمایز، تفاوت و تشخیص شهرها از یکدیگر می‌شوند. همچنین نباید این موضوع را از خاطر برد که نمادها از لحاظ فنی می‌بایست زیبا و باشکوه کامل ساخته شوند، چرا که سال‌های طولانی می‌بایست پیام خود را که یادگاری از فرهنگ، اجتماع یا تاریخ است به ناظران

برسانند. بنابراین در انتخاب و ساخت نمادهای شهری می‌بایست نکات عمده‌ای را درنظر گرفت.(افشار،۱۳۸۳،ص۷۷) نمادها براساس پیشینه و سابقه شهرها اشکال گوناگونی به خود می‌گیرند و اندازه‌ها و کیفیت‌های متفاوتی هم دارند. مجموعه ویژگی‌های یک شهر پدیدآورنده نماد یا نشانه‌های شهری است. غلامرضا پاسبان، معمار و پژوهشگر شهری درخصوص مفهوم نمادهای شهری چنین توضیح می‌دهد:« نماد شهری عبارت است از عنصر یا فضایی که تداعی‌کننده خاطره مشترک برای مردم شهر باشد. نمادها موجب ماندگاری خاطره برای گردشگران و مسافران می‌شوند و به‌علاوه به خوانایی شهر یاری می‌رسانند تا فضاها با بلوک‌ها و یافت‌های پیرامون در مفهوم یا برداشتی مشترک مشارکت کنند».در اینجا بی‌مناسبت نیست به گفته‌ای از کوین لینچ اشاره شود، که:«شهری که دارای نماهایی آشکار، خوانایی و یا وضوح کامل باشد، بدین تعبیر به‌نظر خوانا و مشخص می‌رسد. چنین شهری چشم و گوش را به توجه بیشتر دعوت می‌کند و افراد را به جانب خود می‌خواند».

پاسبان نمادها را به پنج دسته تاریخی، طبیعی، مذهبی، معماری و یادمانی و افسانه‌ای تقسیم می‌کند و در مورد عوامل انتخاب و ساخت نماد چنین توضیح می‌دهد:«اگر نماد شهری عنصری فیزیکی و کالبدی باشد باید تداعی‌کننده و یادآور ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک شهر باشد و یا به نوعی بیان‌کننده ارزش‌های آن شهر باشد. اگر در ساخت نماد نگاهی به گذشته و نگاهی به آینده وجود داشته باشد، این نماد توفیق بیشتری در ماندگاری خواهد داشت. (همان منبع:ص۷۹)



وندالیسم و ارزش های بصری شهر سالم

لغت نامه اکسفورد۱۹۸۷وندالیسم را مشخصه وندال ها Vandalمی داند. وندال ها کسانی هستند که از روی میل ورغبت عمدا آثارهنری عمومی وخصوصی را ازبین می برند وطبیعت را خراب می کنند. فرهنگ واژه های مکتب سیاسی، فلسفی، هنری وادبی ۱۳۷۶()) وندالیسم را «تمایل شخصی به محو آثار هنری یا خراب کردن آنها وچیزهایی که اصولادارای ارزش هستند تعریف کرده است. (خدایار، ۱۳۶۷).وندالیسم به یک معنا تخلیه روانی است. درحقیقت وندال کسی است که به نوعی ازیک خشم درونی رنج می برد. بسیاری ازصاحب نظران براین باورند که وندالیسم نوعی تلافی ویا انتقام جویی است که تخریب اموال عمومی ومحیط زیست عمده ترین حاصل آن است، آنها معتقدند که گرچه وندالیسم ریشه در روان پریشی افراد وناکامی های آنها دارد اما تخریب

اموال عمومی نوعی انتقام جویی دربرابرکمبودهای رفاهی واجتماعی است که افراد انتظاردارند. (ترکاشوند،۱۳۸۸،ص۲۰) در بسیاری از تحقیقات(تایلور ۱۹۷۳، فلکس ۱۹۸۶، استفنس میز ۱۹۸۹، گلداستون ۱۹۹۰، کلارک ۱۹۹۱ و..) به این نتیجه رسیده‌اند که وندال‌ها و جوانان بزهکار به طور دراماتیک یکی از بارزترین و مشهودترین گروههای بیگانه در جامعه معاصر هستند.به زعم این صاحب‌نظران وندال‌های بیگانه معمولاً در خانه‌هایی غیرمنضبط با والدینی سردرگم و مردد و نامطمئن از ارزشها و فلسفه اجتماعی پرورش یافته و غالباً احساس درماندگی واحساس اجحاف خود را به صورت قهرآمیز و پرخاشگرانه در مقابل نسل بزرگتر، صاحبان قدرت و همه نهادها و سازمانهای تأسیس شده در جامعه نشان می‌دهند. در اشکال زیر شاهد نمونه های از وندالیسم می باشیم(تبریزی ،۱۳۷۹،ص۱۹۸)

در عصر حاضر فرهنگ شهروندی یک ضرورت اجتماعی است که به صورت سازه اجتماعی ناشی از بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه همراه با تنوع فرهنگ ها، معانی مختلفی را در جامعه شکل می هد؛ بر این اساس « به طور کلی شهروندی یک نوع قرار داد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل " دولت بر مردم و مردم بر دولت" و همچنین یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی در یک محدوده مشخص است.» (عاملی، ۱۳۸۰،ص۱۶۸)



نمونه هایی از اجحاف و پرخاشگری وندال ها در شهر می باشد.

(www.farhangshenasi.com)

یکی از ملموس‌ترین هنرهای مورد علاقه بشر از قدیم تاکنون، هنرهای دیداری (بصری) بوده است. نقاشیهای دیواری، مجسمه‌های خدایان و محبوبان ، خود از نمونه‌های موجود در فضاهای جدید اجتماع انسانی هستند آن‌چه از این دسته موردنظر این گزارش است، هنر مجسمه‌سازی و استفاده از آن در غنا بخشیدن به فضاهای عمومی شهری است.

ساخت مجسمه ها اصولاً هزینه های زیادی را در بردارد و معمولاً با مصالحی نظیر برنز،سنگ فلز،بتن و … به سبک های مختلف کلاسیک و مدرن طراحی می گردند.عموما جهت ماندگاری و ایستایی نیاز

به یک پایه دارند ؛از نظر موضوع و مضمون ممکن است مربوط به مشاهیر،شهدا و … و یا به صورت نمادهای مدرن در ارتباط با فضا باشند. (مرادی،۱۳۸۸،صص۱۵–۱۲) میدان‌ها، پارک‌ها، و خیابان‌ها بیشترین تعداد مجسمه‌های شهری را در خود جاتی داده‌اند و با توجه به میزان بالای استفاده شهروندان از این فضاها، ضروری است که هر گونه اقدامی برای نصب یک اثر حجمی، مطابق با ذوق و سلیقه شهروندان و با در نظر گرفتن معیارها و اصول صورت پذیرد در واقع نمی‌توان با هر اقدامی در این فضاها امید به جلب و جذب مردم داشت. پیکره‌هایی که برای فضاهای عمومی طراحی و نصب می‌شوند، می‌بایست به عنوان یکی از عناصر فضاهای شهری، خود تابع قوانین حقوقی و هنری و علمی باشند. تنها با رعایت اصول و ضوابط کمی و کیفی است که مجسمه‌ها می‌توانند دارای بار هنری، آموزشی ، فرهنگی و اطلاعاتی باشند. (موسوی وعبدی ، ۱۳۸۱ ، صص ۱۳۴–۱۳۰)



(نمونه ای از مجسمه در پارک ها)

مکانیابی مجسمه‌ها

هر اثر حجمی همان اندازه که می‌تواند موجب زیبایی فضا شود و چشمان ناظران را به خود جلب کند چه بسا موجب آشفتنگی و ناراحتی و آزار آنان نیز بشود. یکی از موارد مهمی که که باید در نصب تندیس های شهری مورد توجه قرار گیرد مکان یابی آنهاست همواره باید توجه داشته باشد



که مکان نصب تندیس یا وضوع آن ارتباط مناسب و معنا داری داشت باشد تا فرد با دیدن آن تندیس ویژگی های محیط را به خوبی دریابد به عنوان مثال مناسب ترین مکان برای استقرار یک تندیس تاریخی ، اطراف موزه ها ، نمایشگاه ها و یا در بافت های تاریخی می باشند .
بارعایت باورهای فرهنگی و مذهبی ، استفاده از سمبل های محلی ، بومی یا مورد علاقه مردم جذابیت محیط های شهری خواهد افزود. (زنگی آبادی،تبریزی،۱۳۸۳،ص۶۸)

علامه در این زمینه چنین می‌گوید: «اکنون اداره حجم در حال بررسی مجسمه‌هایی است که قبلاً نصب شده‌اند. برخی از مجسمه‌های با اصول و ضوابطی که شورای علمی اداره اعلام کرده است همخوانی ندارند و

مناسب فضایی که در آن نصب شده‌اند نیستند و حتی در مواردی وجود داشته است که خود شهروندان راغب بوده‌اند مجسمه‌ای از یک محل برداشته شود. بعضی از آثار در جاهای نصب شده‌اند که بسیار پرتردد هستند، و مجسمه موجب پرت شدن حواس راننده در حین رانندگی می‌شود. در این صورت حتماً باید آن پیکره به محل دیگری منتقل گردد مسئله دیگری که باید به آن توجه داشت، این است که هر حجم تاریخ انقضاء دارد؛ یعنی مثلاً می‌توان برای آن تعریف کرد که چند سال در یک محل نصب شود و بعد از آن به مکان دیگری انتقال یابد»

مهدی حبیب‌مقدم، طرح و برنامه سازمان زیباسازی، در این باره اظهار می‌دارد: «آثار حجمی موفق و ناموفق زیادی در سطح شهر وجود دارد که باید مورد بررسی شورای نظارت بر احجام قرار گیرد و محل نصب صحیح آن‌ها معین شود.» کارشناسان عقیده دارند که برای تحریک احساسات زیبایی شناسانه شهروندان باید پیکره‌ها را در مکان‌هایی قرار



درد که فرصت نگریستن به آن‌ها بیشتر شود، و از طرفی نیز میزان آگاهی بیننده افزایش یابد(موسوی و عبدی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲)

تندیس های رئال و انتزاعی

اکثر تندیس های موجود در کشور از گروه رئال بوده و تندیس های انتزاعی کمتر در سطح شهرها دیده می شود قابل ذکر است که به دلیل باورها و اعتقادات خاص مردم ما باید در استفاده از مجسمه های انسانی نهایت دقت را به عمل آورد تا این عناصر از طرف شهروندان پذیرفته شده و از تخریب گرایي جلوگیری شود . از موارد مهمی که همواره در مکان یابی انواع مختلف تندیس در نظر گرفته شود ارتباط منطقی بین موضوع تندیس و مکان نصب آن است به عنوان مثال بهتر است از مجسمه های تاریخی در اطراف موزه ها و بناهای تاریخی، از مجسمه های ورزشی در محدوده اماکن ورزشی و از پیکره های سمبلیک هر شهر در ورودی های آن استفاده نمود. به منظور گویاتر شدن هر نوع تندیس، چه انتزاعی و چه رئال بهتر است در پایه یا در محل نصب آن شرحی از موضوع تندیس ، واقعیت آن، تفکر و ایده طراح و سایر موارد لازم درج شود تا به بازدید کنندگان در درک موضوع کمک نماید. معمولاً میدان ها، پارک ها خیابان ها ، و سایر مکان های عمومی، بیشترین تعداد تندیس ها و نمادهای شهری را در خود جا می دهند .یکی از نقاطی که همواره باید در فضاهای شهری با آثار هنری نظیر تندیس ها مد نظر باشد ، ورودی هاست معمولاً بهتر است در ورودی ها

به ویژه در شهرهای مسافر خیز، از عناصر سمبلیک همان شهر استفاده شود تا علاوه بر آشنایی ضمنی افراد غیر بومی با سمبل های شهر یا منطقه بر هویت آن نیز تاکید گردد . استفاده از سمبل های ملی و یا منطقه ای که ریشه در باورها و اعتقادات ملت ها دارد ، در برقراری ارتباط دو سویه بین شهروندان و این عناصر و در نتیجه حفظ آنها بسیار موثر است. تلفیق مجسمه ها با انواع گیاهان زیبا به خصوص در مکان های عمومی مانند : پارکها، اماکن مذهبی، گورستان ها و در خلق فضایی زیبا موثر خواهد بود . (زنگی آبادی، تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۶۸)



تندیس ها با کاربری و پیام ویژه

همواره هدف طراح از ساخت و ارائه یک تندیس ، بالا بردن کیفیت فضاهای شهری یا زیباسازی آنها نیست، بلکه در بعضی موارد نیز تنها بیان مشکلات و دردهای اجتماع به صورت یک تصویر عینی و غیر



قابل انکار مد نظر است. استفاده از سمبل های اعتقادی در مکان های مذهبی علاوه بر نمایش کاربری محل نصب بر زیبایی و جذابیت آن مکان در نظر مراجعین خواهد افزود. استفاده از تندیس جهت ارائه باورها و ارزش های ملی با انتقال مسایل و مفاهیم سیاسی تجربه دنیا به دو بلوک شرق و غرب. نصب تندیس های مورد علاقه کودکان در مکان های مناسب بر جذابیت های محیط برای این گروه سنی حساس و کنجکاو خواهد افزود.

در طراحی و نصب تندیس های رئال یا واقعی همواره باید اعتقادات و فرهنگ مردم بومی منطقه را در نظر داشت چرا که طراحی هر نوع مبلمان زمانی موفق خواهد بود که طراح از طرف شهروندان مورد قبول واقع شود در غیر این صورت مورد آسیب عمده ای قرار گرفته و یا به مرور زمان بر اثر بی توجهی از بین خواهد رفت . (همان منبع ص ۸۲)



تاریخچه و کاربرد مجسمه های شهری

حسین سلطان زاده در کتاب فضاهای شهری در بافتهای تاریخی ایران مطرح می نماید که منظور از عنصر یا فضای میانی ،عنصر و فضایی است که میان میدان احداث شده و دارای کارکرد معینی باشد، بنابراین هر عنصر یا فضایی که به صورت اتفاقی و فکر نشده در میان میدان قرار گیرد و در صورت تغییر مکان ،هیچ تغییری در نحوه فعالیت های میدان و برگزاری مراسم در آن روی ندهد از عناصر یا فضاهای میانی به شمار نمی آید

سید حسین بحرینی معتقد است، ارزشها در طراحی شهری را می توان به پنج شکل معرفی نمود استفاده از این روشها در طراحی مجسمه های شهری در جهت ارائه هویت و سیمای شهری مطلوب، مناسب باشد . لذا در اینجا به معرفی این روشها از دیدگاه طراحی مجسمه های شهری می پردازیم.

۱- آنچه را که مردم می بینند ،یعنی توانایی درک واقعی از محیط اطراف بگونه ای که صرفاً بعضی از مفاهیم مومی مانند وجود تناسبات زیبا ،ترکیبات حجمی مناسب و ترکیب های رنگی متعادل و ... را درک نماید و احساس لذت را از یک اثر هنرمندانه داشته باشد (سپیلی، ۱۳۸۵،

۲- آنچه را که مردم می ستایند که به مفهوم قدرت ستایش ،فهم

و استفاده از محیط شهری است . در این مورد میتوان به الگوهای قدیم میدانهای شهر ناین ویزد اشاره نمود . همانطور که اشاره شد این عناصر میانی در میدانها از تقدس برخوردار بودند و بطور روزمره نیز با آنها در ارتباط بوده اند . این طور



(نمونه از مجسمه با محوریت معنا)

بنظر می رسد که در حال حاضر برج آزادی تهران چنین کارکردی را داشته باشد ..

۳- آنچه را که مردم می توانند استفاده کنند . به معنی وجود و دسترسی واقعی به فضاهای شهری طی فعالیت های روزانه است. در این خصوص طراحی فضاهایی می تواند مد نظر قرار گیرد که با کمک مجسمه های شهری به شکلی هدفمند ،ارتباطات روزمره بین مردم را بهتر و موثرتر برقرار سازد . به عنوان مثال با توجه به رده سنی، طراحی یک پارک که با در نظر گرفتن اشکال حروف الفباء یا اشکال هندسی مجسمه های حیوانات و از این قبیل جنبه های ارتباطی و آموزشی کودکان را امکان پذیر. (همان منبع، صص ۸-۵)

۴- آنچه را که مردم به خاطر می آورند . منظور یادآوری تجارب خاطرات خوب یا سخت گذشته است . ساخت اینگونه از مجسمه های شهری تقریباً بیشتر دیده میشود . بطوریکه هدف یادآوری وقایع گذشته که عموماً بصورت انتزاعی نیز می باشند ، قصد دارد ارزشهای ماندگار را در اذهان عمومی حفظ نماید . از این نمونه ها می توان یادبود هایی را که در کشورهای مختلف برای یادمان جنگ و دفاع از میهن ،وقوع انقلاب و تغییر حکومت و از این قبیل دانست .

۵- آنچه که مردم تداعی می کنند . که مربوط میشود به جنبه های نمادی ،فرهنگی ،تاریخی و معنوی درفضاهای شهری بنظر میرسد بیشترین کاربرد مجسمه های شهری با مفاهیم ذکر شده ودر قالب های ذیل قابل دسته بندی باشد .

الف : تداعی شخصیت های علمی و فرهنگی ،ویژگیهای شخصیتی اسطوره ها ،قدرت پادشاهان ،...

ب: تداعی مفاهیم و ارزشهای فرهنگی مانند دیانت، شجاعت، حجاب ج: تداعی اصالت های ملی و بومی از فرهنگ گذشته یک کشور یا منطقه

د:تداعی ویژگیهای شاخص جغرافیایی مانند معرفی نوع پوشش گیاهی یک منطقه ،رودخانه ،کوه ،غار ،... پس از شناسایی ارزشها در امر طراحی مجسمه های شهری اصلی ترین مسئله نوع طراحی از دیدگاه رعایت اصول زیبایی شناسی است که قطعاً یک امر تخصصی می باشد و نباید مسئولیت آن به افراد بدون تجربه و آگاهی سپرده شود





شاید اصلی ترین نقدی که بر طراحی مجسمه های شهری می باشد . نوع بیان ارزشها و تبدیل مفاهیم به کالبد و جسم است که عموم ارائه مفاهیم بطور مستقیم و با صراحت می باشد . بدون اینکه از استعارات و ایهامات بهره ای برده باشد.(همان منبع، صص ۸-۵)

مجسمه و هنر

از آنجایی که مجسمه ها هنر را به میان مردم می آورند از این رو می توان مردم را با سبکهای هنری قدیمی یا جدید آشنا ساخت و بر دانش هنری و سواد بصری آنها بیفزاییم.

مجسمه های شهری را به روش های مختلفی می توان طبقه بندی کرد. در تقسیم بندی ذکر شده بیشتر توجه به بکار گیری آنها در میادین شهری بود. شاید یکی از انواع آنها که بیشتر در فضاهای عمومی و پارک ها قرار می گیرند، مجسمه هایی باشند که با تداعی کردن حرکت و نشاط، تعریف آن فضا را تغییر داده و به عنوان حلقه ارتباط دهنده روح انسان با محیط اطرافند. (مزینانی، ۱۳۸۱، ص۸۵)

مجسمه ها و تندیسها بعنوان ساختارهای حجمی موثر بر ذهن بیننده می تواننددر مکان سازی و طراحی محیط های شهری به کار گرفته شوند . نکته مهم در استفاده از این عنصر توجه به وحدت و انسجام مجسمه ها با محیط و نیازهای سیمای شهر است تا فضایی قابل فهم و هویت بخش ایجاد شود. نه اینکه عنصر مزاحم دیگری بر سایر عوا مل مشغوش کننده محیطها شهری افزوده گردد .

لقابی آشننگی محیطهای شهری را یکی از معضلات شهرها عنوان می کند و حرکت در جهت کم کردن عناصر مخل آسایش بصری را اولین گام در زیبا سازی شهرها می داند . وی در ادامه ، توجه نکردن به خواست و تمایل مردم را عامل بی توجهی آنها به طرحها و مجسمه ها بر می شمارد ، و می افزاید: با حذف عناصر زائد و بازگرداندن آسایش بصری در شهرها ، می توان در سیر زیباسازی قرار گرفت بنابراین زمانی که صحبت از به کارگیری یک تندیس برای هویت دادن به یک فضا به میان می آید به مکان بجا و مناسب برای آن توجه کرد و در این راه از نظر سنجی از شهروندان کمک گرفت تا رضایت خاطر آنها فراهم شود(همان منبع ص۸۵)

کاربرد رنگ در مجسمه

بارزترین تفاوت بین مجسمه های قدیمی و جدید ، کاربرد رنگ

آنهاست .مجسمه سازان دوره رنسانس با خلق دوباره زیبایی دنیای باستان ، از به کار بردن رنگ خود داری نمودند. سه قرن بعد ،هنگام انقلاب نئوکلاسیک (کلاسیک جدید) ، پیکره های کاملاً سفید رنگ تبدیل به گزینه ای بدون چون و چرا شدند.از اینرو، تعبیر در مورد هنر های تجسمی یونان باستان چنان فراگیر بود که باستان شناسی جدید آن را رد کرد و به کارگیری رنگ در آثار به منزله توهینی به مخاطب آگاه بود و باعث جار و جنجال زیاد و مخالفت گسترده ای شد با وجود تجربیاتی در زمینه آثار رنگی ، بیش از ۵۰ سال طول انجامید تا کاربرد رنگ در مجسمه های دو بعدی و سه بعدی احیا شود.

با این وجود، احساسات رمانتیک ، به تدریج علاقه به کاربرد رنگ را در آثار ساخته شده از سنگ مرمر، گل رس ، گچ ، سفال، برانگیخت. « هوتر دامبر » (۱۸۷۹-۱۸۰۸)هنرمند سنت شکن سبک رئال با ساحت مجموعه ای از مجسمه های کوچکی از کاریکاتور شخصیتهای سیاسی معاصر خود از جمله « ژان کلود فالکرون» (۱۸۵۹) در سال ۱۸۳۲ ، از آن ها به عنوان نمونه هایی برای دو مجموعه طنز آمیز از آثار چاپ سنگی خود استفاده نمود. (نوردون، ۱۳۸۶، ص ۸)

بحث و نتیجه گیری

طراحی مبلمان شهری با توجه به محیط اطراف و نوع کاربری آن صورت می پذیرد و هویت بخشیدن به آن فضاها،علاوه بر ویژگی فرم و طرز قرارگیری ساختمان های اطراف،به چگونگی استقرار و کیفیت عناصر مبلمان نیز بستگی دارد.از این رو،در طراحی مجسمه ها،خصوصاً محوطه های مرکز شهر ،باید توجه خاصی به فرم مبلمان و هماهنگی آن با محیط پیرامون شود .میزان کارایی و مفید بودن مبلمان ،با نحوه استفاده کاربران و برطرف کردن نیاز آنها سنجیده می شود.اضافه کردن برخی عناصر به مبلمان شهری یا تخریب آنها از سوی استفاده کنندگان ،نشان از پاسخ گو نبودن این اجزا برای آنان دارد.

از این رو،با توجه به هزینه های زیاد طراحی،نصب و نگهداری هر یک از اجزا وعناصر مبلمان،طراحان و مسئولان شهرها باید از نوعی مبلمان استفاده کنند که علاوه بر دوام،استحکام و ایمنی، از طرح مناسب و زیبایی نیز برخوردار باشد (مرادی ،۱۳۸۸،ص۱۵) پر واضح است که مجسمه ها و سردیس ها به لحاظ زیبایی می توانند سهم مهمی در ارتقا کیفیت فضاها و ایجاد محیطی آرام و سالم و سهم مهمی در تصورات ذهنی شهروندان داشته باشند.

اما با این همه در شهر های کشور ما که دغدغه از دقایقش پیداست و رواق منظر شهر می تواند کرانه امنی برای خاطره ها، برای سنگ تراشه و تندیس باشد. امروزه ، مجسمه ها خالق هارمونی و همنوایی در شهر بیان کننده فرهنگ و تمدن در کشور هستند . مجسمه ها و سردیس ها معرف عملکرد و روحیه میدان یا محدوده پیرامون آن ، یا تداعی عملکرد و تقویت تعامل آنها با مدیران شهری می توان فضا های چشم نواز و همخوان با هویت شهری به وجود آورد ، بنابراین مجسمه ها به ارائه شناسنامه شهر کمک می کنند (www.zard.blogfa.com)

با توجه به سیر تحول شهر و شهر نشینی در ایران می توان

اینگونه بیان نمود که اکثر شهرهای ایران به دلیل ضعف مدیران و مسولان شهرها و ناکارآمدی نیروی های ساماندهی شده و غیر متخصص به لحاظ بصری و خوانایی،در جهت عملکردهای نامناسب چهره نامطلوبی به سیمای شهرها بخشیده است و از آنجا که به اعتقاد برخی کارشناسان مجسمه ها و سردیس ها صرفا بخشی از مبلمان شهری شمرده می شوند، اما به اعتقاد نگارنده مجسمه را می توان جزء کاملی از مبلمان شهری به حساب آورد که دارای ویژگی های حجمی فیزیکی و کاربردی می باشندکه زیبایی خاصی به شهرها بخشیده است و عمدا بکار گیری و استفاده از این آثار حجمی (اعم از شخصیت های علمی ،سیاسی

منابع و مأخذ

- ۱- سهیلی، جمال الدین،طراحی مجسمه های شهری، اولین همایش بین المللی شهر برتر، طرح برتر سازمان عمران شهرداری همدان،۱۱و۱۲،مرداد ۱۳۸۵.
- ۲- عینی، حمیدرضا، هنشناسی مجسمه با مبلمان شهری، مجله هنر، شماره ۲۹، تیر۱۳۸۳.
- ۳- کاملی، هدا، مروری تصویری بر نخستین دوسالانه مجسمه های فضای شهری، اول آبان تا ۱۵ آذرماه،۱۳۸۵.
- ۴- مزینانی، فهیمه ، مجسمه های شهری زشت، زیبا، بلا تکلیف، ماهنامه شهرداریها، سال چهارم، شماره ۳۹،۱۳۸۰.
- ۵- موسوی، سیروس و عبدی، زهرا، تندیسها، عنصر حیات بخش فضاهاى شهری، ماهنامه شهرداریها، سال چهارم، شماره۴۰،۱۳۸۰.
- ۶- زنگی آبادی، علی و تبریزی، نازنین، ۱۳۸۳، طراحی و برنامه ریزی مبلمان شهری، انتشارات شریعه توس.
- ۷- اکبری،عباس،مجسمه سازی شهری ،مجله هنر،شماره ۱، ۱۳۸۱،ص ۳
- ۸-محمدنژاد،مریم و همکاران،مکانیابی مبلمان شهری با استفاده ازGIS، دوماهنامه شهرنگار، شماره ۵۰، بهمن ۱۳۸۷
- ۹-محمدی، علی، فرهنگ اصفهان، شماره ۱۷و ۱۸ زمستان ۱۳۷۹،ص۱۶۴.
- ۱۰- برارایانی، ستاره،فرم و فضا در مجسمه سازی معاصر، مجله هنر تندیس، شماره ۵۵، مرداد ۱۳۸۴
- ۱۱- نوردون، آدینا، تأثیر رنگ در مجسمه سازی در طی قرون، ترجمه عبدالحسین،کامکار ،مجله هنر تندیس ، شماره ۱۰۳، ۱۳۸۶ .
- ۱۲- مرادی، مسعود، طراحی محیط آموزشی، فصلنامه معماری محوطه،سال سوم، شماره ۱۰و ۱۱، زمستان ۱۳۸۷و بهار۱۳۸۸.

- ۱۳- خدایار، امیر مسعود. ۱۳۶۷ فرهنگ واژه های مکتب های سیاسی، فلسفی، مذهبی، هنری و ادبی تهران، انتشارات خورشید.
- ۱۴- تراکشوند، علی، جوانی وتخریبگری اجتماعی وندالیسم پدیده ای در عصر حاضر، روزنامه رسالت شماره ۶۹۳۵، ۱۳۸۸، صفحه ۲۰(اجتماعی)
- ۱۵- عاملی، سعید رضا، ۱۳۸۰، تعامل جهانی شدن،شهروندی، و دین، نامه علوم اجتماعی، پائیز و زمستان،شماره۱۸، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۱۶- محسنی تبریزی، علیرضا، مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته های یک تحقیق، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۹

www.farhangshenasi.com-۱۷

www.urbanfurniture.blogf.com-۱۸

www.zard.blogfa.com-۱۹



(... نه تنها در میادین بلکه در پیاده روها ،مراکز علمی ، تفریحی و توریستی و ... چهره مناسب آنچنان که درخور یک شهروند می باشد برای شهرها ایجاد می نماید .اما متأسفانه این آثار حجمی در کشور ما بر خلاف کشورهای غربی عملاً کاربرد نداشته و توجهی به این مسله نشده است و اصولاً اندک کارهای انجام شده به صورت سمفونی های نامنظم ،علاق و سلیقه های شخصی نصب و اجرا شده اند و هیچ گونه توجهی به ملاحظات و استانداردهای این آثار حجمی اعم از (اقلیم، رنگ ،هویت، خوانایی) نشده است و این مقاله شاید نقدی باشد بر جامعه شهر و شهرسازان و متولیان شهرها.

اهتزاز بزرگترین پرچم ایران



است. پرچم موردنظر از پارچه مقاوم پلی استر تهیه شده که به طور متعارف اینگونه پارچه‌ها وزنی در حدود ۳۰۰ گرم در هر مربع دارند که برای یک پرچم ۴۲ در ۲۴ متری، وزن آن بالغ بر ۲۰۰ کیلوگرم خواهد بود. نوع سازه پایه پرچم مخروطی فولادی است.

صفه پرچم در یکی از مرتفع‌ترین قسمت‌های بوستان طالقانی واقع شده که شامل برج پرچم، مسیر و پل دسترسی، تجهیزات جانبی و محل استقرار کادر فنی است. از تجهیزات به کار رفته در این پروژه می‌توان به سامانه نگهدارنده و بالابر پرچم، دوربین ضد لرزش دستگاه هواسنج، صاعقه‌گیر و چراغ هشدار هواپیما اشاره کرد.

این پروژه به عنوان یک نماد شهری، نماد مرکز فرهنگی جهان اسلام را نیز در بر دارد و مراحل نصب آن روبه‌روی باغ موزه دفاع مقدس و جنب بوستان طالقانی صورت گرفته است.

لازم به یادآوری است که با اهتزاز بزرگترین پرچم جمهوری اسلامی، بر فراز باغ موزه دفاع مقدس هفتاد و دومین پرچم جمهوری اسلامی در تهران به اهتزاز درآمد.

پرچم به عنوان نمادی از باورها، ارزش‌ها و هویت هر کشور جایگاه ویژه‌ای در معرفی فرهنگ و اعتقادات هر ملت داشته و ادای احترام به پرچم همیشه و در همه کشورها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و برافراشتگی آن با تکیه بر مذهب و فرهنگ نزد همه ملت‌ها اعتبار و اهمیت خاص دارد.

بهره‌برداری از بزرگترین برج پرچم جمهوری اسلامی ایران با ارتفاع ۲۱۰ متر در هفته دفاع مقدس صورت گرفت. محل استقرار پرچم به گونه‌ای در نظر گرفته شده که مشرف به مقبره‌الشهدا و باغ موزه دفاع مقدس است.

این پرچم بلندترین پرچم در کشور و سومین پرچم بلند جهان است که با توجه به توپوگرافی محل نصب، در ارتفاع ۲۱۰ متری به اهتزاز در می‌آید و با ارتفاع ۱۵۷۰ متر از سطح دریا رتبه نخست را به لحاظ ارتفاع از سطح دریا در جهان دارد و نصب آن توسط شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری تهران انجام شد.

پایه پرچم ۱۵۰ ارتفاع دارد و ابعاد پارچه پرچم بیش از ۴۲ در ۲۴ متر



کوچه‌های آشتی‌کنان کرمانشاه در انتظار نوسازی

کرمانشاه:

امروزه بعضی از محله‌های چند صدساله کرمانشاه که معابر باریک آن عبور شانه به شانه رهگذران را موجب می‌شد و به محله‌های آشتی‌کنان شهرت یافته بودند، جزو بافت‌های فرسوده در دسرافرین هستند که در انتظار مرمت و بازسازی به سر می‌برند.

به گزارش مهر، پس از گذشت سال‌ها و پیشرفت‌هایی که در شهر به‌وجود آمده است، این محلات و کوچه‌های آشتی‌کنان خیلی تغییری نکرده و به مرور زمان به بافت‌های فرسوده‌ای تبدیل شده‌اند. آنچه نگران‌کننده است وضعیت نامناسب این بافت‌های شهری است؛ بافت‌هایی که در خیلی از نقاط شهر از جمله محدوده جلیلی (آشیخ هادی)، خیابان شهید اشک تلخ (برزه دماغ)، محدوده میدان غدیر تا خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی (کل هواس)، خیابان مهدیه و خیابان شهید مدنی (مصوری)، منز، بلوار شهید رجایی (وکیل آقا) و...، تمام شاخصه‌های بافت‌های فرسوده قابل مشاهده است و متأسفانه با تمام وعده‌هایی که از سوی مسئولین در این خصوص داده می‌شود این بافت‌ها همچنان چهره‌ای ناخوشایند به شهر بخشیده و مسبب مشکلات فراوانی شده‌اند که این نشان از اعمال یک مهندسی شهری ضعیف دارد.

طبق تعاریف، بافت فرسوده شاخصه‌های زیر را داراست:

۱- ریزدانی: بلوک‌هایی که بیش از ۵۰ درصد آنها مساحتی کمتر از ۲۰۰ مترمربع داشته باشند.

۲- ناپایداری: بلوک‌هایی که بیش از ۵۰ درصد بناهای آن ناپایدار و فاقد سیستم سازه‌ای باشند.

۳- نفوذناپذیری: بلوک‌هایی که بیش از ۵۰ درصد معابر آن عرض کمتر از ۶ متر داشته باشند. درباره مشکلاتی که بافت‌های فرسوده شهر به‌وجود می‌آورند، می‌شود به وضعیت کوچه‌های محله‌هایی چون شریعتی در جنوب شهر کرمانشاه اشاره کرد؛ به‌نحوی که با توجه به تمام ساخت و سازها و آپارتمان‌سازی‌هایی که در این محدوده صورت گرفته است اکثر این کوچه‌ها همان کوچه آشتی‌کنان باقی مانده‌اند؛ آپارتمان‌هایی بلند در کوچه‌هایی باریک، همراه با تردد ماشین‌هایی که پارکینگ ندارند.

ساکنین این محلات علاوه بر مشکلات مذکور همگی از بالا آمدن سطح فاضلاب هنگام بارش باران گلایه و شکایت دارند. آنچه از همه نگران‌کننده‌تر است نبود راه‌حل مناسب هنگام بروز چنین اتفاقاتی است چرا که نقشه مناسبی از سیستم آب و فاضلاب این مناطق در دست نیست و بارها اتفاق افتاده که برای برطرف کردن یک مشکل مجبور به کندن چندین نقطه از این کوچه‌ها می‌شوند که این نیز به نوبه‌خود معضلات و مشکلات دیگری را به بار می‌آورد.

نبود استحکام لازم در بافت‌های فرسوده و قدیمی بودن این بافت‌ها از نظر نقشه ساخت مشکل خطرآفرین و مهم دیگری است که سبب می‌شود اولاً ساکنین این محلات به راحتی نتوانند از امکانات روز از جمله گازکشی شهری و... استفاده کنند و ثانیاً مدام نگران این مسئله باشند که با رخ دادن زلزله‌ای هر چند خفیف آیا جان سالم به در می‌برند یا خیر؟

به گفته مدیرعامل سازمان بهسازی و نوسازی کرمانشاه از کل مساحت شهر کرمانشاه بیش از یک‌هزار و ۲۲۸ هکتار به‌عنوان بافت فرسوده محسوب می‌شود. وی با اشاره به مساحت ۱۰ هزار هکتاری شهر کرمانشاه افزود: سازمان بهسازی و نوسازی همراه با شرکت



عمران مسکن سازان منطقه غرب برای بازسازی بافت‌های فرسوده شهر اقداماتی انجام داده است. بهرام اسماعیلی از جمله این اقدامات را پیش‌بینی امتیازاتی مثل تخفیف‌های ۱۰۰ درصدی عوارض ساختمانی برای بازسازی بافت‌های فرسوده در کرمانشاه ذکر کرد و گفت: این میزان برای دیگر استان‌های کشور تنها شامل ۵۰ درصد است. اسماعیلی امتیازات دیگر را مربوط به خیابان مدرس دانست و گفت: خیابان مدرس هسته مرکزی شهر کرمانشاه است که باید احیا و نوسازی شود. وی افزود: هر کس در این خیابان یک متر مربع فضا ایجاد کند ۱۰ مترمربع فضای تجاری در اختیار او قرار داده می‌شود. وی ادامه داد: در طول این خیابان، ۵۶ پروژه کوچک و بزرگ با کاربردهای مختلف وجود دارد که برای احیای آن انرژی زیادی لازم است.



مدیرعامل سازمان بهسازی و نوسازی کرمانشاه همچنین به بهره‌برداری ۳۰ پروژه در خیابان مدرس اشاره کرد و گفت: هر کدام از این پروژه‌ها عمق نفوذ مختلفی در بافت فرسوده دارند. اسماعیلی گفت: اعطای تسهیلات بانکی تا سقف ۸۰ درصد کل هزینه‌های هر پروژه، معافیت‌های ویژه خیابان مدرس، تسهیل‌گری سازمان بهسازی و نوسازی شهر کرمانشاه در تمامی جوانب برای سرمایه‌گذاران و حمایت مسئولین ارشد استان، از جمله امتیازات دیگر برای کمک به احیای بافت‌های فرسوده در کرمانشاه است. وی در پایان به ماده ۱۷۱ قانون برنامه پنجم توسعه، در رابطه با عودت بخشی از معافیت‌ها به شهرداری اشاره کرد و گفت: متأسفانه وزارت مسکن و شهرسازی تاکنون به قول‌هایی که داده، عمل نکرده است.

به هر حال رسیدگی هرچه سریع‌تر مسئولین شهر برای رفع معضل بزرگ بافت‌های فرسوده در کرمانشاه که از کلانشهرهای کشور است و تخریب، تعمیر و بازسازی این بافت‌ها، برای داشتن شهری زیبا و امن، ضروری به‌نظر می‌رسد.

تبدیل بازار به قطب تاریخی و تفریحی پایتخت

معاون حمل و نقل و ترافیک شهردار تهران از بازار به عنوان قطب اقتصادی پایتخت نام برد و گفت: اکنون محدوده بازار و محورهای اطراف آن در حال تبدیل شدن به قطب تاریخی و در عین حال تفریحی تهران است.

سیدجعفر تشکری هاشمی افزود: نگاه مدیریت شهری به محدوده بازار و به طور کلی به هسته تاریخی پایتخت در رویکرد حمل و نقلی و اجتماعی و فرهنگی داشته که در این دو رویکرد همسو با هم و در جهت هم‌افزایی مجموعه برنامه‌های پیش‌بینی شده در این محدوده گام برداشته است. وی با اشاره به اینکه در ابتدا با ایجاد پیاده‌راه در محدوده بازار و ممانعت از ورود موتورسیکلت‌ها به این محدوده مخالفت‌هایی شد، اظهار کرد: اکنون نه تنها مردم بلکه کسبه بازار از ادامه این پروژه استقبال می‌کنند، چرا که مدیریت شهری در قالب این طرح ضمن ارج نهادن به عابران پیاده، آرامش و امنیت را به قطب اقتصادی پایتخت بازگردانده است.

تشکری هاشمی با تأکید بر اینکه در شهرهای توسعه یافته از سویی به هسته مرکزی شهر توجه بیشتری می‌شود و از سوی دیگر محدوده تاریخی شهر مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد، اضافه کرد: امتیاز تهران این است که هسته مرکزی و محدوده تاریخی شهر هر دو یکی هستند و همین موضوع باعث حفظ و تقویت پیوستگی اجتماعی و اقتصادی و همبستگی فرهنگی و تاریخی شهر می‌شود.

تشکری هاشمی با ذکر این نکته که پیش از این تنها در ساعات محدودی از روز فعالیت اقتصادی در بازار انجام می‌شد و در این مدت شاهد رفت و آمد پر شتاب انسان‌ها و خودروها در این محدوده بودیم، گفت: زمانی که قطب اقتصادی پایتخت تعطیل می‌شد گویا این محدوده به خواب می‌رفت و زندگی از این منطقه به سایر مناطق کوچ می‌کرد.

وی با اعلام اینکه در حال حاضر با ایجاد پیاده‌راه از یک سو و احیای فضای تفریحی و گردشگری از سوی دیگر روح زندگی به کالبد محدوده تاریخی پایتخت دمیده شده، افزود: فراموش نکنیم تا چند سال پیش شرایط در این محدوده به حدی بغرنج شده بود که دیگر نه تنها گردشگران بلکه مردم عادی نیز کمتر این محدوده را به عنوان یکی از گزینه‌های گردش و خرید انتخاب می‌کردند.



ویژگی‌های نخستین باغ گل‌های غرب کشور

باغ گل‌های شهر کرمانشاه به منظور توسعه فضاهای سبز خاص با مساحت ۳/۵ هکتار در کمربندی غربی، روبه‌روی بیمارستان سینا احداث خواهد شد.

مسئول پارک‌ها و فضای سبز شهرداری کرمانشاه با بیان این خبر گفت: اعتبار این پروژه ۵/۴ میلیارد تومان است و احداث این باغ به منظور احیای پارک ارغوان که یکی از پارک‌های رها شده شهر کرمانشاه بود و از لحاظ امنیتی هم مشکلاتی داشت، صورت می‌گیرد. وی در مورد ویژگی‌های این باغ، عنوان کرد: باغ گل‌ها شامل یکسری المان‌های شهری است که از جمله آنها می‌توان به باغ ملل اشاره کرد که سبک‌های گوناگون باغ‌سازی ایتالیایی، ژاپنی، فرانسوی و انگلیسی در آن انجام خواهد شد.

وی تصریح کرد: باغ ایرانی با توجه به اهمیتی که دارد در مرکز این باغ قرار خواهد گرفت که شامل یکسری المان‌های خاص از جمله کوشک باغ ایرانی است. وی در مورد زمان بازگشایی پروژه باغ گل‌های کرمانشاه، اظهار کرد: اعلام زمان پایان پروژه در بعضی از پروژه‌ها به یک معضل تبدیل شده و ممکن است زمانی را بگوئیم که نتوانیم در آن موعد آن را عملی کنیم. این مقام مسئول تصریح کرد: سعی می‌کنیم در نخستین زمانی که برای شهرداری مقدور باشد باغ گل‌های را برای تحویل به شهروندان کرمانشاهی آماده کنیم. وی افزود: بعد از برنامه کلنگ‌زنی، موضوع تکمیل پارکینگ این پروژه در دستور کار قرار دارد.



شهرداری لاهیجان در هفته هنر گیلان در تهران حضور فعال خواهد داشت



شهردار لاهیجان از حضور فعال این شهرداری در هفته هنر گیلان که در تهران برگزار می‌شود، خبر داد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری لاهیجان، رضا کهالی شهردار لاهیجان در گفت و گویی افزود: هفته هنر استان گیلان با هدف معرفی صنایع دستی، جاذبه‌های گردشگری و غذاهای محلی استان گیلان و برگزاری نمایش و آیین‌های خاص و موسیقی محلی استان گیلان از ششم تا دهم آبان ماه در فرهنگسرای نیاوران تهران برگزار خواهد شد.

کهالی اضافه کرد: شهرداری لاهیجان نیز با توجه به حضور موفق در نمایشگاه‌های مختلف کشور به عنوان یکی از برگزارندگان استانی و با هدف معرفی جاذبه‌های گردشگری، تاریخی، مذهبی و فرهنگی و هنری در برگزاری برنامه‌های این هفته مشارکت و حضور خواهد داشت.

شهردار لاهیجان گفت: چاپ و انتشار راهنما و جاذبه‌های گردشگری لاهیجان به دو زبان فارسی و انگلیسی، فیلم مستند گردشگری، نمونه آثار و کتب مفاخر شهر لاهیجان، اهدای سوغات شهر و هدایای فرهنگی و نمایش ماکت، استند از دیگر اقدامات شهرداری لاهیجان برای حضور در این برنامه فرهنگی می‌باشد.

کهالی افزود: از همه گیلانیان و هموطنان عزیز برای حضور در برنامه‌های هفته هنر گیلان و آشنایی با جاذبه‌ها و فرهنگ غنی استان گیلان دعوت می‌نمایم.

وی اضافه کرد: روابط عمومی شهرداری لاهیجان در ایام برگزاری هفته هنر گیلان آماده پاسخگویی به بازدیدکنندگان خواهد بود. شهردار لاهیجان از حضور فعال این شهرداری در هفته هنر گیلان که در تهران برگزار می‌شود، خبر داد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری لاهیجان، رضا کهالی شهردار لاهیجان در گفت و گویی افزود: هفته هنر استان گیلان با هدف معرفی صنایع دستی، جاذبه‌های گردشگری و غذاهای محلی استان گیلان و برگزاری نمایش و آیین‌های خاص و موسیقی محلی استان گیلان از ششم تا دهم آبان ماه در فرهنگسرای نیاوران تهران برگزار خواهد شد.

کهالی اضافه کرد: شهرداری لاهیجان نیز با توجه به حضور موفق در نمایشگاه‌های مختلف کشور به عنوان یکی از برگزارندگان استانی و با هدف معرفی جاذبه‌های گردشگری، تاریخی، مذهبی و فرهنگی و هنری در برگزاری برنامه‌های این هفته مشارکت و حضور خواهد داشت.

شهردار لاهیجان گفت: چاپ و انتشار راهنما و جاذبه‌های گردشگری لاهیجان به دو زبان فارسی و انگلیسی، فیلم مستند گردشگری، نمونه آثار و کتب مفاخر شهر لاهیجان، اهدای سوغات شهر و هدایای فرهنگی و نمایش ماکت، استند از دیگر اقدامات شهرداری لاهیجان برای حضور در این برنامه فرهنگی می‌باشد.

کهالی افزود: از همه گیلانیان و هموطنان عزیز برای حضور در برنامه

های هفته هنر گیلان و آشنایی با جاذبه‌ها و فرهنگ غنی استان گیلان دعوت می‌نمایم.

وی اضافه کرد: روابط عمومی شهرداری لاهیجان در ایام برگزاری هفته هنر گیلان آماده پاسخگویی به بازدیدکنندگان خواهد بود.

شهردار لاهیجان از حضور فعال این شهرداری در هفته هنر گیلان که در تهران برگزار می‌شود، خبر داد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری لاهیجان، رضا کهالی شهردار لاهیجان در گفت و گویی افزود: هفته هنر استان گیلان با هدف معرفی صنایع دستی، جاذبه‌های گردشگری و غذاهای محلی استان گیلان و برگزاری نمایش و آیین‌های خاص و موسیقی محلی استان گیلان از ششم تا دهم آبان ماه در فرهنگسرای نیاوران تهران برگزار خواهد شد.

کهالی اضافه کرد: شهرداری لاهیجان نیز با توجه به حضور موفق در نمایشگاه‌های مختلف کشور به عنوان یکی از برگزارندگان استانی و با هدف معرفی جاذبه‌های گردشگری، تاریخی، مذهبی و فرهنگی و هنری در برگزاری برنامه‌های این هفته مشارکت و حضور خواهد داشت.

شهردار لاهیجان گفت: چاپ و انتشار راهنما و جاذبه‌های گردشگری لاهیجان به دو زبان فارسی و انگلیسی، فیلم مستند گردشگری، نمونه آثار و کتب مفاخر شهر لاهیجان، اهدای سوغات شهر و هدایای فرهنگی و نمایش ماکت، استند از دیگر اقدامات شهرداری لاهیجان برای حضور در این برنامه فرهنگی می‌باشد.

کهالی افزود: از همه گیلانیان و هموطنان عزیز برای حضور در برنامه‌های هفته هنر گیلان و آشنایی با جاذبه‌ها و فرهنگ غنی استان گیلان دعوت می‌نمایم.

وی اضافه کرد: روابط عمومی شهرداری لاهیجان در ایام برگزاری هفته هنر گیلان آماده پاسخگویی به بازدیدکنندگان خواهد بود.

وی گفت: هفته هنر گیلان با محوریت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان و با مشارکت و همکاری معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، استانداری گیلان، اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری و شهرداری‌های لاهیجان، بندر انزلی، فومن و رشت در فرهنگسرای نیاوران تهران برگزار می‌شود.

برگزاری آزمون استخدامی شهرداری ها گام مهمی برای عدالت محوری و شایسته سالاری در جذب نیروهای کارآمد و متخصص در بدنه مدیریت شهری



معاون عمرانی وزیر کشور و رئیس سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور با اشاره به برگزاری آزمون استخدامی شهرداری ها در ۲۶ استان طی سه مرحله تاکید کرد: برگزاری این آزمون اقدام مهمی در زمینه عدالت محوری و شایسته سالاری در جذب نیروهای کارآمد و متخصص در شهرداری ها محسوب می شود.

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، حمیدرضا ارشاد منش در زمینه نتایج برگزاری این آزمون گفت: انجام آزمون استخدامی برای شهرداری ها در زمینه تامین نیروی انسانی متخصص پس از سالها انتظار صورت گرفت و گام مهمی در زمینه تخصصی شدن بدنه شهرداری های کشور و تغییر ماموریت ها از سمت انجام امور اجرایی به سمت برنامه ریزی و نظارت در حوزه مدیریت شهری و جذب نیروهای متخصص و کارآمد در بدنه شهرداری ها با هدف ارتقای سطح خدمات مدیریت شهری به عموم شهروندان می باشد.

وی با بیان اینکه امروزه اداره شهرها و پاسخ گفتن به نیازهای شهروندان نیازمند تغییر در نگاه مدیران شهری است و مثل گذشته نمی توان با روش های سنتی و اتکا به کمک های دولت و عوارض شهرها را اداره کرد گفت: بدون تردید ورود نیروهای متخصص به بدنه شهرداری ها تاثیر بسزایی در ورود شهرداری ها به عرصه های جدید کار و تلاش و خدمت رسانی دارد و جذب نیرو بر اساس برگزاری آزمون استخدامی از ابتدای دولت نهم تا کنون از اولویتهای کاری وزارت کشور بود که خوشبختانه این آزمون طی سه مرحله در مهر ماه و دی ماه ۹۰ و مهر ۹۱ انجام شد.

ارشادمنش در زمینه اقدامات صورت گرفته برای فراهم شدن زمینه این آزمون در شهرداری ها گفت: همانطوری که رهبر معظم انقلاب اسلامی در یکی از دیدارهایشان با مسئولان مدیریت شهری فرمودند که "خدمت خالصانه به مردم را با توکل به خدا، جدیت و بیگیری و بهره گیری از علم و هوشمندی ادامه دهید تا پروردگار متعال علاوه بر اجر اخروی، رضایت و خرسندی مردم را بعنوان پاداش فوری خود نصیب شما کند!" ساماندهی نیروی انسانی شهرداری های کشور با هدف کاهش نیروی کارگری در شهرداری ها و توجه به برنامه ریزی و نظارت در حوزه مدیریت شهری توسط شهرداری ها از ابتدای دولت نهم در اولویت کاری سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور قرار گرفت و با تلاشی که صورت گرفت بخش اعظم ساختار سازمانی شهرداری ها و سازمان های وابسته به آنها طی سه سال اصلاح شد که بر اساس آن ساختار شهرداری ها از وضعیت اجرائی به سمت کارشناسی و نظارتی تغییر کرد و وزن کارشناسی شهرداری ها افزایش یافت.

رئیس سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور افزود: با مجوزی که پس از پیگیری های چندین ساله، سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور در خرداد ماه سال ۹۰ از معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری اخذ کرد، زمینه جذب نیروهای جدید و اجرای آزمون استخدامی شهرداری ها فراهم شد تا با ورود نیروهای دارای تحصیلات مرتبط سهم کارشناسان در بدنه شهرداری ها و به تبع آن توان کارشناسی شهرداری ها افزایش یابد تا به نحو شایسته ای آماده انجام ماموریت های جدید در حوزه مدیریت شهری باشند.

وی در ادامه در زمینه مراحل اجرایی آزمون استخدامی شهرداری ها گفت: به منظور هرچه دقیق تر برگزار شدن این آزمون و با توجه به حساسیت موضوع تصمیم گرفته شد تا سازمان سنجش کشور آزمون را برگزار نماید و تفاهم نامه ای نیز در این زمینه با این سازمان منعقد شد.

ارشادمنش افزود: در ۲۶ استانی که آزمون در آنها برگزار شده است، از مجموع ۹۱۶ شهرداری، ۷۳۳ شهرداری متقاضی جذب نیرو از طریق آزمون استخدامی بودند که ۷۴ درصد شهرداری های این استان ها را در بر می گیرد و بیشتر شهرداری ها از طریق این آزمون در موضوعات اصلی کاری حوزه شهرداری ها شامل رشته های شهر سازی، عمران و معماری، خدمات شهری، فضای سبز، آتش نشانی و اداری - مالی تقاضای جذب نیرو داشتند.

وی همچنین گفت: جذب نیرو و اعلام پست های مورد نیاز شهرداری های این استان ها از طریق آزمون استخدامی به شرط تامین اعتبار تعیین شده برای پرداخت حقوق کارکنان جدید و کارکنان پیشین توسط شهرداری ها انجام پذیرفته است و این شهرداری ها این موضوع را کتبا اعلام که به تأیید استانداری های مربوطه نیز رسیده است.

رئیس سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور با بیان اینکه این آزمون برای نخستین بار در تعدادی از شهرداری های تازه تاسیس استان ها نیز برگزار شده و برخی شهرداری های این استان ها که علی رغم سال ها فعالیت تاکنون به طور رسمی نیرو جذب نکرده اند، از این طریق توانستند نیرو جذب نمایند، تاکید کرد: با برنامه ریزی های به عمل آمده از این پس شهرداری ها تنها با برگزاری آزمون استخدامی نیروی جدید جذب می نمایند و هر گونه جذب نیرو در شهرداریها باید صرفا بر اساس شرکت در این آزمون و طی مراحل قانونی انجام شود.

ارشاد منش با قدرانی از حمایتها و رهنمودهای وزیر کشور از تمامی دست اندرکاران برگزاری این آزمون شامل وزارت علوم، سازمان سنجش آموزش کشور، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری، استانداران، معاونان عمرانی، مدیران کل مربوطه استانداری ها، فرمانداری ها، شهرداری ها، نیروی انتظامی، مدیران و کارکنان سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور و همچنین ائمه محترم جمعه که با حضور و بازدید از سالن های برگزاری آزمون دست اندرکاران را مورد تقدیر قرار دادند و سایر دستگاه های ذیربط تقدیر و تشکر کرد.

رئیس سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور در خاتمه با اشاره به اینکه نتایج آزمون استخدامی مذکور از طریق سازمان سنجش آموزش کشور اعلام می شود تاکید کرد: به یاری خدا در حال برنامه ریزی برای برگزاری آزمون استخدامی شهرداری ها در پنج استان باقی مانده دیگر نیز در بهمن ماه سال جاری هستیم که امیدواریم نظیر این سه مرحله با تلاش و کوشش های تمامی دست اندرکاران، همانند آزمون های قبلی به خوبی برگزار شود و برگ زرینی در کارنامه جمهوری اسلامی ایران و عملکرد دولت دهم در جهت اشتغال زایی و عدالت محوری ثبت گردد.

روابط عمومی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

مجموعه قوانین و مقررات تنقیح شده شهرداریها رونمایی شد



کتاب مجموعه قوانین و مقررات شهرداری ها که نتیجه اجرای چند ساله طرح تنقیح و پالایش قوانین و مقررات شهرداریها با همکاری معاونت حقوقی ریاست جمهوری و سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور می باشد، همزمان با برگزاری مراسم رسمی افتتاح نخستین نمایشگاه و همایش فرصت های سرمایه گذاری در طرح های شهرداری ها با حضور مهندس محمدنجار وزیر کشور، خانم دکتر بداغی معاون حقوقی رئیس جمهور و مهندس ارشاد منش رئیس سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور رونمایی شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، حسین نجفی مدیرکل دفتر حقوقی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور در خصوص این موضوع گفت: اجرای طرح تنقیح و پالایش قوانین و مقررات شهرداریها با همکاری مشترک دفتر حقوقی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور و اداره کل امور تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری از سال ۱۳۸۷ آغاز شد و در سال ۹۱ خاتمه یفت

وی افزود: طرح تنقیح و پالایش قوانین و مقررات مربوط به شهرداریها که در بند ۳ ماده ۶ اساسنامه سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور بر آن تاکید شده است با توجه به وظایف قانونی این سازمان از ابتدای سال ۸۷ با همکاری اداره کل قوانین ریاست جمهوری آغاز شد و پس از بررسی بیش از ۲۰۰۰ عنوان قانونی، متن جامع و پالایش شده قوانین شهرداریها، بازبینی نهایی و در نهایت آماده نشر شد.

وی افزود: کتاب مجموعه قوانین و مقررات شهرداری ها که بزودی از سوی معاونت حقوقی نهاد ریاست جمهوری منتشر و در اختیار شهرداری ها قرار می گیرد، شامل هفت فصل است.

نجفی در ادامه عناوین فصل های این کتاب را، وظایف و اختیارات شهرداری ها، ضوابط استخدامی، مالی و

معاملاتی شهرداری ها، نوسازی و عمران شهری، شهرسازی و محیط زیست شهری، اراضی شهری، حمل و نقل شهری، خدمات و عوارض شهری ذکر کرد.

وی افزود: آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور و آرای هیات عمومی دیوان عدالت اداری، نظرات اداره کل امور حقوقی، اسناد و امور مترجمین قوه قضائیه و فهرست های تاریخی و موضوعی قوانین و مقررات، فهرست قوانین منسوخ و غیر معتبر و زیرنویسهای توضیحی و تنقیحی را علاوه بر فصول ذکر شده، سایر بخش های این کتاب می باشد.

مدیرکل دفتر حقوقی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور در ادامه اظهار کرد: مجموعه مذکور حاصل چند سال کار کارشناسی و تخصصی می باشد و برای اولین بار نسخ های ضمنی قوانین و مقررات را، که در حوزه شهرداری ها به جهت قدمت قوانین بسیار گسترده نیز بوده اند، استخراج و شناسائی شده اند. بنابراین مجموعه حاضر کاملترین و جامع ترین مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با شهرداری ها بوده و قوانین و مقررات منسوخ صریح و ضمنی به انضمام نظریات و آراء معتبر مربوط را در دسترس شهرداران، مسئولان شهری و سایر مخاطبان قرار می دهد.

نجفی تاکید کرد: مجموعه مورد بحث همچنین بستر مناسبی برای شناسایی نیازهای قانونی شهرداری ها بوده و بر مبنای بررسی هایی که در این مجموعه صورت گرفته، لوایح قانونی مورد نیاز در آینده تدوین و تهیه خواهد شد.

نجفی همچنین گفت: به موجب قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۸/۴/۸۹، تمام دستگاههای حکومتی و عمومی موظفند تمامی مقررات مصوب و مرتبط به خود را تنقیح نمایند و بر همین مبنا مجموعه تنقیح و پالایش قوانین و مقررات شهرداریها پس از تهیه، جهت بررسی و اظهار نظر سازمان بازرسی کل کشور و اعمال اصلاحات احتمالی و تکمیل آن جهت طی مراحل قانون مورد اشاره و رایحه موارد لازم به مجلس شورای اسلامی ارسال شده است

وی در ادامه گفت: در سال ۸۹ نیز طی بخشنامه ابلاغی از استانداری ها و شهرداری های کشور خواسته شده تا از انجام طرح های مشابه و موازی در خصوص تنقیح قوانین و مقررات مرتبط با شهرداری ها با توجه به تحقق موضوع خودداری نمایند و مقامات مسئول نظارت های لازم را در این موضوع به عمل آورند.

ورود ۴۰۰ دستگاه اتوبوس بازسازی شده به ناوگان اتوبوسرانی چهار شهر بزرگ در آستانه بازگشائی مدارس

سرپرست معاونت پشتیبانی و توسعه سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور از بازسازی بیش از ۴۰۰ دستگاه اتوبوس فرسوده و نیازمند تعمیر و ورود مجدد آنها به ناوگان اتوبوسرانی شهری قزوین،مشهد،اصفهان و شیراز در آستانه اول مهر ماه، زمان بازگشائی مدارس و دانشگاه ها خبر داد.

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور،منوچهر فراقی با اعلام این خبر گفت : طرح بازسازی اتوبوس های متوقف و نیازمند تعمیر ناوگان اتوبوسرانی شهری کشور در راستای تحقق بخشیدن به شعار اقتصاد مقاومتی در عرصه مدیریت شهری و در سال جاری که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نامگذاری شده برای نخستین بار پس از کار کارشناسی و طرح در کمیته های تخصصی ،به صورت آزمایشی توسط چند سازمان اتوبوسرانی از جمله قزوین،مشهد،اصفهان و شیراز و با همکاری متخصصان داخلی به اجرا در آمد.

وی افزود: این تعداد اتوبوس با هزینه ای بالغ بر ۸۰ میلیارد ریال آماده بهره برداری شده اند که این اعتبار یک دهم هزینه خرید این تعداد اتوبوس است.

فراقی گفت :در فرآیند بازسازی این اتوبوس ها شاهد اشتغال ۸۰۰ نفر نیرو در قالب پروژه برون سپاری به بخش خصوصی به صورت مستقیم بودیم که شامل تعمیرکاران موتور، گیربکس، اکسل،جلوبندی سازی،برق و کامپیوتر ،صافکاری وقاش بودند و این اتوبوس ها پس از طی مراحل مختلف بازسازی و تأیید کمیته فنی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور وارد ناوگان اتوبوسرانی شهری کشور شدند.

وی در ادامه افزود : با ورود این ۴۰۰ دستگاه اتوبوس ، ظرفیت جابه جائی مسافر توسط ناوگان اتوبوسرانی این شهرها بیش از ۶۴۰ هزار نفر در روز افزایش یافته است.

سرپرست معاونت پشتیبانی و توسعه سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور همچنین از اجرائی شدن مدل بازسازی ناوگان اتوبوسرانی این شهرها،که از جمله طرح های ابتکاری موفق عرصه مدیریت شهری در سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی و هم راستا با تحقق طرح اقتصاد مقاومتی و اعمال مدیریت هزینه و واگذاری امور به متخصصان بخش خصوصی محسوب می شود، به عنوان الگویی موفق در سراسر کشور خبر داد.

فراقی همچنین با اشاره به اینکه توسعه حمل و نقل عمومی شهری و ارائه خدمات مناسب ، ارزان و سریع به مردم از اولویت های کاری مدیران شهری است ، گفت: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور آمادگی دارد از چنین طرح های ابتکاری و در عین حال هوشمندانه که رفاه بیشتر شهروندان را در پی دارد و از طرفی باعث ارائه الگوهای موفق بومی به سایر شهرها و استان ها می شود،پشتیبانی های لازم را به عمل آورد.

تاکید شورای عالی ترافیک کشور بر اجرایی شدن تبلیغات در ناوگان حمل و نقل شهری

شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور در یکصدویکمین جلسه خود که چهارم مهرماه تشکیل شد بر اجرای کامل دستورالعمل ضوابط تبلیغات در ناوگان حمل و نقل عمومی شهری کشور تاکید کرد و رنگ آبی برای چراغ گردان آمبولانس‌ها و خودروهای امداد پزشکی را تصویب کرد.

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور ،یکی از دستورات این جلسه شورای عالی ترافیک، رسیدگی به برخی مشکلات و ناهماهنگی ها در اجرای دستورالعمل ضوابط تبلیغات در ناوگان حمل و نقل عمومی شهری کشور، خصوصا ناوگان تاکسیرانی بود که در نهایت پس از بحث و بررسی های به عمل آمده مقرر گردید پلیس راهور ناجا ضمن همکاری کامل، زمینه لازم را برای اجرایی شدن این مصوبه در سراسر کشور فراهم آورد.

ضمنا با توجه به ایجاد درآمد مؤثر برای رانندگان تاکسی در قالب این طرح، مقرر گردید این حمایت در راستای جلوگیری از افزایش کرایه ها در این بخش از حمل و نقل عمومی شهری، صورت پذیرد.

اعمال اصلاحات جدید در دستورالعمل استفاده از چراغ گردان و اُژیر دیگر دستور این جلسه شورای عالی ترافیک کشور بود که بر اساس مصوبه شورا و اصلاحات به عمل امده، چراغ گردان برای کلیه آمبولانس‌ها و خودروهای امداد پزشکی، صرفاً به رنگ "آبی" تعیین شد.

بر اساس تصویب شورای عالی ترافیک، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی طی یک دوره شش ماهه نسبت به اجرای این مصوبه اقدام خواهد نمود.

دستور دیگر این جلسه پیشنهاد اصلاح بخشی از محدوده طرح زوج و فرد شهر تهران بود که با توجه به مباحث مطروحه از سوی اعضای شورای عالی ترافیک، برای بررسی بیشتر جهت اتخاذ تصمیم به جلسات آتی موکول گردید.

نظام فنی،اجرایی پروژه های عمرانی شهرداری ها در حال تدوین است

مدیرکل دفتر برنامه ریزی و توسعه شهری سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور از تدوین نظام فنی،اجرایی پروژه های عمرانی شهرداری ها از سوی این سازمان با همکاری شهرداری ها و مراکز علمی،پژوهشی خبر داد.

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور ، مهندس حمیدرضا حاجوی با بیان مطلب فوق گفت: نظام فنی،اجرایی پروژه های عمرانی شهرداری ها با هدف نظام مند شدن اجرای پروژه های شهری از سوی شهرداری ها ،به کار گیری نگاه علمی در اجرای پروژه ها و رعایت ضوابط تعیین شده فنی و مهندسی در آنها و رساندن آنها به استانداردهای تعیین شده،در حال تدوین می باشد.

وی، افزایش بهره وری در خدمات ارائه شده توسط شهرداری ها،جلوگیری از هزینه های اضافی در اجرای آنها و ارائه سند معتبری به شهرداری ها برای اجرای صحیح پروژه ها را سایر اهداف تدوین این نظام برشمرد. حاجوی در ادامه اظهار کرد:نظام فنی،اجرایی پروژه های عمرانی شهرداری ها در حال حاضر از سوی بخش های تخصصی و با مشارکت معاونت های فنی و عمرانی شهرداری ها،مراکز علمی،پژوهشی معتبر کشور و با نظارت سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور در حال تدوین می باشد.

وی ابراز امیدواری نمود که با تدوین این نظام نامه و ابلاغ آن به شهرداری ها،اهداف فوق در عرصه اجرای پروژه های شهرداری ها تحقق یابد تا شاهد ارائه خدمات مطلوب از سوی شهرداری ها به شهر و ایجاد زیرساخت های مناسب برای شهرها باشیم.

نخستین نمایشگاه و همایش فرصت های سرمایه گذاری در طرح های شهرداری ها

اولین همایش و نمایشگاه فرصتهای سرمایه گذاری در طرح های شهرداری های کشور طی روزهای ۱۸ الی ۲۱ شهریور ماه در تهران برپا شد.

برخی اهداف بریائی این رویداد عبارت بود از: "ایجاد تحول در نگاه مدیران شهری و روستائی در زمینه بهره گیری از قابلیت‌های سرمایه گذاری بخش خصوصی در اجرای پروژه ها به جای روش های سنتی تامین درآمد مثل وصول عوارض و کمک های دولتی " ، "اطلاع رسانی و معرفی طرح‌های شهرداری‌ها و دهیاری ها برای جذب سرمایه گذار" ، "ایجاد فرصت تعامل میان صاحبان سرمایه (سرمایه‌گذاران) و کار آفرینان شهری (شهرداری‌ها) جهت بررسی در خصوص تأمین اعتبار مورد نیاز پروژه های شهری " ، "ترغیب شهرداری‌ها و دهیاری ها به اطلاع رسانی و بازاریابی برای تأمین سرمایه مورد نیاز در اجرای طرح‌های شهری و روستائی " و " انتقال تجربیات شهرداری های موفق به سایرین " .

در این رویداد ،۱۰۴ شهرداری در قالب ۹۴ غرفه در این نمایشگاه حضور دارند که بیش از ۲۲۰۰ پروژه خود را در معرض دید سرمایه گذاران قرار دادند. ضمن اینکه در مجموع پروژه های بیش از ۵۰۰ شهرداری به دبیرخانه نمایشگاه ارسال شده که مشخصات آنها در کتاب جامع سرمایه گذاری در شهرداری ها درج می شود و در دسترس سرمایه گذاران قرار خواهد گرفت.

تنوع موضوعی طرح های ارائه شده در نمایشگاه نیز زیاد بود و بیش از دو هزار و ۲۰۰ طرح فنی، عمرانی، فرهنگی،تفریحی،رفاهی،تجاری نظیر توسعه ،عمران و بهسازی بافت های شهری ، ایجاد و تجهیز فضاهای تفریحی،رفاهی ،تجاری در شهرها،مدیریت پسماند، بهبود ترافیک شهری در معرض دید سرمایه گذاران قرار گرفت.

میزان فرصت های سرمایه گذاری در پروژه های شهرداری ها که در این نمایشگاه ارائه شده بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان می باشد.

در حاشیه این رویداد همچنین ، پنج کارگاه آموزشی تخصصی به منظور ارتقای دانش شغلی مدیران شهری در زمینه سرمایه گذاری با موضوعات :انواع روش های تامین مالی با تاکید بر روش سرمایه گذاری خارجی ،سرمایه گذاری در شهرداری ها،نامه ریزی شهری با رویکرد سرمایه گذاری در طرح های شهرداری ها و تفکرات اقتصادی در شهرداری ها تشکیل شد که شهرداران، معاونان، مدیران و کارشناسان شهرداری ها ،اعضای شوراهای اسلامی شهرها و مدیران و کارشناسان استانداری ها در آنها شرکت کردند.

آمارشهر

بررسی میزان بهره مندی ساکنان تهران از پارک های عمومی در دورهٔ ۱۳۷۵–۱۳۸۵

دامن جلالی



مقدمه

کالایی که میزان مصرف یک فرد از آن بر میزان مصرف دیگر متقاضیان تأثیر نگذاشته و همچنین نتوان امکان استفادهٔ افراد را از آن محدود نمود، کالای عمومی شمرده می شود.این ویژگی های برای عرضه کنندهٔ خصوصی آن مشکلاتی را در پی دارد که منجر به کاهش تمایل این بخش به عرضهٔ این گونه از کالاها می شود. در این حالت بخش عمومی مسئولیت این کار را به نمایندگی از عموم استفاده کنندگان بر عهده می گیرد. مخارج انجام این کار نیز با توجه به میزان عمومی بودن کالای مذکور(میزان برآوردن معیارهای برشمرده شده در بالا) از طریق دریافت مالیات هایمحلّی یا بهای خدمات تأمین می گردد. فضای عمومی نیز به واسطهٔ چنین ویژگی هایی که از خود نشان می دهد یک کالای عمومی محلی است که شهرداری ها به عنوان دولت های محلی وظیفهٔ تأمین آن را بر عهده دارند. «می توان گفت فضای عمومی در شهر تمام بخش های بافت شهری که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند [را شامل می شود]. از این رو تمام خیابان ها، میدان ها و پارک ها جز این گونه از فضاها محسوب می شوند» (تیبالدز به نقل از مدنی پور، ۱۳۷۹: ۲۱۵).می توان گفت فارغ از میدان (در صورت کنار گذاشتن تفاوت های کارکردی میدان های تاریخی در شهرهای ایران و میدان در شهرهای جوامع غربی)؛ خیابان و پارک به عنوان فضاهای عمومی جدید در شهرهای کشور محسوب می شوند و در این بین نیز عمر پارک‌های عمومی از خیابان ها به مراتب کمتر است. نوشتار حاضر به بررسی مقایسه ای میزان توجه و کوشش به عمل آمده در راستای ایجاد این فضای عمومی جدید در دو پهنة شمالی و جنوبی شهر تهران در فاصلهٔ سال های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ می‌پردازد.

بررسی

در بررسی میزان بهره مندی ساکنان مناطق مختلف شهر تهران مقایسهٔ شمال و جنوب شهر رویه ای متداول محسوب می‌شود. مبنای بازشناسی شمال و جنوب شهر تهران از یکدیگر به لحاظ کالبدی خیابان های انقلاب و آزادی بوده و در اینجا نیز به منظور تعیین تکلیف مناطقی که به صرف در نظر گرفتن این دو محور در هیچ یک از پهنة های دوگانه جای نمی‌گیرند این محور از شرق و غرب امتداد داده شده است. از سوی شرق خیابان انقلاب به خیابان دماوند و از سمت غرب محور آزادی به آزادراه تهران– کرج پیوند داده شد. بر این اساس مناطق ۲۰،۱۹،۱ و ۲،۴،۵،۶،۷،۸ و ۲۲ تشکیل دهندهٔ پهنةٔ شمالی و مناطق ۱۹،۱،۲۰

مذکور یکنواخت نبوده است. میانگین رشد سالانهٔ تعداد و وسعت پارک های عمومی شمال نسبت به پارک های جنوب در طول دورهٔ ۱۳۷۵ – ۱۳۸۵ پایین تر می باشد. نرخ رشد تعداد پارک های عمومی شمال عر درصد در برابر ۹ درصد پارک های جنوب بوده و از نظر وسعت نیز رشد پارک های پهنةٔ شمالی ۵ درصد در مقابل ۸ درصد رشد فضاهای مشابه در پهنةٔ جنوبی بوده است.

بررسی سرانهٔ بهره مندی از پارک های عمومی نیز نشان از افزایش تفاوت میان پهنة های شمالی و جنوبی در طول دورهٔ ۱۳۷۵–۱۳۸۵ به نفع ساکنان جنوب تهران دارد. در سال ۱۳۷۵ سرانهٔ بهره مندی از پارک در پهنةٔ شمالی شهر ۱/۳۴ مترمربع و در پهنةٔ جنوبی ۱/۵۲ مترمربع بود.

	۱۳۸۵					۱۳۷۵								
منطقه	تعداد	مساحت (مترمربع)	میانگین مساحت هر پارک (مترمربع)	سرانهٔ بهره مندی (مترمربع)	تعداد	مساحت (مترمربع)	میانگین مساحت هر پارک (مترمربع)	سرانهٔ بهره مندی (مترمربع)	تعداد	مساحت (مترمربع)	میانگین مساحت هر پارک (مترمربع)	سرانهٔ بهره مندی (مترمربع)	تعداد	مساحت (مترمربع)
۱	۴۹	۵۸۰٫۹۵۸	۱۱٫۸۵۶	۲/۳۳	۷۳	۷۸۱٫۸۸۲	۱۰٫۷۱۱	۳/۰۶	۳۷۹٫۹۶۲	۹۹۶٫۶۱۶	۲٫۶۴۴	۱۰۰	۳	۴
۲	۳۲	۴۱۷٫۶۶۶	۱۳٫۰۵۳	-/۹۱	۱۱۵	۹۹۶٫۶۱۶	۸٫۶۶۶	۱/۶۴	۶۰۸٫۸۱۴	۹۹۶٫۶۱۶	۱٫۶۴۴	۱۴	۹	۱۴
۳	۶۸	۶۰۲٫۷۱۱	۸٫۸۶۳	۲/۳۳	۷۰	۶۵۳٫۷۴۶	۹٫۳۳۹	۲/۲۵	۲۹۰٫۷۲۶	۶۵۳٫۷۴۶	۹٫۳۳۹	-/۰۰	۱	-/۰۰
۴	۱۲۴	۹۶۵٫۲۰۷	۷٫۷۸۶	۱/۴۶	۱۸۱	۱٫۷۸۰٫۴۰۲	۹٫۸۳۶	۲/۱۶	۸۲۴٫۵۸۰	۱٫۷۸۰٫۴۰۲	۹٫۸۳۶	۴	۶	۴
۵	۸۴	۵۷۱٫۳۶۵	۶٫۸۰۲	۱/۳۴	۱۳۹	۹۲۵٫۱۴۷	۶٫۶۵۶	۱/۳۶	۶۷۹٫۱۰۸	۹۲۵٫۱۴۷	۶٫۶۵۶	۵	۵	۵
۶	۲۱	۵۰۴٫۱۶۴	۲۴٫۰۰۸	۲/۲۹	۶۶	۶۹۸٫۷۱۰	۱۵٫۱۸۹	۲/۲۴	۲۳۷٫۲۹۲	۶۹۸٫۷۱۰	۱۵٫۱۸۹	۸	۳	۸
۷	۳۷	۱۷۲٫۳۴۴	۳۰۰٫۲۱۲	-/۵۷	۴۶	۲۰۷٫۹۲۱	۴٫۵۲۰	-/۶۷	۴۵۲۰	۲۰۷٫۹۲۱	۴٫۵۲۰	۲	۲	۲
۸	۲۲	۱۴۲٫۵۲۷	۶٫۵۲۴	-/۴۳	۷۰	۲۵۰٫۸۵۴	۳٫۵۸۴	-/۶۶	۳۵۸۴	۲۷۸٫۷۲۵	۳٫۵۸۴	۱۲	۶	۱۲
۲۴	۸	۳۱٫۲۸۵	۵۶۰۰۲۰	-/۵۶	۳۹	۲۹۶٫۶۱۰	۷٫۶۰۵	-/۹۱	۳۲۵٫۶۹۶	۲۹۶٫۶۱۰	۷٫۶۰۵	۱۷	۲۵	۱۷
کل پهنةٔ شمالی	۴۴۵	۳٫۹۸۹٫۴۸۶	۲٫۹۷۰٫۹۴۲	۱/۳۴	۷۷۹	۶٫۵۹۱٫۸۸۸	۸٫۴۶۲	۱/۶۳	۴۰۳۳۰۸۷	۶٫۵۹۱٫۸۸۸	۸٫۴۶۲	۶	۵	۶
۹ و ۲۱	۲۶	۳۳۸٫۹۹۲	۱۶٫۸۸۲	۱/۲۱	۴۵	۳۱۵٫۶۱۹	۷٫۰۳۶	۱/۹۰	۱۳۳۳۹	۳۱۵٫۶۱۹	۷٫۰۳۶	۶	۳	۶
۱۰	۱۲	۱۲۴٫۵۵۶	۱۰٫۳۸۰	-/۴۴	۳۰	۱۸۷٫۸۹۲	۶٫۲۶۳	-/۶۸	۶٫۲۶۳	۱۸۷٫۸۹۲	۶٫۲۶۳	۱۰	۴	۱۰
۱۱	۶	۴۵٫۸۵۲	۷٫۶۴۲	-/۲۰	۲۶	۴۱۲٫۸۵۲	۱۵٫۸۷۹	۱/۶۶	۱۵٫۸۷۹	۴۱۲٫۸۵۲	۱۵٫۸۷۹	۱۶	۲۵	۱۶
۱۲	۱۱	۴۵۰٫۹۴۸	۴۰٫۹۹۵	۲/۳۸	۴۱	۶۶۵٫۶۰۵	۱۶٫۲۴۴	۲/۷۱	۱۶٫۲۴۴	۶۶۵٫۶۰۵	۱۶٫۲۴۴	۱۴	۴	۱۴
۱۳	۱۴	۱۶۴۰۴۵	۱۱٫۷۱۸	-/۶۷	۵۸	۳۸۸٫۵۵۱	۶٫۶۹۹	-/۸۰	۶٫۶۹۹	۳۸۸٫۵۵۱	۶٫۶۹۹	۱۵	۹	۱۵
۱۴	۳۱	۳۴۰٫۹۷۴	۱۳٫۹۰۲	۱/۰۹	۵۱	۷۸۸٫۱۳۱	۱۵٫۴۵۶	۱/۲۲	۱۵٫۴۵۶	۷۸۸٫۱۳۱	۱۵٫۴۵۶	۵	۶	۵
۱۵	۴۸	۱٫۱۷۳۶۰۷	۲۴٫۴۵۰	۱/۸۹	۹۰	۳۰۰۴٫۹۱۷	۳۳٫۳۸۸	۱۰/۲۲	۳۳٫۳۸۸	۳۰۰۴٫۹۱۷	۳۳٫۳۸۸	۶	۱۰	۶
۱۶	۲۴	۱۰۰۶۳٫۸۸۱	۴۴٫۳۲۸	۳/۵۷	۴۶	۱۳۰۵۴۱۴	۲۸۳٫۳۷۹	۵/۱۰	۲۸۳٫۳۷۹	۱۳۰۵۴۱۴	۲۸۳٫۳۷۹	۷	۲	۷
۱۷	۳۰	۲۸۵٫۷۷۴	۲۸۷٫۳۶۷	-/۹۹	۵۹	۴۰۸٫۲۱۶	۶٫۹۱۹	۱/۲۹	۶٫۹۱۹	۴۰۸٫۲۱۶	۶٫۹۱۹	۷	۴	۷
۱۸	۳۵	۳۶۴٫۷۱۲	۱۰٫۴۲۰	۱/۲۳	۷۵	۲۲۴۴٫۸۲۸	۲۹٫۹۱۸	۸/۹۸	۲۹٫۹۱۸	۲۲۴۴٫۸۲۸	۲۹٫۹۱۸	۸	۲	۸
۱۹	۳۰	۵۷۹٫۱۱۰	۲۲۷٫۳۸۹	۲/۵۵	۴۹	۱٫۱۱۵٫۱۷۹	۲۲٫۷۵۹	۳/۳۲	۲۲٫۷۵۹	۱٫۱۱۵٫۱۷۹	۲۲٫۷۵۹	۹	۷	۹
۲۰	۲۹	۶۵۳٫۵۸۲	۳۵۶۰۷۹	۱/۸۴	۱۲۴	۱٫۳۱۸۵۱۹	۹٫۸۲۷	۱۱/۲۱	۹٫۸۲۷	۱٫۳۱۸۵۱۹	۹٫۸۲۷	۱۶	۶	۱۶
کل پهنةٔ جنوبی	۲۸۶	۵٫۷۷۶۰۳۲	۳۰٫۷۸۷٫۹۰۳	۱/۵۲	۶۹۴	۱۲٫۳۳۹٫۴۵۰	۱۷٫۷۸۰	۳/۲۷	۱۷٫۷۸۰	۱۲٫۳۳۹٫۴۵۰	۱۷٫۷۸۰	۹	۸	۹
جمع	۷۳۱	۹٫۷۶۵٫۵۱۹	۶٫۷۵۸٫۸۴۵	۱/۴۴	۱۴۷۲	۱۸٫۴۳۱٫۳۳۸	۱۲٫۸۵۲	۲/۴۳	۱۲٫۸۵۲	۱۸٫۴۳۱٫۳۳۸	۱۲٫۸۵۲	۷	۷	۷

❖ آمار مناطق ۹ و ۲۱ به صورت سرجمع آمده است.

منابع:

–سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران. (۱۳۸۱). کارنامهٔ شهرداری تهران در سال ۱۳۸۰. تهران: معاونت هماهنگی و برنامه ریزی شهرداری تهران.
–سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران. (۱۳۸۲). کارنامهٔ شهرداری تهران در سال ۱۳۸۱. تهران: معاونت هماهنگی و برنامه ریزی شهرداری تهران.
–سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران. (۱۳۸۳). کارنامهٔ شهرداری تهران در سال ۱۳۸۲. تهران: معاونت هماهنگی و برنامه ریزی شهرداری تهران.
–سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران. (۱۳۸۴). کارنامهٔ شهرداری تهران در سال ۱۳۸۳. تهران: معاونت هماهنگی و برنامه ریزی شهرداری تهران.
–سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران. (۱۳۸۵). کارنامهٔ شهرداری تهران در سال ۱۳۸۴. تهران: معاونت هماهنگی و برنامه ریزی شهرداری تهران.
–سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران. (۱۳۸۶). کارنامهٔ شهرداری تهران در سال ۱۳۸۵. تهران: معاونت هماهنگی و برنامه ریزی شهرداری تهران.
–مدنی پور، علی.(۱۳۷۹). طراحی فضای شهری: نگرشی به فرایندی اجتماعی و مکانی. ترجمهٔ فرهاد مرتضایی. تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).

–مرکز آمار ایران.(۱۳۷۶). سرشماری عمومی نفوس و مسکن– ۱۳۷۵ نتایج کلی شهر تهران (مناطق ۲۲ گانه). تهران: دفتر ریاست، امور بین الملل و روابط عمومی.

–مرکز آمار ایران.(۱۳۸۸). سرشماری عمومی نفوس و مسکن– ۱۳۸۵ نتایج کلی شهر تهران (مناطق ۲۲ گانه). تهران: دفتر ریاست، امور بین الملل و روابط عمومی.

با وجود افزایش کلی سرانهٔ بهره مندی در سال ۱۳۸۵ اما این افزایش در پهنةٔ جنوبی به مراتب بیشتر بوده است به طوری که میزان این سرانه در شمال ۱/۶۳ مترمربع و در پهنةٔ جنوب ۳/۲۷ مترمربع می باشد.

کاهش تفاوت میان شمال و جنوب شهر تهران از جملهٔ مسائلی است که همواره مد نظر مدیران شهری این کلانشهر بوده و از جمله عرصه هایی که توجه به جنوب شهر خود را در آن به نمایش می گذارد توجه به ایجاد فضاهای عمومی در قالب پارک های عمومی است. بررسی بالا به روشنی نشان از این توجه و کوشش فزاینده برای کاهش تفاوت های شمال و جنوب در زمینهٔ بهره مندی از پارک های عمومی دارد.

Public Space

فضای عمومی، به طور معمول، به عنوان مکانهایی تعریف می‌شود که همه شهروندان به گونه‌ای آزاد (و قانونی) بدان دسترسی دارند. مکانهای عمومی شهر نه تنها خیابانها، میدانها و چهارراهها، بلکه فضاهای درونی ساختمانهای عمومی، چون کتابخانه‌ها و سالنهای اجتماعات شهرداریها را نیز دربر می‌گیرد. فضای عمومی فضایی است که بین فضاهای خصوصی - خانه‌ها - و فضاهای محل کار قرار دارد و غالباً به عنوان فضاهای آزاد گردمایی و مشارکت سیاسی، جایی که قشرهای حاشیه‌ای جامعه می‌توانند حقوق خود را به زبان آورند، واجد اهمیت خاص است.

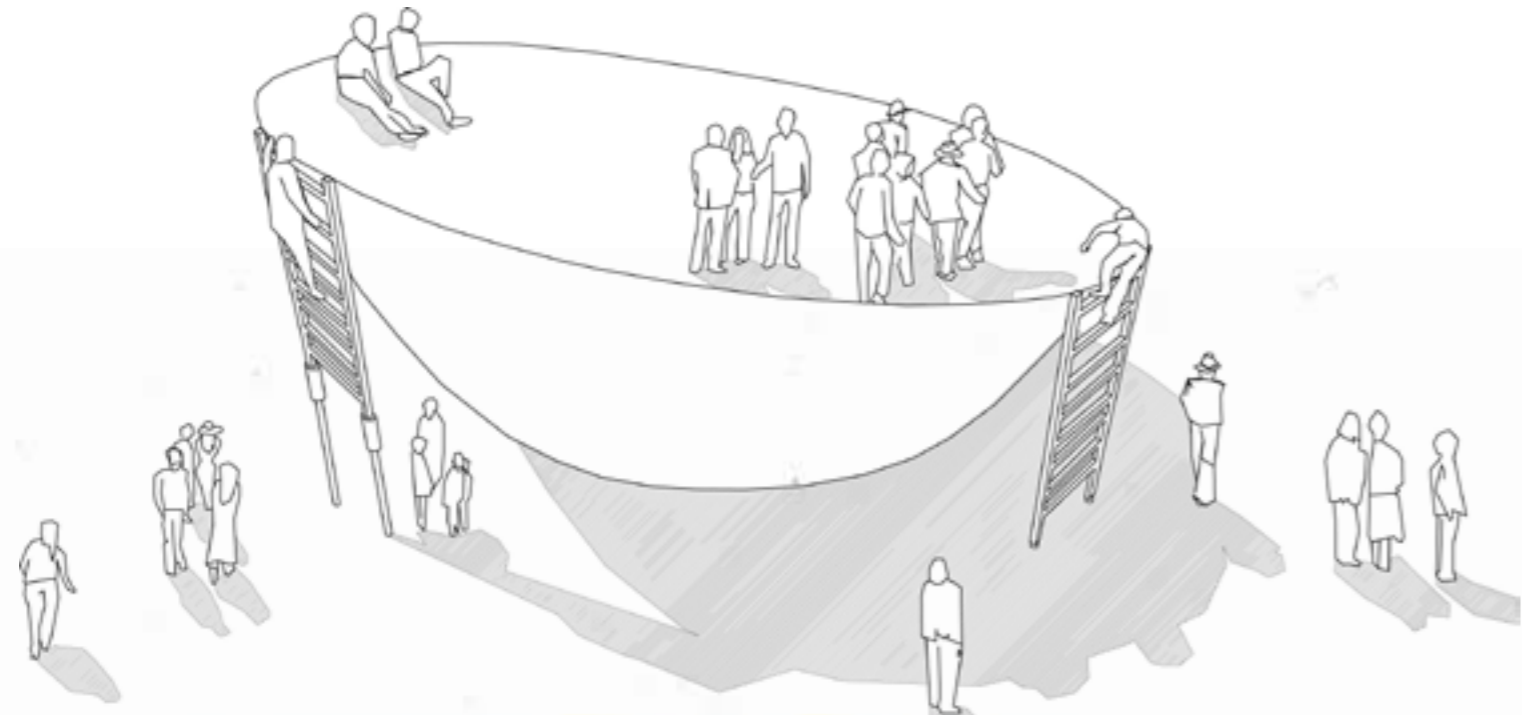
مطالبی که درباره شهر نوشته می‌شود با کمال تعجب غالباً این آئینها و چرخه‌های مربوط به فضای عمومی را در هنگامه توجه به اقتصاد سیاسی از یاد می‌برند. یکی از استثناهای برجسته در این زمینه طرح ناتمام والتر بنیامین با عنوان گذرگاههاست که می‌کوشد جزئیات زندگی مدرن در خیابانهای پاریس را موضوع نظریه‌پردازی قرار دهد. از کتاب جغرافیای طبیعی یان سینکلر تا نثر شفاف مایک دیویس، طی حدود ۵۰ سال پیش از اینکه نوشته‌های بنیامین الهام‌بخش شیوه خلاقانه‌تری در نوشتن خیابان قرار گیرد، نوشته‌های مذکور دائماً بین شرح وقایع جزئی در فضای عمومی از یکسو و تجزیه و تحلیل فرایندهای اقتصادی - اجتماعی از سوی دیگر، اعوجاج داشت. علاوه بر این، سنت پایداری در روانشناسی محیطی و برنامه‌ریزی شهری می‌کوشد تا دریابد، چگونه طراحی فضای عمومی می‌تواند مشوق همکنشی اجتماعی (یا برعکس، مانع همکنشی عمومی و امر جامعه‌پذیری) باشد.

در حال حاضر، یکی از دلمشغولیهای نظریه‌پردازان شهری مرگ رسمی فضای عمومی به دلیل خصوصی شدن روزافزون فضاهای شهری است. قرار گرفتن مجتمعات تجاری به جای خیابان به عنوان محل خرید، سوق پیدا کردن سکونتگاهها به سوی مجتمعاتی در بسته و تشدید نظارت بر فضاهای عمومی، مؤید این نگرانیهاست. علاوه بر این، در فضاهای عمومی شهرهای غربی، با سیاستهایی که علیه زنان خیابانی، بی‌خانمانها و نوجوانان اتخاذ می‌شود، آشکارا حاکی از روحیه عدم رواداری نسبت به گروههایی است که دیگری محسوب می‌شوند. همه اینها موجب بروز نگرانی نسبت به افزایش نابرابری در دسترسی به عرصه عمومی است. البته برخی از مفسران معتقدند، مسئله طرد و شمول مسئله تازه‌ای نیست و همیشه فضای عمومی در حصار برداشت تنگ‌نظرانه از مفهوم شهروندی (--- شهروندی) که نسبت به گروههای اجتماعی خاصی التفات بیشتری داشته، قرار گرفته است.

کتابشناسی:

Caves, R. W (ed). Encyclopedia of the City. London: Routledge, ۲۰۰۵.

فیل هوپارد (کمال پولادی)





نخستین نمایشگاه بین المللی
ماشین آلات و تجهیزات
شهرداریها و دهیاریها
 Exhibition On Urban Machinery and Equipments

خریدآسان:

با حضور سرمایه گذاران طرف قرارداد سازمان شهرداریها
 ارائه تسهیلات ویژه خرید توسط شرکتها
 با حضور مشاوران فنی و حقوقی

همزمان با:
 سومین همایش شهراپده آل
 در حوزه مدیریت شهری

۲۹ بهمن لغایت ۲ اسفند ۱۳۹۱
 محل نمایشگاه های بین المللی جزیره کیش
 تلفن ۴۲۳۱۷ فکس ۱۴-۸۸۵۷۸۹۱۳
 سامانه پیامک ۳۰۰۰۶۹۱۵

www.imom.ir



سازمان شهرداری و دهیاری های کشور

سومین نمایشگاه جامع مدیریت شهری
و دستاوردهای شهرداری های سراسر کشور

*Exhaustive Exhibition of Urban Management and
 Municipalities Achievements in Iran*

تهران مصلای بزرگ امام خمینی
 ۲۰ الی ۲۳ آبان ۱۳۹۱
 Mosalla Imam Khomeini- Tehran
 10-13 Nov 2012



www.imox.ir

امور فرهنگی و روابط عمومی
 تلفن: ۲۲۷۴۰۳۷۶



ستاد اجرایی
 تلفن: ۲-۸۸۵۴۹۳۷۰

Contents

Note	2
Special Report	
- Operational Planning and budgeting/ H. Saeedi	3
Idea and Research	
- Tehran Municipality Operational Mediumterm Plan (1390-1392)/ H. Taherkhani – H. Saeedi – M. Bassirat	12
- Strategic Planning Process in Isfahan Municipality/ S. Fardoni – A. Roofigari – M. Heshmatnezhud	21
- Comparative Study of Urban development Approaches/ K. Zeeyari- H. Hotami nezhud- V. Nikpay	29
- Towards The Sustainable Development – Planning Policy/ Trans: Z. Arabshahi	36
Dialogue	
- Prospect of Urban Management in Iran/ Interview with Q. Kazemeyun/ M. Jalili	42
Urban Law	
- Requirements for Compilating of Urban Management Comprehensive Programme In the 5th Development Plan/ M. Bassirat	46
Mayor's View	
- Jandaq; A very hard working Desertic City from Distant History / A. Jalali	50
Councils and Participation	
- Depending of Sustainable City-State on Quarter's Sustainable Management / Z. Fanni	57
- Widening Investment in Municipalities/ A. Darvish	65
- Open Contracts and Facing Challenges/ M. Qavidel	70
World Experiences	
- Studying The daily Trips Pattern of Inhabitant in the new town in Hong Kong/ trans: H. Azizi	77
World Cities and Municipalities	
Plan and city	
- Strategic Planning in Shahin shahr Bus Services/ M. Shojuee – A. Roofigari – R. Rezaee	88
Instruction	
- Approaches of Income Increasing and Decreasing Expenditures in Municipalities / A. Hossaini – R. Vaysi – S. Ahmadi	95
- Rehabilitation and Renovation of Eroded Textures; Policies and Strategies/ N. Nazhduqee	101
Point of View	
- Urban Diplomacy; Meaning and Necessities for Iranian Megalopolises/ P. Farhadi – Z. Adham	105
News Report	
- Reezgard [=Fine powder Dust] A Creature of Transitory Development/	121
Brief News	126
Urban Statistics	
- Comparative Examining The state of allocation of Municipalities' Ratified Credits among Different Duties and Plans in 1388 / D. Jalali	128
Terminology	
- GIS [= Geographical Information System]	133
New Publication	
-Urban Management System in Iran's Fifth Development plan	134

- A new Challenge for Recognizing
The Urban Public Space
- The effects of Environment on Social
behavior of People in Urban Space
- From Habermas' Public realm to
Urban public Space
 - Interview with Mood Mayor
- The City and Child – centered
Urban Space
- Planning and Urban Develop-
ment in Johannesburg
 - The third place
 - Statue; The fact of City
- A new glance on Urban Spaces

